

پیش‌بینی وفاداری به برند و سبک‌های تصمیم‌گیری برای خرید بر اساس استفاده از شبکه‌های مجازی در مصرف‌کنندگان شهر تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۸/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

مهرناز صفاری نیا^۱، مجید صفاری نیا^{۲*}، غلامحسین بیابانی^۳، علی محمد مزیدی شرف‌آبادی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: این مطالعه با هدف پیش‌بینی وفاداری به برند و سبک‌های تصمیم‌گیری برای خرید بر اساس استفاده از شبکه‌های مجازی در مصرف‌کنندگان شهر تهران انجام شد.

روش: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل خریداران مراجعه کننده به فروشگاه‌های زنجیره‌ای افق کوروش شهر تهران در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های وفاداری به برند و شبکه‌های مجازی هر دو محقق ساخته صفاری نیا و همکاران (۱۴۰۳) و پرسش‌نامه سبک‌های تصمیم‌گیری خرید مصرف‌کنندگان اسپرولز و کندان (۱۹۸۶) به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شد. در تحقیق حاضر برای توصیف داده‌ها از آمار توصیفی و به منظور تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق از آمار استنباطی و روش رگرسیون استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده Smartpls بود.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، وفاداری به برند از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی و همچنین سبک‌های تصمیم‌گیری برای خرید از طریق شبکه‌های مجازی قابل پیش‌بینی هستند ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: یافته‌ها به میزان قدرت شبکه‌های مجازی در پیش‌بینی وفاداری به برند و سبک‌های خرید اذعان دارد. این یافته اهمیت ارتباطات را در صنعت بازاریابی و تجارت نشان می‌دهد. این نتایج نه تنها با بدنه رو به رشد ادبیات تحقیقاتی در مورد تأثیر شبکه‌های مجازی بر رفتار مصرف‌کنندگان هم‌راستا است، بلکه نقش منحصر به فرد این پلتفرم‌ها را در بازاریابی مدرن نشان می‌دهند.

کلمات کلیدی: وفاداری به برند، شبکه‌های اجتماعی مجازی، سبک‌های تصمیم‌گیری.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

۲. استاد گروه روان‌شناسی، واحد تهران، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: m.saffarinia@pnu.ac.ir

۳. دانشیار گروه کشف جرایم، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

۴. استادیار گروه علوم ارتباطات، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران



Predicting Brand Loyalty and Purchasing Decision-Making Styles Based on the use of Virtual Networks in Consumers in Tehran

Received: 2024/11/04 Accepted: 2025/02/10

Mehranaz Safari Nia¹, Majid Safari Nia^{2*}, Gholamhossein Bayabani³, Ali Mohammad Mazidi Sharafabadi⁴

Original Article

Abstract

Introduction: This study investigates the predictive relationship between virtual network usage and both brand loyalty and purchasing decision-making styles among consumers in Tehran.

Method: The study population comprised customers visiting Ofogh Kourosh chain stores in Tehran during the first half of 1402 (Iranian calendar year, equivalent to March–September 2023). Participants were selected using a combination of convenience and purposive sampling methods. This research adopted a descriptive-correlational design, with data analyzed using SmartPLS software. Data collection utilized two researcher-developed questionnaires by Saffarinia (1403) one assessing brand loyalty and the other virtual network usage—alongside the Consumer Purchasing Decision-Making Styles questionnaire by Sproles and Kendall (1986). Descriptive statistics summarized the data, while inferential statistics, including regression analysis, were employed to test the research hypotheses.

Results: The findings revealed that virtual social network usage significantly predicts both brand loyalty and purchasing decision-making styles ($p < 0.05$).

Conclusion: These results underscore the influential role of virtual networks in shaping brand loyalty and consumer purchasing styles, emphasizing the critical importance of digital communication in contemporary marketing and business strategies. This study contributes to the expanding literature on social networks' impact on consumer behavior and highlights their distinctive significance in modern marketing contexts.

Keywords: Brand Loyalty, Virtual Social Networks, Purchasing Decision-Making Styles.

1. PhD Student, Department of Communication Sciences, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran

2. Professor, Department of Psychology, Tehran Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran

* Corresponding Author: m.saffarinia@pnu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Crime Detection, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran

4. Assistant Professor, Department of Communication Sciences, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran.

مقدمه

در سال‌های اخیر، رشد شبکه‌های مجازی به‌طور چشمگیری شیوه‌های تعامل مصرف‌کنندگان با برندها و فرآیندهای تصمیم‌گیری خرید را تغییر داده است. با گسترش استفاده از پلتفرم‌های دیجیتالی مانند اینستاگرام، توئیتر، تلگرام و فیس‌بوک، کاربران بیش از هر زمان دیگری به اطلاعات، بررسی‌های سایر مصرف‌کنندگان و تبلیغات هدفمند دسترسی دارند. این تغییرات نه تنها شیوه‌های خرید سنتی را دگرگون کرده، بلکه موجب ایجاد الگوهای جدیدی در تصمیم‌گیری و وفاداری به برند شده است (کومار، راجا، گوپتا، پوزا^۱، ۲۰۲۲).

وفاداری به برند یکی از مهم‌ترین مفاهیم در بازاریابی و مدیریت برند محسوب می‌شود که به معنای تعهد مستمر مشتری به خرید یا تعامل با یک برند خاص است. این مفهوم به‌ویژه در دنیای رقابتی امروز که مصرف‌کنندگان با گزینه‌های متعددی مواجه هستند، از اهمیت دوچندانی برخوردار است (گائو و شن^۲، ۲۰۲۴). مطالعات نشان داده‌اند که وفاداری به برند می‌تواند منجر به افزایش ارزش طول عمر مشتری، کاهش هزینه‌های بازاریابی و تثبیت جایگاه برند در بازار شود (دندیس^۳ و همکاران، ۲۰۲۲ و رحمتی^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). مطالعات نشان می‌دهند که میزان تعامل کاربران با برندها در شبکه‌های اجتماعی با افزایش وفاداری آنان به برند مرتبط است، به‌گونه‌ای که ارتباطات منظم و مستقیم برندها با مشتریان از طریق این پلتفرم‌ها می‌تواند منجر به ایجاد تعهد عاطفی و افزایش خرید مجدد شود (ایسلام^۵ و همکاران، ۲۰۲۱).

شبکه‌های مجازی همچنین تأثیر بسزایی در سبک‌های تصمیم‌گیری خرید مصرف‌کنندگان دارند. تصمیم‌گیری خرید یک فرآیند شناختی و عاطفی است که تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. سبک خرید شامل مجموعه‌ای از رفتارها و نگرش‌های مشتریان در فرآیند تصمیم‌گیری خرید است که از خریدهای برنامه‌ریزی‌شده و منطقی تا خریدهای هیجانی و تکانشی را در بر می‌گیرد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱؛ عباسی و همکاران، ۱۴۰۳). در این زمینه، مدل ارائه‌شده توسط اسپلورز^۶ و کندال^۷ (۱۹۸۶) هشت سبک تصمیم‌گیری را مشخص کرده است که شامل کمال‌گرایی، گرایش به برند، مدگرایی، لذت‌گرایی، حساسیت به قیمت، خرید تکانشی، سردرگمی و وفاداری است. این سبک‌ها تحت تأثیر محتوا و تعاملات آنلاین به اشکال مختلف تغییر می‌کنند. برای مثال، کمال‌گرایان با استفاده از بررسی‌های گسترده و مقایسه مشخصات محصولات در شبکه‌های اجتماعی تصمیم‌گیری می‌کنند، درحالی‌که افراد برندگرا ممکن است به دلیل تبلیغات تأثیرگذار و تعاملات مستقیم با برندها، به برند خاصی متعهد بمانند (چای و همکاران^۸، ۲۰۲۰).

همچنین، سبک‌های تصمیم‌گیری مانند مدگرایی و لذت‌گرایی به شدت تحت تأثیر محتوای بصری موجود در شبکه‌های اجتماعی هستند. این گروه از مصرف‌کنندگان معمولاً از طریق اینستاگرام و تیک‌تاک با ترندهای جدید آشنا شده و از خرید به‌عنوان یک تجربه سرگرم‌کننده و هیجانی لذت می‌برند. در مقابل، افرادی که حساسیت بالایی به قیمت دارند، از پلتفرم‌های دیجیتال برای مقایسه قیمت‌ها، دریافت کدهای تخفیف و بررسی پیشنهادات ویژه بهره می‌برند (دویودی و همکاران^۹، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، حجم زیاد اطلاعات و تبلیغات متناقض در فضای مجازی می‌تواند منجر به سردرگمی در برخی از مصرف‌کنندگان شده و تصمیم‌گیری خرید را برای آنان دشوار سازد.

1. Kumar v.; Rajan, B, Gupta, S., Pozza, I. D.
2. Gao, F., & Shen, Z.
3. Dandis, A. O
4. Rahmawati, R
5. Islam, J. U
6. Sproles
7. Kendall
8. Chae, H
9. Dwivedi et al

تحقیقات متعددی به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر وفاداری به برند و سبک‌های تصمیم‌گیری خرید پرداخته‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای که در ایران انجام شد، نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم با افزایش وفاداری به برند مرتبط است، به‌ویژه در میان نسل جوان که بیشترین میزان تعامل را با برندها در فضای دیجیتال دارند (شعبانی و همکاران، ۲۰۲۳). در پژوهشی دیگر، ژانگ و وانگ (۲۰۲۲) دریافتند که مصرف‌کنندگانی که به‌طور مداوم در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند، کمتر به خریدهای تکانشی روی می‌آورند و در عوض، سبک تصمیم‌گیری آن‌ها منطقی‌تر و آگاهانه‌تر می‌شود. به همین ترتیب، مطالعه‌ای در اروپا نشان داد که برندهایی که به‌صورت فعال با مصرف‌کنندگان در فضای مجازی تعامل دارند، نرخ حفظ مشتری بالاتری را تجربه می‌کنند (ورهوف و همکاران، ۲۰۲۱).

فرناندس و اینورنیرو^۱ (۲۰۲۱)، و سانتوس و شلزینگر (۲۰۲۱)، بر طبق تحقیقات خود به این نتایج رسیدند که اثر تبلیغات در رسانه‌های اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر وفاداری به برند دارد. این بدان معنی است که هر چه تبلیغات در رسانه‌های اجتماعی بیشتر باشد، وفاداری به برند بیشتر است. امروزه بحث‌هایی درباره این که آیا برندها باید در رسانه‌های اجتماعی حضور داشته باشند، وجود دارد؛ زیرا رسانه‌های اجتماعی را رسانه‌ای بین برندها و مشتریان می‌دانند. شرکت‌ها این رابطه را بین برندها و مشتریان ایجاد می‌کنند که ممکن است به نام تجاری وفادارتر شوند؛ به هر حال، امروزه کسب و کارها از شبکه‌های اجتماعی برای مدیریت برند استفاده می‌کنند (کولی^۲ و پارک - ییسی، ۲۰۱۹). دادگراژاد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود در زمینه وفاداری به برند به ارائه مدل کیفی موثر بر تمایل به خرید مشتریان فروشگاه‌های زنجیره‌ای پرداختند و شاخص‌هایی چون رضایت، اعتماد درک شده، کیفیت درک شده به برند، نیت و قصد رفتاری و حساسیت به قیمت، نگرش به برند را در مدل خود ترسیم کردند. سررشته داری و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به عنوان شناسایی و اولویت‌بندی علل وفاداری مشتریان به برند پوشاک ورزشی ایرانی عواملی چون نام تجاری، کیفیت محصول، قیمت، کیفیت خدمات، محیط فروشگاه، طراحی و شیک بودن و تبلیغات را از مولفه‌های وفاداری به برند می‌دانند. در پژوهش صباغ (۲۰۱۹) با عنوان ایجاد و افزایش اعتماد و وفاداری مشتری از طریق تبلیغات الکترونیکی یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در تعامل دوطرفه میان برندها و مصرف‌کنندگان ایفا می‌کنند. با توجه به اهمیت روزافزون شبکه‌های مجازی در رفتار مصرف‌کنندگان، بررسی تأثیر این پلتفرم‌ها بر وفاداری به برند و سبک‌های تصمیم‌گیری خرید امری ضروری است. در همین راستا، این پژوهش تلاش دارد تا به این پرسش پاسخ دهد: آیا استفاده از شبکه‌های مجازی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده وفاداری به برند و سبک‌های تصمیم‌گیری خرید مصرف‌کنندگان در تهران باشد؟

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه این پژوهش شامل خریداران مراجعه کننده به فروشگاه‌های زنجیره‌ای افق کوروش شهر تهران در نیمه اول سال ۱۴۰۳ بودند. که به روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند انتخاب شدند. حداقل حجم نمونه برای مصاحبه با خریداران ده نفر و تعداد لازم برای روش پیش‌بینی و همبستگی ۲۰۰ نفر می‌باشد (دلاور، ۱۴۰۲). از این رو از بین افراد جامعه با توجه به هدف، طرح پژوهش و همچنین داده‌ها نمونه‌ای با حجم حداقل ۲۱۰ شرکت کننده به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش، خرید حداقل یک بار در ماه از فروشگاه مورد نظر، ساکن تهران بودن و سواد خواندن و نوشتن بود. ملاک خروج از مطالعه عدم رضایت آگاهانه و ناقص بودن پرسش‌نامه بود. ابزارهای مورد استفاده نیز در زیر شرح داده شده است.

1. Fernandes & Inverneiro

2. Cooley

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه وفاداری به برند: پرسش‌نامه اولیه محقق ساخته ۲۱ سوالی بر اساس مدل کیفی استخراج شده با نظر اساتید راهنما و مشاور طراحی شد. سپس برای بررسی روایی اولیه به صورت پایلوت بر روی ۵۶ نفر از خریداران افق کوروش اجرا شد تحلیل داده‌ها با نرم افزار spss آلفای کرونباخ آن ۰/۹ را که حاکی از روایی مناسب پرسش‌نامه بود نشان داد. پرسش‌نامه اولیه روی ۲۱۰ نفر از خریداران فروشگاه‌های زنجیره‌ای کوروش اجرا شد. سپس برای تحلیل اکتشافی پرسش‌نامه از نرم افزار اسمارت پلاس استفاده شد. برای کنترل تناسب داده‌ها، مقدار عددی KMO و آزمون کرویت بارتلت محاسبه شد. مقدار عددی معیار KMO معادل ۰/۹۴ و سطح معنی‌داری آزمون کرویت بارتلت ($\text{sig}=0/00001$)، نشان دهنده تناسب کلی داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی می‌باشند. تحلیل عاملی اکتشافی نیز سه زیر مقیاس شناختی (۷، ۴، ۵، ۸، ۶، ۱۲، ۳ و ۱۰)، عامل عاطفی (۲۰، ۱۹، ۱۸، ۲۱، ۱۷) و عامل رفتاری (۱۵، ۱۳، ۱۱ و ۱۶) برای پرسش‌نامه وفاداری به برند نشان داد.

ب) پرسش‌نامه استفاده از شبکه‌های مجازی: برای سنجش شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. برای طراحی این پرسش‌نامه ۱۹ سوالی بر اساس نظریه‌های مربوطه و استفاده از نظر اساتید راهنما و مشاور استفاده شد. تمام سوالات پرسش‌نامه دارای ۵ گزینه می‌باشند، پاسخ‌های خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد نوشته شده است. نمره گذاری این پرسش‌نامه بر حسب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) می‌باشد. در ابتدا آلفای کرونباخ آن بر روی ۵۰ نمونه از خریداران افق کوروش انجام شد. و با استفاده از نرم افزار spss آلفای کرونباخ آن ۰/۸۳ گزارش شد. در تحلیل عاملی اکتشافی نیز مشخص شد در پرسش‌نامه شبکه‌های مجازی گویه ۱ به دلیل عدم میزان اشتراک از پرسش‌نامه نهایی حذف شدند. این پرسش‌نامه نهایی به ۱۸ سوال تقلیل یافت و نام گذاری مولفه‌ها بر اساس مبنای نظری گویه‌های ۴، ۵، ۲، ۷، ۹، ۱۰، ۸، ۳، ۶ عامل اول میزان و نوع استفاده نام گذاری شد. گویه‌های ۱۹، ۱۵، ۱۷، ۱۶ و ۱۸ عامل دوم که قصد خرید نام گذاری شد و گویه‌های ۱۲، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ عامل سوم که توجه به برند نام گذاری شد.

ج) پرسش‌نامه سبک تصمیم‌گیری برای خرید: اسپرولز و کندال (۱۳۸۶) پیشگامان ایجاد و توسعه پرسش‌نامه سبک‌های مصرف کننده بر مبنای دیدگاه خصوصیات مصرف کننده بوده‌اند. اسپرولز در سال ۱۹۸۵ بر پایه مطالعات قبلی خود نه مولفه سبک‌های تصمیم‌گیری خرید را شناسایی کرده و پنجاه ابزار مرتبط با گرایش‌های ادراکی و احساسی مصرف کننده را به کار گرفت. در سال ۱۹۸۶ اسپرولز و کندال به نوعی پرسش‌نامه قبلی را با یک مقیاس جدیدتر و باصرفه‌تر بازنگری کردند و ابعاد مدل خود را به هشت سبک تقلیل دادند. گفتنی است آنها در مطالعه جدید خود، فقط چهار ابزار موثر را مبنای کار قرار دادند. هشت سبک مدل آنها عبارتند از: حساسیت نسبت به کیفیت بالا یا ایده آل خواهی، حساسیت نسبت به برند کالا، حساسیت نسبت به جدید و مد روز بودن کالا، لذت گرایی و تمایل به خرید برای سرگرمی، حساسیت نسبت به قیمت و ارزش مورد تبادل، تمایل به خرید بدون برنامه‌ریزی و قصد قبلی می‌باشد. گویه‌ها در این تحقیق بر مبنای مقیاس لیکرت به صورت ۵ گزینه‌ای بر روی طیف پنج گزینه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم طراحی شده است. اعتبار و روایی این پرسش‌نامه در این پژوهش مجدداً اخذ می‌شود. روایی و پایایی آن در مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۳ مورد تایید قرار گرفته است.

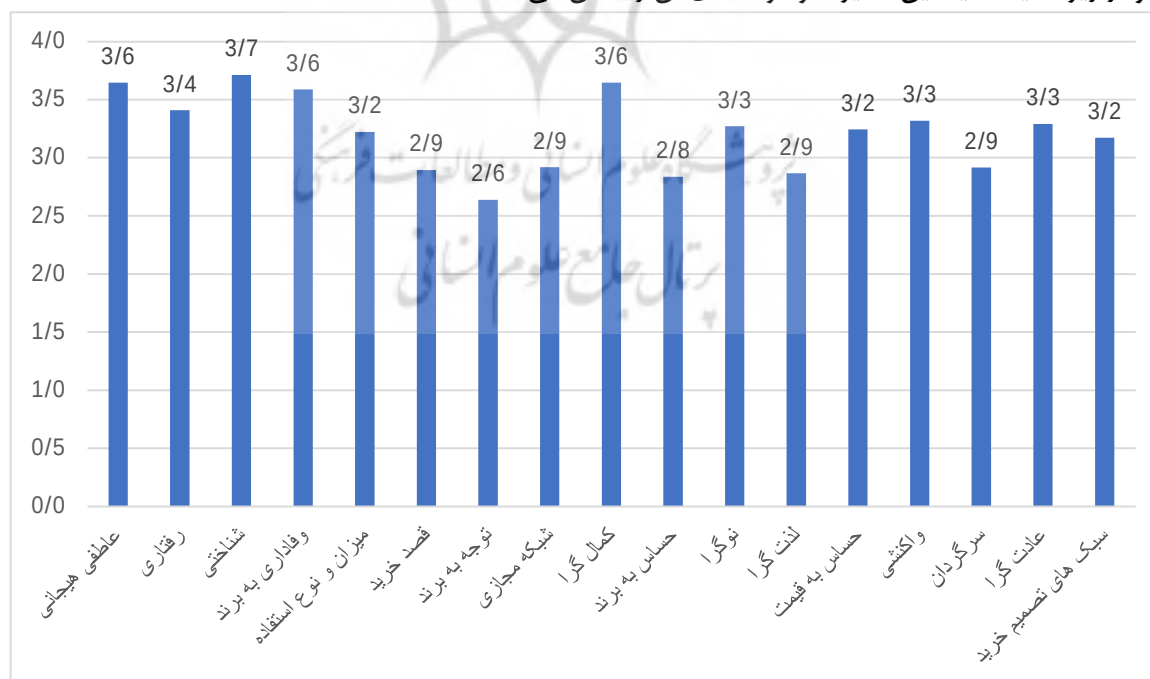
یافته‌ها

متغیر وفاداری به برند شامل ۱۷ گویه و سه مولفه، متغیر شبکه مجازی شامل ۱۸ گویه و سه مولفه، متغیر سبک‌های تصمیم خرید شامل ۴۱ گویه و هشت مولفه است. که در طیف پنج درجه‌ای مقیاس لیکرت از نمره ۱ تا ۵ تنظیم شده است. در جدول و نمودار زیر توزیع فراوانی متغیرها ارائه شده است.

جدول ۱. وضعیت شاخص‌های مرکزی بر حسب متغیرها

متغیرها	مولفه‌ها	تعداد	میانگین	میانه	نما	انحراف	چولگی	کشدگی	کمترین	بیشترین
وفاداری	عاطفی هیجانی	۲۱۰	۶۴/۳	۷۵/۳	۸۸/۳	۶۶/۰	۹۹/۰-	۱۴/۲	۱	۵
	رفتاری	۲۱۰	۴۱/۳	۵۰/۳	۳	۷۱/۰	۱۰/۰-	۸۱/۰	۱	۵
	به برند	۲۱۰	۷۱/۳	۸۰/۳	۰۰/۴	۶۴/۰	۶۹/۰-	۱۹/۲	۱	۵
	مجموع	۲۱۰	۵۹/۳	۶۴/۳	۹۲/۳	۶۰/۰	۵۴/۰-	۵۶/۲	۱	۵
	میزان و نوع استفاده	۲۱۰	۲۲/۳	۱۱/۳	۳	۸۵/۰	۰۸/۰	۰۴/۰-	۱	۵
شبکه مجازی	قصد خرید	۲۱۰	۸۹/۲	۰۰/۳	۳	۰۱/۱	۲۳/۰	۳۸/۰-	۱	۵
	توجه به برند	۲۱۰	۶۴/۲	۶۰/۲	۳	۹۶/۰	۱۷/۰	۳۱/۰-	۱	۵
	مجموع	۲۱۰	۹۲/۲	۸۹/۲	۳	۷۴/۰	۵۵/۰	۸۴/۰	۱	۵
	کمال‌گرا	۲۱۰	۶۴/۳	۶۳/۳	۶۳/۳	۵۶/۰	۲۷/۰-	۶۲/۳	۱	۵
	حساس به برند	۲۱۰	۸۴/۲	۸۶/۲	۳	۷۸/۰	۵۲/۰	۶۲/۰	۱۴/۱	۵
سبک‌های تصمیم‌گیری	نوگرا	۲۱۰	۲۷/۳	۲۰/۳	۶۰/۳	۷۸/۰	۱۶/۰-	۴۵/۰	۱	۵
	لذت‌گرا	۲۱۰	۸۶/۲	۸۰/۲	۳	۶۲/۰	۸۱/۰	۷۳/۱	۱	۵
	حساس به قیمت	۲۱۰	۲۴/۳	۳۳/۳	۳۳/۳	۷۴/۰	۲۱/۰-	۸۵/۰	۱	۵
	واکنشی	۲۱۰	۳۲/۳	۲۰/۳	۶۰/۳	۵۸/۰	۲۰/۰	۱۴/۲	۱	۵
	سرگردان	۲۱۰	۹۲/۲	۰۰/۳	۰۰/۳	۸۴/۰	۱۷/۰	۲۶/۰	۱	۵
خرید	عادت‌گرا	۲۱۰	۲۹/۳	۲۵/۳	۵۰/۳	۶۶/۰	۰۶/۰-	۴۷/۱	۱	۵
	مجموع	۲۱۰	۱۷/۳	۱۲/۳	۰۰/۳	۴۷/۰	۷۶/۰	۶۷/۵	۰۷/۱	۵

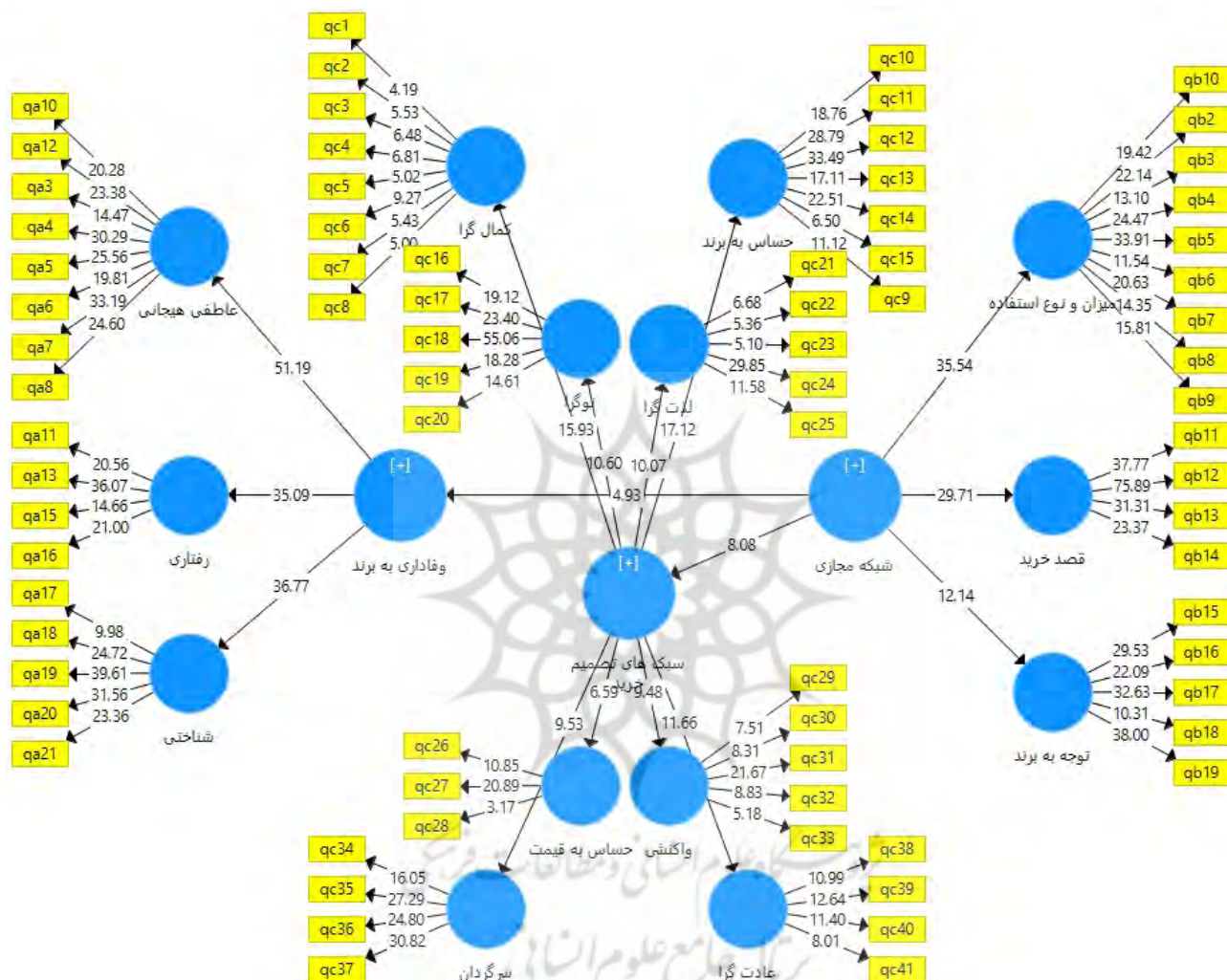
نمودار زیر مقایسه میانگین متغیرها و مولفه‌های آن را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. مقایسه میانگین متغیرها و مولفه‌های آن

اعتباریابی مدل اندازه‌گیری الگوی پژوهش

به دلیل اینکه مدل اندازه‌گیری از نوع انعکاسی^۱ و مدل ساختاری از نوع سازنده می‌باشد ابتدا به بررسی پایایی و روایی و در ادامه به بررسی ساختار عاملی بین سازه‌ها پرداختیم. بنابراین ساختار سلسله مراتبی الگوی پژوهش به شرح شکل ۱ است.

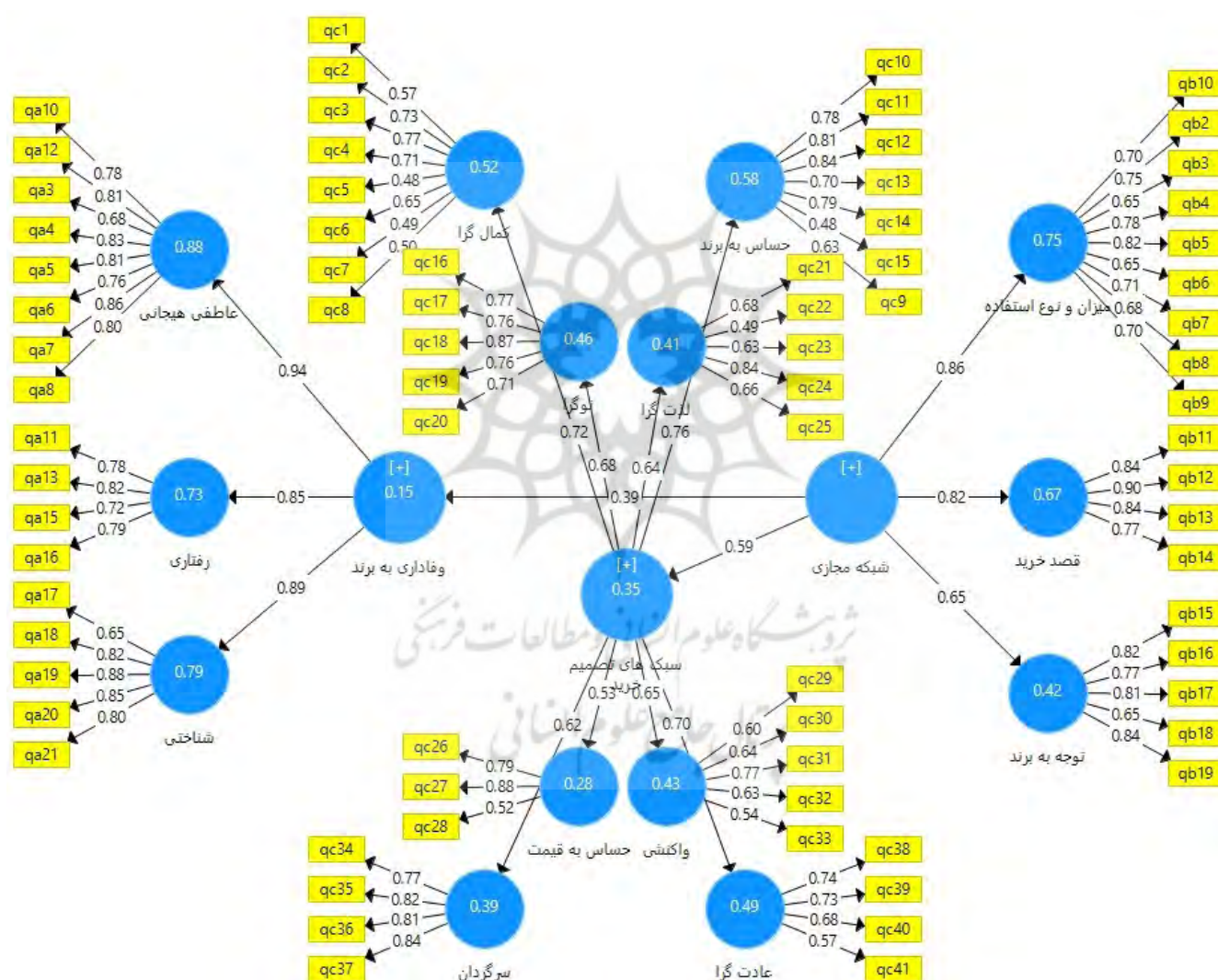


شکل ۱. سلسله مراتب سازه‌ها و گویه‌های سازه‌ها

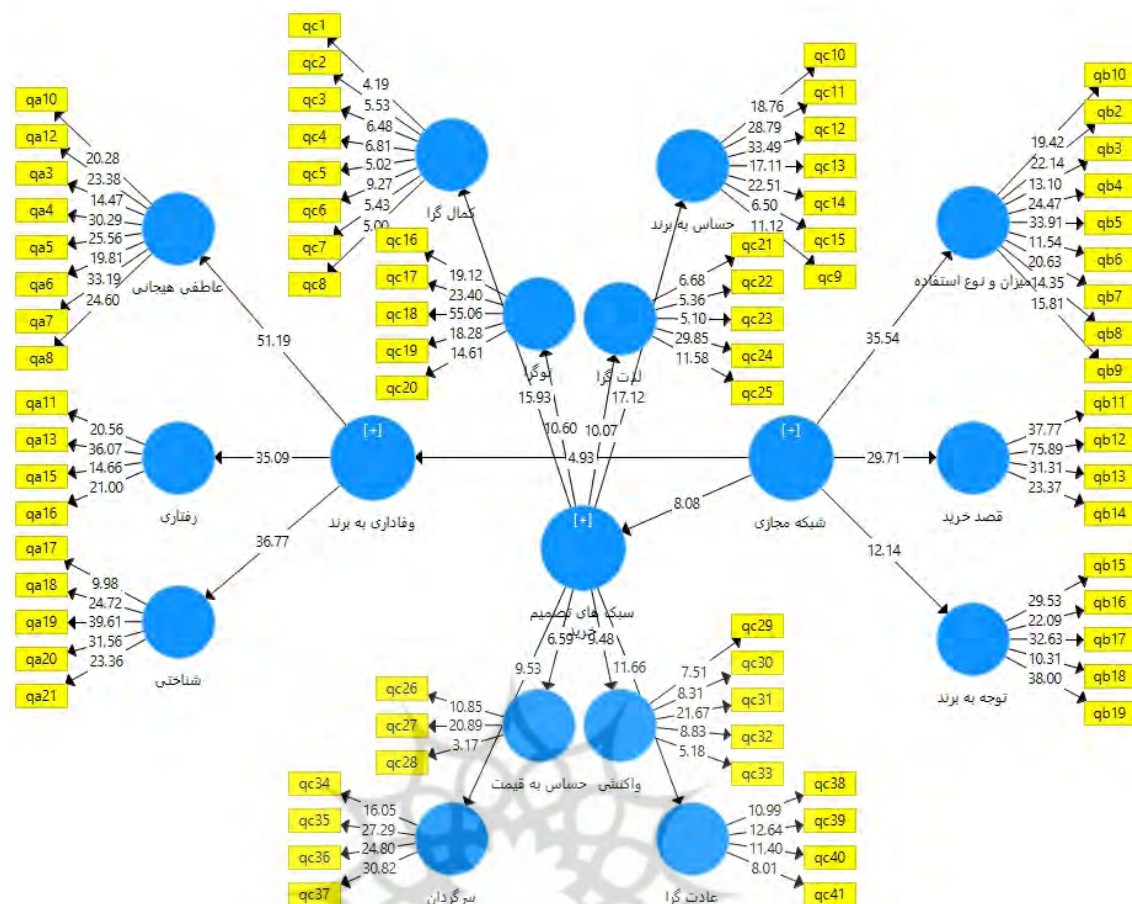
در تحلیل مسیر PLS برای مفهوم سازی یک مدل سلسله مراتبی از متغیرهای آشکار به‌طور مکرر استفاده می‌شود (گینو^۲ و همکاران، ۲۰۰۱؛ تننهاوس^۳ و همکاران، ۲۰۰۵). بدین ترتیب، یک متغیر پنهان مرتبه بالاتر می‌تواند بوسیله تمام متغیرهای آشکار (گویه‌ها) مرتبه پایین‌تر ساخته شود. برای مثال، طبق مندرجات شکل بالا، متغیرهای پنهان مرتبه دوم (یعنی متغیر وفاداری به برند و شبکه مجازی و سبک‌های تصمیم خرید) متشکل از تعدادی متغیر پنهان مرتبه اول هستند که هر کدام از

1. Reflective
2. Guinot
3. Tenenhaus

متغیرهای پنهان مرتبه اول نیز از تعدادی متغیر آشکار (گویه‌ها) تشکیل شده‌اند. در این مدل سلسله مراتبی، هر متغیر پنهان مرتبه دوم با استفاده از تمام متغیرهای آشکار متغیرهای پنهان مرتبه اول مشخص می‌شود. بنابراین، متغیرهای آشکار دو بار استفاده می‌شوند: (۱) برای متغیر پنهان مرتبه اول (بارهای اولیه) و (۲) برای متغیر پنهان مرتبه دوم (بارهای ثانویه). این رویکرد به وضوح می‌تواند به مدل سلسله مراتبی مرتبه بالاتر توسعه یابد و نمرات متغیرهای پنهان از متغیرهای پنهان مرتبه پایین‌تر به دست آیند (تنهاوس و همکاران، ۲۰۰۵). یکی از سودمندی‌های PLS، ارزیابی مدل سلسله مراتبی می‌باشد که در پژوهش حاضر با استفاده از این رویکرد به ارزیابی ساختاری متغیر پنهان مرتبه بالاتر پرداخته شد (طباطبائی، مطهری‌نژاد و تیرگر، ۱۳۹۵).



شکل ۲. ضریب بارهای عاملی گویه‌ها (شاخص‌ها)



شکل ۳. ضریب معناداری گویه‌ها (شاخص‌ها)

پایایی و روایی سازه‌های مدل

همان طور که در روش مدل سازی معادلات ساختاری مطرح است ابتدا باید پایایی و روایی مقیاس های انتخابی برای اندازه گیری متغیرهای مکنون بررسی شود.

جدول ۲. ضرایب یایایی آلفای کرونباخ سازه‌ها

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی (ابعاد)	پایایی آلفا کرونباخ	پایایی اسپیرمن	پایایی مرکب	روایی همگرا
وفاداری به برند	عاطفی هیجانی	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۳	۱/۰
	رفتاری	۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۴۴
	شناختی	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۵۶
	مجموع	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۵۵
	میزان و نوع استفاده	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۶۸
شبکه مجازی	قصد خرید	۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۹۱	۰/۵۷
	توجه به برند	۰/۸۴	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۴۰
	مجموع	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۷۴
	کمال‌گرا	۰/۷۶	۰/۷۶	۰/۸۳	۰/۶۰
	حساس به برند	۰/۸۴	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۶۰
سبک‌های تصمیم خرید	نوگرا	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۵۱
	لذت‌گرا	۰/۶۸	۰/۷۱	۰/۸۰	۰/۴۰
	حساس به قیمت	۰/۶۱	۰/۷۴	۰/۷۸	۰/۴۵
	واکنشی	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۷۸	۰/۵۱
	سرگردان	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۸۸	۰/۵۶
	عادت‌گرا	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۷۸	۰/۵۵
	مجموع	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۵۸

طبق نتایج حاصل در جدول بالا آلفای کرونباخ برای ارزیابی پایداری درونی اندازه‌گیری می‌شود که نشانگر میزان همبستگی بین سازه و شاخص‌های مربوط به آن است مقدار واریانس تبیین شده بالاتر از $0/7$ نشانگر پایایی قابل قبولی است. البته موس و همکاران^۱ (۱۹۹۸) در مورد متغیرهای با تعداد سؤال‌های اندک، مقدار $0/6$ را به‌عنوان سرحد ضریب معرفی کرده‌اند (نقل از داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). که همه متغیرها از ضریب قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

طبق نتایج حاصل در جدول بالا پایایی همبستگی اسپیرمن برای ارزیابی پایداری درونی اندازه‌گیری می‌شود که نشانگر میزان همبستگی بین سازه و گویه مربوط به آن است که بالاتر از $0/7$ پایایی قابل قبولی است. که همه متغیرها از ضریب قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

طبق نتایج حاصل در جدول بالا ضریب پایایی ترکیبی توسط ورتس و همکاران^۲ معرفی شد مقدار پایایی ترکیبی یک سازه از یک نسبت حاصل می‌شود که در صورت این کسر، واریانس بین یک سازه با شاخص‌هایش و در مخرج کسر، واریانس سازه با شاخص‌هایش به اضافه مقدار خطای اندازه‌گیری می‌آید. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی بالاتر از $0/7$ باشد نشان از پایداری درونی مناسب است و مقدار کمتر از $0/6$ عدم وجود پایایی است (نونال و بمستین^۳، ۱۹۹۴) ذکر این نکته ضروری است که پایایی ترکیبی معیار بهتری از آلفا به شمار می‌رود (وینز^۴ و همکاران، ۲۰۱۰، نقل از داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). در نتیجه پایایی ترکیبی همه متغیرهای پنهان ضرایب قابل قبولی دارند.

طبق نتایج حاصل در جداول بالا روایی همگرا میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود می‌باشد. فورنل و لارکر^۵ (۱۹۸۷) مقدار روایی همگرا بالای $0/5$ قابل قبول دانستند ولی با این حال مگنر و همکاران (۱۹۹۶) مقدار $0/4$ به بالا را هم معیار کافی دانستند (نقل از داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). بنابراین روایی همگرایی همه متغیرها از ضریب مطلوبی برخوردار هستند.

روایی واگرا سازه‌های مدل

روایی واگرا به دو روش قابل محاسبه می‌باشد: الف) مقایسه میزان همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه در مقابل همبستگی آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر (روایی واگرا به روش بارهای عاملی متقابل). ب) مقایسه میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر (روایی واگرا به روش فورنل و لارکر، ۱۹۸۷).

روش بارهای عاملی متقابل

طبق نتایج حاصل در جدول ۲ میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه و میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با سازه‌های دیگر مقایسه می‌گردد. مقدار همبستگی میان شاخص‌ها با سازه‌های مربوط به خود (اعداد رنگی ماتریس) از همبستگی میان آن‌ها و سایر سازه بیشتر است که این مطلب گواه مناسب بودن روایی واگرایی بارهای عاملی متقابل^۶ است (طباطبائی و جهانگرد، ۱۳۹۵).

برازش کیفیتی اعتباریابی مدل

کیفیت مدل ساختاری توسط شاخص قدرت پیش‌بینی Q^2 نیز محاسبه شد، هدف این شاخص بررسی توانایی مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن به روش چشم‌پوشی^۷ می‌باشد. که براساس این ملاک مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زا انعکاسی

1. Moss et al
2. Werts et al
3. Nunnally & Bernstein
4. Vinzi
5. Fornell & Larcker
6. Cross Loadings
7. Blindfolding

را پیش‌بینی کند. مقادیر مثبت و بالای صفر نشان می‌دهند که مقادیر مشاهده شده خوب بازسازی شده‌اند (طباطبائی و جهانگرد، ۱۳۹۵) و می‌توان گفت مدل ساختاری از کیفیت مناسبی برخوردار است. این معیار توسط استون و گلیزر (۱۹۷۵) معرفی شد قدرت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را مشخص می‌سازد. هنسلر و همکاران^۱ (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین نموده‌اند.

معیار قدرت پیش‌بینی مدل Q^2

این معیار که توسط استون و گلیزر (۱۹۷۵) معرفی شد، قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. به اعتقاد آنها مدل‌هایی که دارای برازش بخش ساختاری قابل قبول هستند. باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل رابطه بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها قادر خواهند بود تا تاثیر کافی شاخص‌های یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. مقدار (Q^2) بایت در مورد تمامی سازه‌های درون‌زای مدل محاسبه شود و نتیجه‌ی آن در قسمت تغییر مدل بیان کرد در صورتی که مقدار در مورد یک سازه درون‌زا صفر و با کمتر از صفر شود، نشان از آن دارد که روابط بین ساردهای دیگر مدل و آن سازه‌ی درون را به خوبی تبیین نشده است و در نتیجه مدل احتیاج به اصلاح دارد. ذکر این نکته ضروری است که مقدار این معیار تنها برای سازه‌های درون‌زای مدل که شاخص‌های آنها را از نوع انعکاسی می‌باشد، محاسبه می‌گردد.

هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به ترتیب از کم، متوسط و خوب تعیین نموده‌اند.

جدول ۳. معیار قدرت پیش‌بینی مدل Q^2 متغیرهای وابسته

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی (ابعاد)	SSO	SSE	$-SSE/SSO \setminus Q^2 =$
وفاداری به برند	عاطفی هیجانی	۱۶۸۰/۰۰	۸۰۰/۸۲	۰/۵۲
	رفتاری	۸۴۰/۰۰	۴۸۶/۸۰	۰/۴۲
	شناختی	۱۰۵۰/۰۰	۵۴۲/۲۱	۰/۴۸
	مجموع	۳۵۷۰/۰۰	۳۵۷۰/۰۰	-
شبکه مجازی	میزان و نوع استفاده	۱۸۹۰/۰۰	۱۲۰۲/۷۱	۰/۳۶
	قصد خرید	۸۴۰/۰۰	۴۶۲/۵۴	۰/۴۵
	توجه به برند	۱۰۵۰/۰۰	۷۹۹/۲۰	۰/۲۴
	مجموع	۳۷۸۰/۰۰	۳۳۲۱/۸۴	۰/۱۲
	کمال‌گرا	۱۶۸۰/۰۰	۱۳۹۲/۳۸	۰/۱۷
سبک‌های تصمیم خرید	حساس به برند	۱۴۷۰/۰۰	۱۰۵۰/۰۹	۰/۲۹
	نوگرا	۱۰۵۰/۰۰	۷۷۴/۵۵	۰/۲۶
	لذت‌گرا	۱۰۵۰/۰۰	۸۷۶/۱۶	۰/۱۷
	حساس به قیمت	۶۳۰/۰۰	۵۴۴/۷۶	۰/۱۴
	واکنشی	۱۰۵۰/۰۰	۸۸۶/۴۸	۰/۱۶
	سرگردان	۸۴۰/۰۰	۶۳۹/۲۲	۰/۲۴
	عادت‌گرا	۸۴۰/۰۰	۶۶۴/۴۱	۰/۲۱
	مجموع	۸۶۱۰/۰۰	۸۲۰۵/۳۶	۰/۱۵

1. Henseler et al

با توجه به جدول بالا مقدار قدرت پیش‌بینی به‌دست آمده نشان می‌دهد که قدرت پیش‌بینی همه متغیرهای وابسته و درون‌زا بالای ۰/۱۲ می‌باشد که نشان از مقدار نسبتاً مطلوب هست. البته موارد شبکه مجازی، حساس به قیمت، سبک‌های تصمیم خرید به ترتیب با مقدار ۰/۱۲، ۰/۱۴ و ۰/۱۵ می‌توان با اغماض قابل قبول دانست.

جدول ۴. ضرایب مسیر و معناداری فرضیه‌های پژوهش

نمونه‌های اصلی (O)	میانگین نمونه (M)	انحراف استاندارد (STDEV)	آماره T	مقادیر P	2.5%	97.5%
شبکه مجازی - حساس به برند	۷۶۴/۰	۷۶۳/۰	۰۴۵/۰	۱۱۵/۱۷	♦♦♦/♦	۶۶۴/۰
شبکه مجازی - حساس به قیمت	۵۲۷/۰	۵۳۶/۰	۰۸۰/۰	۵۸۹/۶	♦♦♦/♦	۶۶۳/۰
شبکه مجازی - سرگردان	۶۲۳/۰	۶۲۳/۰	۰۶۵/۰	۵۳۲/۹	♦♦♦/♦	۷۳۲/۰
شبکه مجازی - عادت گرا	۶۹۸/۰	۷۰۳/۰	۰۶۰/۰	۶۵۶/۱۱	♦♦♦/♦	۷۹۴/۰
شبکه مجازی - لذت‌گرا	۶۴۱/۰	۶۴۵/۰	۰۶۴/۰	۰۶۸/۱۰	♦♦♦/♦	۷۵۰/۰
شبکه مجازی - نوگرا	۶۷۶/۰	۶۷۶/۰	۰۶۴/۰	۶۰۳/۱۰	♦♦♦/♦	۷۷۲/۰
شبکه مجازی - واکنشی	۶۵۴/۰	۶۵۷/۰	۰۶۹/۰	۴۸۲/۹	♦♦♦/♦	۷۶۸/۰
شبکه مجازی - کمال‌گرا	۷۱۸/۰	۷۲۷/۰	۰۴۵/۰	۹۳۴/۱۵	♦♦♦/♦	۸۰۸/۰
شبکه مجازی - توجه به برند	۶۴۸/۰	۶۴۳/۰	۰۵۳/۰	۱۳۶/۱۲	♦♦♦/♦	۷۳۰/۰
شبکه مجازی - سبک‌های تصمیم خرید	۵۹۰/۰	۵۸۶/۰	۰۷۳/۰	۰۸۴/۸	♦♦♦/♦	۶۹۸/۰
شبکه مجازی - قصد خرید	۸۱۶/۰	۸۱۵/۰	۰۲۷/۰	۷۰۷/۲۹	♦♦♦/♦	۸۶۴/۰
شبکه مجازی - میزان و نوع استفاده	۸۶۴/۰	۸۶۴/۰	۰۲۴/۰	۵۴۳/۳۵	♦♦♦/♦	۹۰۰/۰
شبکه مجازی - وفاداری به برند	۳۸۷/۰	۳۸۷/۰	۰۷۸/۰	۹۳۵/۴	♦♦♦/♦	۵۱۳/۰
وفاداری به برند - رفتاری	۸۵۴/۰	۸۵۷/۰	۰۲۴/۰	۰۹۲/۳۵	♦♦♦/♦	۸۹۹/۰
وفاداری به برند - شناختی	۸۸۶/۰	۸۸۶/۰	۰۲۴/۰	۷۷۳/۳۶	♦♦♦/♦	۹۲۴/۰
وفاداری به برند - عاطفی هیجانی	۹۴۰/۰	۹۴۰/۰	۰۱۸/۰	۱۸۷/۵۱	♦♦♦/♦	۹۶۷/۰

تحلیل ساختاری اثر وفاداری به برند بر سبک‌های تصمیم خرید پرداخته شد. همان‌طور که در جدول بالا مشخص است، شبکه مجازی بر وفاداری به برند ($\beta = ۰/۱۳$, $t = ۱/۹۶$, $p < ۰/۰۵$) و شبکه‌های مجازی بر سبک‌های خرید ($\beta = ۰/۵۳$, $t = ۷/۸$, $p < ۰/۰۰$) اثر مثبت و معنی‌داری وجود دارد بدین معنی است استفاده از شبکه مجازی منجر به افزایش وفاداری به برند و انواع سبک‌های تصمیم‌گیری برای خرید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی استفاده از شبکه‌های مجازی در وفاداری به برند و سبک خرید مصرف‌کنندگان یک گروه از فروشگاه‌های زنجیره‌ای افق کوروش در شهر تهران می‌باشد.

فرضیه اصلی این مطالعه این بود که وفاداری به برند و سبک‌های تصمیم‌گیری خرید می‌توانند بر اساس استفاده از شبکه‌های مجازی در میان مصرف‌کنندگان تهرانی پیش‌بینی شوند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که هم وفاداری به برند و هم سبک‌های تصمیم‌گیری خرید از طریق تعامل با شبکه‌های مجازی قابل پیش‌بینی هستند. این نتایج نه تنها با بدنه رو به رشد ادبیات تحقیقاتی در مورد تأثیر شبکه‌های مجازی بر رفتار مصرف‌کنندگان هم‌راستا است، بلکه نقش منحصر به فرد این پلتفرم‌ها را در بازاریابی مدرن نشان می‌دهند.

یافته‌های ما با چندین مطالعه اخیر در این زمینه هم‌خوانی دارند، به ویژه با مطالعاتی که نقش مهم شبکه‌های اجتماعی و مجازی در تقویت وفاداری به برند را برجسته می‌کنند. به عنوان مثال، تحقیقاتی که توسط کومار و همکاران (۲۰۲۰) انجام شده است، نشان می‌دهد که جوامع آنلاین به طور قابل توجهی تعامل مشتری را افزایش داده و در نتیجه وفاداری به برند را تقویت می‌کنند. به همین ترتیب، مطالعاتی از آیین و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهند که پلتفرم‌های مجازی در شکل‌دهی به فرآیندهای تصمیم‌گیری خرید مصرف‌کنندگان تأثیرگذار هستند. مطابق با این یافته‌ها، مطالعه ما تأیید می‌کند که شبکه‌های مجازی ابزارهای قدرتمندی برای ایجاد وفاداری به برند و تأثیرگذاری بر سبک‌های تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان هستند.

با این حال، برخی از مطالعات نیز دیدگاه‌های متفاوتی ارائه می‌دهند. به عنوان مثال، تحقیقی توسط ژی و همکاران (۲۰۲۱) استدلال می‌کند که شبکه‌های مجازی ممکن است در برخی از زمینه‌های فرهنگی یا برای دسته‌های خاصی از محصولات تأثیر محدودی بر وفاداری به برند داشته باشند. این نشان می‌دهد که اگرچه شبکه‌های مجازی نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتار مصرف‌کنندگان دارند، عوامل دیگر مانند تفاوت‌های فرهنگی یا نوع محصول بازاریابی شده می‌توانند این اثرات را تعدیل کنند. مطالعه ما که به طور خاص بر روی مصرف‌کنندگان شهری تهران متمرکز است، بینش‌های مهمی در مورد تفاوت‌های فرهنگی و منطقه‌ای ارائه می‌دهد و شواهدی ارائه می‌دهد که در زمینه مصرف‌کنندگان شهری تهران، شبکه‌های مجازی ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری بر وفاداری به برند و رفتار خرید هستند.

رابطه استفاده از شبکه‌های مجازی و وفاداری به برند را می‌توان از طریق نظریه‌های روان‌شناختی توضیح داد، به ویژه نظریه هویت اجتماعی (تاجفل و ترنر، ۱۹۸۶). بر اساس این نظریه، افراد معمولاً هویت خود را با گروه‌هایی که به آن‌ها تعلق دارند، هماهنگ می‌کنند و جوامع آنلاین یا پلتفرم‌های شبکه اجتماعی فضایی برای تعامل مصرف‌کنندگان با افراد هم‌فکر فراهم می‌کنند. این حس تعلق می‌تواند پیوندهای احساسی عمیق‌تری با یک برند ایجاد کند و در نتیجه وفاداری به برند را تقویت کند. علاوه بر این، نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده (آجزن، ۱۹۹۱) ممکن است قدرت پیش‌بینی شبکه‌های مجازی در سبک‌های تصمیم‌گیری خرید را توضیح دهد. شبکه‌های مجازی اطلاعات، توصیه‌ها و اعتبار اجتماعی فراوانی ارائه می‌دهند که می‌تواند تأثیر زیادی بر قصد مصرف‌کنندگان برای خرید داشته باشد.

علاوه بر این، یافته‌های مطالعه را می‌توان از منظر مدل تصمیم‌گیری مصرف‌کننده تفسیر کرد. طبق این مدل، مصرف‌کنندگان از یک فرآیند چندمرحله‌ای عبور می‌کنند که شامل شناسایی مشکل، جستجوی اطلاعات، ارزیابی گزینه‌ها، تصمیم‌گیری خرید و رفتار پس از خرید است (شیفمن و کاناک، ۲۰۱۰). شبکه‌های مجازی به عنوان یک منبع حیاتی اطلاعات

و تأثیرگذاری در مراحل مختلف این فرآیند عمل می‌کنند. به عنوان مثال، بررسی‌ها، توصیه‌ها و تعاملات برند در پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام یا توییتر می‌توانند بر ارزیابی گزینه‌ها و تصمیم خرید نهایی تأثیر بگذارند.

در نهایت، این مطالعه شواهد تجربی‌ای را ارائه می‌دهد که از فرضیه پیش‌بینی وفاداری به برند و سبک‌های تصمیم‌گیری خرید بر اساس استفاده از شبکه‌های مجازی در بازار مصرف‌کنندگان تهرانی پشتیبانی می‌کند. نتایج با تحقیقات پیشین هم‌راستا است و این ایده را تقویت می‌کند که شبکه‌های مجازی ابزارهای قدرتمندی برای تأثیرگذاری بر رفتار مصرف‌کننده هستند، به ویژه در زمینه وفاداری به برند و فرآیندهای تصمیم‌گیری خرید. در حالی که یافته‌های ما با بسیاری از مطالعات موجود هم‌خوانی دارند، آن‌ها همچنین بر اهمیت عوامل فرهنگی و منطقه‌ای تأکید دارند و نشان می‌دهند که شبکه‌های مجازی ممکن است تأثیرات متفاوتی بسته به زمینه مصرف‌کننده داشته باشند.

بر اساس نظریه‌های روان‌شناختی، این واضح است که شبکه‌های مجازی تعامل مصرف‌کننده را تقویت کرده و بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند، با ایجاد حس تعلق اجتماعی، ارائه اطلاعات و تأمین اعتبار از طرف همتایان. پیامدهای این یافته‌ها برای کسب‌وکارها و بازاریابان بسیار مهم است، زیرا بر اهمیت استفاده از شبکه‌های مجازی برای ایجاد وفاداری به برند و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری مصرف‌کننده تأکید می‌کنند. تحقیقات آینده باید به طور دقیق‌تری مکانیسم‌هایی را که از طریق آن‌ها شبکه‌های مجازی بر رفتار مصرف‌کننده تأثیر می‌گذارند، بررسی کرده و نحوه تغییر این اثرات در زمینه‌های فرهنگی و دسته‌های مختلف محصولات را مورد بررسی قرار دهند.

محدودیت‌های پژوهش

بسیاری از پژوهش‌ها محدود به یک منطقه خاص یا جامعه خاص از مصرف‌کنندگان هستند. در این پژوهش نیز، نمونه‌گیری خریداران فروشگاه افق کوروش می‌باشد که در تهران زندگی می‌کنند و به‌طور طبیعی، نتایج این مطالعه ممکن است قابل تعمیم به سایر مناطق جغرافیایی با فرهنگ و شرایط اقتصادی متفاوت نباشد.

تعارض منافع

تمام شرکت‌کنندگان به صورت داوطلبانه و بدون اجبار در مراحل این پژوهش شرکت کردند و هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

از همه شرکت‌کنندگان که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

- دادگر آزاد، نسیم. حق شناس کاشانی، فریده. و اسماعیل پور، حسن. (۱۳۹۸). ارائه مدل کیفی ابعاد تداعی برند مؤثر بر تمایل به خرید مشتریان فروشگاه‌های زنجیره‌ای، فصلنامه سبک زندگی با محوریت سلامت، دوره ۳، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۸.
- حسینی، سید رسول، عسگری، مقدس شرق، و عمار. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی در قصد خرید مصرف‌کنندگان در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی. *JISM مطالعات میان رشته‌ای مدیریت بازاریابی*، ۱(۱)، ۱۱۰-۱۳۴.

- سر رشته داری، محمد. پورکیانی، محمد. و امامی، فرشاد. (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی علل وفاداری مشتریان به برند پوشاک ورزشی ایرانی با رویکرد AH، فصلنامه علمی پژوهش‌های حامی‌گری، مدیریت و بازاریابی ورزشی، دوره اول - شماره اول - بهار ۹.
- عباسی، ع.، حاتمی، ع. و ابراهیمی، ع. (۱۴۰۳). ارائه مدلی از اینفلوئنسرهای بازاریابی در شبکه اجتماعی: مطالعه موردی صنعت مد. مجله تحقیقات بازاریابی جدید، ۱۴(۳)، ۱-۲۴.
- Ainin, S., Parveen, F., Moghavvemi, S., Jaafar, N. I., & Mohd Shuib, M. (2019). *Social media and business performance: The role of social media use in enhancing consumer decision-making process. International Journal of Business and Social Science*, 10(6), 1-10. <https://doi.org/10.30845/ijbss.v10n6p1>
- Ajzen, I. (2020). *The theory of planned behavior: Frequently asked questions. Human Behavior and Emerging Technologies*, 2(4), 314-324. <https://doi.org/10.1002/hbe2.207>
- Chae, H., Ko, E., Han, J., & Kim, J. (2020). How social media marketing creates brand loyalty: The role of perceived value and social media engagement. *Journal of Business Research*, 109, 323-335. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.10.059>
- Dandis, A. O., & Al Haj Eid, M. B. (2022). Customer lifetime value: investigating the factors affecting attitudinal and behavioural brand loyalty. *The TQM Journal*, 34(3), 476-493.
- Dwivedi, Y. K., Rana, N. P., Slade, E. L., & Shareef, M. A. (2023). The role of digital and social media marketing in consumer behavior and brand engagement. *International Journal of Information Management*, 67, 102621. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2022.102621>
- Fernandes, T., & Inverneiro, I. (2021). From fandom to fad: are millennials really engaged with and loyal to their loved brands on social media?. *Journal of Product & Brand Management*, 30(2), 320-334.
- Gao, F., & Shen, Z. (2024). Sensory brand experience and brand loyalty: Mediators and gender differences. *Acta Psychologica*, doi: 10.1016/j.actpsy.2024.104191.
- Islam, J. U., Rahman, Z., & Hollebeek, L. D. (2021). Consumer brand engagement and brand loyalty in social media: A meta-analytic review. *Journal of Consumer Marketing*, 38(6), 652-664. <https://doi.org/10.1108/JCM-06-2020-3842>
- Kumar, V., Rajan, B., Gupta, S., & Pozza, I. D. (2022). Customer engagement in digital and social media marketing: A framework and future research agenda. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 50, 227-244. <https://doi.org/10.1007/s11747-021-00821-1>
- Kumar, A., Pansari, A., & Kumar, V. (2020). *Competitive advantage through engagement. Journal of the Academy of Marketing Science*, 48(4), 597-616. <https://doi.org/10.1007/s11747-020-00739-5>
- Rahmawati, R., Astuti, W. T., & Kusmantini, T. (2023). THE INFLUENCE OF BRAND IMAGE, BRAND LOVE, AND BRAND TRUST ON BRAND LOYALTY IN LOCAL COFFEE SHOP BRAND NAMES. *Journal Research of Social Science, Economics & Management*, 2(12).
- Santos, M., & Schlesinger, W. (2021), When love matters. Experience and brand love as antecedents of loyalty and willingness to pay a premium price in streaming services, *Spanish Journal of Marketing - ESIC*, <https://doi.org/10.1108/SJME-11-2020-0201>.
- Schiffman, L. G., & Kanuk, L. L. (2019). *Consumer behavior* (12th ed.). Pearson.
- Shabani, M., Hosseini, Z., & Khalili, S. (2023). The impact of social media marketing on brand loyalty among Iranian consumers: A case study of Tehran. *Iranian Journal of Business Studies*, 15(3), 45-67.
- Sproles, G. B., & Kendall, E. L. (1986). A methodology for profiling consumers' decision-making styles. *Journal of Consumer Affairs*, 20(2), 267-279. <https://doi.org/10.1111/j.1745-6606.1986.tb00382.x>
- Tajfel, H., & Turner, J. C. (1986). *The social identity theory of intergroup behavior*. In S. Worchel & W. G. Austin (Eds.), *Psychology of intergroup relations* (pp. 7-24). Nelson-Hall.

- Verhoef, P. C., Beckers, S. F. M., & van Doorn, J. (2021). The role of social media in consumer engagement and loyalty: A cross-cultural perspective. *European Journal of Marketing*, 55(1), 23-45. <https://doi.org/10.1108/EJM-12-2019-0917>
- Xie, Y., Bagozzi, R. P., & Yao, Z. (2021). *The impact of social media on consumer loyalty and purchasing decisions: A cross-cultural examination. Journal of International Marketing*, 29(2), 89-104. <https://doi.org/10.1177/1069031X211017378>
 - Zhang, Y., & Wang, H. (2022). The role of social media in shaping consumer decision-making styles: Evidence from China. *Journal of Consumer Behavior*, 21(4), 378-395. 0



پیش‌بینی گرایش به سوء مصرف مواد بر اساس خودبینی‌گانی تحصیلی، عملکرد خانواده و اهمال‌کاری تحصیلی با میانجی‌گری هوش هیجانی در دانش‌آموزان*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۷/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

فتاح ویسی^۱، انسیه بابایی^{۲*}، عباس احمدی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف پیش‌بینی گرایش به سوء مصرف مواد بر اساس خودبینی‌گانی تحصیلی، عملکرد خانواده و اهمال‌کاری تحصیلی با میانجی‌گری هوش هیجانی در دانش‌آموزان انجام شد.

روش: روش تحقیق این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان بیجار در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به تعداد ۵۰۰ نفر بودند که با توجه به جدول گرجسی-مورگان، ۲۱۷ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسش‌نامه‌های گرایش به سوء مصرف مواد جانسون (۱۹۸۹)، خودبینی‌گانی تحصیلی دیلون و گروات (۱۹۷۶)، عملکرد خانواده ایشیتین و همکاران (۱۹۸۳)، اهمال‌کاری تحصیلی سولومون و راث‌بلوم (۲۰۱۳) و هوش هیجانی برادبوری و گریوز (۲۰۰۴) بود. داده‌های پژوهش با آزمون تحلیل مسیر و استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ و AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که بین خودبینی‌گانی تحصیلی، عملکرد خانواده و اهمال‌کاری تحصیلی با هوش هیجانی در دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). نتایج تحلیل رگرسیون گام به‌گام نیز بیانگر این بود که از خودبینی‌گانی آموزشی $0/635$ ، عملکرد خانواده $0/520$ ، هوش هیجانی $0/366$ و اهمال‌کاری تحصیلی $0/731$ از گرایش به سوء مصرف مواد را تبیین می‌کند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به اهمیت نقش اساس خودبینی‌گانی تحصیلی، عملکرد خانواده و اهمال‌کاری تحصیلی در گرایش دانش‌آموزان به سوء مصرف مواد می‌تواند در زمینه برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌های مقتضی جهت ارائه برنامه‌های آموزشی به خانواده‌ها و دانش‌آموزان آن‌ها مفید باشد.

کلمات کلیدی: گرایش به سوء مصرف مواد، خودبینی‌گانی تحصیلی، عملکرد خانواده، اهمال‌کاری تحصیلی، هوش هیجانی.

* این مقاله برگرفته شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جناب آقای فتاح ویسی است.

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه پیام نور، ساری، ایران.

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

*(نویسنده مسئول): Email: e_babaei@pnu.ac.ir

۳. استادیار، گروه مدیریت دانشگاه پیام نور، تهران، ایران



Predicting Drug Abuse Tendency Based on Academic Alienation, Family Functioning, and Academic Procrastination with the Mediation of Emotional Intelligence in Students

Received: 2024/10/21

Accepted: 2025/03/09

Fattah Veysi¹, Ensiyeh Babaie^{*2}, Abbas Ahmadi³

Original Article

Abstract

Introduction: This study investigates the prediction of drug abuse tendency among students based on academic alienation, family functioning, and academic procrastination, mediated by emotional intelligence.

Method: A descriptive-correlational design was used, targeting 500 male secondary students in Bijar city (2021–2022). A sample of 217 was selected via convenience sampling (Morgan-Krejcie, 1970). Data were collected using questionnaires on drug abuse tendency (Johnson, 1989), academic alienation (Dillon & Gruet, 1976), family functioning (Epstein et al., 1983), academic procrastination (Solomon & Rothblum, 2013), and emotional intelligence (Bradbury & Greaves, 2004), analyzed via path analysis in SPSS (Version 24) and AMOS.

Results: Academic alienation, family functioning, and academic procrastination significantly predicted drug abuse tendency through emotional intelligence ($p < 0.05$), explaining 63.5%, 52.0%, and 73.1% of the variance, respectively.

Conclusion: These factors highlight the role of academic and familial influences in drug abuse tendency, informing targeted educational interventions.

Keywords: Substance Abuse Tendency, Academic Alienation, Family Functioning, Academic Procrastination, Emotional Intelligence.

1. M.A in family counseling, Payam Noor University, Sari, Iran.

2. Associate Professor, Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

*Corresponding author: Email: e_babaei@pnu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Management, Payam Noor University, Tehran, Iran

مقدمه

سوء مصرف مواد مخدر یکی از معضلات جهانی است که هر جامعه با توجه به ویژگی‌های خاص افراد خود، به نحوی از آن رنج می‌برد (لی، لی، گونگ، ژانگ و ژو، ۲۰۲۱). می‌توان گفت در قرن حاضر، اختلال سوء مصرف مواد به عنوان یکی از مشکلات بهداشتی و روانی است که از لحاظ ابعاد مختلفی همچون جسمی، عاطفی و اجتماعی برای جامعه و همچنین خانواده‌ها مشکلات جدی را رقم زده است (خان، ایمانی، شکری و علیزاده، ۱۴۰۱). پنجمین مجموعه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، ویژگی مهم اختلال سوء مصرف مواد را وجود یکی از علائم شناختی، رفتاری و فیزیولوژیکی میداند که افراد با وجود مشکلات قابل توجه مرتبط با سوء مصرف، هنوز به مصرف آن ادامه می‌دهند (بلیوس، دوآن و بست، ۲۰۱۹). فرد معتاد به مرور و در اثر مصرف مستمر، کنترل و تسلط رفتاری خود را به طور کامل از دست می‌دهد و فقط وجود مواد اعتیادآور در سیستم عصبی مغز می‌تواند تعادل جسمی و روانی او را حفظ کند (می، خایرودین، مودا، ۲۰۲۰). در حال حاضر در ایران آمار دقیق و موثقی از این که چند درصد از افراد ترک کرده و بهبود یافته، مجدداً به مواد مخدر بازگشت دارند، وجود ندارد (نعمتی و خالدیان، ۱۴۰۱). گرایش به مصرف مواد مخدر یکی از مهمترین اختلالات اجتماعی روانی است که فرد را از لحاظ جسمانی و روانی دچار اختلال می‌کند و پیامدهای متعدد و نامطلوبی را در موقعیتهای نامناسب و مشکلات متعدد اجتماعی شغلی و قانونی را ایجاد می‌کند (شیخ نژاد و سیدفاطمی ۱۳۹۸).

یکی از بحران‌های که عده‌ای از نوجوانان در طی تحصیل دچار آن می‌شوند خودبستگی تحصیلی است. این بحران خود را به صورت رفتارهایی مخرب از قبیل عضویت در گروه‌های خلافکار، اعتیاد به مواد، خشونت، خراب کاری یا غیبت از مدرسه و مدرسه‌گریزی و یا سایر رفتارهای منحرف نشان می‌دهد (موریناچ، هادجار و هاسچ، ۲۰۲۰). به علت اینکه نوجوانان بخش اعظم زندگی خود را در مدرسه می‌گذرانند، این سازمان نقش مهمی در آماده سازی آنان برای زندگی اجتماعی و شغلی دارد. با این وجود، دانش‌آموزان زیادی قبل از اینکه به طور کامل برای زندگی اجتماعی و شغلی آماده شوند، از مدرسه فراری شده و ترک تحصیل می‌کنند (رهدار و باقرپور، ۱۴۰۲). علاوه بر آن، دانش‌آموزان از خودبستگی عموماً تبدیل به بزرگسالانی می‌شوند که دچار از خودبستگی اجتماعی بوده و از لحاظ سیاسی و اقتصادی نیز فاقد توانایی هستند (فلاحی، میکائیلی، عطادخت، احمدی، ۱۳۹۸). از خودبستگی مفهوم جدیدی نیست و متخصصان تعلیم و تربیت، مدیران و کارکنان مدارس از وجود دانش‌آموزان از خودبستگی در مدرسه و کلاس درس خودآگاهی دارند. این دانش‌آموزان رفتارهای متفاوتی را از خود نشان می‌دهند. بعضی از این دانش‌آموزان به سمت دوستان ناباب رفته و گرایش به سوی مواد مخدر پیدا می‌کنند. این نوجوانان از نظامی بیگانه می‌شوند که هدف اصلی آن آموزش و تربیت آنان است (عینی، ترابی، عبادی، کرمانی، ۱۳۹۹). هنگامی که خانواده نتواند عملکرد مطلوبی داشته باشد، این وظیفه خواه ناخواه بر عهده دیگر افراد یا گروه‌ها مانند گروه همسالان واگذار می‌شود. وضعیت نابسامان در خانواده‌های گسسته و بیمارگون یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد و گسترش اعتیاد در نوجوانان است (کیالها، ۱۴۰۱). عملکرد خانواده به چگونگی روابط اعضای خانواده، تعامل و حفظ روابط، چگونگی تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات اعضای خانواده مربوط می‌شود به عبارت دیگر، عملکرد خانواده جنبه مهم محیط خانوادگی است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (تبان، یو، لین، لو^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می‌افتد و چگونگی عملکرد آن می‌تواند عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد

1. Li, Gong, Zhang, and Zhou
2. Belius, Duane and Best
3. May, Khairudin, Moda
4. Morinaj, Hadjar & Hascher
5. Tian, Yu, Lin, Lu

(صفی زاده، دارباز، شهسواری، ۱۴۰۱). محیط‌های برانگیزنده و پرورش دهنده فرزندان را قادر می‌سازد تا یاد بگیرند و پیشرفت کنند. بر عکس، محیط‌های خانوادگی ناکارآمد می‌تواند برای بسیاری از جنبه‌های رشد کودکان و انتقال مثبت آنان به بزرگسالی بسیار مضر باشد (پرزفونتس مولرو جالارو، باراکان مارتین و گازکاس لینارس^۱، ۲۰۱۹). استفاده از مواد با شکست در ایفای نقش والدینی، تعارض‌های والد-فرزندی و تعارض‌های درون خانوادگی، نگرش پذیرنده والدین نسبت به مصرف مواد توسط نوجوان و استفاده از الکل و سیگار در خانه توسط والدین مرتبط می‌باشد (والتون، هورتون، ریفاس شیمان، فیلد^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). شواهد پژوهشی نشان داد که از دیگر مواردی که می‌تواند، گرایش به سوء مصرف مواد را پیش‌بینی می‌کند اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان است (احمدی، طولابی و ایلانلو، ۱۳۹۹). اهمال‌کاری را به تعویق انداختن و سهل‌انگاری در انجام وظایف و مسئولیت‌ها، علیرغم اجتناب‌پذیر بودن و توانایی فرد جهت انجام آن و آگاهی از پیامدهای ناخوشایند و طفره رفتن از انجام مسئولیت تعریف می‌کنند (فرنای، کوپار و فیشر^۳، ۲۰۱۸). تحقیقات نشان داده‌اند بیش از ۵۰ درصد تحصیل‌کنندگان در مدارس و دانشگاه‌ها در کارهای تحصیلی خود دارای ویژگی اهمال‌کاری و به تأخیر انداختن بوده (هاشمی زاده نهی، جاجرمی و مهدیان، ۱۳۹۹). این استراتژی به افراد کمک می‌کند از هیجان‌های منفی دور شوند و وظایفی را که انجامشان باعث ایجاد هیجان منفی می‌شود، به تعویق اندازند، تا از این طریق احساس بد و منفی ایجاد شده از آن کار را تجربه نکنند (دایا، هیرن^۴، ۲۰۱۸). اهمال‌کاری‌ها در حیطه تحصیلی و یادگیری افراد می‌تواند بزرگترین ضرر را به زندگی علمی افراد وارد نماید و به رغم هوش و توان یادگیری بالا منجر به از دست رفتن فرصت‌ها شود (گریو، چاماندی، کلجایک^۵، ۲۰۱۸). در این راستا تراس و کوکسن^۶ (۲۰۲۰) تصریح نمودند که بین میزان اعتیاد اینترنتی و اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد که باعث بالا رفتن اهمال‌کاری جوانان می‌گردد.

هوش هیجانی نیز نقش مهمی در پیشگیری از مصرف مواد ایفا می‌کند و افرادی با نمره بالا در هوش هیجانی با وجود داشتن آمادگی برای مصرف مواد و اعتیاد، به دلیل آگاهی از هیجانات خود، خود مدیریتی و مدیریت روابط و موقعیت‌های پرخطر، در عمل کمتر به مواد مصرف سوق پیدا می‌کنند (جبرائیلی و حبیبی، ۱۳۹۵). هوش هیجانی از توانایی‌های شناختی و هیجانی به هم پیوسته است که به فرد کمک می‌کند تا با درک، ارزیابی و بیان دقیق هیجان‌ها از احساسی که افکار را تسهیل می‌نمایند، آگاهی یابد و با برقراری توازن میان افکار و هیجان‌های خود، تصمیم‌گیری‌های عاقلانه و رفتاری مسئولانه داشته باشد به عقیده براون (۲۰۱۶) هوش هیجانی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌هایی است که فرد را برای سازش یافتگی مناسب با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می‌کند (به نقل از منوریان، امیری، ذاکری، ۱۳۹۴). به بیان ساده‌تر، هوش هیجانی باعث می‌شود تا افراد در مواجهه با وقایع مثبت یا منفی زندگی به موضع‌گیری یا سازش با آن وقایع بپردازند. انسان با برخورداری از هوش هیجانی به زندگی خود نظم و ثبات می‌بخشد، به طوری که هوش هیجانی بالا باعث می‌شود شخص وقایع منفی کمتری در زندگی تجربه کند.

در راستای اهداف پژوهش نتایج مطالعات عینی، ترابی، عبادی، کرمانی (۱۳۹۹) نشان داد که خودیگانگی تحصیلی گرایش به سوء مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند. خودیگانگی تحصیلی موجب فراهم آوردن پیامدهای منفی از جمله استعمال مواد مخدر، قرص‌های روان گردان می‌شود (اسکابرک و کوپر^۷، ۲۰۲۲). مطالعات فراری، جانسون و مک کان^۸ (۲۰۱۹)

1. Pérez-Fuentes, Molero Jurado, Barragán Martín, & Gazquez Linares

2. Walton, Horton, Rifas-Shiman & Field

3. Fernie, Kopar, Fisher, & Spada

4. Daya & Hearn

5. Gareau, Chamandy, Kljajic & Gaudreau

6. Tras & Gökçen

7. Schabracq & Cooper

8. Ferrari, Johnson, McCown

بیانگر ارتباط بین اهمال‌کاری تحصیلی و اعتیادپذیری است. پیرزاده، نظری، زهراکار (۱۳۹۵) در مطالعات خود دریافتند که عملکرد خانواده پیش‌بینی کننده گرایش به مواد مخدر در دانش‌آموزان است. سوءمصرف مواد به عنوان یک رفتار اجتماعی آموخته شده تلقی می‌شود که نتیجه تعامل عوامل فردی، خانوادگی اجتماعی است و نوجوانان دارای مهارت‌های اجتماعی و فردی ضعیف؛ نه تنها در برابر عوامل مشوق مصرف مواد آسیب پذیر هستند، بلکه تمایل دارند از مصرف مواد به عنوان جایگزینی برای راهبردهای مقابله‌ای سازش یافته استفاده کنند (ولدبیگی، نیک بخت، لشکری، ۱۳۹۶).

با توجه به مطالعات انجام شده بالا، یکی از مدل‌هایی که در سال‌های اخیر در تبیین و پیشگیری از سوءمصرف مواد بسیار سودمند بوده است، مدل عوامل خطر ساز و حفاظت کننده است طبق این مدل، بر اساس انواع متنوعی از عوامل خطر ساز و حفاظت کننده در سطوح مختلف خانواده، اجتماع، مدرسه، گروه همسالان و فرد، میتوان رفتار مصرف مواد را در نوجوانان پیش‌بینی کرد. عوامل خطر ساز شامل موقعیتهای، ویژگیها، متغیرها و رویدادهایی هستند که احتمال سوءمصرف مواد را افزایش میدهند و در مقابل عوامل حفاظت کننده، عواملی هستند که اثر عوامل خطر ساز را خنثی کرده، در نتیجه احتمال وقوع مشکل را کاهش می‌دهند (محمدخانی و رضایی جمالویی، ۱۳۹۵). لذا این تحقیق به دنبال پیش‌بینی گرایش به سوء مصرف مواد بر اساس خودبینی تحصیلی، عملکرد خانواده و اهمال‌کاری تحصیلی با میانجی‌گری هوش هیجانی در دانش‌آموزان بود.

روش

روش تحقیق این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان بیجار در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به تعداد ۵۰۰ نفر بودند. که با توجه به جدول گرجسی-مورگان، ۲۰۱۷ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود، تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، کسب نمره بالاتر از خط برش در پرسش‌نامه گرایش به مواد مخدر، تحصیل در مقطع دوم متوسطه شهرستان بیجار بود و ملاک‌های خروج، وجود پرسش‌نامه‌های مخدوش بود که با توجه به توضیحات هیچ پرسش‌نامه‌ای مخدوش نبوده است. در این پژوهش اصول اخلاقی شامل حفظ حریم خصوصی افراد و رازداری رعایت شده است. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره تحلیل شد. داده‌های پژوهش با آزمون تحلیل مسیر و استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ و AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه گرایش به سوء مصرف مواد: این پرسش‌نامه دارای ۱۶ سوال است و هدف کلی آن بررسی میزان تمایل به اعتیاد از سه بعد اجتماعی، فردی و محیطی در افراد مختلف میباشد می‌باشد. این پرسش‌نامه توسط فرجاد (۱۳۸۵) با استفاده از برخی منابع علمی طراحی گردید است. ابعاد پرسش‌نامه شامل سه بعد محیطی (خانوادگی و فامیلی)، فردی و اجتماعی است. دامنه امتیاز این پرسش‌نامه بین ۱۶ تا ۸۰ خواهد بود. هر چه امتیاز حاصل شده از این پرسش‌نامه بیشتر باشد، نشان دهنده میزان بیشتر تمایل به اعتیاد در افراد خواهد بود و بالعکس. در پژوهش میرحسامی (۱۳۸۸) جهت روایی صوری پرسش‌نامه و صحت و سقم سوالات، پرسش‌نامه در بین تعدادی از دانشجویان توزیع شد و پس از اطمینان از روایی پرسش‌نامه، آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ به دست آمد.

ب) پرسش‌نامه از خودبینی تحصیلی: این پرسش‌نامه توسط جانسون^۱ (۲۰۰۵) ساخته شده است. این پرسش‌نامه از ۴ سؤال تشکیل شده است و سؤالات بر اساس طیف لیکرت پنج درجه ای از کاملاً غلط ۱ تا کاملاً درست ۵ تنظیم شده اند. دامنه امتیاز این پرسش‌نامه بین ۴ تا ۲۰ خواهد بود. هر چه امتیاز حاصل شده از این پرسش‌نامه بیشتر باشد، نشان دهنده میزان بیشتر از خودبینی تحصیلی در افراد خواهد بود و بالعکس. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش جانسون (۲۰۰۵) ۰/۷۷ بدست آمد. در این مطالعه نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۸۷ بدست آمد که نشانگر پایایی مناسب ابزار می‌باشد.

ج) پرسش‌نامه عملکرد خانواده: پرسش‌نامه عملکرد خانواده پرسش‌نامه ای ۶۰ سوالی است که برای سنجش عملکرد خانواده توسط بیشاب، اپشتین و بالدوین^۲ در سال ۱۹۸۰ بر اساس الگوی مک مستر تدوین شده است. این آزمون دارای شش خرده مقیاس حل مسئله، ارتباط، نقش، پاسخگویی عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار و یک نمره به عنوان کارکرد کلی می‌باشد. تمام هفت مقیاس درونی آن همسانی درونی قابل توجهی دارند (آلفای کرونباخ ۰/۷۲ تا ۰/۹۲) اعتبار و بازآزمایی آن در عرض یک هفته رضایت بخش بود (۰/۶۶ تا ۰/۷۶). در پژوهش زاده محمدی و ملک خسروی (۱۳۸۵) آلفای کرونباخ بعد کارکرد کلی ۰/۸۲ بوده است. و همچنین بین تمام خرده مقیاس‌ها و عملکرد کلی خانواده همبستگی ۰/۴۷ تا ۰/۹۷ به دست آمد. آزمودنی برای هر ماده یکی از گزینه‌های کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم را انتخاب میکند (کاملاً موافقم: ۱ موافقم: ۲ مخالفم: ۳ کاملاً مخالفم: ۴). هریک از اعضای خانواده که بیش از ۱۲ سال سن داشته باشند می‌تواند این پرسش‌نامه را پر کند. نمره بالاتر نشانگر کارکرد ناسالم تر است. دامنه امتیاز این پرسش‌نامه بین ۶۰ تا ۲۴۰ خواهد بود.

د) پرسش‌نامه اهمال کاری تحصیلی: این مقیاس توسط سولومون و راث بلوم^۳ برای بررسی اهمال کاری تحصیلی در سه حوزه آماده کردن تکالیف، آمادگی برای امتحان و تهیه گزارش نیم‌سال، ساخته شده و شامل ۲۱ گویه است (توکائو، واشیکا، دولگووا^۴، ۲۰۱۳). در مقابل هر گویه، طیف چهار گزینه‌ای از به ندرت «نمره ۱» تا تقریباً همیشه «نمره ۴» قرار دارد. در پژوهشی پایایی مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و برای احراز روایی از روش تحلیل عاملی، استفاده شد که مقدار شاخص KMO برابر با ۰/۸۸ و همچنین، مقدار عددی شاخص X2 در آزمون کرویت بارتلت برابر با ۳۸۴/۲۱۵۸ به دست آمد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود که نشانگر کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب شده برای انجام تحلیل عاملی می‌باشد. نتایج این تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی، بیانگر وجود یک عامل کلی در پرسش‌نامه اهمال کاری بود. همبستگی گویه‌ها با نمره کل پرسش‌نامه را مطلوب و معنادار و ضریب پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ گزارش شده است (جوکار و دلاورپور، ۱۳۸۶). نقطه برش برای تشخیص اهمال کاری در پژوهش‌های انجام یافته مشخص نشده و بیشتر مطالعات کسب نمره بالا در مقیاس اهمال کاری را ملاک اهمال کار بودن در نظر گرفته‌اند (محمد امینی، محمودی، چپانه و گلپور، ۱۳۹۵).

ه) پرسش‌نامه هوش هیجانی: پرسش‌نامه هوش هیجانی توسط برادبری و گریوز^۵ (۲۰۰۴) ساخته شده است و توسط گنجی (۱۳۸۴) ترجمه و اعتباریابی شده است. این پرسش‌نامه و آزمون شامل ۲۸ ماده است که بر اساس مقیاس ۶ درجه ای لیکرت نمره گذاری می‌شود و چهار مولفه خود آگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه را می‌سنجد و یک نمره کلی هوش هیجانی نیز به دست می‌دهد. جمع نمراتی که آزمودنی در کل پرسش‌نامه کسب میکند، نمره کل آزمون را تشکیل میدهد. حداقل نمرات آزمودنی ۲۸ و حداکثر نمرات ۱۶۸ می‌باشد. برای تعیین روایی، این آزمون به همراه آزمون هوش هیجانی بار-ان در یک گروه ۹۷ نفری اجرا شد که ضریب همبستگی در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار بود (گنجی، ۱۳۸۴). در بررسی گنجی

1. Johnson

2. Epstein, Bishop & Baldwin

3. Solomon and Roth Bloom

4. Tukaev & Washika, Dolgova

5. Bradberry- Greaves

(۱۳۸۴) ضرایب پایایی مولفه‌های هوش هیجانی به ترتیب برابر با ۰/۷۳، ۰/۷۸، ۰/۷۶ و ۰/۷۶ بود. به علاوه آزمون در گروه ۲۸۴ نفری دیگر (۱۱۵ پسر، ۱۳۹ دختر) فقط یکبار اجرا شد و ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بود. در پژوهش حاضر نیز پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بدست آمد که نشان دهنده پایایی بالای آزمون می‌باشد (برادبری و گریوز ترجمه مهدی گنجی، ۱۳۸۴).

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت شناختی نشان داد که میانگین سن شرکت کنندگان در پژوهش ۱۷/۲ بود. ضریب همبستگی میان متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	اهمال کاری تحصیلی	از خودبیگانگی تحصیلی	هوش هیجانی	عملکرد خانواده
ضریب همبستگی	۰/۳۱۱	۰/۳۸۵	-۰/۳۹۵	-۰/۵۰۵
معنی داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد	۲۱۷	۲۱۷	۲۱۷	۲۱۷

نتایج جدول ۱ نشان داد که بین سوء مصرف مواد با از خودبیگانگی تحصیلی، اهمالکاری تحصیلی همبستگی مثبت و معنادار و با عملکرد خانواده، و هوش هیجانی همبستگی منفی و معنادار دارد ($P < ۰/۰۵$). نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه سلسله

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه سلسله مراتبی متغیرهای پژوهش

مرحله	متغیر	بتا (Beta)	t	R	R ²	F	df	p
مرحله اول	اهمال کاری تحصیلی، عملکرد خانواده، از خود بیگانگی تحصیلی	-۰/۴۶۰	-۷/۳۵۱	۰/۵۴۹	۰/۳۰۱	۳۱/۹۷	۳	۰/۰۰۱
		-۰/۲۲۰	-۴/۷۹					۰/۰۰۱
		-۰/۳۷۹	-۶/۵۹					۰/۰۰۱
مرحله دوم	اهمال کاری تحصیلی، عملکرد خانواده، از خود بیگانگی تحصیلی، هوش هیجانی	-۰/۲۹۲	۵/۰۳	۰/۵۵۳	۰/۳۰۳	۵۵/۷۹	۳	۰/۰۰۱
		-۰/۴۱	۷/۳۶	۰/۵۵۶	۰/۳۰۲	۴۰/۶۵	۴	۰/۰۰۵
		-۰/۱۹۰	۲/۳۲					۰/۰۰۱
		-۰/۴۸۹	۶/۵۲					۰/۰۰۱

مراتبی در جدول ۲ ارائه شده است.

نتایج جدول ۲ بیانگر آن است که اهمال کاری تحصیلی، عملکرد خانواده و از خود بیگانگی تحصیلی هم به صورت مستقیم و هم با واسطه هوش هیجانی می‌توانند سوء مصرف مواد را در دانش‌آموزان پیش بینی نمایند ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۳. مقایسه شاخص‌های برازش سه مدل

مدل	X2/df	GFI	CFI	RMSCA	AIC	MECVI
مدل کامل	۶/۵۰۳	۰/۸۳۹	۰/۸۴۰	۰/۱۲۷	۷۰۸/۸۲۳	۲/۰۷۸
مدل میانجی	۳/۴۴۳	۰/۸۹۸	۰/۹۳۲	۰/۸۴	۴۰۶/۲۰۸	۱/۱۹۷
مدل غیرمستقیم	۳/۸۵۸	۰/۸۸۱	۰/۹۱۷	۰/۰۹۱	۴۵۲/۲۷۴	۱/۳۳۰

پس از تایید نقش سوء مصرف مواد برای بررسی برازندگی مدل مذکور و تعیین شاخص‌های نیکویی برازش مدل، از نرم افزار Amos استفاده شده ی زیر بر این اساس مقدار شاخص های GFI، AGFI، RFI، RMSEA، به ترتیب برابر با ۰/۹۹، ۰/۹۸، ۰/۹۰ و ۰/۰۹۱ به دست آمد که نشان از برازندگی بسیار مطلوب مدل و تطابق آن با داده‌های تجربی داشت. نتایج مراحل مربوط به بررسی مسیرهای موجود در مدل به منظور آزمون نقش واسطه ای هوش هیجانی در رابط میان اهمال کاری تحصیلی، عملکرد خانواده و از خود بیگانگی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. ضرایب مسیر ساختاری اثرات میانجی

اثر میانجی	B	B ضریب مسیر	انحراف معیار	C/R مقدار بحرانی	مسیر
خودبینگانی آموزشی-هوش هیجانی	۰/۳۵۹	۰/۶۳۵	۰/۰۳۲	۲/۲۱۴	C2
سوء مصرف مواد - هوش هیجانی	۰/۱۶۷	۰/۳۶۶	۰/۰۹۹	۱/۶۷۹	B ₁
عملکرد خانواده -هوش هیجانی	۰/۱۹۶	۰/۵۲۰	۰/۷۷	۲/۵۶۶	C ⁴
اهمال کاری تحصیلی - هوش هیجانی	۰/۲۸۸	۰/۷۳۱	۰/۰۵۰	۵/۷۲۷	D

نتایج جدول ۴، ضرایب ساختاری نشان می‌دهد که در مدل میانجی متغیر از خودبینگانی آموزشی ۰/۶۳۵، عملکرد خانواده ۰/۵۲۰، هوش هیجانی ۰/۳۶۶ و اهمال کاری تحصیلی ۰/۷۳۱ از گرایش به مصرف مواد را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

تغییرات جسمی و روانی که در دوران نوجوانی از زندگی نوجوانان اتفاق می‌افتد، موجب آسیب پذیری بیشتر نوجوان، می‌شود. لذا به نظر می‌رسد نوجوانی خطرناکترین بخش زندگی برای شروع مصرف مواد مخدر می‌باشد. مصرف مواد در این دوران علاوه بر دوره جوانی، میتواند بر بقیه ی دوران عمر فرد نیز مؤثر باشد (ولی زاده اردلان، یزدان پناه، ساروتیاری، مردانی و پارکالیان، ۲۰۱۹). یکی از چالش‌های مرتبط با سوء مصرف مواد در دوران نوجوانی، عملکرد تحصیلی و به تبع شناخت و بهبود بخشیدن به فرایندهای تدریس و یادگیری است که از اهداف اساسی روانشناسی تربیتی می‌باشد به همین علت میتوان دریافت که چرا تعیین عوامل تاثیر گذار در روند تحصیل همواره یکی از دغدغه‌های دست اندرکاران تعلیم و تربیت است و در همین راستاست که پژوهش دراین باره، هنوز هم در جریان است و محورهای مهمی را در برمیگیرد؛ اما تحقق یافتن هدفهای پرورشی، نیازمند آن است که نوجوانان بتوانند در محیط‌هایی مناسب، پاک و امن، و دور از هرگونه سوء مصرف مواد، رشد و تحصیل کنند. بالاین حال، رفتارهای گرایش به سوء مصرف مواد همچنان یکی از مشکلات مهم و اساسی جوامع است که این رفتارها

میتوانند بر بسیاری از عوامل تربیتی از جمله ازخودبیگانه شدن تحصیلی و تعلل ورزی در دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند که توجه به کاهش این رفتارها میتواند نقش مهمی در جنبه‌های تربیتی دانش‌آموزان ایفاء کند. خانواده یک سیستم پویاست که متشکل از روابط وابسته، درون بافت اقتصادی- فرهنگی و اجتماعی است و از قدیمی ترین و مهمترین نهادهایی است که انسان برای تنظیم و یکپارچه سازی رفتارهای خود بنا نهاده است. بررسی ها نشان داده اند که خانواده در رشد و پیشرفت فرزندان عاملی اثرگذار است و اگر فرزندان بخواهند پتانسیل خود را به حداکثر برسانند نیاز به حمایت والدین خود دارند. مطالعاتی که در این زمینه توسط پژوهشگران انجام شده حاکی از آن بوده است که خانواده عاملی حیاتی در سازگاری نوجوانان با شرایط پیش روی آنها است، چرا که اولین نهادی است که فرد قدم در آن می گذارد و تأثیرات آن بر آینده شخص از عوامل تعیین کننده هستند. بر اساسنتایج بررسی حاضر، بین از خود بیگانگی تحصیلی با گرایش به سوءمصرف مواد در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم رابطه وجود دارد. این نتایج با نتایج عینی، ترابی، عبادی و کرمانی (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. مطالعات نشان داده اند برخی از دانش‌آموزان در طول سال‌های مدرسه (از دوره ابتدایی تا متوسطه)، نگرش منفی نسبت به مدرسه پیدا می کنند که این روند، بیگانگی از تحصیلی می‌باشد (هاشر، هادجار، ۲۰۱۸). دانش‌آموزی که دچار ازخودبیگانگی تحصیلی است تصور می کند زندگی او از سوی دیگران طرح ریزی و کنترل می شود؛ در نتیجه مأیوس می شود و قادر نیست بر عواملی که بر او اثر می گذارند، کنترل داشته باشد با این حال آنچه درباره ازخودبیگانگی تحصیلی نگرانی ایجاد می کند، ارتباط آن با طیف وسیعی از تجربیات منفی (گرایش به سمت اعتیاد) و مسائل مربوط به مدرسه مانند مشارکت حداقلی دانش‌آموزان، سلامت روانی پایین، رفتارهای مختل کننده و کاهش پیشرفت تحصیلی است.

در این مطالعه نتایج همچنین نشان داده است بین عملکرد خانواده با گرایش به سوءمصرف مواد در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم رابطه وجود دارد که نتایج همسو با نتایج بدست آمده از مطالعات شیخ الاسلامی، قمری کیوی، فیاضی (۱۳۹۹)، محمدخانی و جمالویی (۱۳۹۴) می‌باشد. به نظر می‌رسد افزایش روزافزون اعتیاد به عنوان یکی از مهم ترین مشکلات جامعه امروزی را می‌توان در روابط فرد با خانواده جستجو کرد. هرگاه الگوهای رفتاری خانواده برای رسیدن به اهداف سودمند باشد عملکرد خانواده کارآمد و در غیر این صورت ناکارآمد است. در مطالعه همخوان دیگر با نتیجه تحقیق حاضر که در پاکستان انجام شد به این نتیجه رسیدند که عدم حمایت خانواده می‌تواند نقش موثری در گرایش جوانان به سمت وسوی مواد مخدر و بزهکاری در آنان داشته باشد (اولاح، شکیر، احمد و شکیر، ۲۰۲۱). روابط خانوادگی مطلوب در بین اعضای خانواده اثر مثبتی بر افزایش هوش هیجانی افراد دارد و هوش هیجانی مثبت دارای نقش حیاتی و تعیین کننده در سلامت روانی اجتماعی دارد و عدم وجود هوش هیجانی در نوجوانان به معنای آماده بودن زمینه برای وقوع انواع مشکلات، مسائل و اختلالات رفتاری از جمله گرایش به سوء مصرف مواد در آن ها خواهد بود. (ملک محمدی، نوری و ابن الشریه، ۱۳۹۰).

این مطالعه همچنین نشان داده است بین اهمال کاری تحصیلی با گرایش به سوءمصرف مواد در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم رابطه وجود دارد. که این نتیجه با نتایج حمیدی، مهدیه نجف‌آبادی، نمازیان نجف آبادی (۱۳۹۴)، حسن آباد، حبیبی عسگرآباد، خوش کنش (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. جوهره آسیب روانی گرایش به سوء مصرف مواد مرتبط با اهمال کاری تحصیلی در واقع به تعویق انداختن، تعلل ورزیدن، سبک گرفتن و سهل انگاری در کار است. بنابراین، اهمال هم در امور فردی و هم جمعی معنا و مفهوم پیدا می کند. اهمال کاری تحصیلی یکی از معضلاتی است که امروزه دانش‌آموزان و دانشجویان با آن روبرو هستند. اهمال کاری تحصیلی بیشتر در بین محصلان وجود دارد که باعث می‌شود که فرد از انجام تکالیف درسی یا خواندن

درس‌های لازم، سر باز می‌زند و آنها را به تأخیر می‌اندازد. بنا بر مطالعات لی، لی، گونگ، ژانگ^۱ (۲۰۲۰) این نوع اهمال‌کاری تأثیرات بسیار بدی بر تحصیل دانشجو یا دانش‌آموز دارد و می‌تواند نوجوانان را به سمت مواد مخدر سوق دهد.

از دیگر نتایج این پژوهش نشان داده است بین گرایش به سوء مصرف مواد بر اساس خود بینگانی آموزشی با میانجی‌گری هوش هیجانی در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم رابطه غیر مستقیم وجود دارد. این بررسی نشان داده است از سویی وجود متغیر هوش هیجانی به عنوان یک میانجی می‌تواند رابطه بین از خود بینگانی تحصیلی با افزایش سوء مصرف مواد را به صورت غیر مستقیم تحت تأثیر قرار دهد. این بدان معناست که دارا بودن هوش هیجانی کم و زیاد می‌تواند در گرایش دانش‌آموزان و نوجوانان به سمت مصرف مواد یا عدم مصرف موثر باشد. این نتایج با نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات خسروی کبیر، موسوی، آقا یوسفی (۱۳۹۸)، بهرامی نژاد، بیرانوند، زارع، ارنواز (۱۳۹۶)، چرنیس، روچ، بارباراش^۲ (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. هوش هیجانی با شناخت فرد از خود و دیگران، ارتباط با دیگران، سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواسته‌های اجتماعی ضروری است ارتباط دارد و یک توانمندی تاکتیکی در عملکرد فردی محسوب می‌شود. هوش هیجانی پیش‌بینی موفقیت را ممکن می‌سازد، زیرا نشان می‌دهد که چگونه فرد بلافاصله دانش خود را در موقعیت‌های مختلف به کار می‌گیرد. به عبارت دیگر هوش هیجانی به تفاوت‌های افراد در ادراک، پردازش، تنظیم و به کارگیری اطلاعات هیجانی اشاره دارد. هوش هیجانی از دو حالت شناخت و هیجان تشکیل شده است. بنابراین افراد با هوش هیجانی بالاتر علاوه بر اینکه برای مقابله با تجربیات منفی زندگی سازگارتر هستند، در فهم درست و همدلی با هیجانات دیگران مهارت بیشتری دارند، از شبکه حمایت اجتماعی گسترده‌تری برخوردارند و دارای سلامت روان بالاتری می‌باشند و در نتیجه کمتر در معرض سوء مصرف مواد قرار می‌گیرند. باید در نظر داشت عاداتهای سوء مصرف مواد به متغیرهای روان‌شناختی از جمله ویژگی‌های شخصیتی و سطح هوشی فرد نیز بستگی دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند افرادی که نمی‌توانند برانگیختگی‌های خود را مهار کنند به احتمال زیاد به نظر می‌رسد مصرف کننده دائمی مواد شوند. مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه سطح هوش هیجانی افراد وابسته به مواد نیز نشان داده است که عملکرد شناختی و سطح هوش اغلب این افراد پایین‌تر از حد میانگین طبیعی است (اکبری زرادخانه، رستمی، زارعان، ۲۰۰۸). لذا با توجه به بررسی‌های پژوهشگران بنظر می‌رسد که سطح هوش هیجانی پایین‌تر در نوجوانان نقش موثری درازخودبینگانی تحصیلی در نوجوانان دارد و سبب گرایش بیشتر دانش‌آموزان پسر نسبت به مواد مخدر می‌شود.

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که وجود متغیر هوش هیجانی به عنوان یک میانجی می‌تواند رابطه بین عملکرد خانواده را در افزایش سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان به صورت غیر مستقیم تحت تأثیر قرار دهد. این بدان معناست که میزان هوش هیجانی در عملکرد خانواده و در گرایش دانش‌آموزان و نوجوانان به سمت سوء مصرف مواد موثر باشد. این نتایج با تحقیقات صورت گرفته توسط ریتانتی، پرماتاساری و نوردیاتامی^۳ (۲۰۲۳)، ژانگ و تن^۴ (۲۰۲۱)، همسو است. در تبیین گرایش به سوء مصرف مواد بر اساس عملکرد خانواده و هوش هیجانی نوجوانان با توجه به ارائه نظریه‌های محققین معلوم شده است که روابط خانوادگی مطلوب در بین اعضای خانواده اثر مثبتی بر افزایش هوش هیجانی افراد دارد و هوش هیجانی مثبت دارای نقش حیاتی و تعیین کننده در سلامت روانی اجتماعی دارد و میزان پایین هوش هیجانی در نوجوانان به معنای آمادگی بودن زمینه برای وقوع انواع مشکلات، مسائل و اختلالات رفتاری از جمله گرایش به سوء مصرف مواد در آن‌ها خواهد بود (البرزی، صبری و بهرامی، ۱۳۹۲، همتی علمدارلو، محمداسماعیل بیگی و انجم شعاع، ۱۳۹۷)

1. Li, Li, Gong, Zhang, Zhou

2. Cherniss, Roche, & Barbarasch

3. Ritanti, Permatasari, Nurdiantami

4. Zhang, Tan

نتایج این بررسی همچنین نشان داده است که وجود متغیر هوش هیجانی به عنوان یک میانجی می‌تواند رابطه‌ی بین اهمال کاری تحصیلی را در افزایش سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان به صورت غیر مستقیم تحت تاثیر قرار دهد. این بدان معنا است که میزان هوش هیجانی می‌تواند در اهمال کاری و در گرایش دانش‌آموزان و نوجوانان به سمت مصرف مواد موثر باشد. نتایج تحقیق با نتایج بدست آمده از بررسی‌های احمدی، طولابی و ایلانلو (۱۳۹۹)، یعقوبی، محقق، امیری، اسفندیاری (۱۳۹۴) همسو است. امروزه اهمال کاری پدیده‌ای شناخته شده در زندگی روزمره به شمار می‌رود اهمال کاری تحصیلی، به تعویق انداختن انجام تکالیف آموزشی و پژوهشی است که عوامل هیجانی، انگیزشی و توانمندی‌های روان شناختی فراگیران در آن نقش دارند. هوش هیجانی نوعی از هوش اجتماعی است و به عنوان مهارتی تعریف می‌شود که فرد را برای تعامل مثبت با زندگی و جامعه آماده می‌کند تا بتواند در زندگی موفق شود، در واقع میتوان گفت که هوش هیجانی با کنترل هیجانات، احساسات و مدیریت استرس، باعث بهبود عملکرد فرد می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند که افراد با هوش هیجانی پایین تر، توانایی‌های مورد نیاز جهت مدیریت احساسات خود را در شرایط نامطلوب ندارند؛ و گاهی می‌تواند افراد را به سمت مصرف مواد سوق دهد (کیم و هان^۱، ۲۰۱۵). به طور کلی عوامل متعددی می‌توانند گرایش به سوء مصرف مواد را در بین دانش‌آموزان پیش بینی نمایند. این پژوهش مانند اکثر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. از مهمترین محدودیت که امید می‌رود در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد این بوده است که این پژوهش تنها بر روی پسران انجام شد، لذا امکان تعمیم نتایج پژوهش به دختران با محدودیت مواجه است؛ پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی بر روی دختران با دیگر مقاطع تحصیلی و در مناطق مختلف انجام شود که به غنای اطلاعات کمک شود. همچنین ممکن است تنوع فرهنگی نیز ممکن است بر روی نتایج پژوهش تاثیر بگذارد، لذا پیشنهاد می‌گردد در دیگر مناطق کشور نیز اجراء شود. با توجه به نتایج پژوهش و نقش میانجی هوش هیجانی در ارتباط بین خودبینی تحصیلی، عملکرد خانواده و اهمال کاری تحصیلی، پژوهشگران و روان‌شناسان از طریق مداخلات مشاوره‌ای و آموزش راهبردهای مقابله‌ای کارآمد دانش‌آموزان را در مواجهه با موقعیت‌های خطرناک مصرف مواد و وابستگی راهنمایی نمایند. و با توجه به اینکه هوش هیجانی، قابل آموزش و ارتقا می‌باشد لذا با آموزش در راستای افزایش مهارت‌های هوش هیجانی به آنها کمک کنند که نشانگان گرایش به سوء مصرف مواد را مدیریت نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافع را در مطالعه اعلام نکرده‌اند.

حامی مالی

نویسندگان اذعان می‌کنند که هیچ گونه حمایت مالی برای تمام مراحل مطالعه، نگارش و انتشار مقاله دریافت نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از تمامی افرادی که در مطالعه شرکت کردند، صمیمانه تشکر می‌کنند.

1. Kim, Han

منابع

- احمدی، صدیقه؛ طولابی، سعید و ایلانلو، حسین (۱۳۹۹). پیش‌بینی گرایش به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم منطقه ۱۲ تهران بر اساس میزان تاب‌آوری و اهمال‌کاری تحصیلی در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ۲۳(۱): ۱۱۷-۱۰۸
- اکبری زردخانه، سعید؛ رستمی، رضا و زارعان، مصطفی (۱۳۸۷). رابطه هوش هیجانی، مکانیسم دفاعی و اعتیاد. *روانشناسان ایران*، ۴(۱۵)، ۷-۱۵
- البرزی، محبوبه؛ صبری، مصطفی و بهرامی، محمود (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۹(۲)، ۳۵-۶۳
- برادبری، تراویس؛ گریوز، جین (۲۰۰۵). *هوش هیجانی (مهارت‌ها و آزمون‌ها)*. ترجمه مهدی گنجی، ۱۳۸۴ تهران
- بهرامی نژاد، عاطفه؛ بیرانوند، افسانه؛ زارع، سودابه و ارنواز، معصومه (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و گرایش به اعتیاد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان. *مجله علمی پژوهشی یافته*، ۱۹ (۴)، ۱۱۳-۱۲۰
- پیرزاده، حجت‌اله؛ نظری، علی محمد و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۵). بررسی نقش عملکرد خانواده در پیش‌بینی گرایش به مواد مخدر در دانش‌آموزان. *نشریه طب انتظامی*، ۵(۳)، ۱۸-۱
- جبرائیلی، هاشم؛ حبیبی، مجتبی (۱۳۹۵). نقش تعدیل‌کننده هوش هیجانی در رابطه با اثر آمادگی برای اعتیاد بر مصرف مواد. *دستاوردهای روانشناسی بالینی*، ۲(۱)، ۶۹-۸۴
- جوکار، بهرام؛ دلاورپور، محمدآقا (۱۳۸۶). رابطه تعلل ورزی آموزشی با اهداف پیشرفت. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۳(۳)، ۸۰-۶۱
- حسن آباد، فاطمه؛ حبیبی عسگرآباد، مجتبی و خوش‌کنش، ابوالقاسم (۱۳۹۶). مقایسه نگرش‌های ناکارآمد، اهمال‌کاری و سبک‌های تصمیم‌گیری در معتادان با و بدون سابقه عود. *سلامت اجتماعی*، ۴(۲)، ۱۵۵-۱۴۷
- حمیدی، فریده؛ مهدیه نجف‌آبادی، مجید و نمازیان نجف‌آبادی، ثمانه (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین اعتیاد به اینترنت اهمال‌کاری تحصیلی در دانش‌آموزان متوسطه، فناوری آموزش و یادگیری، ۱ (۳)، ۱۰۶-۸۹
- خان، ویدا؛ ایمانی، سعید؛ شکری، امید و عزیززاده گورادل، جابر (۱۴۰۱). مدل یابی روابط علی تاب‌آوری و ذهن آگاهی با بهزیستی ذهنی افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد: نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۱۶ (۶۵)، ۱۴۸-۱۲۱
- خسروی کبیر، زهرا؛ موسوی، سید ولی‌اله و آقایوسفی، علیرضا (۱۳۸۸). مقایسه هوش هیجانی و سلامت روانی در معتادان به مواد مخدر و افراد عادی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان*، ۸(۷۰)، ۹-۱۶
- رهدار، مینا؛ باقرپور، معصومه (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش مفاهیم معنوی با محوریت مذهب بر میزان از خودبینی‌نگاری تحصیلی و بهبود مولفه‌های هویت تحصیلی در دانش‌آموزان. *فصلنامه علمی پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۱۱(۱)، ۹۷-۱۰۶
- زاده محمدی، علی؛ ملک خسروی، غفار (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده (FAD) خانواده پژوهی. ۵، ۶۹-۸۹
- شیخ‌الاسلامی، علی؛ قمری کیوی، حسین و فیاضی، مینا (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تاب‌آوری در دانش‌آموزان با آمادگی به اعتیاد. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۱۴ (۵۸)، ۱۱-۳۰
- شیخ‌نژاد، فاطمه؛ سیدفاطمی، نعیمه؛ نوروزی، محمدرضا و حقانی، حمید (۱۳۹۸). بررسی تاثیر آموزش گروهی بر تمایلات وسوسه‌انگیز در افراد با سوء مصرف مواد در مرکز ترک اعتیاد پنجم آذر گرگان، دومین همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی، شیروان صفی‌زاده، مطهره؛ دارباز، محمد و شهسواری، زهرا (۱۴۰۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده و عملکرد خانواده با گرایش به اعتیاد، چهارمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب.
- عینی، ساناز؛ ترابی، نغمه؛ عبادی، متین و کرمانی، علی (۱۳۹۹). پیش‌بینی گرایش به سوء مصرف مواد مخدر بر اساس خودبینی‌نگاری تحصیلی، هیجان‌های تحصیلی منفی و خودکارآمدی عمومی در دانش‌آموزان. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۱۴(۵۶)، ۱۰۰-۷۹

- فراجاد، محمدحسین (۱۳۸۵). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، نشر معلم، ۱۳۸۵
- فلاحی، وحید؛ میکائیلی، نیلوفر؛ عطادخت، اکبر و احمدی، شیرین (۱۳۹۸). نقش خودتنظیمی و ازخودبیگانگی تحصیلی در پیش‌بینی انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۶(۵): ۷۲-۸۲
- کیالها، شقایق (۱۴۰۱). اعتیاد در نوجوانان: مروری بر نقش عملکرد خانواده. *فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی*، ۱۲(۱۶)، ۱-۲۲
- محمد امینی، زرار؛ محمودی، هیوا؛ چیانه، جعفر و گلپور چمرکوهی، رضا (۱۳۹۵). بررسی نقش اهمال‌کاری تحصیلی در انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان. *دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه*. دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۸-۱
- محمدخانی، شهرام؛ رضایی جمالویی، حسن (۱۳۹۵). رابطه‌ی مصرف سیگار و قلیان با عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی نوجوانان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۳(۲)، ۲۶۲-۲۸۰
- منوریان، عباس، امیری، حامد و ذاکری، سپیده. (۱۳۹۴). بررسی نقش هوش هیجانی در ارتقای اثربخشی سازمانی. *فصلنامه علمی مطالعات منابع انسانی*، ۱۵(۱)، ۱۶-۱
- ملک محمدی، محسن؛ نوری، حسنعلی و ابن الشریه، میلاد (۱۳۹۵). هوش هیجانی، ابعاد، ویژگی‌ها و مدل‌های آن. *مجله روانشناسی*، ۱۳(۱)، ۱۷-۱
- میرحسامی، شریف (۱۳۸۸). بررسی نقش خانواده در گرایش جوانان و نوجوانان به اعتیاد، پایان نامه کارشناسی. دانشگاه پیام نور
- نعمتی سوگلی تپه، فاطمه؛ خالدیان، محمد (۱۴۰۱). مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر عود مجدد به سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد با رویکرد گراندد تئوری. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۱۶(۶۴)، ۳۰۷-۲۷۹
- ولدبیگی، اقبال؛ نیک بخت، عیسی و لشکری، امیر (۱۳۹۶). گرایش به مصرف مواد مخدر در بین دانش‌آموزان دبیرستانی دبیرستانهای شهر مریوان، *رفاه اجتماعی*، ۱۷(۶۴)، ۲۵۹-۲۳۷
- هاشمی زاده نهی، نرگس؛ جاجرمی، محمود و مهدیان، حسین (۱۳۹۹). اثربخشی طرحواره درمانی گروهی بر تعلل‌ورزی تحصیلی و خودتنظیمی در یادگیری دانش‌آموزان دختر مقطع دوم متوسطه. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۱۰(۱)، ۷۰-۸۶
- همتی علمدارلو، قربان؛ محمداسماعیل بیگی، حانیه؛ انجم شعاع، محمد رئوف (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی هوش هیجانی دانش‌آموزان با اختلال یادگیری خاص. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۱۳۹۷؛ ۵(۳)، ۱۱۵-۱۲۵
- یعقوبی، ابوالقاسم؛ محقق، حسین؛ امیری، لادن و اسفندیاری، کیوان (۱۳۹۴). رابطه بین نگرش نسبت به سوء مصرف مواد با باورهای غیرمنطقی و اهمال‌کاری تحصیلی. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۹(۳۶)، ۹-۱۸
- Bliuc, A. M., Doan, T. N., & Best, D. (2019). Sober social networks: the role of online support groups in recovery from alcohol addiction. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 29(2), 121-132.
- Bishop, D. S., Epestine, N.B., & Baldwin, L. M. 1980. Structuring a family assessment. *Canadian Family Physician*, 26: 1534-1537.
- Cherniss, C., Roche, C., & Barbarasch, B. (2016). Emotional intelligence. *Encyclopedia of Mental Health (Second Edition)*, (pp. 108-115). Oxford: Academic Press.
- Daya, Z., & Hearn, H. (2018). Mindfulness interventions in medical education: A systematic review of their impact on medical student stress, depression, fatigue and burnout. *Medical Teacher*, 40(2), 146-153.
- Fernie, B. A., Kopar, U. Y., Fisher, P. L., & Spada, M. M. (2018). Further development and testing of the metacognitive model of procrastination: Self-reported academic performance. *Journal of affective disorders*, 240, 1-5.
- Ferrari, J., Johnson, J., McCown, W. (2019). Procrastination and Task Avoidance--Theory, *Research and Treatment*. Verlag-Springe, 1(1): 14-26.
- Gareau, A., Chamandy, M., Kljajic, K., & Gaudreau, P. (2018). The detrimental effect of academic procrastination on subsequent grades: The mediating role of coping over and above past achievement and working memory capacity. *Anxiety Stress Coping*, 32(2), 141-154.
- Johnson, G.M. (2005). Student Alienation, Academic Achievement, and WebCTUse. *Journal of Educational Technology & Society*, 8(2), 179-189.
- Hascher, T., Hadjar, A. (2018). School alienation--theoretical approaches and educational research. *Educational Research*. 2018;60(2):171-88.

- Kim, M.R., Han, S.J.(2015). A study of emotional intelligence and coping strategies in baccalaureate nursing students. *Int J BioSci Biotechnol*.2015; 7(3):275-82. [DOI:10.14257/ijbsbt.2015.7.3.29].
- Li, J., Li, Y., Gong, Z., Zhang, J., Zhou, Z. (2021). Major and trace elements changes of female methamphetamine addicts during six months' compulsory treatment: Biomarkers discovery. *Forensic Science International*, 325(9): 89-102.
- Mey, L., Khairudin, R., Muda, T. (2020). *Survey dataset on the prevalence of childhood maltreatment history among drug addicts in Malaysia*. Data in Brief, 31(9): 58-64.
- Morinaj, J., Hadjar, A., & Hascher, T. (2020). School alienation and academic achievement in Switzerland and Luxembourg: a longitudinal perspective. *Soc Psychol Educ*, 23:279–314.
- Pérez-Fuentes, M. D. C., Molero Jurado, M. D. M., Barragán Martín, A. B., & Gazquez Linares, J. J. (2019). Family functioning, emotional intelligence, and values: Analysis of the relationship with aggressive behavior in adolescents. *International journal of environmental research and public health*, 16 (3), 478.
- Ritanti R., Permatasari, I., Nurdiantami, Y.(2023). Relationship between Resilience and Family Functioning with Drug Abuse Risk Behaviour among Adolescents. *Health Educ Health Promot* 2023; 11 (2) :239-243 URL: <http://hehp.modares.ac.ir/article-5-65307-en.html>.
- Schabracq, M., & Cooper, B. C. (2022). To be me or not to be me: About alienation. *Counselling Psychology Quarterly*, 16 (2), 53–79.
- Tian, Y., Yu, C., Lin, S., Lu, J., Liu, Y., & Zhang, W. (2019). Parental psychological control and adolescent aggressive behavior: Deviant peer affiliation as a mediator and school connectedness as a moderator. *Frontiers in psychology*, 10, 358.
- Tras, Z., & Gökçen, G. (2020). Academic Procrastination and Social Anxiety as Predictive Variables Internet Addiction of Adolescents. *International Education Studies*, 13(9), 23-35.
- Tukaev, S., Vasheka, T., Dolgova, O. (2013). The Relationships between Emotional Burnout and Motivational, Semantic and Communicative Features of Psychology Students. *Procedia - Soc and Behav Sciences*, 82(7), 553-556. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.06.308>.
- Valizadeh-Ardalan, P., Yazdanpanah, H., Servatyari, K., Mardani, N., & Parkalian, M. (2019). The frequency of substance abuse tendency and its related factors among high school students in Divandarreh City, Iran, in year 2018. *Chronic Diseases Journal*, 7(4), 233–239. <https://doi.org/10.22122/cdj.v7i4.463>.
- Ullah, A., Shakir, M., Ahmad, N., Shakir, G.(2021). The nexus of family environment with youth street criminal behavior in Khyber Pakhtunkhwa Pakistan. *Heliyon*. 2021;14;7(12):e08577. doi: <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2021.e08577>.
- Walton, K., Horton, N. J., Rifas-Shiman, S. L., Field, A. E., Austin, S. B., Haycraft, E., & Haines, J. (2018). Exploring the role of family functioning in the association between family dinner frequency and dietary intake among adolescents and young adults. *JAMA Network Open*, 1(7), e185217.
- Zeng, X., Tan, C.(2021) The Relationship between the Family Functioning of Individuals with Drug Addiction and Relapse Tendency: A Moderated Mediation Model. *Int J Environ Res Public Health*. 2021 Jan 13;18(2):625. doi: 10.3390/ijerph18020625. PMID: 33451020; PMCID: PMC7828550.

مطالعه پدیدارشناختی ادراک نوجوانان پسر از عشق

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۴/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۸/۱۰

منصوره نیکوگفتار^{۱*}، علی پیرحیاتی^۲، منزه مرادی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: عشق، بخشی جدایی‌ناپذیر تجربه انسانی است. ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های عشق به طور گسترده در فرهنگ عامه، کتاب‌های خودیاری و پژوهش‌های دانشگاهی مورد شرح و بسط قرار گرفته‌اند. حضور یا فقدان عشق می‌تواند تأثیرات نیرومندی بر رضایت افراد از رابطه با جنس مخالف و سلامت روانی آنها به طور کلی داشته باشد. هر چند عشق رمانتیک ابتدا در دوره نوجوانی ظهور و بروز پیدا می‌کند، اطلاعات چندانی راجع به برداشت‌های فردی از عشق در میان دختران و پسران در طول دوره نوجوانی و بعد از آن در دست نیست. پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه عشق رمانتیک در میان نوجوانان انجام شد.

روش: این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد پدیدارشناختی استعلایی (موستاکاس، ۱۹۹۴) صورت گرفت. جامعه مورد پژوهش از بین نوجوانان پسر ۱۷ تا ۱۹ ساله ساکن شهر تهران در بهار ۱۴۰۰ که تجربه رابطه رمانتیک داشتند، با استفاده از نمونه‌برداری هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت و با ۱۲ مصاحبه تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های باز و نیمه‌ساختار یافته جمع‌آوری شد و با روش کلایزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: پس از کدگذاری داده‌ها، یافته‌ها در پنج مقوله اصلی (میل به تجربه‌های نو، جذابیت جسمی و روانی، دم‌غنیمت‌شماری، عدم تعهد، هویت و خودشناسی) و هفده مقوله فرعی به‌دست آمد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش، منجر به کشف الگویی از تجارب انسانی در دوره نوجوانی، فهم چگونگی پدیده عشق در میان نوجوانان و شناخت بیشتر این گستره از تحول شد.

کلمات کلیدی: ادراک از عشق، نوجوانان پسر، مطالعه پدیدارشناختی.

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: m.nikoogoftar@pnu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه علم پزشکی آزاد اسلامی، قم، ایران.



A Phenomenological Study of Male Adolescents' Perceptions of Love

Received: 2024/07/08

Accepted: 2024/10/31

Mansooreh Nikoogoftar^{1*}, Ali pirhayati², Monazzah Moradi³

Original Article

Abstract

Introduction: Love is a fundamental aspect of human experience, extensively explored in popular culture, self-help literature, and academic research. Its presence or absence significantly influences relationship satisfaction with the opposite sex and overall mental health. Although romantic love typically emerges during adolescence, limited research exists on how adolescents, particularly boys, perceive this phenomenon. This study investigates the lived experiences of romantic love among male teenagers.

Method: This qualitative study adopted a transcendental phenomenological approach (Moustakas, 1994). Participants were purposively sampled from boys aged 17–19 living in Tehran in spring 1400 (March–June 2021), who had experienced a romantic relationship. Sampling continued until data saturation was achieved, resulting in 12 semi-structured, open-ended interviews. Data were analyzed using Colaizzi's method.

Results: Analysis revealed five main themes—desire for new experiences, physical and psychological attractiveness, body counting, lack of commitment, and identity and self-knowledge—encompassing seventeen subcategories.

Discussion: These findings illuminate a pattern of human experiences during adolescence, enhancing understanding of the phenomenon of romantic love among male teenagers and shedding light on this transformative developmental stage.

Keywords: Perceptions of Love, Male Adolescents, Phenomenological Study.

1. Associate Professor, Psychology Department, Payame Noor University, Tehran, Iran

*Corresponding author: m.nikoogoftar@pnu.ac.ir

2. M.A. in Psychology Department, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. M.A. in Psychology Department, Islamic Azam University, Qom, Iran

مقدمه

عشق، بخشی جدایی‌ناپذیر تجربه انسانی است. ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های عشق به طور گسترده در فرهنگ عامه، کتاب‌های خودیاری و پژوهش‌های دانشگاهی مورد شرح و بسط قرار گرفته‌اند. حضور یا فقدان عشق می‌تواند تأثیرات نیرومندی بر رضایت افراد از رابطه با جنس مخالف و سلامت روانی آنها به طور کلی داشته باشد. پژوهشگران حوزه عشق نشان داده‌اند که عشق، نه تنها به موازات پیش رفتن رابطه، بلکه بسته به گروه‌های سنی گوناگون، تجربه و بیان متفاوتی می‌یابد. هر چند عشق رمانتیک ابتدا در دوره نوجوانی ظهور و بروز پیدا می‌کند، اطلاعات چندانی راجع به تصورات فردی از عشق در میان دختران و پسران در طول دوره نوجوانی و پس از آن در دست نیست. توجه به برداشت از عشق در طول نوجوانی تنها حدود دو دهه سابقه دارد. برای درک بهتر شکل‌گیری روابط رمانتیک لازم است بررسی کنیم که دختران و پسران، عشق را در اولین روابط رمانتیک چگونه می‌بینند و این برداشت‌ها در مقایسه با برداشت‌های زنان و مردان در مراحل بعدی زندگی چگونه هستند (سامتر، والکنبرگ و پیتز، ۲۰۱۳).

پژوهشگران اعم از ایرانی و غیرایرانی عموماً دارای نظرات منفی نسبت به روابط رمانتیک در دوره نوجوانی هستند و آن را مرتبط با عواملی مثل درگیری با والدین، افسردگی، خشونت بین فردی، عدم موفقیت در مدرسه، مصرف مواد مخدر و ارتکاب جرم می‌دانند. این عوامل به طور خاص در محیط فرهنگی و سیاسی ایران که تا همین اواخر نگاهی کاملاً منفی به این روابط داشته است، طبعاً پررنگ‌تر خواهد بود. با این حال، برخی پژوهشگران (مانند مک‌کارتی و کیسی، ۲۰۰۸) معتقدند که جنبه‌های دیگر این روابط می‌تواند پیامدهای مثبتی نیز به همراه داشته باشد. یکی از پیامدهای مثبت و مهم، پر کردن شکاف میان وابستگی به والدین و شروع زندگی بزرگسالی است. همچنین برخی از پژوهش‌ها (نظیر کونولی، شولمن و بنونوتو، ۲۰۲۳؛ بک مایر و وایبرایت، ۲۰۲۰) نشان می‌دهد این روابط همچنین باعث بهبود یا تقویت استقلال، خودآگاهی و رضایت جنسی و روابط بین فردی می‌شوند.

چنان‌که روند یافته‌های پژوهش‌ها در دو سه دهه اخیر نشان می‌دهد، پیش‌فرض‌ها و برداشت‌های نوجوانان نسبت به رابطه رمانتیک در همین فاصله نسبتاً کوتاه، به صورت چشمگیری تغییر کرده است. مثلاً لوسک^۵ (۱۹۹۳) تجربیات عاشقانه بیش از سیصد نوجوان را برای شناسایی همبستگی‌ها و پیش‌بینی‌کننده‌های روابط عاشقانه رضایت‌بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و یافته‌ها نشان‌دهنده شباهت‌های جالب بین رابطه نوجوان و بزرگسال از نظر تعهد، ارتباط، همراهی و اشتیاق بود. این در حالی است که پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد روابط نوجوانان از قرارگذاری عاشقانه^۶ به سمت روابط جنسی بی‌تعهد^۷ (بروکس^۸، ۲۰۲۰) و از شور عاشقانه^۹ به سمت روابط نمایشی و رسانه‌ای حرکت کرده است (تابا^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۰؛ واترلاس، تولین، پورتر و بکرت^{۱۱}، ۲۰۱۸)، بنابراین به نظر می‌رسد که روابط عاشقانه در حال حاضر متفاوت از گذشته است.

1. Sumter, Valkenburg & Peter
2. Mccarthy & Casey
3. Connolly, J., Shulman, S., & Benvenuto
4. Beckmeyer & Weybright
5. Levesque
6. Dating
7. Hook-Up
8. Brooks
9. Passion
10. Taba
11. Vaterlaus, Tulane, Porter, & Beckert

با توجه به تغییر روابط عاشقانه و نیز از آنجا که هیچ تحقیق دیگری به بررسی تجارب زیسته نوجوانان ایرانی از نگاه پدیدارشناختی نپرداخته است و حتی به طور کلی پژوهش‌های کیفی در حوزه نوجوانان اندک است (ابدالی آقاگلی و امینی‌ها ۲۰۲۱؛ تقوی، آزادفلاح، موتابی و طلایی ۲۰۱۴)، این پژوهش با هدف شناسایی ادراک نوجوانان از عشق شکل گرفت.

روش

روش پژوهش کیفی پدیدارشناختی استعلایی موستاکاس (۱۹۹۴) بود که با الهام از هوسرل و کلایزی رویکرد مخصوص خود را برگزید. این رویکرد بیشتر بر تجربه شرکت‌کنندگان متمرکز است تا بر تفسیرهای پژوهشگر (هومسات، ۲۰۱۶). جهت شناسایی نمونه‌هایی با شرایط مورد نظر، از کارکنان و مشاور یکی از مدارس منطقه ۱۱ شهر تهران و همچنین از خود دانش‌آموزان برای معرفی نوجوانان دارای تجربه رابطه رمانتیک استفاده شد، بعد از شناسایی، برای مشارکت کنندگان، ضمن تشریح هدف اصلی پژوهش، به آنان اطمینان خاطر داده شد که مصاحبه به صورت محرمانه بوده و تمام نتایج فقط در چارچوب کار پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، دوازده نوجوان در دامنه سنی ۱۷ تا ۱۹ سال که تجربه رابطه رمانتیک داشتند تعیین شدند و هماهنگی جهت مصاحبه انجام شد. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان پژوهش به ترتیب ۱۸/۴۱ و ۴/۰۶ سال به دست آمد. پنج نفر از این افراد دارای دیپلم، دو نفر در پایه یازدهم، دو نفر در پایه دوازدهم و سه نفر سال اول دانشگاه بودند. برای مصاحبه با گروه نمونه، از پروتکل مصاحبه باز و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. به منظور حفظ تعهد اخلاقی در عدم افشای نام افراد نمونه، نقل قول‌ها با استفاده از اسامی مستعار ذکر شده‌اند.

دو پرسش اصلی مصاحبه در تحقیق حاضر این بود: چه احساسات، افکار و رفتارهایی با عشق دوره نوجوانی همراه است؟ (سوال بافتی اصلی) و چه عواملی در عشق نوجوانی نقش دارد؟ (سوال ساختاری اصلی). ترکیب توصیفات بافتی و ساختاری درک عمیق‌تری از پدیده ارائه می‌دهد. پس از تکمیل مصاحبه‌ها، متن گفته‌ها با دقت بررسی شد. سپس داده‌ها با ایجاد نمایه‌های تک تک شرکت‌کنندگان سازماندهی شد. هر نمایه از یک خلاصه کوتاه تشکیل شده بود و شامل اطلاعاتی از یادداشت‌های زمان مصاحبه، اطلاعات شرکت‌کنندگان و نکات برجسته مصاحبه بود.

هدف این بود که شرکت‌کنندگان و تجربیات زندگی‌شان شناخته شود و روشی مختصر برای سازماندهی داده‌ها در بین ۱۲ شرکت‌کننده در دست باشد. سپس کدگذاری داده‌ها آغاز شد. روش کدگذاری به روش سنتی تحلیل محتوا بود که در آن مضامین با توجه به کدها و دسته‌بندی داده‌ها شناسایی می‌شود. در تحلیل محتوا به روش سنتی، دسته‌بندی کدگذاری مستقیماً از داده‌های متنی مشتق می‌شود. اطلاعات جمع‌آوری شده در مصاحبه‌ها بدون پیش‌فرض به نقل قول‌ها یا عبارات تقلیل یافت، دسته‌بندی شد و در قالب مقوله قرار گرفت.

یافته‌ها

هدف اصلی تحقیق حاضر، تبیین تجربه عشق رمانتیک در نوجوانان بود که با هدف دستیابی به بینش عمیق راجع به پدیده عشق صورت گرفته است. مضامین به دست آمده از گفته‌های نوجوانان، بر اساس تجربه زیسته آنهاست. مقوله‌های مورد نظر از عبارت‌ها، کلمه‌ها و جمله‌های مصاحبه‌ها استخراج شدند و پس از ادغام مقوله‌ها و پالایش مصاحبه‌ها، پنج مقوله اصلی (میل به تجربه‌های نو، جذابیت جسمی و روانی، دم‌غنیمت‌شماری، عدم تعهد، هویت و خودشناسی) و هفده مقوله فرعی از مجموع آنها به دست آمد، به گونه‌ای که کلیه مقوله‌های استخراج شده، با هم در ارتباط بوده و الگویی از تجارب انسانی نوجوانان را آشکار ساخته است و به فهم چگونگی پدیده عشق در میان نوجوانان کمک می‌کند. نتایج در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های ادراک از عشق

مقوله‌ها	زیرمقوله ۱	زیرمقوله ۲	زیرمقوله ۳	زیرمقوله ۴
۱. میل به تجربه‌های نو	کنجکاوی	امید/گشودگی به هیجان	خلاصیت	استقلال از خانواده
۲. جذابیت جسمی و روانی احترام		حس ارزشمند بودن یا مفید بودن	خودشکوفایی	
۳. دم‌غنیمت‌شماری	لذت بردن از دلخوشی‌های کوچک	مبهم بودن آینده	عبرت	
۴. عدم تعهد	عدم شتاب	فاصله مکانی	ازدواج سفید	
۵. هویت و خودشناسی	شناخت تازه از خود	حس مسئولیت	تفکر مثبت	

۱- میل به تجربه‌های نو یکی از مضامین در نوجوانان شناخته شد. این مقوله به‌عنوان یکی از «پنج عامل بزرگ شخصیت» تعریف شده است (کاستا و مک‌کری، ۲۰۰۸). افرادی که دارای این ویژگی شخصیتی باشند نوعی کنجکاوی ذاتی دارند که به آنها اجازه می‌دهد نگرش‌های نوآورانه و منحصر به فرد خود را در زندگی به کار گیرند و آینده خود را همراه با امید و امکانات مثبت ببینند و با استفاده از واکنش‌های عاطفی و شناختی نسبت به موقعیت‌های خاص، راه‌حل‌های خلاقانه برای چالش‌های زندگی خود بیابند. کنجکاوی، امید/گشودگی به هیجان، خلاصیت و استقلال از خانواده، موضوعات فرعی مقوله اول بودند. مفهوم کنجکاوی به عنوان منبع انگیزه، یادگیری و توسعه عمیقاً در تاریخ روان‌شناسی بسیار مورد مطالعه قرار گرفته است. مانند بسیاری از جنبه‌های انگیزش انسان، کنجکاوی، هم به عنوان یک حالت و هم به عنوان یک ویژگی مورد بررسی قرار گرفته است.

کنجکاوی: در گفته‌های بسیاری از شرکت‌کنندگان وجود داشت. مثلاً صادق می‌گوید: از یه زمانی به بعد فکر آدم خیلی درگیر میشه. همه‌ش به دخترا فکر می‌کنی، حتی موقع درس خوندن. میلاد می‌گوید: اتفاقاً خیلی‌ها میگفتن از درست می‌افتی و باید وقت بذاری و ... ولی من می‌خواستم تجربه‌ش کنم.

امید/گشودگی به هیجان: زیرمقوله دوم است که حداقل از دهه ۱۹۵۰ در رشته‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است، زیرا محققان تلاش کرده‌اند تا ارتباط بین عملکرد انسان و این ساختار به ظاهر حیاتی و در عین حال اغلب انتزاعی را توصیف، توضیح و پیش‌بینی کنند. برخی تحقیقات (برای نمونه اشمید و لویز ۲۰۱۱) به نقش امید در مقابله با استرس، تنظیم هیجان و پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی در بین نوجوانان اشاره می‌کند. علاوه بر این، امید اخیراً در پژوهش‌های پرستاری با توجه به پتانسیل آن برای بهبود کیفیت زندگی در بیماران سرطانی نوجوان مورد توجه قرار گرفته است (اشمید و لویز ۲۰۱۱). در مصاحبه‌ها، مفهوم امید در دو جنبه متفاوت به کار می‌رفت. یک جنبه، پیش از آشنا شدن با جنس مخالف و درگیر شدن در رابطه بود و در این وضعیت، امید به معنای امید به برقراری ارتباط با جنس مخالف بود. در حالت دیگر، پس از آنکه رابطه شکل گرفت، امید به معنای انتظار معاشرت با جنس مخالف بود. مثلاً آرمان می‌گوید: توی دل آدم یه چیزی به وجود میاد دیگه. از بچگی حتی فیلم‌هایی که می‌بینیم نشون میده که انگار هدف از زندگی عشقه. آدم باید کسی رو پیدا کنه که دوستش داشته باشه. او در بخش دیگری از گفته‌هایش می‌گوید: انگار دوستم که دیگه نزدیکه پیدا ش کنم. وقتی هم بار اول دیدمش همون چیزایی که قبلاً فکر می‌کردم دوباره برام یادآوری شد.

سجاد می‌گوید: خیلی چیزا توی ذهنم بود که باید بهش می‌گفتم. به کسی دیگه نمی‌تونستم بگم. اینقدر حرف داشتم که تموم نمی‌شد... هنوز هم خیلی‌اشو نگفتم. اصلاً وقت نمی‌شه که بگم... اونم خیلی حرفا داره که به من بگه.

خلاصیت: مفهومی پویا است که در مجموعه وسیعی از تلاش‌های انسان کاربرد دارد. اگرچه در نحوه تفکر افراد در مورد خلاصیت تفاوت‌هایی وجود دارد، محققان خلاصیت (به نقل از ون درزندن، مایر و بگتو، ۲۰۲۰) عموماً موافق هستند که تعیین خلاصیت بر اساس ترکیب دو ویژگی کلیدی است: خلاصیت ترکیبی از اصالت (جدید بودن، تازگی) و مفید بودن (ارزش، معناداری)

است که در درون یک زمینه خاص تعریف شده است. در حالی که کودکان خردسال از قوانین معلمان خود پیروی می کنند، نوجوانان اغلب مایلند قوانین را به نفع افزایش حقوق خود بشکنند. برخی پژوهش ها نشان می دهد چگونه همسالان می توانند نوجوانان را به دلیل ترس از عواقب منفی (مثلاً عدم تأیید و طرد شدن) از پذیرفتن نقش خاصی منع کنند. میل شدید به تعلق اجتماعی در دوران نوجوانی می تواند منجر به تطبیق رفتار جوانان با رفتار افرادی شود که (می خواهند) خود را با آنها در یک گروه قرار دهند. این می تواند پیامدهایی برای رشد هویت خلاق آنها داشته باشد (ون درزندن، مایر و بگتو، ۲۰۲۰). گفته های نوجوانان در تحقیق حاضر حاکی از مقوله خلاقیت بود. حسن می گوید: توی گروه واتسپ [دانشگاه] به بعضی دخترا پیام دادم. سعی کردم علایق مشترک پیدا کنم. به بعضیاشون دروغ هم می گفتم که به فلان چیز علاقه دارم... بالاخره دخترا هم دوست داشتن با کسی آشنا بشن ... شرایط سختی بود [خنده] ... البته به این کسی که الان باهاش هستم دروغ نگفتم... [خنده] فکر می کنم نقشه بدی نیست. آرش می گوید: توی کلاس زبان آشنا شدیم... گفتم بیا مکالمه کار کنیم... حسین می گوید: می خواستم کسی رو پیدا کنم که [مثل خودم] به شعر و ادبیات علاقه داشته باشه... یه گروه تلگرامی زدم... وقت گذاشتم که تیکه های [قطعات ادبی] مناسب پیدا کنم...

استقلال از خانواده: یکی دیگر از زیرمقوله ها بود. نوجوانی خصوصاً در کشورهای اروپایی و آمریکایی اصولاً به مرحله گذار از خانواده به سمت استقلال تعریف می شود و این یکی از ویژگی های اصلی نوجوانی است. در ایران و سایر کشورهای روبه توسعه، فرایند استقلال از خانواده دیرتر صورت می گیرد، اما به هر حال، احساس نیاز به استقلال در نوجوانان به چشم می خورد. مثلاً رضا می گوید: ...کسی توی خانواده نبود که حس خوبی بهم بده... میلاد می گوید: پدر و مادر بیشتر باعث ناامیدی میشن... باید شرایط تغییر کنه... آرمان می گوید: نه با خانواده مشکلی نداشتم... ولی دیر یا زود آدم باید کس دیگه ای رو پیدا کنه...

۲- جذابیت جسمی و روانی مقوله دوم بود که برای همه نوجوانان وجود داشت. جذابیت را می توان به صورت انگیزه های انسانی به منظور رفع نیازهایی مانند امنیت فیزیکی، عشق/تعلق، احترام و خودشکوفایی تعریف کرد. مازلو (۲۰۱۴) معتقد است که فرد سالم، صرفاً برای رفع نیازها و رفع خلاها تلاش نمی کند. همه نوجوانان این تحقیق به جذابیت پارتنرهای خود و نیاز به عشق، احترام و خودشکوفایی اشاره کردند.

احترام: مثلاً آرش می گوید: همه ویژگی هامو دوست داره... رفتارهامو می پسنده... سیاوش می گوید: واسه هر تصمیمی چه کوچیک چه بزرگ اول اونو در نظر می گیرم. سهیل می گوید: شرایط منو درک می کنه... حرفامو می فهمه...

ارزشمندی و مفید بودن: صادق می گوید: ارزش خوشم میاد و اونم از من خوشش میاد. خیلی جاها با هم رفتیم... به اون خوش گذشت و به من هم خوش گذشت ... حس می کنم وقتی پیششم خوبم.

میلاد می گوید: توی حرفاش می فهمم که منو تکیه گاه میدونه...

خودشکوفایی: سهیل می گوید: یه مرحله توی زندگیم جلوتر رفتم... آرمان می گوید: [پارتنر قبلی] می گفت تو مشکل داری و رفتارت نرمال نیست... ولی حالا می دونم که همه چی خوبه. حسن می گوید: با میل بیشتری درس می خونم...

۳- دم غنیمت شماری، به معنای لذت بردن از لحظه حال یکی دیگر از مقوله ها بود. با توجه به اینکه در زمان انجام این تحقیق، بیش از یک سال از شیوع بیماری همه گیر کووید ۱۹ می گذشت و میزان مرگ و میر افراد بر اثر این بیماری بالا بود، می توان شرایط بیماری را از جمله عوامل تأثیرگذار بر چنین مقوله ای دانست. از طرف دیگر، تغییر الگوهای رابطه و وضعیت زندگی مشترک از نگاه نوجوانان را نیز باید در رابطه با شناخت بیشتر این ویژگی در نظر گرفت. بدیهی است که این مقوله، گرچه شباهت های ظاهری با مفهومی که در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی (و در ادبیات سایر زبان های جهان) تحت عنوان «دم غنیمت شماری» مطرح می شود، تفاوت های اساسی دارد و حاصل شرایط زندگی در جهان مدرن است. میلاد می گوید: از

وقتی که برای همدیگه می‌گذاریم و با همدیگه سپری می‌کنیم راضی هستیم... مهم‌ترین چیز زمان و نحوه ادامه رابطه در طول زمانه. محمد می‌گوید: من اصلاً توی برنامه‌ریزی ضعیفم... برای یک ساعت دیگه هم نمی‌تونم برنامه داشته باشم...
لذت بردن از دلخوشی‌های کوچک: میثم می‌گوید: همین که یکی دو ساعت با هم حرف می‌زنیم روحیه‌م کلاً عوض میشه...

سجاد می‌گوید: روزش رو برام تعریف میکنه... خیلی کیف میده. صادق می‌گوید: خب خیلی وقته ندیدمش... ولی همین که کسی هست که هر روز حالت رو بیرسه به آدم انرژی میده... خیلی‌ها این رو ندارن.

مبهم بودن آینده: آرش می‌گوید: با مملکتی که ما داریم، هیچی مشخص نیست [خنده]... فعلاً که با هم خوشیم. سجاد می‌گوید: بهش میگم از کجا معلوم فردا چی میشه. الان دایی من تو کماست [ابتلا به کرونا]... خب ما هم همینیم. سیاوش می‌گوید: ازدواج؟ [خنده] نه بابا... بعیده که ما با هم ازدواج کنیم. میلاد می‌گوید: پشیمونم که زودتر با یکی دوست نشدم... پسرعموم سی و چهار سالشه با کسی هم دوست نیست... بهش میگم خاک بر سرت.

عبرت: «عبرت» را به معنی درس گرفتن از زندگی دیگرانی معنا می‌کنیم که از لحظات کنونی زندگی خود استفاده نکرده‌اند. آرمان می‌گوید: مامان بابای ماها این همه سختی کشیده‌ن آخرش هم هیچ. همیشه منتظر فردا بودن... حالا دیگه من نمی‌خوام منتظر فردا بمونم. حسین می‌گوید: این همه آدم پولدار که بلد نیستن از زندگی خودشون لذت ببرن... بدون دلخوشی زندگی میکنن. دایی من ماشین آخرین مدل زیر پاشه، ولی میگه یک روز [ادامه‌ی] زندگی هم برام سخته. میلاد می‌گوید: حالا پسرعموی من این همه عمرش بدون عشق گذشت... آخرش چی.

۴- عدم تعهد یکی دیگر از مقوله‌هایی بود که تقریباً در همه موارد دیده شد. به نظر می‌رسد نوجوانان مشارکت‌کننده در این پژوهش تمایل دارند به پارتنر خود وابسته یا متعهد نشوند. این مقوله را می‌توان نشان‌دهنده تحولات اجتماعی و فرهنگی سریع در ایران دانست. در سال‌ها و دهه‌های گذشته، حداقل بسیاری از دختران از سنین نوجوانی به تشکیل زندگی مشترک فکر می‌کردند، اما چنان‌که تحقیقات معاصر نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر، روابط ناپایدار دوستی میان دختران و پسران و گسترش پدیده‌هایی مثل ازدواج سفید یا هم‌باشی، نمودی از این تغییر نگاه است.

عدم شتاب: آرش می‌گوید: هیچ‌کدوممون تصمیمی برای ازدواج نداریم. محمد می‌گوید: عشق نه، ولی قلباً مطمئنم دوستش دارم... برای اینکه بگم عشق هنوز زوده به نظرم. صادق می‌گوید: در حدی که آسیبی به رابطه و خودمون وارد نشه. زیاد در حد نرمال نه زیاد افراطی و اغراق‌آمیز. حسین می‌گوید: متوجه نمی‌شم وابستگی برای چی؟ هنوز یک سال نشده که با همیم.

فاصله مکانی: حدود نیمی از نوجوانانی که با آنها صحبت کردیم، اظهار داشتند که پارتنر خود را به‌طور مداوم نمی‌بینند و در برخی موارد هم پارتنر آنها در شهر دیگری سکونت داشت که بخشی از دلیل آن مربوط به شرایط کرونا بود. مثلاً آرمان می‌گوید: الان چهار ماهه [همدیگه رو ندیدیم]... حسن می‌گوید: به خاطر کرونا دانشگاه تعطیل شد... از حدود پنج ماه پیش [ندیدمش]... صادق می‌گوید: خب باید با اتوبوس برم. یک روز کامل توی راه باید باشم...

ازدواج سفید: شرکت‌کنندگان در مورد وضعیتی که برای آینده از نظر آنها قابل تصور است به شرایطی مثل ازدواج سفید یا هم‌باشی اشاره کردند. آرمان می‌گوید: اگر پول داشتم فعلاً به خونه اجاره می‌کردم با هم می‌رفتیم اونجا. حسن می‌گوید: شاید هم‌خونه بشیم... میلاد می‌گوید: قبل از ازدواج، باید زیر یه سقف با هم زندگی کنی تا متوجه بشی... [برای ازدواج] خیلی زوده... باید شناخت بیشتر بشه.

۵- هویت و خودشناسی: اریکسون بحران دوره نوجوانی (یازده تا نوزده سالگی) را «هویت در برابر سردرگمی» می‌داند. مهم‌ترین پرسش وجودی و هویتی پیش روی نوجوان آن است که «چه کسی هستم و چه کسی خواهم شد؟» نوجوانان تدریجاً

معنایی از هویت برای خود می‌سازند و برداشتی از اینکه چه کسی هستند و زندگی آنها به کجا خواهد رسید، به دست می‌آورند. همین برداشت و معناست که بسیاری از تصمیمات آنها را شکل می‌دهد (جلالی، برجلی، عسگری، اسکندری و سهرابی، ۲۰۲۲).

شکل‌گیری هویت یک امر مهم در نوجوانی است. از نوجوانان انتظار می‌رود به دنبال توسعه اهداف آموزشی و حرفه‌ای باشند و در عین حال تصویری از آنچه هستند و می‌خواهند باشند شکل دهند. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که یک هویت نسبتاً واضح و پایدار باعث می‌شود افراد در پیگیری تصمیم‌های مهم زندگی انعطاف‌پذیرتر، متفکرت‌تر و مستقل‌تر شوند و در همان حال حس شایستگی را ارتقا می‌دهد. با این حال، استدلال شده است که ایجاد یک هویت روشن و پایدار به دلیل فرایندهای فردی شدن، رهایی و مهاجرت به طور فزاینده‌ای چالش برانگیز شده است (ورهوون، پورتویس و وولمن، ۲۰۱۹).

اریکسون (۱۹۵۹؛ به نقل از کروگر، مارتینوسن و مارسیا، ۲۰۱۰) فرایند شکل‌گیری هویت در نوجوانی را به‌عنوان یک فرایند آهسته‌رشد من^۱ توصیف می‌کند که در آن هویت‌های دوران کودکی به تدریج با پیکربندی جدیدی که چیزی فراتر از مجموع اجزای آن است جایگزین می‌شود. شکل‌گیری هویت در نهایت از جایی آغاز می‌شود که سودمندی هویت‌های قبلی به پایان می‌رسد. این امر از انکار گزینشی و جذب متقابل هویت‌های دوران کودکی در یک پیکربندی جدید ناشی می‌شود که به نوبه خود به فرایندی بستگی دارد که جامعه طی آن، نوجوان را به بخشی از خود تبدیل می‌کند. از نظر اریکسون، تبلور اولیه هویت در دوران کودکی رخ می‌دهد. با این حال، در دوران نوجوانی، شکل جدیدی از هویت پدیدار می‌شود که در آن این هویت‌های دوران کودکی غربال، فرعی‌سازی، و تغییر داده می‌شوند تا پیکربندی هویت جدیدی تولید شود. این مقوله شامل زیرمقوله‌های زیر است:

شناخت تازه از خود: آرش می‌گوید: مسئله اینه که اون ارزش روانی و معنوی که برای من داره خیلی خیلی بالاتر و متفاوت‌تر از چیزیه که قبلاً داشتم.

آرمان می‌گوید: مدتی با یه شخص دیگه رابطه داشتم و در همون حین فهمیدم که با معیارهای من خیلی متفاوت و وقتی دنبال معیارهام گشتم دیدم که این شخصیه که دنبالش می‌گشتم... رابطه تغییر نکرده، من متوجه یه سری چیزها شدم. سجاد می‌گوید: قبلاً فکر می‌کردم خشک و بی‌احساسم، ولی دیدم از خودش هم احساساتی‌ترم. صادق می‌گوید: مدت زیادی صرفاً رفیق بودیم و با هم وقت می‌گذروندیم. ولی یه جایی تو زندگیم نگاه کردم به خودم و دیدم که چیزی که بینمون هست باید بیشتر از این باشه پس با هم وارد یه رابطه شدیم.

حس مسئولیت: حسن می‌گوید: الان می‌فهمم که من هم می‌تونم به سری کارها رو انجام بدم و مسئولیت داشته باشم. آرش می‌گوید: گفتم تو خیالت راحت باشه... من این کار [تایپ پروژه] رو انجام می‌دهم. اولین بار بود که حس می‌کردم دارم یه کار مهم رو انجام می‌دم. محمد می‌گوید: مسئول زندگی خودم خودم... پدر و مادر من که نمی‌تونن برای من تصمیم بگیرن. اگر هم بگیرن تصمیم اشتباه می‌گیرن. میلاد می‌گوید: خودم هم [بعد از رابطه] قوی‌تر شدم. مثلاً رفتم به پدرم گفتم می‌خوام رشته‌م رو تغییر بدم... اگه قبلاً بود نمی‌تونستم... اینقدر محکم گفتم که چیزی نگفت.

تفکر مثبت: تفکر مثبت به برداشتی که افراد نسبت به خود و ذهنیتی که از خود دارند و خصوصاً توانایی‌هایی که برای خود قائل هستند اطلاق می‌شود. به نظر می‌رسد که تفکر مثبت یکی از ویژگی‌های عشق نوجوانی است.

میثم می‌گوید: خیلی اصرار کردم ... می‌ارزید... خواهرم می‌گفت ولش کن... گفتم راضیش می‌کنم.

آرش می‌گوید: گفتم تو خیالت راحت باشه... من این کار [تایپ پروژه] رو انجام می‌دهم. اولین بار بود که حس می‌کردم دارم یه کار مهم رو انجام می‌دم.

سیاوش می‌گوید: حتی به بعضی دوستانم هم توصیه کردم... گفتم با یه دختر دوست بشید. کار سختی نیست... همه چیز عوض میشه.

1. Ego

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش کیفی، ادراک نوجوانان از عشق با روش پدیدارشناختی استعلایی موستاکاس (۱۹۹۴) بررسی شد و پنج مقوله میل به تجربه‌های نو، جذابیت جسمی و روانی، دم‌غنیمت‌شماری، عدم تعهد، و هویت و خودشناسی به دست آمد. میل به تجربه‌های نو و گشودگی نسبت به تجربه به معنای امکان ایجاد فرصت‌ها و بینش‌های جدیدی است که قبلاً وجود نداشت. این امکانات عبارت است از ورود به رفتارها و رابطه‌های جدید که تامین‌کننده نیازهای فیزیولوژیک، امنیتی، تعلق/عشق، احترام و خودشکوفایی در نوجوانان باشد.

مضمون دیگر یعنی جذابیت شامل علاقه متقابلی است که بین دو نفر وجود دارد. این امر شامل پذیرش فیزیکی، عاطفی، فکری و روحی است. به نظر می‌رسد نوجوانان بر مبنای نیاز به عشق، احترام و درک متقابل به ایجاد رابطه با جنس مخالف روی می‌آورند. عدم وابستگی، مضمون دیگری بود که در گفته‌های اکثر مشارکت‌کنندگان وجود داشت. بر اساس مطالبی که در مصاحبه‌ها گفته شد، نوجوانان در این پژوهش تلاش داشتند وابستگی کمتری به شریک عاطفی خود داشته باشند یا حداقل وابستگی کمتری از خود نشان دهند. دلیل این امر از نظر آنها، آسیب‌های وابستگی بیش از حد و نامشخص بودن شرایط کنونی و آینده بود. با توجه به اینکه یکی از زیرمضمون‌های عدم وابستگی، عدم افراط در عشق ورزیدن یا تعلق خاطر باشد، به نظر می‌رسد تدریجاً نیازمند بازنگری در عشق مثلی استرنبرگ باشیم که یکی از مولفه‌های آن اشتیاق است.

مضمون دیگری که از مصاحبه‌ها استخراج شد، دم‌غنیمت‌شماری بود. «دم‌غنیمت‌شماری» به معنای تلاش برای لذت بردن از لحظه حال و تاکید کمتر بر آینده و طرح‌های درازمدت است. گفته‌های نوجوانان در این تحقیق نشان داد که آنها یکی از اصول زندگی یا معنای آن را استفاده از فرصت‌ها و خوش بودن در وضعیت کنونی می‌دانند و بر توجه کمتر به گذشته و آینده تاکید دارند. خودشناسی و هویت، مضمون دیگر این پژوهش بود که به ایجاد درک متفاوت از خود اطلاق می‌شود. نوجوانان در این پژوهش به شناخت متفاوتی از خود به موازات رابطه دست پیدا کرده بودند. با توجه به اینکه نوجوانان ایرانی تا پایان دبیرستان، در صحنه جامعه و به‌طور رسمی، چندان با جنس مخالف سروکار ندارند، این تجربه منحصر به فرد و جدید، به ایجاد برداشتی متفاوت از خودشان منجر می‌شود.

با توجه به پیش‌زمینه‌ها و یافته‌های این تحقیق، به نظر می‌رسد درک بهتر عشق رمانتیک در نوجوانی در حوزه روان‌شناسی اهمیت دارد و این روابط برای نوجوانان از ارزش و موضوعیت بالایی برخوردار هستند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در سیاست‌گذاری صحیح و برنامه ریزی منطبق با واقعیت برای نوجوانان مورد استفاده قرار بگیرد. پدیده عشق رمانتیک نوجوانی در آثار پژوهشی روان‌شناسی و رشته‌های مشابه چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. تعدیل آسیب‌های این روابط می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا از نظر عاطفی سالم‌تر و نسبت به آسیب‌های روانی و اجتماعی مقاوم‌تر باشند.

در پژوهش‌های آتی بررسی رابطه بین عشق نوجوانی با عواملی مانند شیوه‌های تعهد، وضعیت مالی، قومیت، سطح تحصیلات و معنویت، می‌تواند به شناخت بهتر نیازهای نوجوانان کمک کند. از آنجا که در این پژوهش تنها نوجوانان پسر مورد بررسی قرار گرفتند، انجام تحقیق مشابهی برای نوجوانان دختر ضروری به نظر می‌رسد.

تعارض منافع

هیچگونه تعارض منافع در میان نویسندگان وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

از نوجوانان عزیزی که در این پژوهش شرکت کردند و از عمیق‌ترین موضوعات خود پرده برداشتند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

منابع

- ابدالی آقاگلی، ماهرخ؛ امینی ها، آزاده. (۱۴۰۱). بررسی تجارب روان شناختی دختران نوجوان سوگوار مادر: یک مطالعه کیفی.
- فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۸(۷۳)، ۵۱-۶۴.
- جلالی، یوسف؛ برجعلی، احمد؛ عسگری، محمد؛ اسکندری، حسین؛ سهرابی، فرامرز. (۱۴۰۱). تحول هویت نوجوانان پسر ایرانی در بستر ضد روایت زندگی آنها: یک پژوهش کیفی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۹(۷۱)، ۱۳۵-۱۴۷.
- تقوی، نغمه؛ آزاد فلاح، پرویز؛ موتابی، فرشته؛ طلایی، ابراهیم. (۱۳۹۴). تحلیل کیفی بهزیستی فاعلی از دیدگاه دختران نوجوان. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۱(۱)، ۲۲۹-۲۴۶.
- Beckmeyer, J. J., & Weybright, E. H. (2020). Exploring the associations between middle adolescent romantic activity and positive youth development. *Journal of Adolescence*, 80, 214–219.
- Brooks, A., (2020). *Love and Intimacy in Contemporary Society*. London: Routledge.
- Connolly, J., Shulman, S., & Benvenuto, K. (2023). Romantic relationships in adolescence and early adulthood. In L. J. Crockett, G. Carlo, & J. E. Schulenberg (Eds.). *APA handbook of adolescent and young adult development*, (pp. 243–258). American Psychological Association.
- Costa, P. J., & McCrae, R. R. (2008). The Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R). In G. J. Boyle, G. Matthews, D. H. Saklofske, G. J. Boyle, G. Matthews, & D. H. Saklofske (Eds.). *The SAGE handbook of personality theory and assessment, Vol 2: Personality measurement and testing* (pp. 179–198). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Homesath, C. W. (2016). *Falling out of Romantic Love*. Unpublished dissertation, Iowa State University.
- Kroger, J., Martinussen, M., & Marcia, J. (2010). Identity Status Change during Adolescence and Young Adulthood: A Meta-Analysis. *Journal of Adolescence*, 33, 683-698.
- Levesque, R. J. R. (1993). The romantic experience of adolescents in satisfying love relationships. *Journal of Youth and Adolescence*, 22(3), 219–251.
- McCarthy, B., & Casey, T. (2008). Love, Sex, and Crime: Adolescent Romantic Relationships and Offending. *American Sociological Review*, 73(6), 944–969.
- Maslow, A. H. (2014). *Toward psychology of being*. Floyd, VA: Sublime Books.
- Moustakas, C. (1994). *Phenomenological research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Scalabrino, F. (2015). *Phenomenological Psychology*. Internet Encyclopedia of Philosophy.
- Schmid, K. L., & Lopez, S. (2011). Positive pathways to adulthood. *Advances in Child Development and Behavior*, 41, 69–88.
- Sumter, S., & Valkenburg, P., & Peter, J. (2013). Perceptions of love across the lifespan Differences in passion, intimacy, and commitment. *International Journal of Behavioral Development*, 37, 417-427.
- Taba, M., Lewis, L., Cooper Spring, Ch., Albury, K., Chung Kon Shing, K., Lim, M., Bateson, D., Kang, M., & Skinner, S. R. (2020). What adolescents think of relationship portrayals on social media: A qualitative study. *Sexual Health*, 17, 467-474.
- Van der Zanden, P. J. A. C., Meijer, P. C., & Beghetto, R. A. (2020). A review study about creativity in adolescence: Where is the social context? *Thinking Skills and Creativity*, 38, 1-18.
- Vaterlaus, J. M., Tulane, S., Porter, B. D., & Beckert, T. E. (2018). The Perceived Influence of Media and Technology on Adolescent Romantic Relationships. *Journal of Adolescent Research*, 33(6), 651–671.
- Verhoeven, M., Poorthuis, A.M.G. & Volman, M. (2019). The role of school in adolescents' identity development: A literature review. *Educational Psychology Review*, 31, 35–63.

ارتباط بین والدین هلیکوپتری با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند در نوجوانان: نقش تعدیل‌گر جنسیت

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۸/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

آرزو اصغری^{۱*}، ساجده صحرانورد^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف بررسی ارتباط بین والدین هلیکوپتری با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند در نوجوانان: نقش تعدیل‌گر جنسیت انجام شد.

روش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان مقطع نهم، دهم و یازدهم منطقه ۲ شهر گرگان در سال ۱۴۰۲ بود که با استفاده از جدول مورگان ۳۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسش‌نامه‌های والدین هلیکوپتری پیستلا و همکاران (۲۰۲۰)، نیازهای بنیادین روان‌شناختی لاگاردیا و همکاران (۲۰۰۰) و رفتارهای جامعه‌پسند لوئیس پتر (۲۰۰۲) بود. داده‌های پژوهش با تحلیل رگرسیون چندگانه سلسه مراتبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان داد که والدین هلیکوپتری می‌تواند، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند را پیش‌بینی کند ($p < 0/05$). ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان داد، والدگری هلیکوپتری توانست ۲۳ درصد از واریانس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و ۳۰ درصد رفتارهای جامعه‌پسند را تبیین کند. همچنین جنسیت در رابطه والدین هلیکوپتری با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند دختران نقش تعدیل‌کننده داشت.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت، عوامل مختلفی از جمله جنسیت و والدگری هلیکوپتری بر نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند دختران اثر می‌گذارند.

کلمات کلیدی: والدین هلیکوپتری، نیازهای بنیادین روان‌شناختی، رفتارهای جامعه‌پسند، جنسیت.

۱. ستادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.

*نویسنده مسئول: azasghari@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه غیرانتفاعی تابران، مشهد، ایران.



Relationship between Helicopter Parenting with Basic Psychological Needs and Prosocial Behaviors in Adolescents: The Moderating role of Gender

Received: 2024/11/08

Accepted: 2025/03/02

Arezou Asghari^{1*}, Sajedah Sahranavard²

Original Article

Abstract

Introduction: This study examines the relationship between helicopter parenting and adolescents' basic psychological needs and prosocial behaviors, with gender as a moderating factor.

Method: This descriptive-correlational study targeted all ninth-, tenth-, and eleventh-grade students in the 2nd district of Gorgan city in 2023. A sample of 320 participants was selected using convenience sampling, determined by Morgan's table. Data were collected with the Helicopter Parenting Questionnaire (Pistella et al., 2020), Basic Psychological Needs Scale (LaGuardia et al., 2000), and Prosocial Behaviors Scale (Penner, 2002). Hierarchical multiple regression analysis was employed to analyze the data.

Results: Results indicated that helicopter parenting significantly predicts basic psychological needs and prosocial behaviors ($p < 0.05$). The adjusted coefficient of determination revealed that helicopter parenting accounted for 23% of the variance in basic psychological needs and 30% in prosocial behaviors. Additionally, gender moderated the relationship between helicopter parenting and both basic psychological needs and prosocial behaviors, with stronger effects observed among girls.

Conclusion: These findings suggest that helicopter parenting and gender play significant roles in shaping adolescents' basic psychological needs and prosocial behaviors, particularly among girls, offering insights for tailored interventions.

Keywords: Helicopter Parenting, Basic Psychological Needs, Prosocial Behaviors, Gender.

1. Assistant Professor, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran.

*Corresponding Author: azasghari@gmail.com

2. Master of Science in General Psychology, Tabaran Non-Profit University, Mashhad, Iran

مقدمه

دوره نوجوانی یکی از اساسی‌ترین مراحل تحول انسان می‌باشد که می‌تواند تحول سلامت روانی مثبت و بهنجار فرد را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد و سهم قابل توجهی را در رشد شخصیت آدمی دارد (یانگ، تالی، پاریس، رامیرز، بالنباوگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). در واقع، این دوره به دلیل تأثیرگذاری گسترده بر حوزه‌های مختلف زندگی فردی، تحصیلی و اجتماعی، همواره مورد توجه روان‌شناسان، والدین و متخصصان بوده است. تحقیقات نشان می‌دهد که در بین عوامل مختلفی که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند، نحوه برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهمترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود (کرتیگا، ساین، چان و کالتابیانو^۲، ۲۰۲۳). در حالیکه سبک‌های والدگری عمدتاً در سبک‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه دسته‌بندی می‌شوند، اما سبک جدیدی از تعامل والدین و فرزندان با نام والدگری هلیکوپتری مطرح شده است. این اصطلاح برای توصیف والدینی که بیش از اندازه در زندگی فرزندان خود نقش دارند، استفاده می‌شود (کارون، گارتزل، روتبلوم، کوه و باس^۳، ۲۰۲۲). والدگری هلیکوپتری فرایندی است که پدر و مادر هرگز به فرزندان اجازه ارتکاب اشتباه و تجربه استرس را نمی‌دهند. در چنین شیوه تربیتی، والدین به‌طور مداوم از فرزندان حمایت و پشتیبانی می‌کنند. بنابراین، چنین شرایطی ممکن است به عنوان مانعی برای رشد مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری در نوجوانان تلقی گردد (پیستلا ایسولانی، مورلی، ایزو و بایوکو^۴، ۲۰۲۲). چهار ویژگی برای والدین هلیکوپتری شناسایی شده است که عبارت‌اند از: پیشگویی در حل مسئله و ریسک‌گریزی، مشاوره بیش از حد و درگیر شدن عاطفی با کودکان، کنترل خود جهت‌دهی کودکان و ارائه کمک‌های محسوس فراوان (خیری‌پور و نیکنام، ۱۴۰۱)، این والدین از اقتدار زیادی برخوردارند به‌گونه‌ای که همواره در حال تصمیم‌گیری برای مراحل بعدی زندگی کودکان و نوجوانان خود هستند، بدون آنکه مهارت‌های کافی برای کسب استقلال را به آنها بیاموزند (پورشهریار، فولادی و اسکندری جم، ۱۴۰۲).

سبک والدگری مناسب که در آن گرمی در روابط، حمایت از استقلال و نداشتن سبک کنترلی وجود داشته باشد، باعث بهبود احساس شایستگی و ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی در فرزندان‌شان می‌شود (صلاحی و کریمی، ۱۳۹۹). نظریه‌ی خود تعیین‌گری فرض را بر آن نهاده که مجموعه‌ای از نیازهای اساسی روان‌شناختی، برای سلامتی و رشد انسان لازم و ضروری می‌باشند (مارتلا و رایان^۵، ۲۰۲۰). نیازهای بنیادین روان‌شناختی متمرکز بر انگیزه‌های درونی، بیرونی و پرداختن به ۳ نیاز اساسی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) در انسان است. این نیازها فطری و برای رشد و بهزیستی روان‌شناختی انسان ضروری هستند (شادجو، قنبری پناه، درتاج و قاسمی، ۱۴۰۱). در این نظریه فرض بر آن است که افراد بشر فعال، با تمایلات ذاتی و عمیق تکامل یافته و در جهت ترقی و رشد روان‌شناختی هستند. در حقیقت موجود انسانی از هنگام تولد گرایش آشکاری را برای دنبال کردن چالش‌ها، تازگی‌ها و فرصت‌هایی برای یادگیری که از انگیزه‌ی درونی آنها نشأت می‌گیرد را از خود نشان می‌دهند (ژانگ فنگ، فو، هی و ترول^۶، ۲۰۲۲). نیازهای بنیادین روان‌شناختی به هم وابسته هستند؛ بدین معنا که ارتباط توأم با صمیمیت و پذیرش متقابل، موجب افزایش خودمختاری، احساس خودمختاری در انجام دادن تکالیف سبب افزایش شایستگی و افزایش شایستگی موجب احساس پذیرش و وابسته بودن به محیط و افراد می‌شود (زارع، هاشمی و عبدالهی، ۱۴۰۱). نیازهای بنیادین روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) و مراقبت والدینی به صورت مستقیم، و کنترل والدینی به صورت معکوس، تحول مثبت نوجوانی را پیش‌بینی می‌کنند (تابع بردبار، اسماعیلی و کارآمد، ۱۳۹۹).

1. Young, Tully, Parris, Ramirez, Bolenbaugh
2. Keerthigha, Singh, Chan & Caltabiano
3. Carone, Gartrell, Rothblum, Koh & Bos
4. Pistella, Isolani, Morelli, Izzo & Baiocco
5. Martella & Ryan
6. Zhang, Feng, Fu, Liu, He, Turel

شواهد پژوهشی نشان داد، در صورتی که نیازهای بنیادین روان‌شناختی برآورده شوند احساس اعتماد به خود و خودارزشمندی در افراد شکل می‌گیرد اما در صورت ممانعت و عدم برآورده شدن این نیازها، فرد ادراکی شکننده، منفی، بیگانه و انتقادی از خود پرورش خواهد داد (کاو، لی و یی^۱، ۲۰۲۰)، که منجر به شکل‌گیری پاسخ‌های دفاعی و پیامدهای منفی عاطفی و رفتاری مانند افسردگی و خشم در افراد می‌شود و به رفتارهای پرخطر مثل تهدید و ارباب، خشم و زورگویی، رفتارهای اعتیادآور و به صورت کلی رفتارهای جامعه‌ستیزانه در آنها می‌انجامد (یعقوب‌زاده، جبل‌عاملی، کاظمی و حقایق، ۱۴۰۱). جامعه انسانی برای استمرار حیات خویش ملزم به تبعیت از هنجارها بوده و افراد جامعه برای نمایش هم‌نوايي با هنجارها و تداوم نظم، باید رفتارهایی را انجام دهند که از نظر اجتماع پسندیده است و به سمت اجتماع گرایش دارد (یولداشیوا، ارگاشوا^۲، ۲۰۲۱). رفتار جامعه‌پسند^۳، رفتاری عمدی و ارادی است که به قصد سود رساندن به دیگران و در جهت رفاه و منافع آنان انجام می‌شود (کنتراس-راس-هوئرتا، لوکوود، برد، آپز و کروکت^۴، ۲۰۲۰)، و همچنین شامل رفتارهایی است که بدون انتظار پاداش مادی یا اجتماعی، مساعدت فرد را برمی‌انگیزد و پاداش آن عموماً همان احساس رضایت‌مندی درونی فرد یاری‌رسان است که این رفتارهای شامل کمک کردن به دیگران، دلسوزی نشان دادن، موافق و منصف بودن نسبت به دیگران است (یعقوبی، محمدی، ذوقی‌پایدار و فرهادی، ۱۴۰۰). محیط‌های مثبت خانوادگی رفتارهای جامعه‌پسندانه در نوجوانان را افزایش می‌دهد و طرد شدن و نادیده گرفته شدن از سوی دیگران (پذیرش اجتماعی کمتر)، سطوح پایین رفتار جامعه‌پسند را به دنبال دارد (ژانگ فو، جینگ و لیائو^۵، ۲۰۲۳). رفتار جامعه‌پسند در کنار راهبردهای انطباقی تنظیم هیجان به‌واسطهٔ ایجاد هیجانات مثبت، بهزیستی روان‌شناختی آنها را تسهیل می‌کند؛ بنابراین، پیامدهای مثبت رفتار جامعه‌پسند علاوه بر آن که دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر شخص فاعل نیز اثر می‌گذارد هرچند شخص فاعل چنین انتظاری نداشته باشد (توصیفیان، مرعشی و بشلیده، ۱۴۰۰).

در راستای اهداف پژوهش نتایج مطالعات صدیق‌ارفعی، رشیدی و تابش (۱۴۰۱) نشان داد که با افزایش کنترل روان‌شناختی، والدگری هلیکوپتری میزان رفتارهای پرخطر افزایش می‌یابد. سبک‌های ناکارآمد والدگری ارتباط مستقیمی با بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان دارد (پادایلا والکر، ۲۰۲۱). کوئی، آلن، فینچام، می و لائو^۶ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای دریافتند که والدگری هلیکوپتری با سوء مصرف الکل مرتبط است. سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه والدین با ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی فرزندان رابطه مثبت دارد (بشارت، هوشمند، رضازاده و غلامعلی لواسانی، ۱۴۰۰). امامی میبدی، احدی و فرحبیجاری (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط والد-فرزند، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و خودپنداره به صورت معنادار عزت‌نفس را در نوجوانان پیش‌بینی می‌کند. نیازهای بنیادین در کاهش اعتیاد به بازی آنلاین نقش داشته و کاهش میزان اعتیاد به بازی در بهبود رفتارهای جامعه‌پسند اثرگذار است (یعقوبی و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین نتایج مطالعات کوزان، بالوقلو، کسیمی و آرپاچی^۷ (۲۰۱۹) نشان داد که نیازهای بنیادین روان‌شناختی با رفتارهای پرخطر و استفاده نادرست از شبکه‌های اجتماعی ارتباط منفی دارد.

پدیدهٔ والدگری هلیکوپتری نرخ شیوعی بین ۶۰-۷۰ درصد در بین جوانان و نوجوانان دارد (فولادی، پورشهریار و ابراهیمی، ۱۴۰۱). اما همچنان در مورد اینکه والدگری هلیکوپتری دقیقاً چه نوع پدیده‌ای می‌باشد و میزان شیوع و ارتباط آن با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند در جوامع مختلف چگونه است، دانش محدودی وجود دارد. از آن جاکه نوجوانی دوره گذار و ورود به بزرگسالی است و چنانچه والدین در فراهم ساختن امکان تجربه استقلال، شایستگی و تعلق افراط و تفریط داشته

1. Cao, Li & Ye
2. Yoldashiva, Argashva
3. Societal behavior
4. Contreras-Huerta, Lockwood, Bird, Apps & Crockett
5. Zhang, Fu, Jing & Liao
6. Cui, Allen, Fincham, May & Love
7. Kozan, Baloglu, Kesici & Arpacı

باشند، فرزندان در پذیرش نقش‌های حرفه‌ای، اجتماعی و زندگی آتی به مشکل بر خواهند خورد، بر این اساس و به منظور پوشش خلاء موجود پژوهش حاضر بر آن است که با نگاهی نو و معرفی متغیرهایی از قبیل والدین هلیکوپتری، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و جامعه‌پسندی، مسیر جدیدی را روی دانش موجود در این زمینه ارائه دهد و با پرکردن خلا پژوهشی در این زمینه، موجب تقویت دانش در این زمینه گردد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد آن است که آیا بین والدین هلیکوپتری با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند در نوجوانان با نقش تعدیل‌گر جنسیت ارتباط وجود دارد؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان مقطع نهم، دهم و یازدهم منطقه ۲ شهر گرگان در سال ۱۴۰۲ بود. بر اساس آمار به دست آمده کل جامعه آماری مورد مطالعه ۴۵۰۰ نفر بودند که با استفاده از جدول مورگان ۳۲۰ نفر انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل الف) رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، ب) در قید حیات بودن والدین بود. ملاک خروج از پژوهش شامل: الف) عدم رضایت برای شرکت در پژوهش، ب) وجود پرسش‌نامه مخدوش بود. پس از کسب مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش شهر گرگان و هماهنگی لازم با مدیریت مدارس، پرسش‌نامه‌های پژوهش بین دانش‌آموزان توزیع گردید. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی شرکت‌کنندگان از آزادی انتخاب عدم مشارکت در پژوهش برخوردار بوده و به آنها درباره اصول رازداری و محرمانه بودن اطلاعات پرسش‌نامه‌ها اطمینان داده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-24 انجام شد.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه والدگری هلیکوپتری^۱ (HPB): نسخه کوتاه ابزار والدگری هلیکوپتری توسط پیستلا، ایزو، ایزولانی و بیاوکو^۲ (۲۰۲۰) طراحی شده است. این ابزار خودگزارشی دارای ۱۰ گویه می‌باشد که نگرش و درک نوجوانان را از رفتارهای والدگری با عباراتی مانند مادرم همه تصمیم‌های زندگی من را می‌گیرد؛ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. شرکت‌کنندگان باید میزان موافقت خود را با هریک از عبارات در قالب طیف لیکرت هفت درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) مشخص سازند. کمترین امتیاز در آن برابر ۱۰، نمره میانه ۲۸ و بیشترین نمره برابر با ۷۰ در نظر گرفته می‌شود که به ترتیب نشان‌دهنده کمترین میزان دخالت والدین تا بیشترین میزان از ادراک نوجوانان از رفتارهای هلیکوپتری والدین است. میزان اعتبار ابزار از نوع همسانی درونی برای مادران ۰/۷۸ و برای پدران ۰/۷۹ می‌باشد؛ همچنین روایی همگرا آن نیز بین دو نسخه پدر و مادر ۰/۶۵ گزارش شده است (پیستلا و همکاران، ۲۰۲۰). در پژوهش فولادی و همکاران (۱۴۰۰) به منظور آماده‌سازی پرسش‌نامه والدگری هلیکوپتری در نمونه ایرانی، به روش ترجمه مجدد، ابتدا این مقیاس به فارسی ترجمه شد. سپس با همکاری دو متخصص زبان انگلیسی، ترجمه فارسی مجدد به انگلیسی برگردانده شد. در گام بعد با ارزیابی تفاوت‌های موجود بین نسخه‌های انگلیسی با استفاده از فرایند مرور مکرر، این تفاوت‌ها به حداقل ممکن کاهش یافت. سپس تشابهات معنایی بین دو نسخه فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن با نظرخواهی از ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی و ۱۰ نفر از افراد مشابه نمونه، گویه‌های پرسش‌نامه از نظر روایی صوری و تطابق فرهنگی مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. همچنین نتایج تحلیل عاملی اکتشافی در نمونه نوجوانان دختر ایرانی با روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس حاکی از ساختار دو عاملی (درگیری ذهنی و درگیری عملی) برای ابزار والدگری هلیکوپتری بود که در مجموع ۵۵/۰۴ درصد از واریانس کل را برآورد می‌کردند و ضریب همسانی درونی ابزار والدگری

1. Helicopter Parenting Questionnaire

2. Pistella, Izzo, Isolani, Ioverno & Baiocco

هلیکوپتری ($a=0/85$). در آن پژوهش مطلوب گزارش شد. پایایی پرسش‌نامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ $0/93$ به دست آمد.

ب) پرسش‌نامه نیازهای بنیادین روان‌شناختی^۱ (BNSG-S): این پرسش‌نامه به وسیله لاگاردیا، رین، کوچمن و دسی^۲ در سال ۲۰۰۰ ساخته شده است که میزان احساس حمایت (ارضا) از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران را می‌سنجد و شامل ۲۱ سوال است که بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرتی ($1=اصلا درست نیست$ تا $7=بسیار درست است$) درجه‌بندی شده است (لاگاردیا و همکاران، ۲۰۰۰). این شیوه نمره‌گذاری برای برخی سوالات معکوس است. شیوه نمره‌گذاری بدین صورت است که امتیازات آزمودنی از ۲۱ ماده‌ی مقیاس، باید با یکدیگر جمع شوند. حداقل امتیاز ممکن ۲۱ و حداکثر ۱۴۷ خواهد بود. خرده مقیاس‌های پرسش‌نامه خودمختاری، شایستگی و ارتباط است و ضرایب پایایی حاصل از اجرای این پرسش‌نامه برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب $0/92$ ، $0/92$ ، $0/92$ و برای نمره کل پرسش‌نامه $0/92$ گزارش شده است. روایی همگرایی پرسش‌نامه از طریق محاسبه همبستگی با مقیاس روان‌درستی برای خودمختاری $0/31$ ، شایستگی $0/37$ و ارتباط $0/24$ گزارش شده است (لاگاردیا و همکاران، ۲۰۰۰). در ایران نیز این مقیاس در نمونه‌های مدیران و دانشجویان ایرانی توسط قربانی و واتسون (۲۰۰۴) اجرا شده و از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است به طوری که آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه نیز بین $0/76$ تا $0/79$ در نوسان است. همچنین در پژوهش شادجو و همکاران (۱۴۰۱) اعتبار پرسش‌نامه بر اساس آلفای کرونباخ برابر با $0/79$ بوده است. پایایی پرسش‌نامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ $0/87$ به دست آمد.

ج) پرسش‌نامه مجموعه شخصیت جامعه‌پسند^۳ (PSB): این ابزار توسط لوئیس پتر در سال ۲۰۰۲ ساخته شده است. صفاری‌نیا و باجلان (۱۳۹۰) نسخه فارسی این پرسش‌نامه ۳۰ گویه‌ای را تهیه و بر روی ۸۵۰ دانشجوی اجرا کردند. این پرسش‌نامه از هفت خرده مقیاس تشکیل شده است که در اصل دو عامل همدلی جهت‌گیری شده به سمت دیگران و کمک‌رسانی را می‌سنجد. روش نمره‌گذاری این ابزار که در یک مقیاس پنج درجه‌ای بر اساس طیف لیکرت برای هر سوال از صفر تا چهار ارزیابی می‌شود. دامنه نمرات پرسش‌نامه از ۰ تا ۱۲۰ است. در پژوهش صفاری‌نیا و باجلان (۱۳۹۰) پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش بازآزمایی $0/98$ و همسانی درونی $0/79$ به دست آمد. همچنین روایی همزمان پرسش‌نامه با پرسش‌نامه شخصیت پنج عاملی نئو مثبت و معنی‌دار بود. همسانی درونی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/87$ به دست آمد. همچنین ضریب آلفا در پژوهش صیدی و صفاری‌نیا نیز با حجم نمونه ($N=373$) محاسبه شد که ضرایب مسئولیت اجتماعی ($0/62$)، ارتباط همدلانه ($0/42$)، نگاه از منظر دیگران ($0/34$)، پریشانی‌فردی ($0/32$)، استدلال اخلاقی دو جانبه ($0/74$)، سایر استدلال‌های جهت‌گیری شده ($0/71$) و نوع‌دوستی خودگزارش‌دهی ($0/65$) به دست آمد (صیدی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۴). آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه در پژوهش صیدی و همکاران (۱۳۹۸) نیز $0/70$ به دست آمد. پایایی پرسش‌نامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ $0/81$ به دست آمد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان داد که $50/6$ درصد دانش‌آموزان را دختران و $49/4$ درصد را پسران تشکیل دادند. همچنین با توجه به اهمیت بررسی نقش تعدیل‌گر جنسیت سعی بر آن شده که تعداد پسران و دختران نزدیک به

1. Basic Needs Satisfaction in General Scale
2. La Guardia, Ryan, Couchman & Deci
3. Pro_Social Behavior Questionnaire

هم انتخاب شود. میانگین سن دانش‌آموزان ۱۶/۹ و انحراف استاندارد آن ۱/۱ بود. جدول ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت

متغیر	دختران		پسران	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
والدگری هلیکوپتری	۵۹/۳۵	۷/۳۱	۴۴/۲۷	۶/۹۳
نیازهای بنیادین روان‌شناختی	۸۹/۵۵	۱۱/۷۲	۸۱/۰۲	۱۰/۳۴
رفتار جامعه‌پسند	۷۷/۰۹	۵/۲۴	۶۹/۸۵	۵/۱۱

با توجه به نتایج جدول ۱، میانگین متغیرهای والدین هلیکوپتری، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند بین دختران و پسران تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۴	۶	۷
۱. والدگری هلیکوپتری	-						
۲. خودمختاری	-.۰۲۴*	-					
۳. شایستگی	-.۰۲۷*	-.۰۴۵*	-				
۴. ارتباط	-.۰۲۲**	-.۰۳۹**	-.۰۵۵*	-			
۵. همدلی با دیگران	-.۰۲۸*	-.۰۵۶**	-.۰۳۴**	-.۰۴۶**	-		
۶. کمک‌رسانی	-.۰۴۲*	-.۰۴۹*	-.۰۳۱**	-.۰۴۸**	-.۰۵۳**	-	
۷. رفتار جامعه‌پسند	-.۰۵۱**	-.۰۴۳*	-.۰۳۸**	-.۰۳۶**	-.۰۴۹**	-.۰۵۲*	-

** $(p < .05)$ * $(p < .01)$

با توجه به نتایج جدول ۲، بین والدین هلیکوپتری با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند رابطه منفی و معنادار وجود دارد، به عبارتی هرچه والدگری هلیکوپتری افزایش یابد، احساس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند نیز کاهش می‌یابد. ضرایب همبستگی مشاهده شده در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده است.

قبل از تحلیل استنباطی داده‌ها، از طریق نمودار باکس ویسکر داده‌های پرت هر متغیر بررسی و داده پرت مشاهده نشد. خطی بودن متغیرها از طریق نمودار پراکندگی مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد. جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید که عدم معناداری نتایج این آزمون برای تمامی متغیرها در سطح ۰/۰۵ حکایت از نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش داشت. به منظور بررسی مفروضه استقلال خطاها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد، نتایج نشان داد آزمون دوربین واتسون ۲/۰۹ و ۱/۷۷ به دست آمد که انجام آزمون با رگرسیون را تأیید می‌کند. با توجه به ضریب تعیین به دست آمده از خروجی آزمون تنها ۰/۰۶۵ از تغییرات نیازهای بنیادین روان‌شناختی و ۰/۷۶ از تغییرات رفتارهای جامعه‌پسند را والدگری هلیکوپتری در مدل توجیه می‌کند. هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با استفاده از آماره تحمل و عامل تورم واریانس مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که ارزش‌های تحمل به دست آمده برای متغیرها ۰/۲۵۶ بود که بالاتر از ۰/۰۱ است. همچنین مقدار عامل تورم واریانس به دست آمده برای متغیرها ۱/۶۸ بود که کوچکتر از ۱۰ است و نشان‌دهنده عدم هم‌خطی چندگانه بین متغیرها می‌باشد. برای آزمون سؤال پژوهش مبنی بر نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت در رابطه بین والدین هلیکوپتری، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند در نوجوانان، با توجه به این که جنسیت یک متغیر اسمی است و در مطالعات نقش

تعدیل‌کننده دارد، آزمون آماری مناسب تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی است. همچنین برای تأیید نتایج از آزمون Z مقایسه ضرایب همبستگی چندگانه در دو جنس به عنوان تحلیل تکمیلی استفاده شد. در جدول ۳ نتایج آزمون برازش و مفروضات رگرسیون برای متغیرهای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند آمده است.

جدول ۳. آزمون برازش و مفروضات رگرسیون

مدل رگرسیونی	برازش مدل (آزمون آنووا)		قدرت تبیین مدل		ضریب تعیین تعدیل شده
	مقدار F	مقدار P	همبستگی چندگانه ضریب تعیین	همبستگی چندگانه ضریب تعیین	
۱	۵۴/۹	۰/۰۰۱	۰/۷۸	۰/۲۴	۰/۲۳
۲	۷۲/۴	۰/۰۰۱	۰/۶۳	۰/۳۱	۰/۳۰

نتایج جدول ۳ نشان داد که مدل‌های رگرسیونی اول و دوم که نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتار جامعه‌پسند را پیش‌بینی می‌کردند از برازش آماری برخوردار بودند و بر این اساس والدگری هلیکوپتری توانست نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند را پیش‌بینی کند ($p < ۰/۰۵$). ضریب تعیین تعدیل شده نشان داد والدگری هلیکوپتری ۲۳ درصد از واریانس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و ۳۰ درصد از واریانس رفتارهای جامعه‌پسند را تبیین کرد. نتایج آزمون رگرسیون به منظور پیش‌بینی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند بر اساس والدگری هلیکوپتری در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند بر اساس والدگری هلیکوپتری

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضریب تاثیر خطای		ضریب تاثیر مقدار t	مقدار P	شاخص‌های هم‌خطی	
		غیراستاندارد	استاندارد			Tolerance	VIF
نیازهای بنیادین	مقدار ثابت	۴۶/۳۱	۴/۵۷	۵/۳۶	۰/۰۰۱	-	-
روان‌شناختی	والدگری هلیکوپتری	-۰/۱۱	۰/۱۷	-۱۶/۰۵	۰/۰۰۲	۰/۵۸	۱/۴۳
رفتارهای جامعه‌پسند	مقدار ثابت	۲۸/۳۹	۵/۶۳	۵/۱۲	۰/۰۰۱	-	-
	والدگری هلیکوپتری	-۲۸۰	۰/۱۲	-۱۹/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۴۶	۱/۰۶

یافته‌های جدول ۴ نشان داد نقش پیش‌بین متغیر والدگری هلیکوپتری تأیید شد و می‌توان نتیجه گرفت که والدگری هلیکوپتری توانایی پیش‌بینی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند را دارد ($p < ۰/۰۵$). به عبارتی با افزایش والدگری هلیکوپتری میزان ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند نیز کاهش می‌یابد. بررسی ضرایب استاندارد نشان داد که میزان تاثیر متغیر والدگری هلیکوپتری بر نیازهای بنیادین روان‌شناختی $-۱۶/۰۵$ و رفتارهای جامعه‌پسند $-۱۹/۶۲$ بود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که متغیر والدگری هلیکوپتری توانایی پیش‌بینی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند را دارد. مقایسه ضرایب همبستگی چندگانه متغیرهای متغیرهای والدین هلیکوپتری، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند در نوجوانان دختر و پسر با استفاده از آزمون Z ارائه شده است.

جدول ۵. مقایسه ضرایب همبستگی چندگانه متغیرها بر والدگری هلیکوپتری در دو جنس

جنسیت	همبستگی چندگانه R	Zr	مقدار Z	p
دختران	۰/۷۸۱	۰/۹۸۲	۲/۶۶۳	۰/۰۰۱
پسران	۰/۶۳۲	۰/۷۰۴		

بر اساس نتایج جدول ۵، با توجه به این که مقدار Z به دست آمده (۲/۶۶۳) بزرگ‌تر از Z جدول (۲/۵۸) در سطح خطای ۰/۰۱ می‌باشد، می‌توان گفت که بین میزان دو ضریب همبستگی چندگانه در دو جنس، تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. بدین معنی که روابط چندگانه متغیرهای والدین هلیکوپتری با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند در نوجوانان دختر بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط بین والدین هلیکوپتری با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند در نوجوانان: نقش تعدیل‌گر جنسیت انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که با افزایش والدگری هلیکوپتری، احساس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی نوجوانان کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج مطالعات یعقوبی و همکاران (۱۴۰۱)، امامی‌مبیدی و همکاران (۱۴۰۰)، بشارت و همکاران (۱۳۹۴)، کوزان و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود.

در تبیین این یافته باید خاطر نشان کرد که در سبک والدگری هلیکوپتری، فرزندان به خودتمایز سازی کامل دست نمی‌یابند و در نتیجه اضطراب زیادی تجربه می‌کنند. با توجه به دیدگاه بوئن تمایزنا یافتگی هیجانی زیربنای اصلی تمام مشکلات روان‌شناختی مانند خودپنداره ضعیف و عدم سازگاری می‌باشد. افراد تمایز نیافته به راحتی هیجان‌زده می‌شوند و زندگی آنها تحت تاثیر دیگران می‌باشد. این افراد معمولاً به فرمان‌برداری یا نافرمانی از دیگران به سرعت واکنش نشان می‌دهند و انگیزش درونی و برنامه‌ریزی آنان ضعیف می‌باشد؛ که این عوامل در سازگاری افراد نقش مهمی ایفا می‌کنند (کوزان و همکاران، ۲۰۱۹). از آنجایی که این والدین بیش از اندازه از فرزندان خود حمایت می‌کنند و به دنبال ایجاد شرایطی پایدار هستند که از هر گونه اتفاق خارج از چهارچوبی عاری باشد. این توجه حوزه وسیعی از فعالیت‌های کودکان را در بر می‌گیرد و باعث می‌شود تا این کودکان تصور دقیق و روشنی از وضعیت عینی و شرایط واقعی که قرار است در بزرگسالی با آن مواجه شوند نداشته باشند. این امر به وابستگی بیش از حد آنها به والدین و استقلال و خودمختاری پایین فرزندان می‌انجامد. در این شرایط فرزندان مجبورند که از والدین به صورت مطلق پیروی کنند که این خود پیامدهای منفی بسیاری دارد، از جمله اینکه فرزندان نسبت به توانایی‌های خود شک کرده و خودکارآمدی، شایستگی و احساس استقلال آنها کاهش پیدا می‌کند و بنابراین نیازهای بنیادین روان‌شناختی آنها ارضا نمی‌شود (امامی‌مبیدی و همکاران، ۱۴۰۰).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که با افزایش والدگری هلیکوپتری رفتارهای جامعه‌پسند در نوجوانان کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش صدیق‌ارفعی و همکاران (۱۴۰۱)، پادایلا والکر و همکاران (۲۰۲۱)، کوئی و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که به طور خاص، فرزندپروری هلیکوپتری، شکل منحصر به فردی از مداخله و کنترل بیش از حد والدین در زندگی فرزندان جوانشان است، با توجه به اینکه در این نوع فرزندپروری والدین به جای فرزند خود، تصمیم‌گیری‌های مهمی را انجام می‌دهند و سعی در حل مسائلی دارند که فرزندان می‌تواند به طور منطقی آنها را حل کند. از طرف دیگر با توجه به اینکه والدین چارچوب‌های سفت و سختی را برای لحظه لحظه زندگی فرزندان در نظر می‌گیرند و به دنبال این هستند که فرزندانشان کوچک‌ترین مشکلی را نداشته باشند، در نتیجه فرزندان این خانواده‌ها، معمولاً عملکرد خود را با دید منفی و انتقادی ارزیابی می‌کنند و دائماً و به صورت غیر منطقی به دنبال انجام عملکرد عالی و بدون هیچ‌گونه عیب و نقص هستند (صدیق‌ارفعی و همکاران، ۱۴۰۱). فرزندپروری هلیکوپتری با پیامدهای منفی از قبیل عزت‌نفس پایین و مشکلات درونی‌سازی همراه می‌شود و همچنین با توجه به آنکه والدین در اعمال کنترل و دخالت، فرزندان را مجبور می‌کنند که در فعالیت‌های اجتماعی مطابق با انتظارات آنها عمل کرده و در صورت ممانعت، آنها را سرزنش می‌کنند، بنابراین فرزندان، فعالیت‌های اجتماعی را مسبب این‌گونه برخوردهای منفی والدین تلقی کرده و نسبت به رفتار جامعه‌پسند نگرش منفی پیدا می‌کنند (پادایلا والکر و همکاران، ۲۰۲۱).

همچنین اثر تعدیل‌گر جنسیت در ارتباط بین والدین هلیکوپتری با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای جامعه‌پسند نوجوانان در گروه دختران معنادار بود، اما در گروه پسران جنسیت رابطه بین متغیرهای ذکر شده را تعدیل نکرد. این یافته اینگونه تبیین می‌شود که محدودیت‌های بسیار در خانواده‌هایی با افکار سنتی، وجود نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در بستر جامعه برای دختران و والدگری هلیکوپتری که با افزایش حمایت افراطی مشخص می‌شود، منجر به محدودسازی شدید استقلال دختران می‌شود که با سن آنان همخوان نیست، در این شیوه رشد روانی-اجتماعی فرزندان با مداخله و مزاحمت تحلیل می‌رود و توانایی آنها را برای کسب استقلال و هویت شخصی بازاری می‌کند، تنظیم هیجان مستقل نیز در دختران کمتر به وجود می‌آید و این خودتنظیمی ضعیف می‌تواند منجر به کاهش احساس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتار جامعه‌پسند دختران شود. از دیگر سو چنین محدودیت‌هایی برای پسران در مقایسه با دختران بسیار کمتر وجود دارد و به همین سبب نقش تعدیل‌گر جنسیت در ارتباط متغیرهای پژوهش در پسران معنادار نشده است.

از محدودیت‌های این پژوهش، محدود بودن شرکت‌کنندگان به دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر گرگان است. بنابراین لازم است در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها احتیاط کرد. محدودیت دیگر پژوهش استفاده از ابزار خودگزارشی بود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده بر روی دانش‌آموزان سایر مقاطع تحصیلی و در دیگر شهرها با فرهنگ‌ها و آداب رسوم مختلف انجام شود و از روش‌های دیگری در کنار پرسش‌نامه جهت گردآوری اطلاعات استفاده شود. با توجه به اینکه سبک والدگری حاکم در خانواده‌ها یکی از مهمترین عوامل در شکل‌گیری شخصیت و رشد روانی فرزندان است پیشنهاد می‌شود که با برگزاری دوره‌های آموزشی و با استفاده از رسانه‌های جمعی در مورد ویژگی‌ها و تاثیرات انواع سبک‌های والدگری به خصوص والدگری هلیکوپتری به افزایش آگاهی والدین، جوانان و مشاوران مدارس کمک شود.

موازین اخلاقی

محرمانه بودن اطلاعات شرکت‌کنندگان، جلب رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان، ارائه اطلاعات کامل در مورد پژوهش، رعایت حریم خصوصی داوطلبان و دقت در استناددهی از اصول اخلاقی حاکم بر این پژوهش بوده است.

تقدیر و تشکر

از تمام شرکت‌کنندگان این پژوهش که نهایت همکاری را در اجرای پژوهش داشتند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول گردآوری داده‌ها و نگارش نسخه اولیه مقاله، تجزیه و تحلیل داده‌ها را بر عهده داشت. نویسنده دوم در ویرایش نهایی مقاله مشارکت داشته است.

تعارض منافع

نویسندگان اظهار می‌دارند که هیچگونه تعارض منافی در رابطه با یافته‌های مطالعه حاضر وجود ندارد.

منابع

- امامی میبدی، الهام؛ احدی، بتول؛ فرح بیجاری، اعظم. (۱۴۰۰). پیش‌بینی عزت نفس نوجوانان براساس رابطه والد-فرزند، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و خودپنداره. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره، ۴(۴)، ۳۳-۴۵. https://www.jarci.ir/article_252625.html

- بشارت، محمدعلی؛ هوشمند، سیده نعیمه؛ رضازاده، سید محمدرضا؛ غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۴۰۰). نقش تعدیل‌کننده ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان. دوفصلنامه روان‌شناسی خانواده، ۱۲(۱)، ۲۸-۱۵. https://www.ijfpjournal.ir/article_245501
- پورشهریار، حسین؛ فولادی، فاطمه؛ اسکندری جم، ریحان. (۱۴۰۲). رابطه والدگری هلیکوپتری با سازگاری تحصیلی: نقش واسطه‌ای اضطراب در دانشجویان. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۷(۳)، ۱۲۰-۹۷. [APSY.2021.223915.1163/۱۰.۴۸۳۰۸](https://www.apsyjournal.ir/article_223915)
- تابع‌بردبار، فریبا؛ اسماعیلی، معصومه؛ کارآمد، محبوبه. (۱۳۹۹). پیش‌بینی تحول مثبت نوجوانی براساس سطح نیازهای بنیادین و پیوند والدینی. رویش روان‌شناسی، ۹(۱۱)، ۸۶-۷۷. <http://frooyesh.ir/article-1-2310-fa.html>
- توصیفیان، نگین؛ مرعشی، سید علی؛ بشلیده، کیومرث. (۱۴۰۰). نقش رفتار جامعه‌پسند در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان با واسطه گری هیجانات مثبت و تعدیلگری تنظیم هیجان. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۱۱(۲)، ۱۲۲-۱۰۷. [CBS.2022.130780.1578/۱۰.۲۲۱۰۸](https://www.cbsjournal.ir/article_130780)
- خبری پور، زهرا؛ نیکنام، ماندانا. (۱۴۰۱). رابطه بین سبک والدگری هلیکوپتری با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان: نقش واسطه‌ای خودکنترلی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۸(۲)، ۲۳۱-۲۱۵. [JONTOE.2021.36268.3353/۱۰.۲۲۰۵۱](https://www.jontoejournal.ir/article_36268)
- زارع زردینی، فاطمه؛ هاشمی، زهرا؛ عبداللهی، عباس. (۱۴۰۱). نقش میانجی‌گری نیازهای بنیادین روان‌شناختی در رابطه عملکرد خانواده با شادکامی در دانشجویان کارشناسی ساکن خوابگاه دانشگاه الزهرا. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۱۳(۱)، ۶۳-۴۳. [JAPR.2022.313228.643693/۱۰.۲۲۰۵۹](https://www.japrjournal.ir/article_313228)
- شادجو، رضوان؛ قنبری پناه، افسانه؛ درتاج، فریبرز؛ قاسمی، مسعود. (۱۴۰۱). مدل ساختاری رفتارهای خودشکن بر اساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی، هویت اخلاقی و خودآگاهی هیجانی دختران جوان. خانواده درمانی کاربردی، ۳(۳)، ۲۷۹-۲۶۳. [AFTJ.2022.332110.1429/۱۰.۲۲۰۳۴](https://www.aftjournal.ir/article_332110)
- صلاحی، علی اکبر؛ کریمی، مریم. (۱۳۹۹). رابطه شیوه‌های فرزندپروری با نیازهای بنیادی روانی افراد. فصلنامه روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران، ۲۱(۱)، ۸۱-۷۳. <https://psysj.ir/afile/phpEBOUgz.pdf>
- صیدی، ستار؛ صفاری نیا، مجید؛ احمدیان، حمزه. (۱۳۹۸). مدل ارتباط پرخاشگری و دیدگاه‌گیری اجتماعی با رفتار جامعه‌پسند با نقش واسطه‌ای اعتماد اجتماعی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۹(۳۶)، ۲۰-۱. <https://ensani.ir/fa/article/440418>
- صفاری نیا، مجید و باجلان، فاطمه. (۱۳۹۰). اعتباریابی و هنجارسازی پرسش‌نامه شخصیت جامعه‌پسند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.
- صیدی، ستار؛ صفاری نیا، مجید. (۱۳۹۴). حمایت اجتماعی ادراک‌شده از خانواده، دوستان و معلمان و ابعاد مختلف شخصیت جامعه‌پسند. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۵(۱۷)، ۱۵-۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage>
- صدیقی‌ارفعی، فریبرز؛ رشیدی، علیرضا؛ تابش، ریحانه. (۱۴۰۱). پیش‌بینی بروز رفتارهای پرخطر بر اساس کنترل رفتاری و روان‌شناختی والدین و والدگری هلیکوپتری در بزرگ‌سالی نوظهور. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱۱(۲)، ۹۴-۷۷. [doi: 10.22067/tpccp.2022.67725.1005](https://doi.org/10.22067/tpccp.2022.67725.1005)
- فولادی، فاطمه؛ پورشهریار، حسین؛ ابراهیمی، سارا. (۱۴۰۱). رابطه والدگری هلیکوپتری و سلامت روان با بهزیستی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی تحصیلی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۱۷(۶۶)، ۲۲۸-۲۱۷. [JMPR.2022.15264/۱۰.۲۲۰۳۴](https://www.jmprjournal.ir/article_15264)
- یعقوب‌زاده، ملیحه؛ جبل عاملی، شیدا؛ کاظمی، حمید؛ و حقایق، سیدعباس. (۱۴۰۱). مدل ساختاری نیازهای بنیادین روان‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی هگزاکو با رفتارهای پرخطر با نقش میانجی خلاقیت هیجانی در دانشجویان دانشگاه‌های آزاد استان اصفهان. سلامت اجتماعی، ۹(۲)، ۹۱-۷۷. <https://doi.org/10.22037/ch.v9i2.31579>
- یعقوبی، ابوالقاسم؛ محمدی، سحر؛ ذوقی پایدار، محمدرضا؛ فرهادی، مهران. (۱۴۰۰). تدوین مدل ساختاری تبیین رفتار جامعه‌پسند بر اساس انگیزه تعلق و حساسیت‌پردشدگی با میانجی‌گری اعتماد اجتماعی. شناخت اجتماعی، ۱۰(۱۹)، ۴۳-۲۶.

- Carone, N., Gartrell, N. K., Rothblum, E. D., Koh, A. S., & Bos, H. M. (2022). Helicopter parenting, emotional avoidant coping, mental health, and homophobic stigmatization among emerging adult offspring of lesbian parents. *Journal of Family Psychology*, 36(7), 1205–1215. DOI: 10.1037/fam0001020
- Cao, J., Li, X., & Ye, Z. (2020). Parental psychological and behavioral control and positive youth development among young Chinese adolescents: The mediating role of basic psychological needs satisfaction. *Curr Psychology*, 1(4), 188-196. DOI: 10.1007/s12144-020-00980-1
- Cui, M., Allen, J. W., Fincham, F. D., May, R. W., & Love, H. (2019). Helicopter parenting, self-regulatory processes, and alcohol use among female college students. *Journal of Adult Development*, 26(2), 97-104. DOI: 10.1007/s10804-018-9301-5
- Contreras-Huerta, L. S., Lockwood, P. L., Bird, G., Apps, M. A. J., & Crockett, M. J. (2020). Prosocial Behavior Is Associated with Trans diagnostic Markers of Affective Sensitivity in Multiple Domains. *Emotion*. Advance online publication. <http://dx.doi.org/10.1037/emo0000813>
- Ghorbani, N., & Watson, P. J. (2004). Two facets of self-knowledge, the five-factor model, and promotions among Iranian managers. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 32(8), 769-776. <https://doi.org/10.2224/sbp.2004.32.8.769>
- Kozan, H. İ., Baloglu, M., Kesici, Ş., & Arpacı, İ. (2019). The role of personality and psychological needs on the problematic Internet use and problematic social media use. *Addicta: The Turkish Journal on Addictions*, 6(2), 203–219. DOI: 10.15805/addicta.2018.6.2.0029
- Keerthigha, C., Singh, S., Chan, K., & Caltabiano, N. (2023). Helicopter parenting through the lens of reddit: A text mining study. *Journal of Affective Disorders*, 9(10): 209-217. DOI: 10.1016/j.heliyon. 2023.e20970
- La Guardia, J. G., Ryan, R. M., Couchman, C. E., & Deci, E. L. (2000). Within-person variation in security of attachment: a self-determination theory perspective on attachment, need fulfillment, and well-being. *Journal of personality and social psychology*, 79(3), 367. DOI: 10.1037//0022-3514.79.3.367
- Martela, F., & Ryan, R. M. (2020). Distinguishing between basic psychological needs and basic wellness enhancers: the case of beneficence as a candidate psychological need. *Motivation and Emotion*, 44(1), 116-133. DOI: 10.1007/s11031-020-09823-9
- Pistella, J., Isolani, S., Morelli, M., Izzo, F., & Baiocco, R. (2022). Helicopter parenting and alcohol use in adolescence: A quadratic relation. *Nordic Studies on Alcohol and Drugs*, 39(2), 134-145. DOI: 10.1177/14550725211009036
- Padilla-Walker, L. M., Millett, M. A., & Memmott-Elison, M. K. (2021). Can helping others strengthen teens? Character strengths as mediators between prosocial behavior and adolescents' internalizing symptoms. *Journal of Adolescence*, 79(1), 70-80.
- Pistella, J., Izzo, F., Isolani, S., Ioverno, S., & Baiocco, R. (2020). Helicopter mothers and helicopter fathers: Italian adaptation and validation of the helicopter parenting instrument. *Psychology Hub*, 37(1), 37-46. DOI: 10.13133/2724-2943/16900
- Penner, L. A., Dovidio, J. F., Piliavin, J. A., & Schroeder, D. A. (2002). Prosocial behavior: Multilevel perspectives. *Annual Review of Psychology*, 56(1), 365–392. DOI: 10.1146/annurev.psych.56.091103.070141
- Young, R., Tully, M., Parris, L., Ramirez, M., Bolenbaugh, M., & Hernandez, A. (2023). Barriers to mediation among U.S. parents of adolescents: A mixed-methods study of why parents choose not to monitor or restrict digital media use. *Computers in Human Behavior*, 23(11), 809-823. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2023.108093>
- Yuldasheva, M., & Ergashova, Z. (2021). Socio-psychological support adolescents with accentuations of character and aggressiveness. *IJIE*, 4(2), 363-6. DOI: <https://doi.org/10.17605/ijie.v4i2.1269>
- Zhang, S., Feng, R., Fu, N., Liu, Q., He, Y., Turel, O., & He, Q. (2022). The bidirectional relationship between basic psychological needs and meaning in life: A longitudinal study. *Personality and Individual Differences*, 197(11), 178-185. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2022.111784>
- Zhang, Z., Fu, L., Jing, W., & Liao, Z. (2023). Childhood parental companionship, self-esteem and prosocial behavior in college students: A correlation analysis. *Archives of Psychiatric Nursing*, 43(4), 87-91. <https://doi.org/10.1016/j.apnu.2023.01.002>

اثر بخشی آموزش مبتنی بر اثر پیگماليون به معلمان بر کاهش اختلال‌های هیجانی، رفتاری دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۹/۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

شهلا زیوری^۱، امیر قمرانی^{۲*}، قاسم نوروزی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف اثر بخشی آموزش مبتنی بر اثر پیگماليون به معلمان بر کاهش اختلال‌های هیجانی، رفتاری دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی بود.

روش: طرح کلی پژوهش حاضر، با روش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری با گروه‌های آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان ۷ تا ۱۲ ساله مقطع ابتدایی منطقه ۴-۵-۶ مدارس خودگردان افغانستانی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در نظر گرفته شد که با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند، سپس ۳۰ نفر بر اساس ملاک‌های ورود و با روش نمونه‌گیری هدفمند (۱۵ نفر) در گروه آزمایش و (۱۵ نفر) در گروه کنترل قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در پژوهش، پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری راتر فرم معلم به عنوان پیش‌آزمون اجرا و مداخلات مربوط به آموزش پیگماليون به مدت ۸ جلسه آموزشی یک ساعته طی ۲ جلسه در هفته بر روی معلمان گروه آزمایش انجام گرفت و پس از اتمام برنامه آموزش پس‌آزمون اجرا شد؛ سپس پیگیری (دوماه پس از اجرای پس‌آزمون) بعمل آمد. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS در دو سطح توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (تحلیل اندازه‌گیری‌های مکرر) استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج میانگین نمرات اختلال‌های رفتاری درونی‌شده، اختلال‌های رفتاری برونی‌شده، اختلال‌های رفتاری (نمره کل) دانش‌آموزان، گروه‌های آزمایش طی مراحل پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون روند کاهشی داشته است که در بین نمرات پیش‌آزمون اختلال‌های رفتاری برونی‌شده با نمرات پس‌آزمون و پیگیری اختلال‌های رفتاری برونی‌شده تفاوت معنی‌داری ($p < 0/001$) وجود دارد. به عبارت دیگر هم تاثیر آموزش و هم تاثیر زمان، معنی‌دار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در بافت آموزشی دانش‌آموزان افغانستانی مقیم اصفهان، ادراک معلم یکی از عوامل اثر گذار بر کاهش اختلال‌های هیجانی- رفتاری دانش‌آموزان است و لذا مداخلات مبتنی بر اثر پیگماليون را می‌توان در برنامه‌های آموزشی قرار داد و استفاده از آن را به درمانگران، مربیان، روان‌شناسان و مشاوران پیشنهاد نمود.

کلمات کلیدی: آموزش معلمان، اثر پیگماليون، اختلال‌های هیجانی- رفتاری، دانش‌آموزان افغانستانی.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

** این مقاله بر گرفته از پایان نامه دکتری نویسنده اول می باشد

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

* نویسنده مسئول: a.ghamarani@edu.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.



The Effectiveness of Teaching Based on the Pygmalion Effect to Teachers on Reducing Emotional and Behavioral Disorders of Afghan Immigrant Students

Received: 2024/11/24

Accepted: 2025/03/07

Shahla Zivari¹, Amir Ghamarani^{*2}, Ghasem Norouzi³

Original Article

Abstract

Introduction: This study aimed to examine the effectiveness of Pygmalion effect-based teaching for teachers in reducing emotional and behavioral disorders among Afghan immigrant students.

Method: The study was semi-experimental with a pre-test-post-test and follow-up design involving experimental and control groups. The statistical population consisted of all elementary school students aged 7 to 12 years in districts 4, 5, and 6 of Afghan autonomous schools in Isfahan City during the academic year 2022-2023. The sample was selected using multi-stage random sampling, and 30 students were chosen based on entry criteria and purposive sampling method (15 in the experimental group and 15 in the control group). The research tool was the Rutter teacher's behavioral evaluation questionnaire, used as a pre-test. The Pygmalion-based teaching interventions were conducted over 8 one-hour training sessions, held twice a week, for the teachers of the experimental group. After the completion of the training program, the post-test was implemented; then a follow-up was done two months after the post-test. Data were analyzed using SPSS software at descriptive (mean and standard deviation) and inferential (repeated measurement analysis).

Results: The results indicate that the average scores of internalized behavioral disorders, externalized behavioral disorders, and total behavioral disorders in students decreased during the post-test and follow-up stages compared to the pre-test. There was a significant difference ($p < 0.001$) between the pre-test scores and the post-test and follow-up scores of externalized behavioral disorders, indicating that both the effect of education and the effect of time were significant.

Conclusion: In the educational context of Afghan students living in Isfahan, teachers' perception is a key factor in reducing students' emotional and behavioral disorders. Therefore, Pygmalion effect-based interventions can be incorporated into educational programs and recommended to therapists, trainers, psychologists, and counselors.

Keywords: Teacher Training, Pygmalion Effect, Emotional-Behavioral Disorders, Afghan Students.

1. PhD student in psychology and education of children with special needs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran. shahlazivari49@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Psychology and Education of Children with Special Needs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran .

* Corresponding Author: a.ghamarani@edu.ui.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Psychology and Education of Children with Special Needs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran. g.norouzi@edu.ui.ac.ir

مقدمه

مهاجرت انسان‌ها، پدیده‌ای متداول بوده که از آغاز زندگی بشر همواره وجود داشته است. امروزه نیز آمار و وضعیت سیاسی - اقتصادی جهان نشان می‌دهد که مهاجرت امری رایج است که رو به افزایش است (کریمی زاده، فتحی، عارفی، صادقی، ۱۴۰۱). این در حالی است که فرایند مهاجرت به هر دلیلی یا هر مدتی که رخ دهد استرس زا است و می‌تواند بر کارکرد اجتماعی، روان شناختی، شغلی و تحصیلی افراد تاثیر داشته باشد (احساس پور، بهمنی، مرتضی پور، مقصودی، ۱۳۹۳). ایجاد محلات پرجمعیت، حاشیه‌نشینی، بیکاری، شغل‌های کاذب، فقر، بیکاری پنهان، اجاره خانه، مشکلات آموزشی، و غیره از جمله چالش‌هایی بی‌شماری است که به عنوان پیامد مهاجرت در نظر گرفته می‌شود (فخرایی و عبدی، ۱۳۹۰) که کودکان محروم و فقیر فرصت‌های اندکی برای بهره‌مندی از امکانات آموزشی، و تفریحی دارند (صفاری نیا، علیپور، زارع، زالی زاده، ۱۳۹۱). همچنان مهاجرت می‌تواند به موانع زبانی، فشار اقتصادی، تجارب توأم با تبعیض و جدایی خانواده گی منجر شود (آربونا، اولورا، رودریگز، هاگان، لینارس، ویسنر^۱، ۲۰۱۰). در واقع بسیاری از عواملی که در محیط زندگی کودکان مهاجر وجود دارد، می‌تواند به طور منفی بر سلامت روان آنها تأثیر بگذارد (بله‌اج کوئیدر و پیترمن^۲، ۲۰۱۴).

استیونز، والش، هاییتس، ماس، مادسن، کاوالو، مولچو^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود تأثیر مهاجرت بر مشکلات هیجانی، رفتاری کودکان و نوجوانان را در ۹ کشور اروپایی و ایالات متحده مورد مطالعه قرار دادند و گزارش کردند که عوامل مهمی شامل متغیرهای جمعیت شناختی، تجارب دردناک قبل از مهاجرت و عوامل استرس زای پس از مهاجرت بر سطوح استرس این کودکان تأثیر می‌گذارد. از طرفی نتایج پژوهش (بال و پرزیگیان^۴، ۲۰۱۳) نشان می‌دهد که به طور کلی کودکان مهاجر نسبت به همسالان بومی خود، مشکلات رفتاری برونی‌شده و درونی‌شده بیشتری را گزارش می‌کنند. در مطالعاتی که به مقایسه سلامت روانی کودکان مهاجر با کودکان بومی پرداخته شده است، مشخص شد که کودکان مهاجر در معرض اختلال‌های هیجانی و رفتاری قرار داشته و از ارتباط اجتماعی ضعیف و عزت نفس پایین برخوردارند (هوین ولی^۵، ۲۰۲۴؛ مائو و زائو^۶، ۲۰۱۲). همچنین چنگ ولو^۷ (۲۰۲۲) در پژوهش خود دریافتند که کودکان مهاجر افسردگی و اضطراب بیشتری را گزارش می‌کنند.

در خصوص اختلال‌های هیجانی، رفتاری نیز لازم به ذکر است که این اختلال‌ها؛ به عنوان اختلال‌های ناتوان کننده، در اوایل دوره ابتدایی دیده شده و بین سنین ۸-۱۵ سالگی به بیشترین حد می‌رسند تا جاییکه برای کودک، خانواده و معلمان باعث بروز مشکلات بسیاری می‌شوند (قائم و همکاران، ۱۳۹۴). و به طور قابل ملاحظه‌ای بر گستره‌ای از عملکردهای تحصیلی، اجتماعی و شناختی کودکان و نوجوانان تأثیر منفی می‌گذارند (نعمتی، معصومه، ۱۴۰۱). کودکانی که از مشکلات هیجانی - رفتاری رنج می‌برند، عموماً چالش‌های زندگی روزمره اجتماعی را به عنوان چالش و تهدید می‌دانند، در واقع جهت‌گیری منفی نسبت به مسایل زندگی نشان می‌دهند (صفاری نیا و همکاران، ۱۴۰۲). بر اساس مطالعات انجام شده حداقل ۱۰ تا ۲۰ درصد کودکان و نوجوانان در سنین مدرسه، مشکلات جدی و مستمر هیجانی، رفتاری دارند، که درصد قابل توجهی از این مشکلات ممکن است تا سال‌های بعد هم ادامه یابد. اغلب اختلال‌ها و ناسازگاری‌های رفتاری پس از دوران کودکی ناشی از کمبود توجه به دوران حساس کودکی و عدم هدایت صحیح در روند رشد و تکامل است (پیری، ۱۴۰۲).

1. Arbona, Olvera, Rodriguez, Hagan, Linares, & Wiesner
2. Belhadj Kouider, Koglin, & Petermann
3. Stevens, Walsh, Huijts, Maes, Madsen, Cavallo & Molcho
4. Bal, & Perzigian
5. Huynh & Li
6. Mao & Zhao
7. Cheng & Lo

در تمامی نظام‌های آموزشی مدرسه رکن اصلی تعلیم و تربیت می‌باشد. معلمان نیز مربی و الگوهای با نفوذ تعلیم و تربیت هستند. بنابراین شغل معلمی یکی از اساس‌ترین و پر مسئولیت‌ترین شغل‌های جامعه است (آشیاعیان، ۱۴۰۲). و به نظر می‌رسد، که یکی از عوامل اصلی که می‌تواند بر رفتار دانش‌آموزان تأثیر بگذارد معلمان هستند، کاربرد کلمات و نوع مدیریت کلاسی توسط معلمان می‌تواند به موفقیت و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند. دانش‌آموزان همواره تحت تأثیر نظر معلمان به عنوان افراد مهم قرار دارند و معلم به صورت یک خود دیگرگواه عمل می‌کند و بطور غیر مستقیم این پیام را به دانش‌آموزان می‌دهد که کدام یک از افکار و احساساتش قابل قبول است. در نتیجه معلمان به عنوان یکی از بهترین عوامل رشد یا تخریب رفتار دانش‌آموزان از جایگاهی ویژه در نظام آموزشی برخوردارند (بهرنگی، ۱۴۰۳). تحقیقات نشان داده‌اند که روابط صمیمانه و توأم با علاقه و احترام نقشی موثر در خلاقیت و رفتار مثبت دانش‌آموزان دارد (حریریان، جوکار، پيله و پور، سهرابی، سهرابی، ۱۴۰۲). پیازه بیان می‌کند: هر کس در مورد خود همان رفتاری را بکار می‌برد که از دیگری کسب کرده است (محسنی، ۱۴۰۰)، براین اساس، شیوه‌ای که دانش‌آموزان از طرف افراد مهم ارزشیابی می‌شوند، مستقیماً در موفقیت تحصیلی شان موثر است. تاکنون در خصوص نقش معلم در فرایندهای روانی و تحصیلی دانش‌آموزان؛ نظریات متفاوتی مطرح شده است. که یکی از مهمترین نظریه‌هایی مذکور، نقش انتظارات و ادراکات معلم بر فرایندهای تحصیلی و روانی دانش‌آموزان می‌باشد که از آن به عنوان اثر پیگمالیون^۱ یاد می‌شود. اصطلاح اثر پیگمالیون یک اصطلاح روان‌شناختی است که به روزنتال روان‌شناس آمریکایی نسبت داده شده است. این مفهوم در ابتدا در حیطه آموزش و یادگیری برجسته شد و پژوهش رحمانی، طاهری، رحمانی (۱۴۰۲) به بررسی این موضوع اختصاص یافت که انتظارات معلم از دانش‌آموزان تا چه حد بر موفقیت آنان اثر دارد.

با توجه به اهمیت و نقش فراوان اثر پیگمالیون؛ در سالهای اخیر، مداخلات مبتنی بر اثر پیگمالیون مورد توجه محققان داخلی و خارجی واقع شده است؛ که از آنجمله می‌توان به پژوهش‌های کریمی، قمرانی و یار محمدیان (۱۳۹۶)، بشرا^۲ (۲۰۲۴)، جهان، مهرافزون^۳ (۲۰۱۹)، بالسی، چنگیز^۴ (۲۰۱۸)، فریدریش، فلونگر، ناگنگاست، جونکمان، ترات‌واین^۵ (۲۰۱۵) استناد نمود که همه از پیش‌بینی‌های اثر پیگمالیون در تغییر انتظارات معلم و دانش‌آموزان حمایت کرده‌اند. علاوه براین، نتایج پژوهش ویلیام^۶ (۲۰۲۵)؛ روبی-دیویس و هتی^۷ (۲۰۲۵) نشان دادند که دانش‌آموزان در رفتارهای شان به علایق معلمان توجه می‌کنند و آنطوری که مد نظر معلم است رفتار می‌کنند. بروک لور و همکارانش در مطالعه‌ای شش ساله نشان دادند وقتی معلم باور داشته باشد که دانش‌آموزانش می‌توانند موفق شوند، به نظر می‌رسد که دانش‌آموزان نیز موفق تر عمل می‌کنند (کریمی بی بالان، ادهمی، علیپور، ۱۴۰۲). با این توصیف و با عطف نظر به اینکه دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی بدلیل تأثیرات منفی ناشی از مهاجرت می‌توانند اختلالات هیجانی- رفتاری بیشتری را نشان دهند و معلمان نیز از این مسئله مطلع بوده و همچنین با توجه به اینکه دانش‌آموزان افغانستانی مهاجر مقیم ایران؛ با قومیت‌های متفاوت (تاجیک، پشتون، هزاره و ازبک) و مذاهب مختلف، هستند که سازگاری آنها با معلمان و قوانین مدرسه را تحت شعاع قرار می‌دهد لذا این احتمال وجود دارد که اثر پیگمالیون در قالب پیش فرض‌های منفی برای معلمان آنها اتفاق افتاده باشد. در همین راستا مشخص شده است که معلمان یکی از عوامل موثر در کاهش و افزایش اختلال‌های هیجانی، رفتاری دانش‌آموزان نیز هستند (بش، شنتورک^۸، ۲۰۱۹). با توجه به توضیحات فوق الذکر، در پژوهش حاضر با تأثیر از تلویحات روان‌شناسی اجتماعی و در بافت فرهنگی مهاجرین افغانستانی برای اولین بار تلاش شد تا تأثیر آموزش معلمان با رویکرد

1. Pygmlion effect

2. Bushra

3. Jahan & Mehrafzoon

4. Balci & Cengiz

5. Friedrich, Flunger, Nagengast, Jonkmann, & Trautwein

6. William

7. Rubie-Davies & Hattie

8. Bas & Shenturk

اثر پیگماليون بر کاهش اختلال‌های هیجانی، رفتاری دانش‌آموزان افغانستانی بررسی شود و خلا تحقیقاتی این حوزه مدنظر قرار گیرد. براساس دانش نویسندگان؛ تاکنون در ایران پژوهشی به منظور بررسی آموزش پیگماليون به معلمان برکاهش اختلال‌های هیجانی، رفتاری دانش‌آموزان مهاجرافغانستانی صورت نگرفته است. بنا براین ارزیابی تاثیر این مداخله اهمیتی مضاعف می‌یابد. بر این اساس مسئله اصلی پژوهش حاضر بدین شرح می‌باشد: آیا آموزش مبتنی بر اثر پیگماليون به معلمان برکاهش اختلال‌های هیجانی، رفتاری دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی تاثیر دارد؟

روش

روش پژوهش با توجه به ماهیت و اهداف آن نیمه آزمایشی و از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مهاجر افغانستانی مقیم شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ در مدارس خود گردان مهاجر افغانستانی تحت نظارت آموزش و پرورش بودند. برای تعیین حجم نمونه پژوهش حاضر ابتدا سه مدرسه خودگردان افغانستانی مهاجر که به لحاظ جغرافیایی به هم نزدیک بودند از منطقه ۴-۵-۶ شهر اصفهان انتخاب شدند. در مرحله اجرا با مراجعه به مدارس انتخاب شده از معلمانی که تمایل به همکاری داشتند تقاضا شد، دانش‌آموزانی را معرفی کنند که در مدرسه اختلال هیجانی-رفتاری دارند. کلیه معلمانی مدارس خودگردان مذکور، خودشان نیز اهل فغانستان و مقیم ایران بودند. در مرحله معرفی توسط معلمان، ۱۶ دانش‌آموز مشکوک به اختلال هیجانی-رفتاری انتخاب شدند و بر اساس پرسش‌نامه رفتاری آخباخ و مصاحبه بر اساس DSM-V و ملاک‌های ورود تعداد ۳۰ نفر از این دانش‌آموزان به صورت قطعی تشخیص اختلال هیجانی-رفتاری دریافت کردند. که به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری گمارده شدند، (۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل). همه دانش‌آموزان مربوط به مقطع ابتدایی بودند و به لحاظ متغیرهای دموگرافیک نسبتاً همتا بودند. معلمان گروه آزمایش به جهت پیش‌گیری از سوگیری انتشار از یک مدرسه انتخاب شدند و تحت مداخله که در ادامه توصیف می‌شود قرار گرفتند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از مبتلا به اختلال‌های هیجانی، رفتاری (بر اساس مصاحبه و آزمون آخباخ)، عدم فوت والدین، عدم جدایی والدین، عدم وجود فرزند مبتلا به معلولیت و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل: غیبت در دو جلسه آموزشی و عدم همکاری و انجام ندادن تکالیف مشخص شده در دوره آموزشی بود پس از انتخاب معلمان براساس اصول اخلاقی، در مورد موضوع و اهداف پژوهش اطلاعات مختصری به آنها ارائه شد، به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که نتایج پژوهش به صورت نتیجه‌گیری کلی منتشر می‌شوند و آنها اختیار دارند در هر مرحله‌ای از آموزش انصراف دهند و رضایت نامه کتبی از شرکت‌کنندگان گرفته شد. در ادامه پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری راتر (فرم معلم) در بین اعضای نمونه اجرا شد (پیش‌آزمون) سپس گروه آزمایش، مداخله مربوط به آموزش مبتنی بر اثر پیگماليون را طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای یک ساعته، ۲ جلسه در هفته توسط پژوهشگر دریافت نمودند. این بسته آموزشی در پژوهش کریمی، قمرانی و یارمحمدیان (۱۳۹۶) طراحی و اعتباریابی شده است. پس از انجام مداخله، پرسش‌نامه ارزیابی رفتاری راتر (فرم معلم) مجدداً ارائه شد (پس‌آزمون). بعد از مدت زمان دو ماهه پیگیری بین گروه‌ها صورت گرفت. پس از جمع‌آوری اطلاعات به منظور تحلیل داده‌ها، از روشهای آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی با روش تحلیل واریانس چندمتغیری اندازه‌گیری مکرر استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس ارزیابی رفتاری راتر^۱ (۱۹۷۶): این پرسش‌نامه دارای ۲۶ ماده که توسط معلمان تکمیل می‌شد و جهت تمایز گذاشتن بین کودکان پهنجار و کودکان دارای مشکلات رفتاری تنظیم شده است. مهریار و همکاران (۱۳۸۶) با افزودن ۶ ماده جدید به آن و ادغام دو ماده در دیگر ماده‌ها به علت تشابه آن را به یک پرسش‌نامه ۳۰ ماده‌ای تبدیل کردند. این پرسش‌نامه دارای اعتبار

1. Michael Rutter's Behavioral Assessment Scale

قابل قبولی است. به هر سوال این پرسش‌نامه حداقل صفر و حداکثر دو نمره تعلق می‌گیرد: نمره صفر = رفتاری که توصیف شده است در مورد کودک مصداق ندارد. نمره یک = رفتاری که توصیف شده است تنها در مواردی در مورد این کودک مصداق ندارد. نمره دو = رفتاری که توصیف شده است کاملاً در مورد این کودک مصداق دارد. با توجه به این نمره‌گذاری دامنه نمرات ۰ تا ۶۰ در نوسان است. تا به حال بررسی‌ها و پژوهش‌های متعددی چه در ایران و یا سایر کشورها در مورد قابلیت اعتماد و اعتبار پرسش‌نامه راتر انجام گرفته که اکثریت آنها ضریب اطمینان بالایی را در این مورد نشان می‌دهد. این آزمون، در ایران به وسیله مهریار و همکاران، ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش مهریار (۱۳۸۶) میزان توافق تشخیص روانپزشکی با پرسش‌نامه در وجود اختلال و انواع فرعی آن در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بوده است. پایایی آزمون نیز در پژوهش‌های مختلف مورد تایید قرار گرفته است. چنانکه در پژوهش راتر (۱۹۷۶) با روش دو نیمه کردن حدود ۰/۸۹ و در پژوهش باقری (۱۳۷۳) نقل از ابوالقاسمی، (۱۳۸۴) با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۷ گزارش شده است.

مداخلات آموزشی

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزشی مبتنی بر اثر پیگمالیون بر معلمان

جلسات هدف	محتوا و نمونه فعالیت
اول	توضیح اثربخشی پیگمالیون، ارایه تحقیقاتی که در ابتدا در یک فضای صمیمی و دوستانه و پس از اجرای تکنیک‌های یخ شکنی و برقراری ارتباط این زمینه انجام شده و ارائه بازخورد به عاطفی، معرفی صورت گرفت و با ذکر مثال دانش‌آموزان دارای اختلال‌های رفتاری و نیز چالش‌ها و مشکلات معلمان و ضرورت آموزش رفتاری معلمان برای کاهش اختلال‌های رفتاری تشریح شد.
دوم	بیان عوامل اثرگذار بر مشکلات هیجانی- سپس اهمیت آموزش رفتاری معلمان برای کاهش اختلال‌های رفتاری دانش‌آموزان تشریح شد و در رفتاری متغیرهای وابسته و انتشار جزوه ادامه دلایل ضعف دانش‌آموزان با اختلال‌های رفتاری در آموزش رفتاری معلمان مورد بحث قرار گرفت.
سوم	آموزش مبتنی بر کاوشگری در این جلسه آموزش اختلال‌های درونی‌سازی شده: مانند افسردگی، گوشه‌گیری، کمرویی، کناره‌گیری از دوستان، ترس، گریه کردن و اختلال‌های برونی‌سازی شده: مانند پرخاشگری، قلدری، کنک کاری، فرار از مدرسه، بیش‌فعالی، رفتارهای ناهنجار اجتماعی، بزهکاری، تیک مورد بحث قرار گرفت.
چهارم	آموزش، علل اختلال‌های رفتاری در این جلسه آموزش عوامل بیولوژیکی، عوامل اجتماعی، خشونت در مدارس، خشونت خانوادگی، عوامل اقتصادی آموزش داده شد.
پنجم	آموزش شناسایی اختلال‌های رفتاری درونی، تکانشگری، اختلال سلوک، اختلال نامنظمی خلقی، اختلال گرانه، اختلال نافرمانی، اختلال نافرمانی، پرخاشگری اختلال درونی علایم اضطراب، علایم افسرده‌گی، علایم تیک و غیره مورد بحث قرار گرفت.
ششم	معلمان سوال پاسخ در ارتباط به اختلال‌های رفتاری در این جلسه ابتدا نواقص جلسات قبل بر طرف گردید و در ادامه پاسخ به سوالات معلمان مورد بحث هیجانی، رفتاری دانش‌آموزان. قرار گرفت.
هفتم	معلمان و کاربرد راهبردهای آموزشی برای ابتدا مشکلات دانش‌آموزان با اختلال‌های هیجانی، رفتاری در آموزش رفتاری معلمان به معلمان شرح داده شد. سپس راهکارهای آن نظیر: تقویت مثبت، حق انتخاب، مهارت‌های سازماندهی و مدیریت زمان، مهارت حل مسئله، مهارت‌های تصمیم‌گیری، آموزش داده شد.
هشتم	آموزش راهبردهای آموزشی برای حل مشکلات دانش‌آموز در کلاس، واقعی. نمایش و ایفای نقش، فیلم‌های ویدیویی برای کاهش تغییر رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان، بی‌احترامی به معلم، دانش‌آموز اخلاک‌ور و مرور کاهش استرس از طریق تمرین، در مواقع اضطراب و تنش از همسالان یا معلم خود کمک گرفتن، مشورت کردن با مشاور و روان‌شناس مدرسه، ارایه داستان‌های اجتماعی برای کاهش رفتار نامطلوب، و مرور جلسات آموزش داده شد.

یافته‌ها

داده‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد گروه‌های آزمایش (آموزش رفتاری معلمان) و گروه کنترل آورده شده است. جدول ۲. مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات اختلال‌های رفتاری درونی‌شده، اختلال‌های رفتاری برونی‌شده، اختلال‌های رفتاری (نمره کل) دانش‌آموزان دوره ابتدایی مهاجر افغانستانی مقیم اصفهان. در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری.

شاخص‌های آماری مقیاس	آزمایش (آموزش رفتاری معلمان)	کنترل		
نوع آزمون	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
پیش‌آزمون	۲۴/۲۲	۵/۷۲	۲۴/۱۶	۴/۱۱
پس‌آزمون	۱۷/۹۴	۴/۱۹	۲۳/۳۳	۴/۳۳
پیگیری	۱۸/۲۲	۴/۷۷	۲۳/۷۲	۳/۷۳
پیش‌آزمون	۲۷	۵/۴۳	۲۶/۸۸	۳/۸۳
پس‌آزمون	۲۰/۹۴	۴/۳۷	۲۶/۶۱	۴/۳۴
پیگیری	۲۰/۳۳	۴/۱۴	۲۶/۷۷	۴/۵۷
پیش‌آزمون	۵۱/۲۲	۱۰/۰۷	۵۱/۰۵	۶/۴۴
پس‌آزمون	۳۸/۸۸	۷/۲۹	۴۹/۹۴	۷/۱۵
پیگیری	۳۸/۵۵	۷/۶۶	۵۰/۵۰	۶/۰۷

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، میانگین نمرات اختلال‌های رفتاری درونی‌شده، اختلال‌های رفتاری برونی‌شده، اختلال‌های رفتاری (نمره کل) دانش‌آموزان دوره ابتدایی مهاجر افغانستانی مقیم ایران، گروه‌های آزمایش طی مراحل پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون روند کاهشی داشته است.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های چندمتغیری در تحلیل واریانس اندازه‌گیری تکرار شده برای اختلال‌های رفتاری (نمره کل)

اثر	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	معناداری
اثر پیلایی	۰/۷۹۲	۶۲/۸۰۱	۲	۳۳	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۳۰۸	۶۲/۸۰۱	۲	۳۳	۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۳/۸۰۶	۶۲/۸۰۱	۲	۳۳	۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۳/۸۰۶	۶۲/۸۰۱	۲	۳۳	۰/۰۰۱
اثر پیلایی	۰/۷۳۴	۴۵/۵۷۰	۲	۳۳	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۲۶۶	۴۵/۵۷۰	۲	۳۳	۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۲/۷۶۲	۴۵/۵۷۰	۲	۳۳	۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۲/۷۶۲	۴۵/۵۷۰	۲	۳۳	۰/۰۰۱

نتایج ارائه شده در جدول فوق نشان می‌دهد با توجه به میزان F و سطح معنی‌داری، اثر آزمون ($p=0/001$ ، $F=62/801$) و $F(33)$ و $F(33)=0/792$ اثر پیلایی) و تعامل آزمون گروه ($p=0/001$ ، $F=45/570$ و $F(33)$ و $F(33)=0/734$ اثر پیلایی) معنی‌دار می‌باشد. چنان‌چه در جدول مشاهده می‌شود در اختلال‌های رفتاری (نمره کل) عامل آزمون معنادار است به این معنی که تفاوت در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در اختلال‌های رفتاری (نمره کل) معنادار است. هم‌چنین تعامل آزمون با عضویت گروهی معنادار است به این معنی که اختلال‌های رفتاری (نمره کل) بر حسب عضویت گروهی (آموزش رفتاری معلمان و گروه کنترل) در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری دارای تفاوت معنادار است در جدول نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری تکرار شده

(مکرر) برای عامل درون‌گروهی (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) و تعامل درون‌گروهی و عامل بین‌گروهی (آموزش رفتاری معلمان و گروه کنترل) برای اختلال‌های رفتاری (نمره کل) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری تکرار شده (مکرر) برای عامل درون‌گروهی و تعامل عامل درون‌گروهی و عامل بین‌گروهی برای متغیر اختلال‌های رفتاری درونی‌شده.

نوع تحلیل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	ضریب F	معناداری	مجذور سهمی اتا	توان آزمون
با رعایت فرض کرویت	۲۷۷/۶۳۰	۲	۵۳/۱۸۵	۲/۷۷۷	۰/۰۰۱	۰/۶۱۰	۱
گرین هاوس-گیزر	۲۷۷/۶۳۰	۱/۴۹۲	۵۳/۱۸۵	۲/۷۷۷	۰/۰۰۱	۰/۶۱۰	۱
هاین فلت	۲۷۷/۶۳۰	۱/۵۹۰	۵۳/۱۸۵	۲/۷۷۷	۰/۰۰۱	۰/۶۱۰	۱
حدپایین	۲۷۷/۶۳۰	۱	۵۳/۱۸۵	۲/۷۷۷	۰/۰۰۱	۰/۶۱۰	۱
با رعایت فرض کرویت	۱۸۱/۵۵۶	۲	۳۴/۷۸۰	۰/۱۶۶	۰/۰۰۱	۰/۵۰۶	۱
گرین هاوس-گیزر	۱۸۱/۵۵۶	۱/۴۹۲	۳۴/۷۸۰	۰/۱۶۶	۰/۰۰۱	۰/۵۰۶	۱
هاین فلت	۱۸۱/۵۵۶	۱/۵۹۰	۳۴/۷۸۰	۰/۱۶۶	۰/۰۰۱	۰/۵۰۶	۱
حدپایین	۱۸۱/۵۵۶	۱	۳۴/۷۸۰	۰/۱۶۶	۰/۰۰۱	۰/۵۰۶	۱

همان‌طور که در جدول ۴، مشاهده می‌شود نتایج مبتنی بر گرین هاوس-گیزر ($F = 53/185$ ، $df = 1/492$ و $P < 0/05$) نشان می‌دهد که در اختلال‌های رفتاری درونی‌شده بین پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معناداری ($P < 0/05$) وجود دارد. مجذور سهمی اتا برای عامل آزمون برابر با ۰/۶۱۰ و توان آزمون برابر با ۱ می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که ۶۱ درصد تفاوت بین پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در اختلال‌های رفتاری درونی‌شده مربوط به اعمال متغیر مستقل (آموزش رفتاری معلمان) بوده که با صددرصد آن تایید شده است. هم‌چنین در اختلال‌های رفتاری درونی‌شده، تعامل آزمون با گروه (گروه‌های آزمایش آموزش رفتاری معلمان و کنترل) بر حسب نتایج مبتنی بر گرین هاوس-گیزر ($F = 34/780$ ، $df = 1/492$ و $P < 0/01$) معنادار است. به این معنی که بین پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در گروه‌های آزمایش (آموزش رفتاری معلمان) و گروه کنترل تفاوت معنادار وجود دارد. مجذور سهمی اتای تعامل آزمون* عضویت گروهی (آزمایش و کنترل) برابر ۰/۵۰۶ و توان آزمون برابر ۱ می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که ۵۰/۶ تفاوت بین گروه آزمایش آموزش رفتاری معلمان با گروه کنترل در اختلال‌های رفتاری درونی‌شده مربوط به متغیر مستقل آموزش رفتاری معلمان بوده که با صد درصد توان تایید شده است.

جدول ۵. نتایج اثرات بین فردی بر اساس آزمون اندازه‌گیری تکراری نمرات اختلال‌های رفتاری درونی‌شده دانش‌آموزان دوره ابتدایی مهاجر افغانستانی مقیم اصفهان در گروه‌های مورد مطالعه.

	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معنی‌داری	مقدار اتا	توان آماری
روش	۳۵۲/۰۸۳	۱	۳۵۲/۰۸۳	۶/۲۶۲	۰/۰۱۷	۰/۱۵۶	۰/۶۸۱
خطا	۱۹۱۱/۷۹۶	۳۴	۵۶/۲۲۹				

همان‌طور که نتایج جدول ۵، نشان می‌دهد بین گروه‌ها در نمرات اختلال‌های رفتاری درونی‌شده در روش‌های مورد مطالعه در سطح $P < 0/05$ تفاوت معنی‌دار وجود دارد. تفاوت بین نمرات اختلال‌های رفتاری درونی‌شده دانش‌آموزان دوره ابتدایی مهاجر افغانستانی مقیم اصفهان در گروه‌های مورد مطالعه آموزش رفتاری معلمان و گروه کنترل معنی‌دار است.

جدول ۶. مقایسه نمرات اختلال‌های هیجانی، رفتاری (نمره کل) پس‌آزمون و پیگیری (زمان)

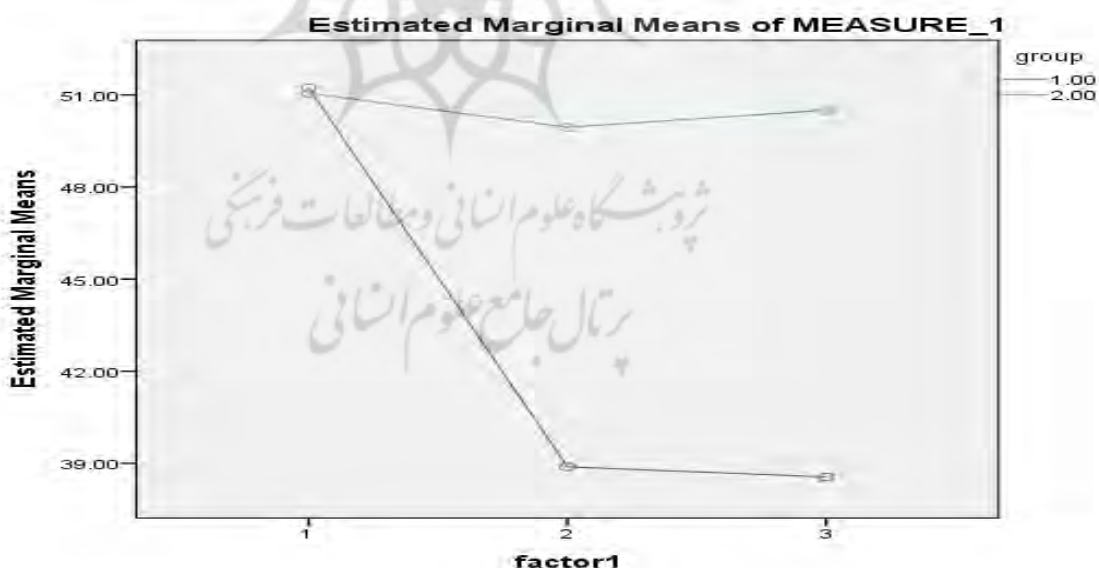
زمان	میانگین تعدیل شده	انحراف معیار
پیش‌آزمون	۵۱/۱۳۹	۱/۴۱۰
پس‌آزمون	۴۴/۴۱۷	۱/۲۰۵
پیگیری	۴۴/۵۲۸	۱/۱۵۲

نتایج جدول ۶، میانگین تعدیل شده نمرات اختلال‌های رفتاری (نمره کل) در گروه‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که میانگین نمرات (نمره کل) در گروه‌ها در مرحله پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون کاهش چشمگیری داشته است ولی در مرحله پیگیری اندکی افزایش یافته است.

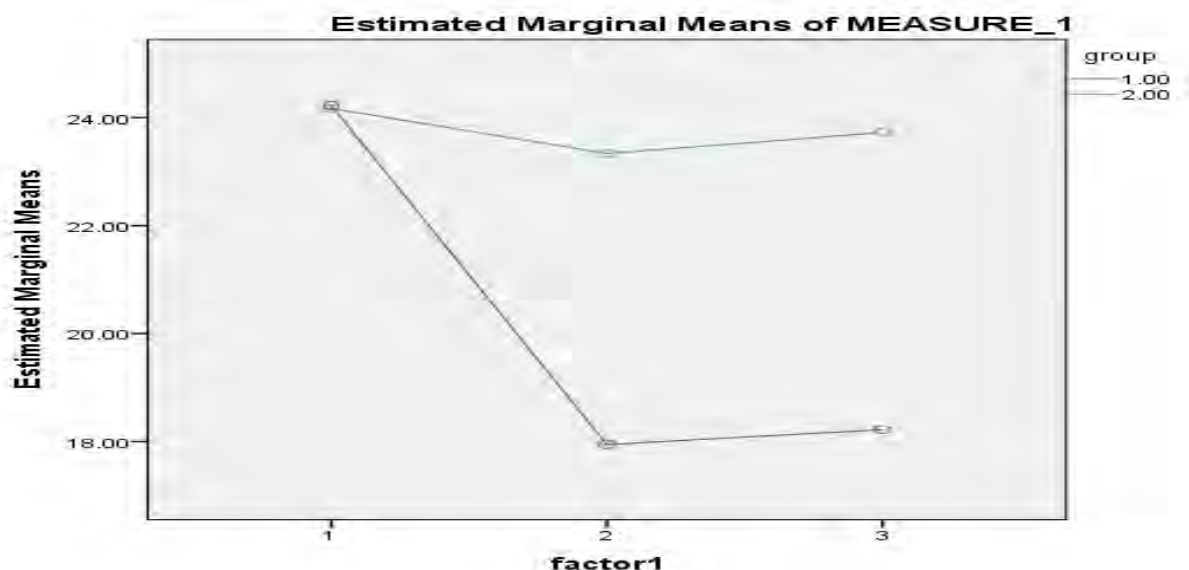
جدول ۷. مقایسه زوجی نمرات اختلال‌های رفتاری (نمره کل) پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در گروه‌های آزمایش (زمان)

زمان	زمان	تفاوت میانگین	سطح معنی‌داری
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۶/۷۲۲*	۰/۰۰۱
پیش‌آزمون	پیگیری	۶/۶۱۱*	۰/۰۰۱
پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۱۱۱*	۰/۷۳۲

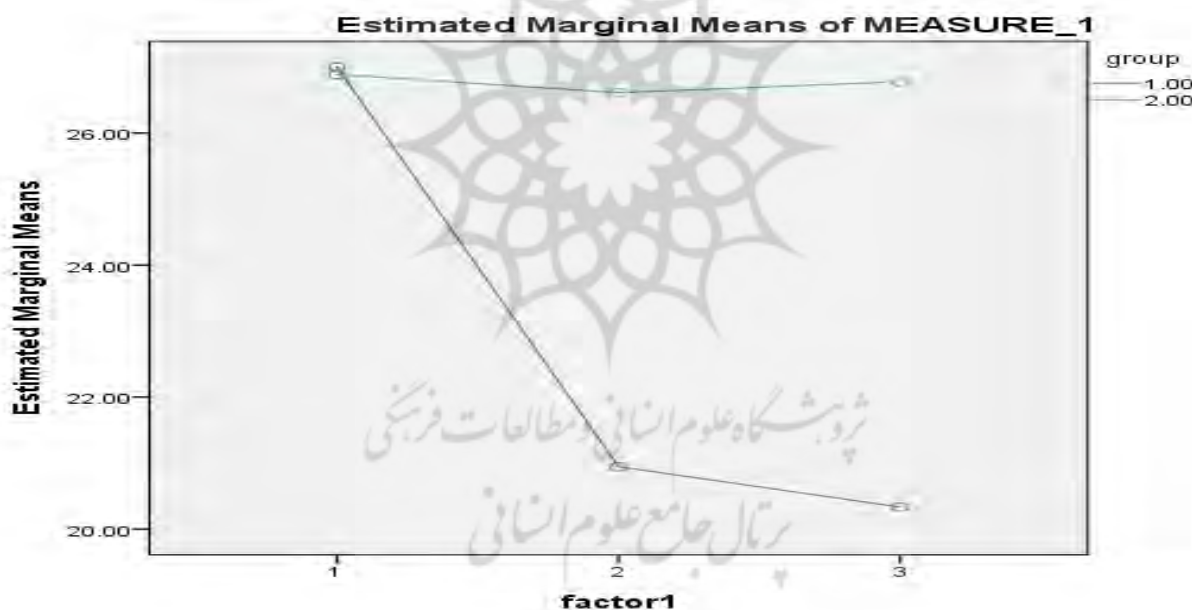
نتایج مندرج در جدول ۷، حاکی از آن است که در بین نمرات پیش‌آزمون اختلال‌های رفتاری (نمره کل) با نمرات پس‌آزمون و پیگیری اختلال‌های رفتاری (نمره کل) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بین نمرات پس‌آزمون و پیگیری اختلال‌های رفتاری (نمره کل) تفاوت معنی‌داری در گروه‌ها مشاهده نشده است.



شکل ۱. نمودار مقایسه میانگین نمرات اختلال‌های رفتاری (نمره کل) دانش‌آموزان دوره ابتدایی مهاجر افغانستان مقیم اصفهان در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در گروه‌های آزمایش مورد مطالعه



شکل ۲. نمودار مقایسه میانگین نمرات اختلال‌های رفتاری درونی‌شده دانش‌آموزان دوره ابتدایی مهاجر افغانستان مقیم اصفهان. در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در گروه‌های آزمایش مورد مطالعه.



شکل ۳. نمودار مقایسه میانگین نمرات اختلال‌های رفتاری برونی‌شده دانش‌آموزان دوره ابتدایی مهاجر افغانستانی مقیم اصفهان در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در گروه‌های آزمایش مورد مطالعه.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش مبتنی بر اثر پیگمالیون به معلمان بر کاهش اختلال‌های هیجانی، رفتاری دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی مقیم اصفهان انجام گرفت. این پژوهش از آن جهت که هم بر روی مهاجران افغانستانی مقیم ایران انجام شده و هم با عطف نظر به کاربرد پذیری اثر پیگمالیون بر روی نمونه از معلمان و دانش‌آموزان حایز اهمیت می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است، که میانگین نمرات اختلال‌های رفتاری درونی‌شده، اختلال‌های رفتاری برونی‌شده، اختلال‌های رفتاری

(نمره کل) دانش‌آموزان، گروه‌های آزمایش طی مراحل پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون روند کاهشی داشته است که در بین نمرات پیش‌آزمون اختلال‌های رفتاری برونی‌شده با نمرات پس‌آزمون و پیگیری اختلال‌های رفتاری برونی‌شده تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر هم تاثیر آموزش و هم تاثیر زمان، معنی‌دار می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با نتایج برخی پژوهش‌های نسبتاً مشابه شامل داونیک^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، ماری^۲ (۲۰۱۸)، سادات، بدری (۱۳۹۷) رضایی (۱۳۹۶) همخوانی دارد. داونیک و همکاران (۲۰۲۱) اثربخشی برنامه درسی مبانی یادگیری اجتماعی-عاطفی برای دانش‌آموزان مهدکودک و کلاس اول در معرض خطر عاطفی و اختلال‌های رفتاری بررسی کردند. نتایج نشان داد که آموزش‌های ارائه شده توسط معلمان بر کاهش مشکلات رفتاری، عاطفی و بر خودتنظیمی و مهارت‌های اجتماعی کودکان تاثیر داشت. (زولکسکی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). همسو با تحقیقات ماری (۲۰۱۸) تحقیقی با عنوان بررسی ارتباط معلمان و دانش‌آموزان و تاثیر باور نگرانی مدیریت کلاس در مدارس بر روی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و اشنگتن انجام داد. نتایج نشان داد سطوح مختلف اختلال‌های هیجانی، رفتاری دانش‌آموزان با سبک‌های مدیریتی مبتنی بر تمجید و تشویق و پشتیبانی از دانش‌آموزان در محیط کلاس ارتباط دارد. به ویژه در مواردی که معلمان در مهارت‌های ارتباطی با دانش‌آموزان و سبک‌های حمایت رفتاری مثبت در کلاس کمتر متداول باشد که برای افزایش تعامل با دانش‌آموزان و توجه به خواسته آن‌ها در چهار چوب قوانین و سیاست‌های آموزشی و ایجاد فرصت‌هایی جهت دیده شدن مداخلات انجام دهند.

سادات و بدری (۱۳۹۷) پژوهشی را در رابطه به تاثیر آموزش شوخ طبعی به معلم و تاثیر آن بر فرسودگی تحصیلی در دانش‌آموزان بررسی کردند. در این پژوهش تاثیر شوخ طبعی بر ابعاد فیزیولوژیک و روانی توضیح داده شد. مفهوم بازی، شیطنت و غلبه بر جدیت توضیح داده شد. نتایج نشان داد که معلم با شوخ طبعی موجب افزایش اعتماد به نفس در دانش‌آموزان شد. و به این ترتیب حس کنجکاوی را در دانش‌آموزان تحریک می‌کند. و موجب کاهش خستگی هیجانی و بهبود کارایی می‌شود. و شوخ طبعی در روابط اجتماعی و شرایط استرس‌زا می‌تواند ابزاری موثر بر شادی، کاهش اضطراب و استرس باشد و همچنین نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی راهکار مؤثری برای کاهش اختلال‌های رفتاری کودکان مثل افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، بیش‌فعالی و افزایش کفایت اجتماعی می‌باشد (رضایی، ۱۳۹۶).

در تبیین آن می‌توان گفت آموزش بر رفتارهای کلامی و غیرکلامی توجه دارد که بر تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارند و رفتارهای خاصی ایجاد می‌شوند تا توانایی کودک را در تأثیرگذاری بر محیط افزایش دهند. پیامدهای مثبت را به دست آورند و به خواسته‌های دیگران پاسخ مناسب دهند، منطق زیربنایی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر این عقیده سرچشمه گرفته است که مسائل رفتاری کودکان اساساً مسائل میان فردی هستند. کودکان اغلب به دلیل اینکه رفتارشان دارای اثرات مخرب برای دیگران است و به صورت پرخاشگری، تخریب اموال، نافرمانی، منفی کاری و کج خلقی‌ها ظاهر می‌شود، نیازمند به درمان تشخیص داده می‌شوند. عامل بدکارکردی بالینی بین کودکان، الگوهای غیرانطباقی متعدد تعامل اجتماعی است، مثلاً رفتار غیراجتماعی، انزوای اجتماعی، و عدم محبوبیت بین کودکان از عوامل خطرآفرین برای آسیب‌شناسی روانی، بزهکاری و مشکلات سلوک، اخراج از مدرسه در کودکی و رفتار ضداجتماعی در بزرگسالی هستند (کراتوچویل و موریس^۴، ۲۰۱۵). در تبیین دیگر، تحقیقات متعدد اثر بخشی پیگمالیون را نشان داده‌اند در این راستا مشخص شده است که اگر پیشداوری معلم درمورد دانش‌آموز تغییر کند رشد ذهنی و در نتیجه وضع تحصیلی کودک بطور محسوسی تغییر خواهد کرد هرگاه معلم اعتقاد به هوش و استعداد دانش‌آموزی داشته باشد، رفتاری با آن دانش‌آموز خواهد داشت که مشوق پیشرفت و موفقیت آن دانش‌آموز خواهد بود. یعنی با توجه بیشتر،

1. Davnik

2. Marie

3. Zolksky

4. Kratochville & Morris

سخت‌گیری بیشتر و تشویق بیشتر این دانش‌آموز، او را به کارمرب‌تر و بهتر وادار خواهد کرد و امید و موفقیت را در دل او به وجود خواهد آورد. بنابراین هر چه معلم انتظار بیشتری از دانش‌آموز خود داشته باشد کار بهتر و منظم‌تری از دانش‌آموز خود دریافت خواهد کرد. در حالیکه اگر از دانش‌آموزی قطع امید کند این ناامیدی معلم را، دانش‌آموز احساس خواهد کرد و به تدریج اعتماد به نفس خود را ازدست خواهد داد و هرگونه تلاش و کوششی را برای موفقیت بیهوده خواهد دانست. بنابر این ناامیدی معلم و انتظار منفی او دانش‌آموز را به کم‌کاری، یاس و عقب‌ماندگی تحصیلی و ایجاد مسائل انضباطی خواهد کشاند و این عوامل منفی به نوبه خود به ناامیدی معلم و انتظار منفی از دانش‌آموز خواهد افزود (مصطفی نژاد، ۱۴۰۰). که همسو با نتایج تحقیقاتی ذیل می‌باشد: دبور و همکاران^۱ (۲۰۱۸)؛ ویلیام (۲۰۲۵)؛ روبی و هتی (۲۰۲۵) نشان دادند که دانش‌آموزان در رفتارهای شان به علایق معلمان توجه می‌کنند و آنطوری که مد نظر معلم است رفتار می‌کنند.

در مجموع، بنظر می‌رسد بجهت مداخله پیگمالیون یک نظام مدیریتی جامع می‌تواند کلاس‌های سازمان یافته ایجاد کند، یعنی جایی که یادگیری بهینه انجام می‌شود. همچنین وجود یک مجموعه قابل پیش‌بینی و آگاهانه از قوانین، دستورالعمل‌ها و برنامه‌های مشخص در کلاس نیل به موفقیت را آسان می‌کند و زندگی و تلاش را در کلاس به حرکت در می‌آورد. در نتیجه معلم می‌تواند با شناخت و اجرای مدیریت صحیح تأثیر و کارایی تدریس را افزایش و اختلال‌های رفتاری دانش‌آموزان را کاهش دهد. محدودیت‌های پژوهش کنونی همچون هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود، که بیان آنها می‌تواند برای پژوهش‌های بعدی کمک کننده باشد. از جمله اینکه این پژوهش در بین مهاجرین افغان ساکن اصفهان انجام گرفته است باید در تعمیم نتایج به سایر مهاجرین ساکن در دیگر مناطق کشور احتیاط نمود. در راستایی پیشنهادت بر گرفته از نتایج پژوهش حاضر به مدیران مدارس پیشنهاد می‌گردد که با ایجاد فرصت برای معلمان در جهت آموزش رفتاری موجبات کاهش اختلال‌های رفتاری را در کودکان فراهم کنند. در ضمن بر اساس یافته‌های پژوهش و اثربخشی تکنیک رفتاری بر مشکلات و اختلال‌های برونی‌شده و درونی‌شده کودکان پیشنهاد می‌گردد که درمانگران و مشاوران کودک و نوجوان از آموزش‌های رفتاری جهت کاهش این اختلال‌ها در کودکان استفاده کنند.

تعارض منافع

نتایج پژوهش با منافع هیچ ارگان و سازمانی در تعارض نیست.

تقدیر و تشکر

از تمام افرادی که ما را در انجام و پیشبرد این پژوهش یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدر دانی می‌شود.

منابع

- آشیاعیان، مریم. (۱۴۰۲). نقش معلم در تربیت دانش‌آموزان. چهار دهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- احساس پور، جمال؛ بهمنی، رحیم؛ مرتضی پور، مسلم و مقصودی، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی مهاجرت داخلی افراد به شهر یاسوج و تأثیر آن بر آسیب‌های اجتماعی در بین مهاجرین پنج سال اخیر. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت چالش‌ها و راهکارها، شیراز.
- ابوالقاسمی، عباس؛ نریمانی، محمد و کیامرثی، آذر. (۱۳۸۴). بررسی میزان شیوع و هم‌ابتلائی اختلال‌های رفتاری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی، مجله علم و فناوری. ۴ (۴): ۲۵-۲۵.

1. Debor, Timmermans & Werf

- بهرنگی، محمد رضا. (۱۴۰۳). الگوهای تدریس، تهران: انتشارات کمال تربیت.
- پیری، علی رضا و تختی، رضا. (۱۴۰۲). همکاری بین معلمان و مشاوران: راهی برای پشتیبانی از دانش، مجله اختلالات جنسی و روان‌شناختی ۱(۴): ۱-۱۶.
- حریریان، محمدمبین، جوکار، مهدی؛ پیله ور پور، محمدعارف؛ سهرابی، امیرحسین و سهرابی، علی. (۱۴۰۲). بررسی اثرات مثبت رابطه معلم با دانش‌آموزان و تاثیر در یادگیری و پیشرفت تحصیلی، پنجمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در روان‌شناسی، حقوق و مدیریت فرهنگی.
- رضایی، علی محمد. (۱۳۹۶). تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی برافزایش کفایت اجتماعی و کاهش اختلال‌های رفتاری دانش‌آموزان دارای مشکلات هیجانی و رفتاری. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه سمنان.
- رحمانی، نسیم؛ رحمانی، زهره؛ طاهری، زهرا و رحمانی، مائده. (۱۴۰۲). بررسی نظریات مبتنی بر انتظارات معلم از دانش‌آموز. سومین همایش بین‌المللی علوم تربیتی، مشاوره، روان‌شناسی و علوم اجتماعی.
- سادات، سما و گرگری، رحیم بدری. (۱۳۹۷). تاثیر آموزش شوخ طبعی به معلم بر فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. پژوهش‌های روان‌شناسی مثبت، ۴(۱۹): ۱۳-۲۶.
- صفاری نیا، مجید؛ علیپور، احمد؛ زارع، حسین و زالی زاده، محسن. (۱۴۰۲). بررسی اثربخشی آموزش درمان مبتنی بر تعهد و پذیرش، مدل (ناظر، کاشف و مشاور-ارزشها) بر شایستگی اجتماعی-هیجانی و حل مسئله اجتماعی نوجوانان دارای رفتار پرخطر. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۳(۵۱): ۷۵-۹۲.
- صفاری نیا، مجید و بازیاری میمند، مهتاب. (۱۳۹۱). مقایسه تاب‌آوری هیجانی و اجتماعی در دانش‌آموزان مناطق محروم با غیر محروم. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۸(۱): ۱۰۷-۱۲۴.
- فخرایی، سروس و عبدی، مسعود. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاییان به شهرستان میاندوآب. مطالعات جامعه‌شناسی، ۴(۱۳): ۳۳-۴۶.
- قایم، هاله؛ افراشته، سیما؛ نامی نظری، لیلا؛ کارگریان، صادق و نجات الهی، رقیه. (۱۳۹۴). بررسی اختلالات رفتاری و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان. مجله علمی دانشگاهی علوم پزشکی بیرجند، ۲۵(۲): ۱۴۲-۱۵۱.
- کراتوچوپل، توماس؛ و موریس، ریچارد. (۲۰۱۵). روان‌شناسی بالینی کودک. ترجمه ی محمد رضا، نائینیان. تهران: انتشارات رشد.
- کریمی، لیلا؛ قمرانی، امیر و یارمحمدیان، احمد. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مبتنی بر اثر پیگمالیون به معلمان، بر رضایت از مدرسه، خودپنداره و نگرش به خلاقیت دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری املا. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۳(۴): ۲۵۴-۲۶۸.
- کریمی زاده، نسرين؛ فتحی واجارگاه، کورش؛ عارفی، محبوبه؛ و صادقی، علیرضا. (۱۴۰۱). بررسی تجربه زیسته دانش‌آموزان افغانستانی در تعاملات و ارتباطات درون مدرسه‌ای در دوره متوسطه اول. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۹(۷۵): ۹۵-۱۱۲.
- کریمی بی بالان، معصومه؛ ادهمی صابر، فاطمه و علیپور، سیده هاجر. (۱۴۰۲). نقش خودپنداره تحصیلی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره، آموزش و پرورش.
- محسنی، نیک چهره. (۱۴۰۰). ادراک خود. تهران: انتشارات بعثت.
- مصطفی نژاد، روزیتا. (۱۴۰۰). بررسی تاثیرات انتظار معلم بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نخستین همایش ملی ایده‌های کاربردی در علوم تربیتی، روان‌شناسی و مطالعات.
- مهریار، امیرهوشنگ. (۱۳۸۶). برداشت‌ها و درمان شناختی افسردگی. تهران: انتشارات رشد.
- نعمتی، معصومه؛ بدری، رحیم؛ نعمتی، شهروز و قره داغی، علی. (۱۴۰۱). تاثیر آموزش روان‌شناختی ذهنیت‌های طرحواره‌ای بر بهبود هیجان‌های تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال‌های هیجانی و رفتاری. مجله علوم روان‌شناختی، ۲۱(۱۱۴): ۱۱۶۳-۱۱۷۸.

- Arbona, C., Olvera, N., Rodriguez, N., Hagan, J., Linares, A., & Wiesner, M. (2010). Acculturative stress among documented and undocumented Latino immigrants in the United States. *Hispanic journal of behavioral sciences*, 32(3), 362-384.
- Bushra, F. T. (2024). Pygmalion effect in tertiary classrooms: investigating the relationship between teachers' expectations and students' tertiary-level English language performance.
- Balci, O., & Cengiz, A. G. (2018). Okulda pygmalion etkisi. *International Journal of Social and Humanities Sciences Research (JSHSR)*, 5(29), 3644-3652.
- Baş, G., & Şentürk, C. (2019). Teachers' voice: Teacher participation in curriculum development process. *ie: inquiry in education*, 11(1), 5.
- Bal, A., & Perzigian, A. B. (2013). Evidence-based interventions for immigrant students experiencing behavioral and academic problems: A systematic literature review. *Education and treatment of children*, 5-28.
- Belhadj Kouider, E., Koglin, U., & Petermann, F. (2014). Emotional and behavioral problems in migrant children and adolescents in Europe: a systematic review. *European child & adolescent psychiatry*, 23, 373-391.
- Cheng, T. C., & Lo, C. C. (2022). Factors related to use of mental health services by immigrant children. *Journal of Child and Family Studies*, 31(1), 228-236.
- Huynh, I., & Li, C. K. (2024). Protective and Promotive Factors in Migrant and Refugee Children Facing Violence: A Systematic Review. *Trauma, Violence, & Abuse*, 15248380241287157.
- Debor, H., Timmermans, A. C., & Werf, M. P. S. (2018). The effects of teacher expectation interventions on teachers' expectations and student achievement: Narrative review and meta-analysis. *Educational Research and Evaluation*, 24(3-5), 180-200.
- Daunic, A. P., Corbett, N. L., Smith, S. W., Algina, J., Poling, D., Worth, M., ... & Vezzoli, J. (2021). Efficacy of the social-emotional learning foundations curriculum for kindergarten and first-grade students at risk for emotional and behavioral disorders. *Journal of School Psychology*, 86, 78-99.
- Friedrich, A., Flunger, B., Nagengast, B., Jonkmann, K., & Trautwein, U. (2015). Pygmalion effects in the classroom: Teacher expectancy affects students' math achievement. *Contemporary Educational Psychology*, 41, 1-12.
- Jahan, F., & Mehrafzoon, D. (2019). Effectiveness of pygmalion effect-based education of teachers on the students' self-efficacy and academic engagement. *Iranian Journal of Learning & Memory*, 1(4), 17-22.
- Murray, D. W., Rabiner, D. L., Kuhn, L., Pan, Y., & Sabet, R. F. (2018). Investigating teacher and student effects of the Incredible Years Classroom Management Program in early elementary school. *Journal of school Psychology*, 67, 119-133.
- Mao, Z. H., & Zhao, X. D. (2012). The effects of social connections on self-rated physical and mental health among internal migrant and local adolescents in Shanghai, China. *BMC Public Health*, 12, 1-9.
- Rubie-Davies, C. M., & Hattie, J. A. (2025). The powerful impact of teacher expectations: a narrative review. *Journal of the Royal Society of New Zealand*, 55(2), 343-371.
- Rosenthal, Robert, and Lenore Jacobson. "Pygmalion in the classroom." *The Urban Review* 3, no. 1 (1968): 16-20.
- Stevens, G. W., Walsh, S. D., Huijts, T., Maes, M., Madsen, K. R., Cavallo, F., & Molcho, M. (2015). An internationally comparative study of immigration and adolescent emotional and behavioral problems: Effects of generation and gender. *Journal of Adolescent Health*, 57(6), 587-594.
- William, B. (2025). Teacher Expectations and Student Literacy Outcomes in Philippine Primary Education. *European Journal of Education Research*, 45(2), 123-150.
- Zolkoski, S. M. (2019). The importance of teacher-student relationships for students with emotional and behavioral disorders. *Preventing School Failure: Alternative Education for Children and Youth*, 63(3), 236-241.

اثر جنسیت بر مقصرشناسی قربانی قلدری سایبری و قصد یاری‌رسانی ناظر

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۹/۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

ابراهیم حیدری^۱، ابوالقاسم عیسی مراد^۲، احمد برجعلی^۳، زهره رافضی^۴، مهدی خانجانی^۵

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: در تحقیقاتی که با هدف یافتن عوامل مؤثر بر واکنش ناظران به قلدری سایبری انجام شده است، تاکنون تلاش برای یافتن رابطه بین جنسیت قلدر، قربانی و ناظر با واکنش ناظران نتیجه قاطعی در پی نداشته است. هدف این پژوهش بررسی اثر تعاملی بین جنسیت قلدر، قربانی و ناظر قلدری سایبری بر قصد یاری‌رسانی ناظر و مقصرشناسی قربانی بود.

روش: این پژوهش از یک طرح آزمایشی که در آن جنسیت قلدر و قربانی و ناظر در یک سناریوی قلدری سایبری دستکاری می‌شد، بهره گرفت. جامعه پژوهش دانشجویان مشغول به تحصیل در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در دانشگاه‌های تهران و هرمزگان بود. نمونه‌ای متشکل از ۶۰۱ نفر از طریق آگهی آنلاین در شبکه‌های اجتماعی وارد پژوهش شدند و از طریق یک پلت فرم آنلاین به مقیاس‌های پس‌آزمون شامل قصد یاری‌رسانی ناظر و مقصرشناسی قربانی پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل واریانس سه طرفه و مدل سازی رگرسیون رابطه میانجی با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS ($p=0.05$) انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، جنسیت با پویایی پیچیده‌ای بر مقصرشناسی قربانی و قصد یاری‌رسانی ناظر تأثیر می‌گذارد، از جمله اینکه ناظران به قربانیان مؤنث تقصیر بیشتری نسبت می‌دهند و قصد یاری‌رسانی کمتری به قربانیان مذکر ابراز می‌کنند ($p<0.05$).

نتیجه‌گیری: برای کاهش اثرات منفی قلدری سایبری لحاظ کردن این پیچیدگی‌ها در طراحی برنامه‌های پیشگیری و مداخله ضروری است.

کلمات کلیدی: قلدری سایبری، مقصرشناسی قربانی، قصد یاری‌رسانی ناظر، جنسیت.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: e_heydari@atu.ac.ir

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. استاد تمام گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۴. استادیار گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۵. دانشیار، گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول مقاله می‌باشد.



Effect of Gender on Cyberbullying Bystander's Helping Intention and Victim Blaming

Received: 2024/11/29

Accepted: 2027/02/07

Ebrahim Heydari¹, Abolghasem Isamorad², Ahmad Borjali³, Zohreh Rafezi⁴, Mehdi Khanjani⁵

Original Article

Abstract

Introduction: Extensive research has explored the factors influencing bystander responses to cyberbullying, yet the relationship between the gender of the cyberbully, cybervictim, and bystander and its impact on bystander intervention remains inconclusive. This study aimed to examine the interactive effects of the gender of the cyberbully, cybervictim, and bystander on the bystander's helping intention and tendency to blame the victim.

Method: This study employed an experimental design, manipulating the gender of the cyberbully, cybervictim, and bystander within a simulated cyberbullying scenario. Participants were college students from Tehran and Hormozghan Universities during the second semester of 2003–2004. A sample of 601 students was recruited via an online advertisement on social media. Participants completed post-test measures, including scales for bystander helping intention and victim blaming, through an online survey platform. Data were analyzed using a three-way analysis of variance (ANOVA) in SPSS 27, with a significance level of 0.05.

Results: The findings revealed a nuanced and dynamic relationship between gender and both victim blaming and bystander helping intention. Notably, female victims received higher blame attribution, while male victims were associated with lower bystander intentions to help ($p < 0.05$).

Conclusion: The study highlights the importance of accounting for gender-related complexities when designing prevention and intervention strategies to mitigate the adverse effects of cyberbullying.

Keywords: Cyberbullying, Victim Blaming, Bystander's Helping Intention, Gender.

1. PhD Candidate of Psychology, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

3. Full Professor, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

5. Associate Professor, Psychology Department, Psychology & Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

* Corresponding Author Email: e_heydari@atu.ac.ir

** This article is taken from the doctoral thesis of the first author of the article.

مقدمه

پیشرفت شبکه‌های اجتماعی علاوه بر خلق فرصت‌های تعامل اجتماعی، زمینه‌ساز شکل تازه‌ای از قلدری شده است که بر بستر این شبکه‌ها صورت می‌گیرد و قلدری سایبری نامیده می‌شود (ژانگ، هانگ، لام، اوانس، ژو، ۲۰۲۲). بطور کلی قلدری سایبری به مجموعه‌ای از رفتارهای پرخاشگرانه در میان همسالان اطلاق می‌شود که با هدف آسیب رساندن به قربانی از طریق بسترهای ارتباط الکترونیکی انجام می‌شود (اجاز، رازی و چادهوری، ۲۰۲۴). این رفتارها که به شکل‌های گوناگون مثل ارسال پیام‌ها یا تصاویر توهین‌آمیز، نقض حریم خصوصی، و حذف از پلتفرم‌ها یا گروه‌های آنلاین رخ می‌دهد می‌تواند پیامدهای وخیم روان‌شناختی و اجتماعی برای قربانیان داشته باشد (نظیر و تبسم، ۲۰۲۱).

در تحقیقات داخلی نیز اهمیت قلدری سایبری نشان داده شده است. نتایج پژوهش انواری و منصوری (۱۴۰۲) نشان داد بین قربانی شدن در فضای سایبری با خودزنی و خودکشی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش ورعی، ممدوحی، محصب و تقی پور (۱۴۰۱) نیز نشان داد بزه دیدگی ناشی از قلدری سایبری اثر مستقیم بر خودجرحی و ناامیدی داشت. همچنین نتایج پژوهش سرآبادانی و مروتی (۱۴۰۱) نشان داد قربانیان قلدری سایبری نسبت به گروه کنترل نمره بالاتری در افسردگی، اضطراب، و اختلال خواب داشتند.

نتایج یک نظرسنجی در بهمن ۱۴۰۲ نشان داد نزدیک به ۴۷ درصد ایرانیان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند درعین حال که پژوهش‌ها حاکی از پیامدهای منفی آن بر سلامت عمومی است (اخوان، قاسمی نژاد، فروزانفر، ۱۴۰۳). اهمیت مطالعه قلدری سایبری برای ایران حتی می‌تواند بیشتر باشد. یافته‌های پژوهش تطبیقی جاغوری، بیورکویست و استرمان^۴ (۲۰۱۵) نشان داد هم قربانی شدن و هم ارتکاب انواع قلدری سایبری در ایران در مقایسه با فنلاند به وضوح بیشتر بود. یافته‌های پژوهش تطبیقی خلیلی، ناگار، لدوک و تالوار^۵ (۲۰۲۲) نیز نشان داد ایرانی‌ها نسبت به کانادایی‌ها هم از رفتارهای ناظران منفعل کمتر انتقاد کردند و هم از رفتارهای دفاعی قربانی کمتر حمایت کردند.

اکثریت افراد حاضر در یک رویداد قلدری سایبری در نقش ناظر قرار می‌گیرند (آلیسون و باسی، ۲۰۱۶). تحقیق درباره ناظران قلدری سایبری به دلیل تأثیرگذاری بالقوه آنان اهمیت بیشتری دارد زیرا قلدر صرفاً دنبال آزار قربانی نیست بلکه هدف اصلی او جلب توجه تعداد هرچه بیشتری ناظر و تخریب روابط اجتماعی قربانی است (وبر، کهلر و اشناوبر، ۲۰۱۹). رفتار جامعه پسندانه ناظران برای حمایت از قربانیان قلدری سایبری ممکن است به شکل مستقیم (مثل مقابله با قلدر یا دلداری قربانی) یا غیر مستقیم (مثل گزارش حادثه به افراد مسئول) به عمل درآید. ناظران ممکن است جایگاه قلدر را به چالش بکشند، تلاش کنند قلدری را متوقف کنند و از اثرات منفی آن بر قربانی بکاهند (سالمیوالی، ۲۰۱۰). ناظرانی که مداخله می‌کنند احتمال الگوبرداری سایر ناظران از رفتار حمایتی را افزایش می‌دهند (باستیانسس^۹ و همکاران، ۲۰۱۴).

تحقیقات در زمینه رفتار ناظران قلدری سایبری تأثیر عوامل موقعیتی و فردی متعددی را به عنوان متغیرهای اثرگذار بر قصد یاری‌رسانی ناظران به بررسی و آزمون گذاشته اند. عمده ترین عواملی که تأثیرشان به عنوان متغیرهای موقعیتی در تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته‌اند شامل هنجارهای گروهی، ادراک وخامت موقعیت، ادراک مسئولیت، ابهام موقعیت، فاصله زمانی حضور

1. Zhang, Huang, Lam, Evans, & Zhu
2. Ejaz, Razi, & Choudhury
3. Nazir & Thabassum
4. Björkqvist, Österman
5. Nagar, Leduc, Talwar
6. Allison, Bussey
7. Weber, Koehler, Schnauber
8. Salmivalli
9. Bastiaenssens

در موقعیت قلدری، اثر حضور دیگر ناظران و رابطه قبلی قربانی و قلدر بوده است (آلیسون و باسی، ۲۰۲۰) و در مقابل متغیرهای شخصی شامل عواملی نظیر مسئولیت اخلاقی، باورهای خودکارایی، تکانش‌گری، جنسیت نقش‌های درگیر و سن آنها، همدلی، اضطراب اجتماعی و ادراک تقصیر قربانی بوده است (دومینگوئز، بونل و مارتینز، ۲۰۱۸). گرچه مطالعات بیشتری برای تبیین اهمیت عوامل زمینه‌ای/محیطی در مقابل عوامل شخصی/فردی مورد نیاز است، برخی بر این باورند که عوامل شخصی می‌تواند وزن بیشتری در واکنش ناظران قلدری سایبری داشته باشد (دزمت^۲ و همکاران، ۲۰۱۶).

اثر جنسیت بر جنبه‌های مختلف موقعیت‌های قلدری سایبری توجه زیادی در تحقیقات دریافت کرده است. بحث‌انگیزترین جنبه در این تحقیقات اثر تفاوت جنسیتی در رفتار ناظران در مواجهه با قلدری سایبری بوده است. عمده تحقیقات انجام شده به تأثیر جنسیت قربانی بر واکنش ناظران پرداخته‌اند. معدودی دیگر جنسیت ناظر و تحقیقات نادری اثر تعاملی جنسیت قربانی و قلدر و ناظر را بررسی کرده‌اند. با این حال نتایج تحقیقات در این زمینه ناسازگار بوده‌اند. برای مثال بارلینسکا، شوستر و وینیوسکی^۳ (۲۰۱۵) رابطه‌ای بین جنسیت و قصد یاری‌رسانی ناظر مشاهده نکرده‌اند ولی در مقابل اولنیک، هیمن و ادن^۴ (۲۰۱۵)، دزمت و همکاران (۲۰۱۶)، و باستیانسنس و همکاران (۲۰۱۵) نتیجه گرفته‌اند ناظران مونث انگیزه بیشتری برای کمک به قربانیان قلدری سایبری دارند. با این حال در هیچ یک از این تحقیقات اثر تعاملی بین جنسیت ناظر، جنسیت قربانی و جنسیت قلدر مشاهده نشده است. تحقیقات نادری که درخصوص اثر تعاملی جنسیت ناظر و جنسیت قربانی و قلدر انجام شده‌اند نتیجه گرفته‌اند برخلاف اهمیتی که جنسیت قربانی بر واکنش ناظر دارد تأثیر تعاملی جنسیت ناظر با جنسیت قلدر و قربانی اثری بر قصد یاری‌رسانی او ندارد (مور و دوئل^۵، ۲۰۲۰؛ وبر، کهلر و اشناوبر، ۲۰۱۹). این ناسازگاری‌ها نشان دهنده آن است که متغیرهایی در نقش میانجی، تعدیل‌کننده یا کنترل نادیده مانده‌اند یا ترکیب درستی از آنها بکار گرفته نشده است (دومینگوئز، بونل و مارتینز، ۲۰۱۸).

موقعیت‌های قلدری سایبری از چندین جهت مستعد بروز سوگیری‌های انگیزشی هستند. سرنوشت قربانی که می‌تواند شامل بدنامی، طرد، تمسخر، یا رسوا شدن باشد موقعیت دردناکی است که زمینه عاطفی برای اسناد تقصیر به خود قربانی برای وقوع رویداد پرخاشگرانه را در خود دارد (کریمر، نوبلس، آماکر و داود^۶، ۲۰۱۳). دو نظریه جهت‌گیری دنیای عادلانه و جهت‌گیری اسناد دفاعی برای توضیح پدیده مقصرشناسی قربانی پیشنهاد شده‌اند و ممکن است توان بالقوه‌ای برای توصیف رابطه جنسیت ناظر و قربانی و قلدر در یک موقعیت قلدری خاص را داشته باشند (هودک، بانیک، وربوا و هایک^۷، ۲۰۲۴).

جهت‌گیری دنیای عادلانه بر این اساس قرار دارد که افراد معتقدند اتفاقاتی که برای دیگری رخ می‌دهد آن چیزی است که لیاقتش را دارند و سزاوار آن هستند یا به عبارت دیگر، پاداش و مجازات در دنیا عادلانه توزیع می‌شود (نودلمن و اوتو^۸، ۲۰۲۱). یک نظریه مکمل نظریه جهت‌گیری اسناد دفاعی است که برای توضیح گرایش به اسناد مسئولیت به افراد درگیر هنگام وقوع یک رویداد مخرب ارائه شد. در این نظریه مقصرشناسی قربانی ناشی از آگاهی فرد از آسیب‌پذیری خویش است. براین اساس مقصرشناسی قربانی احساس بد شباهت به او و در نتیجه نگرانی از قربانی شدن را کاهش می‌دهد (پینسیوتی و اورکات^۹، ۲۰۱۹). ناسازگاری نتایج پژوهش‌ها در زمینه مطالعه اثر جنسیت ناظر و تعامل آن با جنسیت قلدر و قربانی در موقعیت‌های قلدری سایبری مانع از یافتن تبیینی بوده است که اهمیت آن محدود به جنبه‌های نظری نیست و ضرورت برنامه‌های پیشگیری و

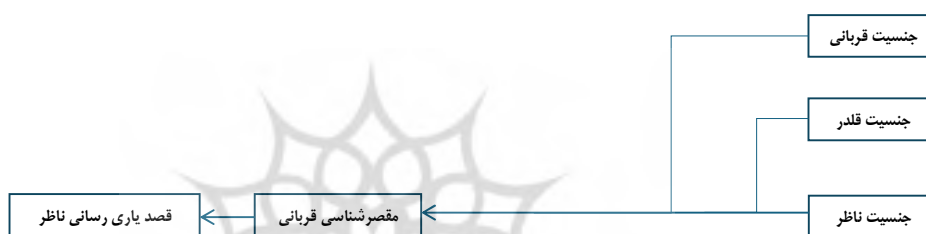
1. Domínguez, Bonell, Martinez
2. DeSmet
3. Barlińska, Szuster, Winiewski
4. Olenik, Heiman. Eden
5. Marr , Duell
6. Cramer, Nobles, Amacker, Dovoedo
7. Houdek, Bahnik, Vrbová, & Hájek
8. Nudelman & Otto
9. Pinciotti & Orcutt

مداخله‌ای موثر نیز هست. هدف این پژوهش این بود که در یک موقعیت قلدری سایبری با زمینه روابط رمانتیک که جنسیت در آن بروز برجسته‌تری از موقعیت‌های دیگر دارد و از انواع قلدری سایبری ترکیبی از جعل هویت و فریبکاری است فرض اثر تعاملی جنسیت ناظر، جنسیت قلدر و جنسیت قربانی قلدری سایبری بر مقصرشناسی قربانی و قصد یاری‌رسانی ناظر را آزمون کند. بر این اساس فرضیه‌های زیر تدوین شد:

فرضیه ۱: در یک موقعیت قلدری سایبری قصد ناظران مونث و مذکر برای یاری‌رسانی به قربانی بسته به جنسیت قربانی و قلدر متفاوت است.

فرضیه ۲: در یک موقعیت قلدری سایبری تقصیری که ناظران مونث و مذکر به قربانی نسبت می‌دهند بسته به جنسیت قربانی و قلدر متفاوت است.

فرضیه ۳: در یک موقعیت قلدری سایبری قصد یاری‌رسانی ناظران مونث و مذکر به واسطه مقصرشناسی قربانی بسته به جنسیت قربانی و قلدر متفاوت است.



نمودار ۱. مدل مفهومی

روش

فرضیه‌های این تحقیق با استفاده از یک سناریوی قلدری سایبری با لحاظ کردن سطوح جنسیت قربانی و جنسیت قلدر به عنوان متغیرهای مستقل دستکاری شده و جنسیت ناظر به عنوان متغیر مستقل دستکاری نشده در یک طرح بین‌گروهی عاملی مستقل $2 \times 2 \times 2$ و به صورت پس‌آزمون با گروه تجربی آزمون شد. برای آزمون فرض اول و دوم تحلیل واریانس سه طرفه اجرا شد. برای آزمون فرضیه سوم با توجه به اینکه به ترتیب مستلزم تحلیل اثر میانجی، تعدیل‌کننده و میانجی تعدیل شده است از یک مدل عمومی که توسط مولر، جاد و ایزربیت^۱ (۲۰۰۵) پیشنهاد شده است استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS انجام شد. سطح معناداری در $p=0.05$ لحاظ شد.

جامعه آماری تحقیق دانشجویان دانشگاه‌های تهران و هرمزگان بود که در نیمسال تحصیلی دوم ۱۴۰۳-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بوده‌اند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. با توجه به بزرگ بودن جامعه برای تعیین حجم نمونه موردنیاز از حد بالای فرمول کوکران استفاده شد و هدف دستیابی به ۴۰۰ مورد تعیین شد. برای برآورده کردن شرط قضیه حد مرکزی در خصوص نرمال بودن توزیع متغیر وابسته در هر زیرگروه هدف دستیابی به حداقل ۳۰ مورد تعیین شد. ملاک‌های ورود شامل تمایل به مشارکت در پژوهش، حداقل سن ۱۸ سال، ملیت ایرانی، داشتن دسترسی و مهارت استفاده از اینترنت و داشتن تجربه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های پیام رسان خارجی بود. عدم تمایل به مشارکت و عدم پاسخگویی کامل ملاک خروج بود.

1. Muller, Judd, Yzerbyt

روش اجرای پژوهش به این صورت بود که ابتدا چهار سناریو مشابه که یک رویداد قلدری سایبری در محیطی آموزشی را به تصویر می‌کشید با اختصاص تصادفی اسامی مختلف برای دستکاری جنسیت قربانی و جنسیت قلدر (متغیرهای مستقل) ساخته شد. متن سناریوی اول که در آن قلدر و قربانی هر دو بطور ضمنی مذکر معرفی شده‌اند به شرح زیر بود:

در یک دوره‌ی دوستانه بین دانشجویان هم رشته‌ای در یک دانشگاه پارسا داستانی از تلاش ناموفق خودش برای برقراری دوستی با یک نفر از جنس مخالف در یک برنامه پیام رسان تعریف می‌کند. دیگران با اظهارنظر درباره دلیل ناکامی پارسا یا شوخی درخصوص جسارت و ساده لوحی او به داستان واکنش نشان می‌دهند. یک هفته بعد دانشجویی به نام کیان که داستان پارسا را از بقیه شنیده است پروفایلی جعلی حاوی اطلاعات فردی خیالی به اسم آیدا در همان برنامه پیام رسان ایجاد می‌کند و پیام‌هایی مبنی بر تمایل به آشنایی و قرار ملاقات برای پارسا ارسال می‌کند. مدتی بعد کیان از پاسخ‌های پارسا و عکس او ویدئویی تهیه می‌کند و آن را بصورت ناشناس در برنامه پیام رسان برای دانشجویان دیگر به اشتراک می‌گذارد.

پس از آن یک دامنه (وب سایت) در یک درگاه اینترنتی^۱ که خدمات اجرای پژوهش آنلاین ارائه می‌کند ساخته شد و کلیه فرم‌های معرفی پژوهش، رضایت نامه شرکت در پژوهش، فرم اطلاعات جمعیت شناختی، سناریوها و مقیاس‌های اندازه‌گیری در آن وارد شد. برای جلب همکاری شرکت‌کنندگان به شرکت در تحقیق با پرداخت حق الزحمه به دو پژوهشگر دانشگاهی که خدمات انتشارات علمی به دانشجویان دانشگاه‌های تهران و هرمزگان ارائه می‌کنند و همچنین صاحب حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی هستند که دنبال کننده‌های زیادی عمدتاً از بین دانشجویان دانشگاه‌های مزبور دارند آگهی تبلیغی برای جلب مشارکت در پژوهش سفارش داده شد. لینک وب سایت پژوهش در این آگهی قرار داده شد. برای ترغیب به شرکت در پژوهش یک قرعه‌کشی با مبلغ ۲ میلیون تومان بین شرکت‌کنندگان اعلام شد.

شرکت‌کنندگانی که روی لینک درج شده در آگهی کلیک کردند وارد وب سایت اختصاصی پژوهش شدند. در ابتدا فرم معرفی پژوهش به آنان ارائه شد و سپس فرم رضایت نامه برای تأیید ارائه شد. در چند فرم متوالی اطلاعات جمعیت شناختی از شرکت‌کنندگان خواسته شد. تنظیمات سایت به صورتی طراحی شد که در این مرحله به هر شرکت‌کننده بصورت تصادفی یکی از چهار سناریوی پژوهش ارائه شد. پس از مطالعه سناریو از شرکت‌کنندگان خواسته شد خودشان را در جایگاه یکی از ناظران موقعیت قلدری سایبری توصیف شده قرار دهند و سپس مقیاس‌های پس‌آزمون شامل مقیاس مقصّرشناسی قربانی و مقیاس قصد یاری‌رسانی ناظر برای پاسخگویی به آنها ارائه شد.

ابزارهای پژوهش

الف) قصد یاری‌رسانی ناظر (BHI^۲): از مقیاسی که توسط لوین و کراوسر^۳ (۲۰۰۸) تدوین و هنجاریابی شد استفاده شد. این آزمون شامل ۳ ماده است که از شرکت‌کننده می‌خواهد بر روی یک مقیاس لیکرت ۹ گویه‌ای از ۱ (بسیار محتمل) تا ۹ (بسیار نامحتمل) یکی از گویه‌ها را در خصوص قصد خود برای مداخله در سناریوی قلدری سایبری انتخاب کند. از شرکت‌کننده پرسیده می‌شود «اگر در زندگی واقعی با موقعیت مشابهی روبه‌رو شوید، به احتمال زیاد کدام یک از اقدامات زیر را انجام خواهید داد؟» گویه‌ها شامل این موارد است: (الف) به هیچ وجه کمک نمی‌کنم، سعی می‌کنم درگیر موقعیت نشوم؛ (ب) سعی می‌کنم به یک مقام مسئول اطلاع دهم؛ (ج) با قلدر رودر رو می‌شوم. نمرات آزمودنی‌ها در مقیاس قصد یاری‌رسانی ناظر می‌تواند بین ۳ تا ۲۷ متغیر باشد که نمرات پایین به معنای قصد کمتر برای یاری‌رسانی به قربانی قلدری سایبری و نمرات بالاتر به معنای قصد بیشتر

1. www.limesurvey.com
2. Bystander Helping Intention
3. Levine, Crowther

است. در پژوهش لوین و کراوسر (۲۰۰۸) مقیاس آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۷۶ گزارش شد ولی روایی گزارش نشده است. در پژوهش حاضر اعتبار آزمون به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۱ محاسبه شد. از آنجایی که آلفای کرونباخ به تعداد آیتم‌ها حساس است مقدار آلفای حداقل ۰/۶۰ برای کمتر از چهار عبارت قابل قبول در نظر گرفته می‌شود (پترسون^۱، ۱۹۹۴). کمترین ضریب همبستگی بین گویه‌های پرسش‌نامه از بین ضرایب ۰/۳۳ بود که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی پیرسون برای نمونه‌های بزرگتر از ۳۰۰ یعنی ۰/۰۹ بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای روایی سازه نیز نشان داد معیارهای برازش گویه‌ها در مقیاس در محدوده قابل قبول قرار داشتند ($NFI = ۱$ ، $IFI = ۱$ ، $GFI = ۱$ ، $RMSEA = ۰/۱$).

ب) مقصّرشناسی قربانی (VB^۲): از مقیاسی که توسط وبر، زیگل و اشناوبر^۳ (۲۰۱۳) تدوین و هنجاریابی شد و شامل دو خرده مقیاس جهت‌گیری اسناد دفاعی (DAO^۴) و جهت‌گیری دنیای عادلانه (JWO^۵) است استفاده شد. در خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه از چهار گویه برای سنجش تمایل پاسخ دهندگان به مقصّر دانستن مستقیم قربانی برای این حادثه استفاده شد: «نام قربانی در سناریو» باید می‌دانست اینطور می‌شود»، «نام قربانی در سناریو» این اتفاق را شروع کرد»، «نام قربانی در سناریو» خودش مقصّر بود» یا «نام قربانی در سناریو» می‌توانست جلوی این اتفاق را بگیرد». این گویه‌ها عامل «سرزنش مستقیم قربانی» را تشکیل می‌دهند و بر اساس نظریه جهت‌گیری دنیای عادلانه هستند. به همین ترتیب، در خرده مقیاس جهت‌گیری اسناد دفاعی از دو گویه برای اندازه‌گیری مقصّر دانستن غیرمستقیم قربانی استفاده شد. ابتدا در مورد وخامت موقعیت سوال شد (مقیاس پنج گویه‌ای: ۱ «اصلاً وخیم نبود» تا ۵ «بسیار وخیم بود»). گویه دوم در مورد شدت مجازات عادلانه برای قلدر سوال می‌کرد (مقیاس پنج گویه‌ای: ۱ «به هیچ وجه مجازات لازم نیست» تا ۵ «مجازات بسیار سخت لازم است»). این دو گویه در نظر گرفته شده عامل «سرزنش غیرمستقیم قربانی» را تشکیل می‌دادند. نمرات آزمودنی‌ها در مقیاس مقصّرشناسی قربانی می‌تواند بین ۶ تا ۳۰ متغیر باشد که نمرات پایین به معنای اسناد تقصیر کمتر به قربانی قلدری سایبری و نمرات بالاتر به معنای اسناد تقصیر بیشتر است. در پژوهش وبر و همکاران (۲۰۱۳) ضریب اعتبار آلفا گزارش نشده بود اما برای روایی ضریب تعیین (R^2) ۰/۲۹ و برای خرده مقیاس دنیای عادلانه ضریب بتا ۰/۴۴ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ و برای خرده مقیاس اسناد دفاعی ضریب بتا ۰/۲۰ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ گزارش شد. در پژوهش حاضر اعتبار کل آزمون به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۳ محاسبه شد. ضریب مزبور برای خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه ۰/۷۶ و برای خرده مقیاس جهت‌گیری اسناد دفاعی ۰/۵۰ محاسبه شد. کمترین ضریب همبستگی بین گویه‌های پرسش‌نامه از بین ضرایب ۰/۵۴ بود که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی پیرسون برای نمونه‌های بزرگتر از ۳۰۰ یعنی ۰/۰۹ بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای سنجش روایی سازه نیز نشان داد معیارهای برازش گویه‌ها در مقیاس در محدوده قابل قبول قرار داشتند ($NFI = ۰/۸۸$ ، $IFI = ۰/۸۹$ ، $GFI = ۰/۹۵$ ، $RMSEA = ۰/۰۹$).

یافته‌ها

پس از انتشار آگهی تحقیق در مدتی یک ماهه مجموعاً ۸۰۵ نفر بر روی لینک وبسایت پژوهش کلیک کرده و وارد سایت شدند که از این تعداد ۶۰۱ نفر مواد تحقیق را کامل کردند. تعداد شرکت‌کنندگان زن ۴۵۲ نفر (۷۵٪) و شرکت‌کنندگان مرد ۱۴۹ نفر (۲۵٪) بود. ۷۸ درصد شرکت‌کنندگان تحصیلات کارشناسی و بالاتر داشتند و میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۳ سال بود. در

1. Peterson
2. Victim Blaming
3. Weber, Ziegele, Schnauber
4. Defensive Attribution Orientation
5. Just World Orientation

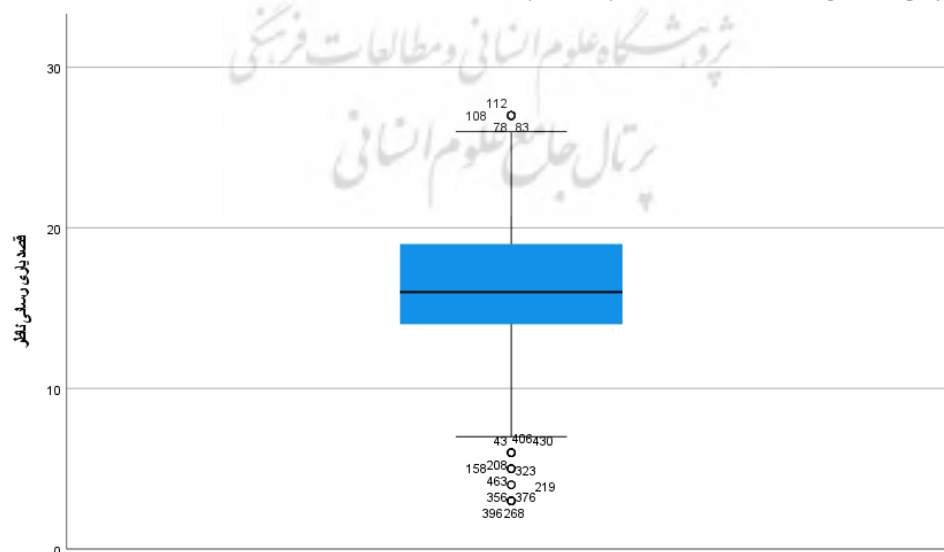
آزمون آماری مشخص شد گروه‌های آزمایشی از نظر متغیرهای جمعیت شناختی تفاوت معناداری با یکدیگر نداشتند (جنسیت $\chi^2 = 1/18$ $p = 0/75$ ، سن $F(5, 593) = 0/71$ ، $p = 0/61$ ، $F(4, 593) = 2/12$ ، $p = 0/76$)، باورهای مذهبی $F(4, 593) = 2/12$ ، $p = 0/76$.

شاخص‌های توصیفی برای گروه‌های آزمایشی در جدول ۱ آمده است. میانگین کلی نمرات شرکت‌کنندگان در مقیاس قصد یاری‌رسانی ناظر ۱۶/۶۱ است که بالاتر از میانه نمره آزمون (۱۵) در حالت فرض نرمال بودن توزیع نمرات بود. میانگین نمره قصد ناظران برای کمک به قربانی مونث ۱۷/۲۵ و میانگین نمره قصد ناظران برای کمک به قربانی مذکر ۱۶/۰۶ است. میانگین کلی نمرات شرکت‌کنندگان در مقیاس مقصرشناسی قربانی ۱۷ بود که پایین‌تر از میانه نمره آزمون (۱۸) بود.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی برای گروه‌های آزمایشی

گروه آزمایشی	جنسیت شرکت‌کننده	جنسیت قلدر	جنسیت قربانی	تعداد نمونه	قصد یاری‌رسانی ناظر	مقصرشناسی قربانی
					میانگین	انحراف معیار
۱			مرد	۳۳	۱۵/۶۷	۴/۴۳
۲		مرد	زن	۴۰	۱۷/۲۵	۴/۴۱
۳	مرد		مرد	۴۱	۱۶/۲۹	۴/۴۰
۴		زن	زن	۳۵	۱۸/۰۹	۴/۳۸
۵			مرد	۹۹	۱۶/۸۲	۴/۵۹
۶		مرد	زن	۱۲۰	۱۶/۹۵	۴/۹۱
۷	زن		مرد	۱۰۹	۱۵/۴۸	۴/۳۲
۸		زن	زن	۱۲۴	۱۶/۷۳	۵/۳۰
					۱۶/۶۱	۴/۹۴

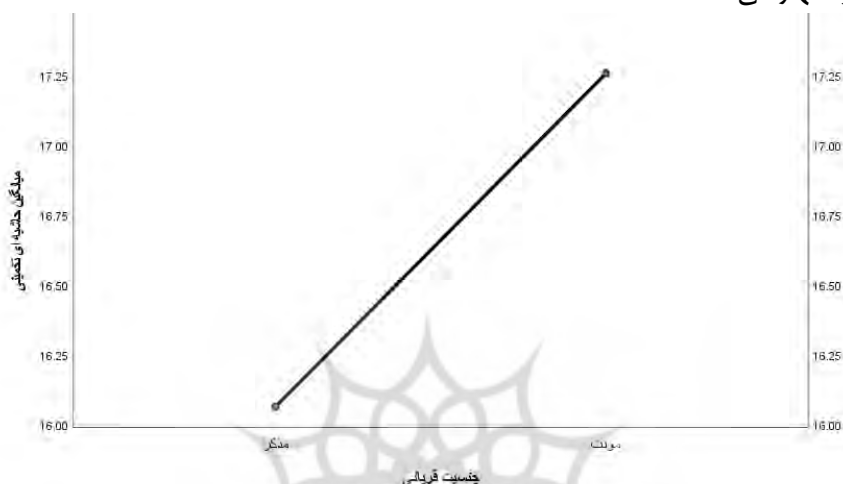
آزمون فرضیه اول: ابتدا شروط آزمون پارامتری بررسی شد. برای آزمون وجود داده‌های پرت غیرعادی نمودار جعبه‌ای ترسیم شد. با توجه به تعداد کم داده‌های پرت در تحلیل حفظ شدند. برای آزمون فرض نرمال بودن تقریبی مقادیر متغیر وابسته مقدار چولگی ۰/۱ و کشیدگی ۰/۰۹ محاسبه شد که با توجه به قرار داشتن در بازه نرمال (۲،۲-) برای چولگی و بازه نرمال (۷،۷-) برای کشیدگی حاکی از توزیع تقریبی نرمال مقادیر متغیر وابسته بود.



نمودار ۲. نمودار جعبه‌ای توزیع داده‌های متغیر وابسته

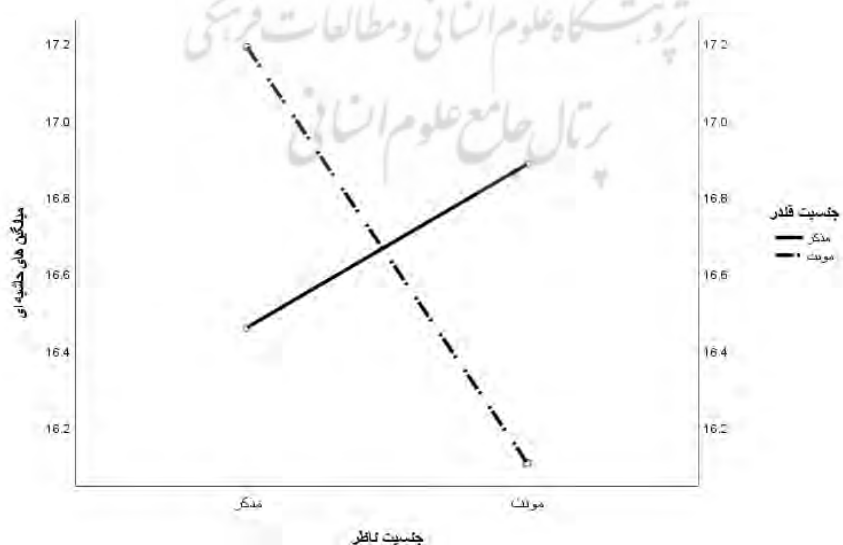
برای آزمون همسانی واریانس از تست لوین استفاده شد. نتایج نشان داد فرض تفاوت واریانس مقادیر متغیر وابسته بین گروه‌ها معنادار نبود ($F(7, 593) = 1/09, p = 0/36$).

نتایج تحلیل واریانس سه طرفه بین عاملی نشان داد اثر تعاملی بین جنسیت ناظر، قلدر و قربانی با قصد یاری‌رسانی ناظر به قربانی رویداد قلدر مجازی معنادار نبود. تنها اثر معنادار مشاهده شده مربوط به اثر جنسیت قربانی بر متغیر وابسته بود ($F(7, 593) = 2/12, p = 0/01$). برای بررسی اثر یافت شده در خصوص معنادار بودن اثر سطوح جنسیت قربانی بر متغیر وابسته نمودار میانگین حاشیه‌ای ترسیم شد. از نمودار ۳ این گونه استنباط می‌شود که ناظران قصد بیشتری برای یاری‌رسانی به قربانی مونث در مقایسه با قربانی مذکر اظهار می‌کنند.



نمودار ۳. میانگین حاشیه‌ای برای قصد یاری‌رسانی ناظر به قربانی بر حسب جنسیت قربانی

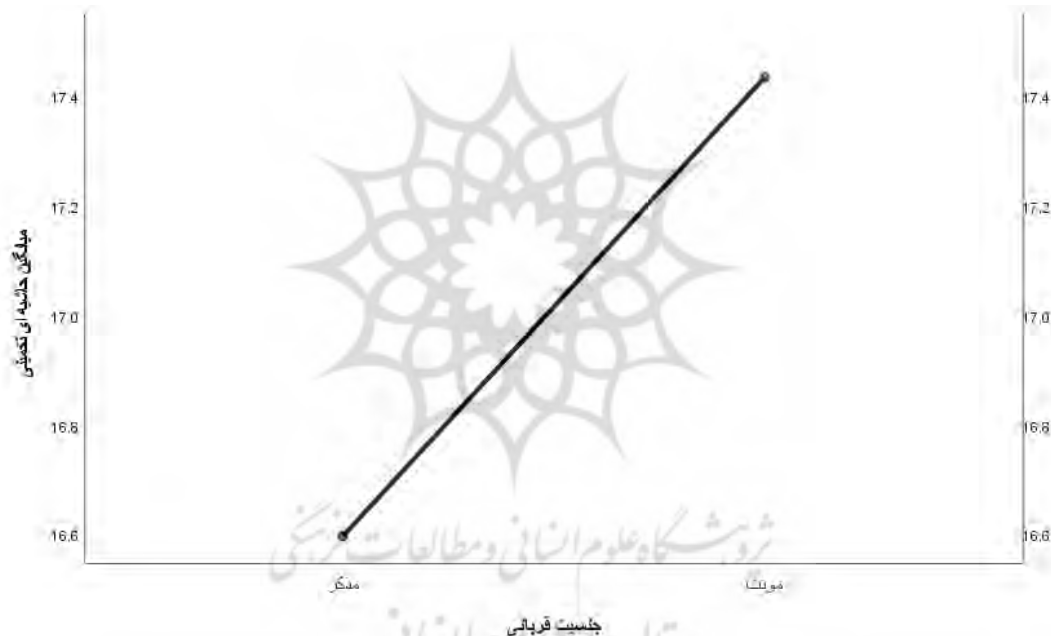
در خصوص اثر تعاملی بین جنسیت شرکت‌کننده و جنسیت قربانی نیز اثر نزدیک به معنادار مشاهده شد ($F(7, 593) = 2/73, p = 0/09$). برای بررسی اثر یافت شده در خصوص معنادار بودن اثر تعاملی بین جنسیت شرکت‌کننده و جنسیت قربانی بر متغیر وابسته نمودار میانگین حاشیه‌ای ترسیم شد. از نمودار ۴ این گونه استنباط می‌شود که ناظران وقتی قلدر از جنس مخالف خودشان است قصد یاری‌رسانی بیشتری به قربانی اظهار می‌کنند.



نمودار ۴. میانگین حاشیه‌ای برای قصد یاری‌رسانی ناظر به قربانی بر حسب جنسیت ناظر و قلدر

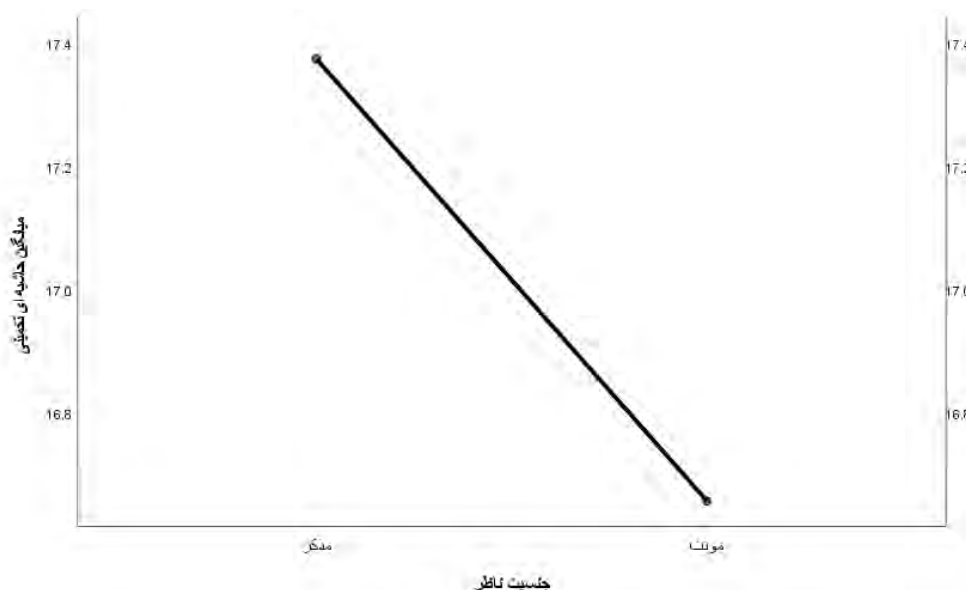
آزمون فرض دوم: برای آزمون فرض نرمال بودن مقادیر متغیر وابسته هم مقدار چولگی $0/39$ و مقدار کشیدگی $0/08$ - محاسبه شد که با توجه به قرار داشتن در بازه استاندارد ($-2,2$) برای چولگی و بازه نرمال ($-7,7$) برای کشیدگی حاکی از توزیع تقریبی نرمال مقادیر متغیر وابسته بود. برای آزمون همسانی واریانس از تست لوین استفاده شد. نتایج نشان داد فرض تفاوت واریانس مقادیر متغیر وابسته بین گروه‌ها معنادار نبود.

از آنجا که خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه از ضریب پایایی بالاتری برخوردار بود آزمون فرضیه دوم هم بر اساس نتایج مقیاس کامل مقصرشناسی قربانی و هم تنها بر اساس نتایج خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه انجام شد. نتایج تحلیل واریانس سه طرفه بین عاملی بر اساس نتایج مقیاس کامل مقصرشناسی قربانی نشان داد اثر تعاملی بین جنسیت ناظر، قلدر و قربانی با مقصرشناسی قربانی رویداد قلدری مجازی معنادار نبود. تنها اثر معنادار مشاهده شده مربوط به اثر جنسیت قربانی بر متغیر وابسته بود ($F(7, 593) = 4/45, p = 0/03$). برای بررسی اثر یافت شده در خصوص معنادار بودن اثر سطوح جنسیت قربانی بر متغیر وابسته نمودار میانگین حاشیه‌ای ترسیم شد. از نمودار ۴ این گونه استنباط می‌شود که ناظران تقصیر بیشتری به قربانی مونث در مقایسه با قربانی مذکر نسبت می‌دهند.



نمودار ۵. میانگین حاشیه‌ای مقصرشناسی قربانی بر حسب جنسیت قربانی

گرچه نتایج تحلیل واریانس سه طرفه بین عاملی بر اساس نتایج خرده مقیاس جهت‌گیری دنیای عادلانه نیز حاکی از فقدان اثر تعاملی معنادار بین جنسیت ناظر، قلدر و قربانی با مقصرشناسی قربانی بود با این حال در خصوص جنسیت شرکت‌کننده نیز اثر معنادار مشاهده شد ($F(7, 593) = 4/49, p = 0/04$). برای بررسی اثر یافت شده در خصوص معنادار بودن اثر سطوح جنسیت ناظر بر متغیر وابسته نمودار میانگین حاشیه‌ای ترسیم شد. از نمودار ۵ این گونه استنباط می‌شود که ناظران مذکر در مقایسه با ناظران مونث تقصیر بیشتری به قربانی نسبت می‌دهند.



نمودار ۵. میانگین حاشیه‌ای مقصرشناسی قربانی بر حسب جنسیت ناظر

آزمون فرضیه سوم: نتایج مدل سازی رابطه میانجی با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه نشان داد ضرایب مدل رگرسیون برای اثر کل، اثر مستقیم متغیر مستقل بر متغیر میانجی و اثر مستقیم متغیرهای مستقل و میانجی بر متغیر وابسته معنادار نبود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی اثر تعاملی بین جنسیت قلدر، قربانی و ناظر قلدری سایبری بر قصد یاری‌رسانی ناظر و مقصرشناسی قربانی بود. یافته‌های این پژوهش در خصوص فقدان اثر تعاملی جنسیت نقش‌های درگیر بر قصد یاری‌رسانی ناظر با نتایج تنها تحقیق نسبتاً مشابه پیشین یعنی پژوهش وبر، کوهلر و اشناوبر (۲۰۱۹) همخوانی داشت. درعین حال نتیجه این پژوهش مبنی بر فقدان اثر یک سویه جنسیت ناظر بر قصد یاری‌رسانی او به قربانی با نتایج برخی پژوهش‌های پیشین همخوانی داشت. برای مثال نتایج این پژوهش با پژوهش بارلینسکا، شوستر و وینیوسکی (۲۰۱۳) و پژوهش چان، چونگ، بنباست، ژیاو و لی^۱ (۲۰۲۲) همخوانی داشت. همزمان فقدان اثر یک سویه جنسیت ناظران بر قصد یاری‌رسانی ناظر با نتایج برخی از تحقیقات دیگر ناهمخوانی داشت. برای مثال نتایج این پژوهش با پژوهش دزمت و همکاران (۲۰۱۶) و لامب، هادسون، کریگ و پپلر^۲ (۲۰۱۷) همخوانی نداشت.

ناتوانی در یافتن تفاوت معنادار در قصد یاری‌رسانی ناظر به قربانی قلدری مجازی که وابسته به تعامل جنسیت ناظر، قربانی و قلدر باشد ممکن است به دلیل متغیرهای کنترل متفاوتی باشد که تحقیقات متفاوت استفاده کرده‌اند. برای مثال سن ناظران به عنوان متغیر کنترل در بسیاری تحقیقات استفاده شده است ولی تحقیقات مختلف از گروه‌های سنی متفاوتی استفاده کرده‌اند که مقایسه نتایج را دشوار می‌کند. این موضوع در خصوص سطح تحصیلات، خاستگاه اقتصادی و اجتماعی، جایگاه شغلی و هویت گروهی نیز صدق می‌کند. با لحاظ کردن تفاوت ناظر با قلدر و ناظر با قربانی در این ابعاد پیچیدگی موضوع ممکن است بیشتر هم باشد.

1. Chan, Cheung, Benbasat, Xiao, Lee

2. Lambe, Hudson, Craig, Pepler

از سوی دیگر موقعیت‌های نمونه‌ای که در کاربندی‌های آزمایشی برای سنجش رفتار ناظران بالقوه استفاده شده‌اند یکسان نبوده‌اند. موقعیت‌های قلدری سایبری انواع متفاوتی دارند و طبقه‌بندی‌های موجود فقط زمینه‌های مشترک را، هر چند نه بطور کامل، پوشش می‌دهند و اکثر اوقات واقعیت یک موقعیت نمونه قلدری سایبری ترکیبی از این انواع را شامل می‌شود. از آنجا که قضاوت‌های مربوط به جنسیت وابسته به موقعیت هستند (وو، پارک و داسگوپتا^۱، ۲۰۲۰) ممکن است تفاوت نتایج مربوط به این مسئله باشد.

در خصوص آمادگی بیشتر ناظران برای یاری‌رسانی به قربانی مونث نسبت به قربانی مذکر، یافته‌های این پژوهش با نتایج تنها تحقیق قابل مقایسه پیشین که به بررسی تأثیر جنسیت قربانی بر قصد یاری‌رسانی ناظر قلدری سایبری پرداخته بود - پژوهش وبر، کوهرلر و اشناوبر (۲۰۱۹) - همخوانی داشت. تفاوت معنادار در آمادگی ناظران قلدری سایبری برای یاری‌رسانی به قربانی مونث نسبت به قربانی مذکر را شاید بهتر از هر چیز وجود تصورات قالبی جنسیتی توضیح دهد. احتمالاً یک حادثه قلدری که متوجه یک قربانی زن می‌شود، به عنوان موقعیتی تفسیر می‌شود که در آن قربانی به یاری‌رسانی دیگران نیاز دارد.

تفاوت مشاهده شده در تمایل ناظران به یاری‌رسانی بیشتر به قربانی قلدری از جنس مخالف می‌تواند بدلیل شکسته شدن معیارهای کلیشه‌ای جنسیتی در موقعیت‌های قلدری سایبری باشد. بر اساس کلیشه‌های جنسیتی از زنان انتظار نمی‌رود که در نقش‌های پرخاشگرانه ظاهر شوند و متقابلاً از مردان انتظار نمی‌رود زنان را که ضعیف تلقی می‌شوند مورد قلدری قرار دهند. تخلف از کلیشه‌های جنسیتی با طرد و تنبیه مواجه می‌شود (کندی، مک دانل و استفنس^۲، ۲۰۱۶).

یافته‌های این پژوهش در خصوص فقدان اثر تعاملی جنسیت نقش‌های درگیر در قلدری سایبری بر مقصرشناسی قربانی با نتایج دو تحقیق متناظر پیشین - مائر و دوئل (۲۰۲۰) و وبر، کوهرلر و اشناوبر (۲۰۱۹) - همخوانی داشت. همزمان نتیجه این پژوهش مبنی بر اینکه ناظران قربانی مونث را در مقایسه با قربانی مذکر بیشتر مقصر می‌دانند برخلاف نتایج هر دو پژوهش وبر، کوهرلر و اشناوبر (۲۰۱۹) و مائر و دوئل (۲۰۲۰) بود که چنین رابطه‌ای را معنادار نیافتند.

تفاوت معنادار بین مقصرشناسی قربانیان مونث در مقایسه با قربانیان مذکر نزد ناظران قلدری سایبری ممکن است در ابتدا خلاف شهود بنظر برسد چون مردان بیشتر مشکوک به رفتار رقابتی یا پرخاشگرانه و در نتیجه مقصر وقوع قلدری تلقی می‌شوند اما تحقیقاتی که درباره نسبت دادن تقصیر به قربانیان خشونت انجام شده است نتایج مشابهی گزارش کرده‌اند (برای مثال: کلارک^۳، ۲۰۲۱). توضیح این پدیده ممکن است این باشد که در تصورات قالبی جنسیتی که بین هر دو جنسیت مشترک است زنان ضعیف، آسیب‌پذیر، سلطه‌پذیر، غیرمنطقی، و احساساتی و مردان پرخاشگر، ریسک‌پذیر، سلطه‌گر و رقابت‌جو دیده می‌شوند (سولیوان، سیوسیلو، موس راسوسین^۴، ۲۰۲۲). طبق این تصورات قالبی زنان بیش از مردان در خطر قربانی شدن دیده می‌شوند. به همین دلیل ظاهراً منطق حکم می‌کند کسانی که احتمال قربانی شدن آنان بیشتر است محتاط‌تر باشند تا از چنین اتفاقاتی جلوگیری کنند.

توضیح دیگری که می‌توان لحاظ کرد توجه به این نکته است که وقتی قربانی زن سوژه اغواگری می‌شود و نشانه‌ای از پذیرش اغواگری نشان می‌دهد و تا حدی با قلدر همراه می‌شود بیشتر مقصر دانسته می‌شود (روژالین و ادیسون^۵، ۲۰۲۳). می‌توان گفت گرچه کلیشه‌های جنسیتی ممکن است ریشه تمایل بیشتر ناظران برای یاری‌رسانی به قربانی مونث باشد وقتی رویداد قلدری سایبری زمینه‌ای رمانتیک یا جنسی دارد و قربانی مونث به اغواگری اولیه پاسخ مثبت می‌دهد همزمان بیشتر مقصر دانسته می‌شود.

1. Wu, Park, Dasgupta
2. Kennedy, McDonnell, Stephens
3. Clark
4. Sullivan, Ciociolo, & Moss-Racusin
5. Rogalin & Addison

اثر مشاهده شده در خصوص گرایش ناظران مذکر به مقصرشناسی بیشتر قربانی نسبت به ناظران مونث با نتایج پژوهش مائر و دوئل (۲۰۲۰) همخوان بود. در عین حال یافته‌های این پژوهش برخلاف نتایج پژوهش وبر، کوهرلر و اشناوبر (۲۰۱۹) بود که چنین رابطه‌ای را معنادار نیافتند. با توجه به اینکه ناظران قلدری سایبری فارغ از جنسیت خود قربانیان زن را بیشتر مقصر دانستند در اینجا ممکن است سطح پایین‌تر مهارت‌های شناخت اجتماعی و همدلی یا سطح بالاتر جنسیت گرایی ناظران مذکر که در تحقیقات مستند شده است (برای مثال روشات^۱، ۲۰۲۳ و لافلر و گریتمیر^۲، ۲۰۲۳) باعث چنین تفاوتی شود. می‌توان مشارکت اصلی این پژوهش را این گونه بیان کرد که بر اساس یافته‌های این پژوهش علیرغم اینکه ناظران قلدری سایبری قربانی مونث را بیشتر مقصر می‌شناسند با این حال قصد بیشتری برای یاری‌رسانی به او نیز ابراز می‌کنند. این موضوع را شاید بتوان اینگونه توضیح داد که طبق باورهای قالبی جنسیتی که در هر دو جنس وجود دارد زنان احساساتی و در نتیجه ساده لوح ولی در عین حال ضعیف و نیازمند کمک هستند.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

تجربیات متفاوت شرکت‌کنندگان در خصوص قلدری سایبری می‌تواند بر پاسخ آنها تأثیر بگذارد. در تحقیقات آتی تجربیات گذشته شرکت‌کنندگان می‌تواند در تعریف گروه‌های آزمایشی لحاظ شود. با توجه به فرضی بودن موقعیت قلدری سایبری عمق رابطه ناظر با قلدر و قربانی نامعلوم است و این موضوع می‌تواند بر پاسخ‌ها موثر بوده باشد. در پژوهش‌های آتی سطح آشنایی ناظر با قربانی و قلدر می‌تواند در سناریوها متفاوت تعریف شود و اثرات آن سنجیده شود. برای بررسی علت ناسازگاری نتایج پژوهش‌ها درباره نقش جنسیت در قلدری سایبری متغیرهای کنترلی نظیر خاستگاه اقتصادی اجتماعی و انواع هویت گروهی می‌تواند در بررسی‌های آتی لحاظ شود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد مردانی که قربانی قلدری سایبری می‌شوند کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرند و ممکن است از مزیت‌های حمایت اجتماعی که می‌تواند اثرات مخرب قلدری سایبری را مهار کند محروم شوند. آموزش تأثیرات بالقوه مخرب و وخیم قلدری سایبری بر مردان می‌تواند بر مقابله با کلیشه‌های جنسیتی موجود در این زمینه و در نتیجه کاهش اثرات مزبور موثر باشد. با توجه به نادیده گرفته شدن قربانیان مذکر از سوی همسالان این موضوع می‌تواند در رسیدگی‌هایی که به قربانیان انجام می‌شود برای جبران فقدان حمایت اجتماعی لحاظ شود.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

کد اخلاقی پژوهش

طرح‌نامه این تحقیق به کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علامه طباطبائی ارائه و با دریافت کد ۱۴۰۲.۱۲VIR.ATU.REC. برای اجرا تصویب شد.

1. Rochat

2. Löffler & Greitemeyer

منابع

- اخوان منیژه، قاسمی نژاد عبدالرحیم، فروزانفر محمد مهدی. (۱۴۰۳). پویایی شناسی مسائل و نابسامانی‌های فضای مجازی در ایران، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، (گزارش شماره ۱۹۸۸۵).
- انواری، سیده ملیحه، منصوری، احمد. (۱۴۰۲). رابطه بین قربانی شدن قلدری سایبری با خودزنی غیرخودکشی و رفتارهای خودکشی نوجوانان: نقش میانجی تنظیم هیجان. روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۲۱(۲)، ۱۲۹-۱۳۸.
- سرآبادانی، الهه، مروتی، ذکراالله. (۱۴۰۱). مقایسه مشکلات روان شناختی و کیفیت خواب در نوجوانان قربانیان سایبربولینگ و عادی، مجله ایرانی روان‌شناسی تکاملی و تربیتی، سال چهارم شماره ۱ (پیاپی ۱۳).
- ورعی، پیام، ممدوحی، زهرا، محصب، نیلوفر، تقی‌پور، رقیه. (۱۴۰۱). پیش‌بینی خودجرعی بر اساس بزه دیدگی ناشی از قلدری سایبری: نقش میانجی ناامیدی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در نوجوانان وابسته به مواد. اعتیاد پژوهی، ۶۵(۱۶)، ۲۵۵-۲۸۶.
- Allison, K. R., & Bussey, K. (2016). Cyber-bystanding in context: A review of the literature on witnesses' responses to cyberbullying. *Children and Youth Services Review*, 65, 183-194. DOI:10.1016/j.childyouth.2016.03.026.
- Allison, K. R., Luo, A., & Bussey, K. (2020). Cyberbullying in adolescence. In S. Hupp, & J. D. Jewell (Eds.), *The encyclopedia of child and adolescent development* (Vol. 7, pp. 1-9). (Peer Relationships). John Wiley & Sons. DOI: 10.1002/9781119171492.
- Barlińska, J., Szuster, A., & Winiewski, M. (2013). Cyberbullying among adolescent bystanders: Role of the communication medium, form of violence, and empathy. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 23(1), 37-51.
- Barlińska, J., Szuster, A., & Winiewski, M. (2015). The role of short-and long-term cognitive empathy activation in preventing cyberbystander reinforcing cyberbullying behavior. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 18(4), 241-244. DOI: 10.1089/cyber.2014.0412.
- Bastiaensens, S., Vandebosch, H., Poels, K., Van Cleemput, K., DeSmet, A., & De Bourdeaudhuij, I. (2014). Cyberbullying on social network sites: an experimental study into bystanders' behavioural intentions to help the victim or reinforce the bully. *COMPUTERS IN HUMAN BEHAVIOR*, 31, 259-271. DOI: 10.1016/j.chb.2013.10.036.
- Bastiaensens, S., Vandebosch, H., Poels, K., Van Cleemput, K., DeSmet, A., & De Bourdeaudhuij, I. (2015). 'Can I afford to help?' How affordances of communication modalities guide bystanders' helping intentions towards harassment on social network sites. *Behaviour & Information Technology*, 34(4), 425-435. DOI: 10.1080/0144929X.2014.983979.
- Broverman, I. K., Vogel, S. R., Broverman, D. M., Clarkson, F. E., & Rosenkrantz, P. S. (1972). Sex-role stereotypes: A current appraisal. *Journal of Social issues*, 28(2), 59-78. DOI: 10.1111/j.1540-4560.1972.tb00018.x
- Chan, T. K., Cheung, C. M., Benbasat, I., Xiao, B., & Lee, Z. W. (2023). Bystanders join in cyberbullying on social networking sites: the deindividuation and moral disengagement perspectives. *Information Systems Research*, 34(3), 828-846. DOI: 10.1287/isre.2022.1161
- Clark, V. E. (2021). Victim-blaming discourse underpinning police responses to domestic violence: A critical social work perspective. *Social Work & Policy Studies: Social Justice, Practice and Theory*, 4(1). ISSN: 2209-0878.
- Cramer, R. J., Nobles, M. R., Amacker, A. M., & Dovoedo, L. (2013). Defining and evaluating perceptions of victim blame in antigay hate crimes. *Journal of Interpersonal Violence*, 28(14), 2894-2914. DOI: 10.1177/0886260513488687.
- DeSmet, A., Van Cleemput, K., Bastiaensens, S., Poels, K., Vandebosch, H., Malliet, S., ... & De Bourdeaudhuij, I. (2016). Bridging behavior science and gaming theory: Using the Intervention Mapping Protocol to design a serious game against cyberbullying. *Computers in Human behavior*, 56, 337-351. DOI: 10.1016/j.chb.2015.11.039.

- Domínguez-Hernández, F., Bonell, L., & Martínez-González, A. (2018). A systematic literature review of factors that moderate bystanders' actions in cyberbullying. *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*, 12(4). DOI: 10.5817/CP2018-4-1.
- Ejaz, N., Razi, F., & Choudhury, S. (2024). Towards comprehensive cyberbullying detection: A dataset incorporating aggressive texts, repetition, peeriness, and intent to harm. *Computers in Human Behavior*, 153, 108123. DOI: 10.1016/j.chb.2023.108123
- Houdek, P., Bahník, Š., Vrbová, L., & Hájek, J. (2024). Perspective-Taking Does Not Reduce Victim Blaming in Work-Related Situations. *Deviant Behavior*, 1-13. DOI: 10.1080/01639625.2024.2354349
- Khalili, N., Nagar, P. M., Leduc, K., & Talwar, V. (2022). Cyber-bystander behavior among Canadian and Iranian youth: The influence of bystander type and relationship to the perpetrator on moral responsibility. *Frontiers in Communication*, 7, 796146. DOI: 10.3389/fcomm.2022.796146.
- Kennedy, J., McDonnell, M. H., & Stephens, N. (2016). Does gender raise the ethical bar? Exploring the punishment of ethical violations at work. Exploring the Punishment of Ethical Violations at Work (April 25, 2016). Vanderbilt Owen Graduate School of Management Research Paper, (2770012). DOI: 10.2139/ssrn.2770012.
- Jaghoory, H., Björkqvist, K., & Österman, K. (2015). Cyberbullying among adolescents: A comparison between Iran and Finland. *Journal of Child and Adolescent Behavior*, 3(6), 1-7. DOI: 10.4172/2375-4494.1000265.
- Lambe, L. J., Hudson, C. C., Craig, W. M., & Pepler, D. J. (2017). Does defending come with a cost? Examining the psychosocial correlates of defending behaviour among bystanders of bullying in a Canadian sample. *Child Abuse & Neglect*, 65, 112-123. DOI: 10.1016/j.chiabu.2017.01.012.
- Levine, M., & Crowther, S. (2008). The responsive bystander: How social group membership and group size can encourage as well as inhibit bystander intervention. *Journal of Personality and Social Psychology*, 95(6), 1429-1439. DOI: 10.1037/a0012634.
- Löffler, C. S., & Greitemeyer, T. (2023). Are women the more empathetic gender? The effects of gender role expectations. *Current Psychology*, 42(1), 220-231. DOI: 10.1007/s12144-020-01260-8.
- Marr, K. L., & Duell, M. N. (2021). Cyberbullying and cybervictimization: Does gender matter? *Psychological reports*, 124(2), 577-595. DOI: 10.1177/0033294120916868.
- Muller, D., Judd, C. M., & Yzerbyt, V. Y. (2005). When moderation is mediated and mediation is moderated. *Journal of personality and social psychology*, 89(6), 852. DOI: 10.1037/0022-3514.89.6.852.
- Nazir, T., & Thabassum, L. (2021). Cyberbullying: Definition, types, effects, related factors and precautions to be taken during COVID-19 pandemic. *The International Journal of Indian Psychology*. DOI: 10.25215/0904.047.
- Nudelman, G., & Otto, K. (2021). Personal Belief in a Just World and Conscientiousness: A meta-analysis, facet-level examination, and mediation model. *British Journal of Psychology*, 112(1), 92-119.
- Olenik-Shemesh, D., Heiman, T., & Eden, S. (2017). Bystanders' behavior in cyberbullying episodes: Active and passive patterns in the context of personal-socio-emotional factors. *Journal of interpersonal violence*, 32(1), 23-48. DOI: 10.1177/0886260515585531.
- Peterson, R. A. (1994). A meta-analysis of Cronbach's coefficient alpha. *Journal of consumer research*, 21(2), 381-391. DOI: 10.1086/209405.
- Pinciotti, C. M., & Orcutt, H. K. (2020). It won't happen to me: An examination of the effectiveness of defensive attribution in rape victim blaming. *Violence against women*, 26(10), 1059-1079. DOI: 10.1177/1077801219853367.
- Rochat, M. J. (2023). Sex and gender differences in the development of empathy. *Journal of neuroscience research*, 101(5), 718-729. DOI:10.1002/jnr.25009.
- Rogalin, C. L., & Addison, S. M. (2023). "He Is Not a Monster": Himpathy and Sexual Assault. *Midwest Social Sciences Journal*, 26(1), 7. DOI:10.22543/2766-0796.1115.
- Salmivalli, C. (2010). Bullying and the peer group: A review. *Aggression and violent behavior*, 15(2), 12-120. DOI: 10.1016/j.avb.2009.08.007.
- Sullivan, J., Ciociolo, A., & Moss-Racusin, C. A. (2022). Establishing the content of gender stereotypes across development. *Plos one*, 17(7), e0263217. DOI: 10.1371/journal.pone.0263217.

- Weber, M., Koehler, C., & Schnauber-Stockmann, A. (2019). Why should I help you? Man up! Bystanders' gender stereotypic perceptions of a cyberbullying incident. *Deviant Behavior*, 40(5), 585-601. DOI: 10.1080/01639625.2018.1431183
- Weber, M., Ziegele, M., & Schnauber, A. (2013). Blaming the victim: The effects of extraversion and information disclosure on guilt attributions in cyberbullying. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 16(4), 254-259. DOI: 10.1089/cyber.2012.0328.
- Wu, D. J., Park, J., & Dasgupta, N. (2020). The influence of male faces on stereotype activation among women in STEM: An ERP investigation. *Biological Psychology*, 156, 107948. DOI: 10.1016/j.biopsycho.2020.107948.
- Zhang, W., Huang, S., Lam, L., Evans, R., & Zhu, C. (2022). Cyberbullying definitions and measurements in children and adolescents: summarizing 20 years of global efforts. *Frontiers in public health*, 10, 1000504. DOI: 10.3389/fpubh.2022.1000504



جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرط‌بندی ورزشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۶/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۹/۲۳

طیبه یانپی^{۱*}، فرزام فرزنان^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: تحلیل عوامل مؤثر بر انگیزه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و تأثیرات اجتماعی شرط‌بندی به درک عمیق‌تری از این پدیده کمک می‌کند. این پژوهش به بررسی جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرط‌بندی ورزشی می‌پردازد.

روش: این پژوهش با رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. جامعه پژوهش شامل کادر انتظامی، خبرنگاران دانشگاهی، مربیان فوتبال و افرادی با تجربه شرط‌بندی بود. نمونه‌گیری به شیوه گلوله‌ای انجام شد و ملاک انتخاب شامل تجربه شرط‌بندی آنلاین یا آفلاین و آگاهی در زمینه نظارت بر فعالیت‌های شرط‌بندی بود. پس از انجام ۱۷ مصاحبه، ۶۱ مضمون فرعی و ۸ مضمون اصلی استخراج گردید. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته شامل سوالات باز و بسته بود. برای افزایش اعتبار و پایایی، از معیارهای اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اعتماد و تأییدپذیری استفاده شد. درصد توافق بین دو کدگذار متخصص در کدگذاری ۷۵٪ به‌دست آمد.

یافته‌ها: جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرط‌بندی ورزشی شامل: ۶۱ مضمون فرعی در قالب ۸ مضمون اصلی شامل؛ عوامل شخصی، آسیب‌های دوره زندگی مشکلات عاطفی/روانی، چالش سلامتی، استراتژی‌های مقابله‌ای مؤثر، انگیزه اجتماعی، مشوق‌های شرط‌بندی و چالش اقتصادی می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرط‌بندی ورزشی تأثیرات عمیقی بر سلامت روان و روابط اجتماعی آن‌ها دارد. به منظور کاهش آسیب‌های ناشی از این رفتار، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و مداخلات درمانی طراحی شود تا آگاهی نسبت به خطرات شرط‌بندی افزایش یابد. همچنین، ایجاد گروه‌های حمایتی می‌تواند به افراد در مدیریت و کنترل رفتارهای شرط‌بندی کمک کند.

کلمات کلیدی: روان‌شناختی، شرط‌بندی، ورزش، عوامل شخصی، انگیزه اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی - گروه علوم ورزشی، مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

*نویسنده مسئول: Tayyeneh.yanpi1396@gmail.com

۲. دانشیار مدیریت ورزشی - گروه علوم ورزشی، مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

**این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.



Psychological Aspects and Behavioral of Individuals in Sports Betting

Received: 2024/09/09

Accepted: 2024/12/13

Tayyebbeh Yanpi^{1*}, Farzam Farzan²

Original Article

Abstract

Introduction: Exploring the factors that shape motivations, decision-making processes, and social consequences of betting provides valuable insights into this complex phenomenon. This study investigates the psychological aspects and behavioral patterns of individuals engaged in sports betting.

Method: This research adopted a phenomenological approach. The study population comprised law enforcement personnel, academic experts, football coaches, and individuals with betting experience. Participants were selected using a snowball sampling technique, with inclusion criteria encompassing experience in online or offline betting and knowledge of monitoring betting activities. Data were gathered through semi-structured interviews featuring both open-ended and closed questions, yielding 61 sub-themes and 8 main themes after 17 interviews. To ensure rigor, credibility, transferability, reliability, and confirmability were applied as quality criteria. Inter-coder reliability between two expert coders reached a 75% agreement rate.

Results: The psychological aspects and behaviors of individuals in sports betting were organized into 61 sub-themes under 8 main themes: personal factors, life stage influences, emotional/psychological challenges, health-related issues, effective coping mechanisms, social motivations, betting incentives, and economic difficulties.

Conclusion: The findings underscore that the psychological aspects and behaviors tied to sports betting significantly affect individuals' mental well-being and social connections. To address the associated risks, it is recommended that educational initiatives and therapeutic interventions be developed to raise awareness of betting-related harms. Furthermore, establishing support groups could aid individuals in managing and regulating their betting habits.

Keywords: Psychological, Betting, Sports, Personal Factors, Social Motivation.

1. PhD student in sports management -Sports Sciences Department of Sports Management, Faculty of Sports Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

* Correspondent author: Tayyebbeh.Yanpi1396@gmail.com

2. Associate Professor of Sports Management- Sports Sciences Department of Sports Management, Faculty of Sports Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

مقدمه

شرط‌بندی به طور کلی به عنوان فعالیتی تعریف می‌شود که در آن افراد اقلام ارزشمندی، نظیر پول یا دارایی‌های دیگر، را به منظور کسب سود، در معرض ریسک قرار می‌دهند. این ریسک به نتایج وابسته است که عمدتاً تحت تأثیر شانس و تصادف قرار دارند. در حقیقت، شرط‌بندی ترکیبی از هیجان و عدم قطعیت است که می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر وضعیت مالی و اجتماعی افراد داشته باشد (دلبر و همکاران^۱، ۲۰۲۱). شرط‌بندی دارای قدمتی طولانی است که به هزاره‌های پیشین بازمی‌گردد و به طور گسترده‌ای در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف ریشه دوانده است (ابوت^۲، ۲۰۲۰). در سال‌های اخیر، شرط‌بندی ورزشی به طور چشمگیری در میان جوانان و نوجوانان رواج یافته است. این نوع شرط‌بندی، که شامل پیش‌بینی نتایج رویدادهای ورزشی در سطوح مختلف می‌باشد، به‌ویژه به دلیل پتانسیل کسب جوایز مالی و هیجان ذاتی‌اش، جذابیت زیادی پیدا کرده است (بریورس و همکاران^۳، ۲۰۲۴). جو روانی و فرهنگی پیرامون ورزش و شرط‌بندی، به ویژه در جوامع جوان‌پسند، به تشدید این رفتار کمک می‌کند. جوانان ممکن است به این دلیل که شرط‌بندی ورزشی را به عنوان یک فعالیت اجتماعی و هیجان‌انگیز می‌بینند، به سمت آن جذب شوند. این شرایط می‌تواند منجر به بروز رفتارهای شرط‌بندی ناسالم و مشکلات مرتبط با اعتیاد به شرط‌بندی گردد، که در نهایت پیامدهای منفی بر روی سلامت روان و مالی آن‌ها خواهد داشت. بنابراین، ضروری است که برنامه‌های آگاهی‌بخشی و مداخلات پیشگیرانه به منظور کاهش خطرات مرتبط با شرط‌بندی آنلاین در این گروه سنی طراحی و اجرا شوند. این اقدامات می‌توانند شامل آموزش جوانان درباره خطرات شرط‌بندی، شناسایی نشانه‌های اعتیاد و ترویج رفتارهای مسئولانه در این زمینه باشند (پارک و همکاران^۴، ۲۰۱۹).

شرط‌بندی یک پدیده اجتماعی و اقتصادی گسترده است که به همان اندازه که ضررهای شخصی و مالی زیادی برای سطوح فردی در سراسر جهان دارد برای مشاغل شرط‌بندی سود ایجاد کرده است؛ بسیاری از مردم به دلیل اعتیاد به شرط‌بندی، پس انداز مالی و درآمد مالی فعلی خود را از دست داده‌اند؛ امروزه باید با اعتیاد به شرط‌بندی به عنوان یک موضوع اجتماعی برخورد کرد (آزمی و همکاران^۵، ۲۰۲۳). شرط‌بندی نوعی از اوقات فراغت است که ریسک نسبتاً بالایی را برای شرکت‌کنندگان خود به همراه دارد و همچنان به عنوان یک سرگرمی محبوب باقی می‌ماند (ون در ماس و همکاران^۶، ۲۰۱۸). شرط‌بندی یکی از بزرگترین صنایع جهان است که بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار در سال درآمد ایجاد می‌کند. صنعت شرط‌بندی در دو دهه گذشته تا حدی به دلیل پیشرفت‌های تکنولوژیک رشد قابل توجهی داشته است (درونسکی و گینزبری^۷، ۲۰۱۶). مزیت اصلی شرط‌بندی آنلاین ناشناس بودن است، که به نظر می‌رسد به ویژه برای انواع خاصی از کاربران مطلوب باشد (بارو و وارسکون^۸، ۲۰۱۶).

در جوامع مختلف، پذیرش یا رد شرط‌بندی به شدت تحت تأثیر فرهنگ و تاریخ اجتماعی آن جامعه قرار دارد. در بسیاری از موارد، این رفتارها به عنوان ابزاری برای فرار از فشارهای اجتماعی یا به منزله روشی برای جلب توجه و تأیید اجتماعی عمل می‌کنند. به‌ویژه در دنیای دیجیتال امروز، تعاملات اجتماعی در بسترهای مجازی می‌توانند به تحریک افراد برای ورود به عرصه شرط‌بندی کمک کنند. این تأثیرات اجتماعی و هنجارهای فرهنگی در شکل‌گیری رفتارهای شرط‌بندی ورزشی نقش بسزایی دارند. به همین دلیل، برخی افراد ممکن است به دلیل فشارهای گروهی یا تمایل به جلب توجه، به شرط‌بندی روی آورند. این

1. Delfabbro, King, Williams & Georgiou
2. Abbott
3. Brevers, Baeken, Bechara, Maurage, Sescousse & Billieux
4. Parke, Williams & Schofield
5. Azemi, Avdyli & Bytyqi
6. Van Der Maas, Mann, Turner, Matheson, Hamilton & McCready
7. Derevensky & Gainsbury
8. Barrault & Varescon

پدیده نه تنها می‌تواند به بروز مشکلات فردی و اجتماعی منجر شود، بلکه به ترویج ناهنجاری‌های رفتاری و اعتیاد به شرطبندی نیز دامن می‌زند (هانس و همکاران^۱، ۲۰۱۴).

به‌خاطر کمبود فرصت‌های شغلی مناسب و تنگناهای فزاینده اقتصادی، افراد بیشتر به سایت‌های شرطبندی روی می‌آورند. در این فضا، آن‌ها بدون نیاز به مهارت خاص یا تلاش مضاعف، می‌توانند در راحتی منزل و تنها با استفاده از تلفن همراه خود شرطبندی کنند. عوامل مختلفی چون درآمد پایین، بیکاری، ناهماهنگی بین درآمد و هزینه‌ها و مقایسه شرایط مالی خود با دیگران، به‌عنوان محرک‌های کلیدی عمل می‌کنند و افراد را به سمت این انتخاب سوق می‌دهند. این روند نه تنها می‌تواند به دنبال یک فرصت مالی جالب باشد، بلکه می‌تواند به یکی از راه‌های فرار از فشارهای اقتصادی نیز تبدیل شود (محسنی سرشت و عیدی، ۱۴۰۱). برای اکثر افراد، دلیل اصلی شرکت در شرطبندی بیشتر مربوط به انگیزه‌های خارجی مانند کسب سود مالی تا انگیزه‌های داخلی مانند سرگرمی یا لذت می‌باشد (مارتین و همکاران^۲، ۲۰۲۱).

مشارکت جوامع در شرطبندی موضوعی است که سال‌هاست محققان علاقه مند را به خود جلب کرده است. شرطبندی به عنوان یک شکل سرگرمی برای افراد است که، شامل بازی‌ای است که در آن سهام ارزشمندی وجود دارد که نتیجه آن تا حدی به شانس بستگی دارد. به نظر می‌رسد شرطبندی آنلاین به دلایل مختلف جذاب تر است. به شرطبندی‌ازان سود بیشتری از شرطبندی در مقایسه با شرطبندی آفلاین ارائه می‌دهد. اول از همه، شرطبندان می‌توانند در هر زمان و مکانی که بخواهند (در خانه یا محل کار) بازی کنند، که با سطح بالایی از راحتی و هزینه‌های دسترسی کم همراه است؛ شرطبندان نیازی به رفتن به مکان‌های خاص، اختصاص وقت زیاد را ندارند (لئونک-کولتا و همکاران^۳، ۲۰۲۰). شرطبندی مسابقه‌ای و ورزشی، از طریق پیشنهادهایی نظیر جوایز ثبت‌نام، شرط‌های رایگان، سپرده‌های منطبق، بازپرداخت نقدی و شانس پاداش، به شدت مورد توجه قرار گرفته است. هدف این انگیزه‌ها جذب، ثبت و حفظ مشتریان است. کونستان و همکاران^۴ (۲۰۱۲) بر اساس تحقیقات تجربی، شواهد قابل توجهی از عادی‌سازی شرطبندی در جوامع امروزی مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، شرطبندی به‌طور گسترده و در دسترس‌تری قرار گرفته است. در گذشته، شرط‌بازان برای شرکت در فعالیت‌های شرطبندی ناچار بودند از مکان‌های مشخصی مانند کازینوها و بنگاه‌های شرطبندی دیدن کنند. اما با ظهور و گسترش شرطبندی آنلاین، اکنون آن‌ها می‌توانند به راحتی و از هر نقطه‌ای از دنیا به این فعالیت‌ها بپردازند. علاوه بر این، میزان تمایل به امتحان محصولات مختلف شرطبندی، چه به‌صورت آنلاین و چه آفلاین، در جامعه به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. این روند نشان‌دهنده تغییرات فرهنگی و اجتماعی در نگرش‌ها نسبت به شرطبندی است و می‌تواند پیامدهای فردی و اجتماعی فراوانی به دنبال داشته باشد. همراه با این افزایش محبوبیت، قرار گرفتن در معرض فرصت‌های شرطبندی از طریق تبلیغات رسانه‌ای، در طیف گسترده‌ای از پلتفرم‌ها، از جمله از طریق دستگاه‌های هوشمند، پخش‌های تلویزیونی، ایمیل‌ها، تماس‌های تلفنی و پیام‌های متنی است. به عنوان مثال، برخی از متداول‌ترین انواع انگیزه‌ها شامل کاهش ریسک، شانس بهتر، بازپرداخت نقدی و پیشنهادات شرطبندی جایزه می‌باشد (لول و همکاران^۵، ۲۰۲۰). گسترش شرطبندی و افزایش آگاهی از مضرات مرتبط با آن باعث شده است که شرطبندی به عنوان یک نگرانی برای سلامت عمومی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به افزایش فرصت‌های شرطبندی، بدیهی است که آسیب‌های مربوط به شرطبندی نگران‌کننده است (رابرتز و همکاران^۶، ۲۰۲۳). اگرچه شرطبندی و بازی می‌تواند مزایای بسیاری را برای افراد به ارمغان بیاورد، از تماس اجتماعی (مجازی) تا ورزش ذهنی، اما می‌تواند به رفتارهای مشکل‌ساز نیز تبدیل شود و آسیب‌های

1. Hanss, Mentzoni, Delfabbro, Myrseth, & Pallesen

2. Martin, Lichtenberg & Templin

3. Lelonek-Kuleta, Bartczuk, Wiechetek, MChwaszcz & J Niewiadomska

4. Constandt, Rosiers, Moernaut, Van Der Hoeven & Willem

5. Lole, Russell, Thorne, Greer & Hing

6. Roberts, Murphy, McNally, EDerevensky, & Sharman

جسمی، اجتماعی و مالی قابل توجهی را به همراه داشته باشد (ساوالاین و همکاران^۱، ۲۰۲۲). با این حال، برخی افراد از رفتار شرطبندی خود آسیب‌هایی را تجربه می‌کنند که بر سلامت و رفاه آنها تأثیر می‌گذارد. تأثیر این آسیب‌ها می‌تواند طولانی مدت باشد و بر افراد، خانواده‌ها و جامعه تأثیر بگذارد (واردل و همکاران، ۲۰۱۹). شرطبندی به دلیل هزینه‌های اجتماعی، سلامت روانی و اقتصادی قابل توجهی که دارد، به یک موضوع جدی سلامت عمومی تبدیل شده است و سازمان‌هایی مانند سازمان جهانی بهداشت را نگران کرده است (بوگتایا و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

آسیب‌های مربوط به شرطبندی می‌تواند عمیقاً هم بر افرادی که شرطبندی می‌کنند و هم افرادی که نزدیک به آنها هستند تأثیر بگذارد (تالوج و همکاران^۳، ۲۰۲۲). زمان و پول بیش از حد صرف شده برای شرطبندی، منبع اصلی آسیب است که منابع را از تعهدات مهم دور می‌کند زمانی که افراد شغل خود را به دلیل شرطبندی از دست می‌دهند، ممکن است هرگز به همان درآمد یا دستاوردهای حرفه‌ای خود باز نگردند. طلاق و ورشکستگی از دیگر پیامدهای شدیدی است که منجر به تغییر اساسی در مسیر زندگی فرد می‌شود (راکلاف و همکاران^۴، ۲۰۲۲). برای برخی از مصرف‌کنندگان، انگیزه شرطبندی تحت تأثیر تعاملات اجتماعی قرار دارد، زیرا مکان‌های شرطبندی به عنوان فضاهای اجتماعی عمل می‌کنند که فرصتی برای ملاقات و ارتباط با دیگران فراهم می‌آورند. در این فضاها، افراد می‌توانند در کنار هم تجربیات مشترکی را به اشتراک بگذارند و از هیجان جمعی لذت ببرند. در عین حال، برخی دیگر از شرطبندی صرفاً به دنبال رویای برنده شدن پول و کسب سود مالی هستند. این افراد معمولاً بر این باورند که موفقیت در شرطبندی می‌تواند به تغییرات قابل توجهی در وضعیت مالی آنها منجر شود. به این ترتیب، انگیزه‌های شرطبندی می‌تواند از تعاملات اجتماعی و هیجان گروهی تا آرزوهای فردی برای کسب ثروت متنوع باشد (لیو و همکاران^۵، ۲۰۱۵). در مقابل، برخی افراد از شرطبندی به عنوان راهی برای فرار از مشکلات و چالش‌های زندگی خود استفاده می‌کنند. این رفتار به‌ویژه در میان شرطبندی‌بازان رایج است، چرا که این افراد ممکن است به دنبال تسکین استرس‌ها و نگرانی‌های روزمره خود باشند. شرطبندی برای آنها به عنوان یک نوع فرار از واقعیت عمل می‌کند، که می‌تواند موجب کاهش موقتی اضطراب و ایجاد احساس هیجان شود. اما این رویکرد می‌تواند عواقب جدی و منفی به همراه داشته باشد و به مشکلات بیشتری منجر شود (نور و بلاسچینسکی^۶، ۲۰۱۰)؛ این عوامل شامل؛ مشکلات مالی (کاسترن و همکاران^۷، ۲۰۱۳)؛ سلامتی (سانتانجلو و همکاران^۸، ۲۰۱۳)، اضطراب و تنش روانی (هیداک و همکاران^۹، ۲۰۱۵)، روابط اجتماعی و فرهنگی (لی و همکاران، ۲۰۱۷) و آسیب‌های مربوط به شرطبندی است (لنگ‌هام و همکاران، ۲۰۱۵). به دلیل این تأثیرات قابل توجه بر جامعه و سلامت کلی جمعیت، شرطبندی یک موضوع اجتماعی است (شانون و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۷).

استراتژی‌های ارتقای سلامت به منظور پیشگیری از شرطبندی فوری ضروری‌اند و می‌توانند شامل برنامه‌های آموزشی جامع درباره خطرات شرطبندی و ایجاد آگاهی نسبت به نشانه‌های اعتیاد باشند. این آموزش‌ها باید به‌طور خاص طراحی شوند تا به افراد کمک کنند تا رفتارهای شرطبندی خود را به‌درستی ارزیابی کرده و در صورت نیاز به تغییر، اقدام کنند. علاوه بر این، ارائه خدمات مشاوره و حمایت اجتماعی نقش حیاتی در مدیریت رفتارهای شرطبندی دارد. این خدمات می‌توانند به افراد ابزارهای لازم برای مقابله با فشارهای اجتماعی و هیجانی مرتبط با شرطبندی را ارائه دهند. ترکیب اقدامات پیشگیرانه با برنامه‌های حمایتی

1. Savolainen, Vuorinen, Sirola & Oksanen
2. Bouguettaya, Lynott, Carter, Zerhouni & O'Brien
3. Tulloch, Browne, Hing, Rockloff & Hilbrecht
4. Rockloff, Armstrong, Hing, Browne, Russell, Bellringer, du Preez & Lowe
5. Lee, Bernhard, Kim, Fong & Lee
6. Nower & Blaszczynski
7. Castrén, Basnet, Pankakoski, Ronkainen, Helakorpi, Uutela, Alho & Lahti
8. Santangelo, Barone, Trojano & Vitale
9. Haydock, Cowlshaw, Harvey & Castle
10. Shannon, Anjoul & Blaszczynski

می‌تواند به‌طور مؤثری به کاهش شرطبندی مشکل‌دار و ارتقای رفتارهای مسئولانه در این زمینه کمک کند. به این ترتیب، ایجاد یک محیط حمایتی و آگاهانه می‌تواند به افراد در اتخاذ تصمیمات سالم‌تر و مسئولانه‌تر در زمینه شرطبندی یاری‌رساند و از عواقب منفی آن جلوگیری کند (هینگ و همکاران^۱، ۲۰۱۸). بنابراین، آسیب‌های ناشی از شرطبندی می‌تواند شامل جنبه‌های مختلفی از جمله سلامت جسمی، سلامت روانی، مشکلات مالی، تأثیرات فرهنگی، چالش‌های شغلی و مسائل مرتبط با جرم و جنایت باشد. این آسیب‌ها نه تنها بر فرد تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند به خانواده و جامعه نیز آسیب‌های جدی وارد کنند، و به تبع آن، نیاز به توجه و اقدام فوری در راستای مدیریت و کاهش این آسیب‌ها ضروری است (ماریونو و همکاران^۲، ۲۰۲۳).

شرطبندی نه تنها می‌تواند پیوندهای زناشویی را تضعیف کند، بلکه تأثیرات منفی بر روابط بین خواهر و برادر نیز دارد. این وضعیت ممکن است موانعی را برای دریافت حمایت یا کمک از اعضای خانواده ایجاد کند، و در نتیجه، افراد در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های ناشی از شرطبندی خود بیشتر در انزوا قرار گیرند. این آسیب‌ها می‌تواند به فرسایش روابط خانوادگی و کاهش حس حمایت اجتماعی منجر شود (ماتیوس و ولبرگ^۳، ۲۰۱۳). آسیب‌های ناشی از شرطبندی بسیار متنوع و گسترده است و می‌تواند شامل خطرات مرتبط با مسکن و بی‌خانمانی، خشونت خانگی، بدهی، فروپاشی خانواده، افسردگی و حتی خودکشی باشد. برخی گروه‌های خاص به‌ویژه در برابر این آسیب‌ها آسیب‌پذیرتر هستند؛ از جمله مردان، جوانان، گروه‌های اقلیت قومی و کسانی که با مشکلات سلامت روان یا سوء مصرف مواد مواجه‌اند. این افراد ممکن است به دلیل شرایط خاص خود، بیشتر در معرض خطرات ناشی از شرطبندی قرار گیرند و به همین دلیل، نیاز به توجه و حمایت بیشتری دارند (جانستون و ریگان^۴، ۲۰۲۰).

سیاست‌های نظارتی در حوزه‌های قضایی مختلف به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های مرتبط با شرطبندی تدوین شده است. این سیاست‌ها، به همراه هنجارهای فرهنگی موجود در جامعه، تأثیر عمیقی بر نگرش عمومی نسبت به شرطبندی دارند. نگرش عمومی می‌تواند به دو دسته تقسیم شود: یکی نگرش کلی نسبت به شرطبندی و دیگری نگرش نسبت به اشکال خاص آن است. به طور کلی، به نظر می‌رسد که نگرش نسبت به شرطبندی غالباً منفی است و این نگرش می‌تواند بر سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات پیشگیرانه در این زمینه تأثیرگذار باشد. در نتیجه، توجه به فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی در طراحی و اجرای سیاست‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (سالونن و همکاران^۵، ۲۰۱۴).

لاندون، گریسون و رابرتز^۶ (۲۰۱۸) نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شرطبندی تأثیرات منفی قابل توجهی بر اعضای خانواده دارد. یکی از بارزترین این تأثیرات، آسیب به روابط خانوادگی است. تمامی شرکت‌کنندگان در این تحقیق نگرانی عمیق خود را درباره رفاه فرزندان‌شان ابراز کردند. این نگرانی‌ها به وضوح نشان‌دهنده تأثیر منفی شرطبندی بر سلامت عاطفی و روانی خانواده‌هاست، که می‌تواند منجر به کاهش کیفیت زندگی و ایجاد تنش‌های شدید در محیط خانواده شود. این یافته‌ها ضرورت توجه به پیامدهای اجتماعی و خانوادگی شرطبندی را برجسته می‌کند و نیاز به اقدامات حمایتی و آموزشی در این زمینه را نمایان می‌سازد. دالوینگ و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای که درباره تأثیرات شرطبندی بر خانواده‌ها انجام دادند، از معیار تأثیر خانواده در زمینه مشکلات شرطبندی استفاده کردند. این تحقیق بر روی نمونه‌ای شامل ۲۱۲ شرطبند مشکل‌دار که در جوی درمانی قرار داشتند، صورت گرفت و نتایج نشان داد که ۵۴.۷ درصد از این افراد با بدهی‌های پرداخت‌نشده و محرومیت مالی قابل توجهی مواجه هستند. همچنین، تقریباً نیمی از شرکت‌کنندگان (۴۵.۳ درصد) مشکلاتی چون افسردگی، غمگینی، اضطراب و احساس گناه را گزارش کردند. این مطالعه همچنین به وضوح نشان داد که از دست دادن یا آسیب به روابط خانوادگی یکی از مشکلات

1. Hing, Li, Vitartas, & Russell

2. Shannon, Anjoul & Blaszczyński

3. Mathews & Volberg

4. Johnstone & Regan

5. Salonen, Castrén, Raisamo, Orford, Alho & Lahti

6. Landon, Grayson, Roberts

عمده‌ای است که اعضای خانواده متحمل می‌شوند. مارشیکا و همکاران^۱ (۲۰۲۱) شرط‌بندی و اختلالات مرتبط با آن را به عنوان اعتیادهای رفتاری در طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها شناسایی می‌کنند. این اختلالات شامل رفتارهای مکرر و مشکل‌ساز در شرط‌بندی هستند که منجر به پریشانی و اختلالات جدی در زندگی فرد می‌شوند. تحقیقات نشان داده‌اند که جوانان به‌طور خاص در معرض این مشکلات بیشتر از بزرگسالان قرار دارند. از این رو، توجه ویژه به تأثیرات شرط‌بندی در این گروه سنی و ضرورت اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و درمانی برای حمایت از آن‌ها بسیار حیاتی است. شیپوروت و داودا (۲۰۲۴) در پژوهش خود به این نکته اشاره کرده‌اند که شرط‌بندی ورزشی برای بسیاری از افراد فراتر از یک فعالیت تفریحی ساده است. این فعالیت می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر تمرکز، مدیریت مالی و سلامت روان افراد داشته باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مشارکت مکرر و طولانی‌مدت در شرط‌بندی ورزشی به‌طور مستقیم با عواقب منفی بر رفاه مالی، عملکرد تحصیلی و تعاملات اجتماعی مرتبط است. به عبارتی، این رفتار می‌تواند منجر به بروز مشکلات جدی در زندگی روزمره افراد شود و به کاهش کیفیت زندگی و روابط اجتماعی آن‌ها بینجامد. بنابراین، درک و شناسایی این تأثیرات منفی اهمیت ویژه‌ای دارد و نیاز به مداخلات مؤثر برای حمایت از افرادی که در معرض خطر قرار دارند، ضروری است.

سلطان حسینی و همکاران (۱۳۹۸) نیز بیان کردند که فعالیت‌های روزمره معمولاً نمی‌توانند هیجان و لذتی را که در شرط‌بندی وجود دارد، ایجاد کنند و در مقایسه با آن، این فعالیت‌ها خسته‌کننده به نظر می‌رسند. گوردن و ریس (۲۰۱۹) به آسیب‌های اجتماعی ناشی از شرط‌بندی اشاره کردند که شامل مشکلات مالی، فروپاشی خانواده، کاهش بهره‌وری در محل کار یا تحصیل و همچنین فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. این آسیب‌ها نه تنها بر فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه تبعات گسترده‌تری برای خانواده‌ها و جوامع نیز به همراه دارد. بوگوتایا و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیق خود به بررسی رابطه بین قرار گرفتن در معرض تبلیغات شرط‌بندی و نگرش‌ها، نیت و رفتارهای مرتبط با شرط‌بندی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که ارتباط مثبتی بین قرار گرفتن در معرض تبلیغات شرط‌بندی و نگرش‌ها، نیت و رفتارهای مرتبط با آن وجود دارد و این ارتباط به‌ویژه برای رفتار شرط‌بندی قوی‌تر است. این یافته‌ها بیانگر اهمیت تبلیغات در شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای شرط‌بندی است و ضرورت توجه به سیاست‌های نظارتی در این زمینه را نمایان می‌سازد.

در بررسی جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرط‌بندی ورزشی، می‌توان به تأثیرات عمیق این فعالیت بر تصمیم‌گیری‌ها و انگیزه‌های شرط‌بندها پرداخت. شرط‌بندی ورزشی به عنوان یک فعالیت تفریحی، در عین حال می‌تواند به شدت تحت تأثیر احساسات و ادراکات فردی قرار گیرد. عوامل روان‌شناختی نظیر هیجان، اضطراب، و نیاز به کنترل بر نتایج، همگی در شکل‌گیری رفتارهای شرط‌بندی نقش دارند. این موارد می‌توانند باعث شوند که افراد در شرایط ناپایدار مالی، به شرط‌بندی روی آورند و تصمیمات نادرستی اتخاذ کنند. علاوه بر این، احساسات مثبت ناشی از پیروزی‌های کوچک می‌تواند افراد را به ادامه شرط‌بندی ترغیب کند، حتی زمانی که نتایج منفی به وضوح قابل مشاهده است. در واقع، این چرخه می‌تواند منجر به وابستگی به شرط‌بندی شود که تبعات جدی برای سلامت روانی و مالی فرد به همراه دارد. همچنین، احساس گناه و افسردگی ممکن است در افرادی که به دلیل شرط‌بندی دچار مشکلات مالی شده‌اند، بروز کند. از سوی دیگر، تعاملات اجتماعی و فشارهای گروهی نیز می‌توانند نقش مهمی در انگیزه افراد برای شرط‌بندی ایفا کنند. به عنوان مثال، برخی افراد ممکن است به دلیل تمایل به هم‌نشینی با دوستان یا همکاران خود در فعالیت‌های شرط‌بندی شرکت کنند، حتی اگر به طور فردی تمایلی به این کار نداشته باشند. این فشارهای اجتماعی می‌تواند به عادی‌سازی رفتارهای شرط‌بندی و افزایش ریسک‌پذیری منجر شود. در نهایت، شناخت این الگوهای رفتاری و روان‌شناختی شرط‌بندها می‌تواند به طراحی راهکارهای

1. Marchica, Richard, Mills, Ivoska, & Derevensky

مؤثر در راستای کاهش آسیب‌های مرتبط با شرطبندی کمک کند. بنابراین، سوال پژوهش این است: چه عواملی بر رفتارهای شرطبندی ورزشی افراد تأثیر می‌گذارد و چگونه می‌توان این رفتارها را به سمت تصمیم‌گیری‌های سالم‌تر و مسئولانه‌تر هدایت کرد؟

روش

در پژوهش حاضر، محقق با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی به بررسی و تحلیل جنبه‌های روان‌شناختی و رفتار افراد در شرطبندی ورزشی پرداخته است. هدف نهایی این رویکرد، ارائه تبیین‌های جامع نظری درباره پدیده شرطبندی در ورزش و تحلیل تأثیرات آن بوده است. جامعه پژوهش شامل کادر انتظامی، خبرنگاران، مربیان فوتبال و افرادی بود که تجربه شرطبندی را داشته‌اند. در این بین خبرنگاران، رشته‌های ورزشی مختلفی از جمله فوتبال، اسب دوانی و مسابقات ورزشی دیگر شرطبندی کرده و یا تجربه و آگاهی علمی داشتند. با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش کیفی و نیاز به مشارکت محدود، استراتژی نمونه‌گیری به شیوه گلوله‌ای صورت گرفت. ملاک اصلی در انتخاب نمونه‌ها شرطبندی افراد به صورت آنلاین یا آفلاین و یا تجربه و آگاهی و تجربه در زمینه نظارت بر فعالیت‌های شرطبندی داشتند انتخاب و تا رسیدن به اشباع ادامه یافت به این ترتیب، پس از انجام ۱۷ مصاحبه، ۶۱ مضمون فرعی و ۸ مضمون اصلی استخراج گردید. ابزار گردآوری داده‌ها در این بخش مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که شامل سوالات باز و بسته بود، نمونه سوالات مصاحبه شامل موارد زیر بود: ۱. تجربه شما از شرطبندی چه بوده است؟ ۲. آیا بیشتر به شرطبندی آنلاین یا آفلاین تمایل دارید؟ چرا؟ ۳. چه عواملی باعث می‌شود که به شرطبندی روی آورید؟ ۴. چه تأثیری بر روابط خانوادگی و اجتماعی شما داشته است؟ ۵. آیا احساس می‌کنید که شرطبندی بر سلامت روان شما تأثیر گذاشته است؟ چگونه؟ زمان هر مصاحبه به طور متوسط حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. پس از انجام مصاحبه‌ها، مرحله مقوله‌بندی آغاز می‌شود. در این مرحله، محتوای مصاحبه‌ها به واحدهای معنایی کوچک‌تر تقسیم می‌شود. این واحدها می‌توانند شامل عبارات، جملات یا پاراگراف‌های خاصی باشند که نمایانگر یک تجربه یا احساس خاص هستند. با دقت به این واحدها، پژوهشگر به شناسایی مضمون‌های اصلی و فرعی در میان تجربیات مختلف شرکت‌کنندگان پرداخت. کدگذاری فرآیند تخصیص برچسب‌های مفهومی به واحدهای معنایی شناسایی شده است. در این مرحله، پژوهشگر به هر یک از مضمون‌های اصلی شناسایی شده مضمون‌های فرعی اختصاص داد. برای افزایش اعتبار و پایایی، از معیارهای اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اعتماد و تأییدپذیری استفاده شده است. به عنوان مثال، متن مصاحبه‌ها و روش کدگذاری برای چند نفر از مشارکت‌کنندگان و همچنین چند استاد رشته مدیریت ورزشی ارسال و نظرات آن‌ها در نظر گرفته شد. برای انتقال‌پذیری، تمامی مراحل پژوهش و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ها به‌طور دقیق گزارش شد. در خصوص پایایی، از روش توافق درون موضوعی دو کدگذار استفاده گردید. دو کدگذار متخصص در حوزه شرطبندی و ورزش، مصاحبه‌ها را کدگذاری کردند و درصد توافق بین دو کدگذار ۷۵٪ به دست آمد. این میزان بالای ۶۰٪، نشان‌دهنده تأیید پایایی پژوهش است.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، اطلاعات افراد مشارکت‌کننده در پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد مشارکت‌کننده	جنسیت	سن	حوزه فعالیت	تحصیلات	سابقه / آگاهی در شرط‌بندی
P1	مرد	۴۷	کادر انتظامی	لیسانس	آگاهی و تجربه در زمینه نظارت بر فعالیت‌های شرط‌بندی
P2	مرد	۳۷	استاد دانشگاه در گروه روان‌شناسی	فوق لیسانس	دانش و آگاهی تجربی در زمینه شرط‌بندی
P3	مرد	۵۳	استاد دانشگاه در گروه حقوق	استادیار	تسلط علمی بر موضوع شرط‌بندی
P4	مرد	۲۶	مشاور املاک	لیسانس	۷ سال
P5	مرد	۲۴	برقکار	دیپلم	۲ سال
P6	مرد	۳۴	دلال ماشین	دانشجوی دکتری هواشناسی	۵ سال
P7	مرد	۳۵	طراح سایت	لیسانس	۱ سال
P8	مرد	۳۱	مالک اسب کورس	فوق دیپلم	۹ سال
P9	مرد	۴۵	مسئول فدراسیون سوارکاری	لیسانس	۱۲ سال
P10	مرد	۲۶	مربی فوتبال	دانشجوی دکتری	۴ سال
P11	مرد	۳۶	ویزیتور دارو	لیسانس	۵ سال
P12	مرد	۲۸	مکانیک	دبیرستان	۵ سال
P13	مرد	۲۶	سوارکار	دیپلم	۷ سال
P14	مرد	۴۷	دفتر بیمه	دیپلم	۵ سال
P15	مرد	۴۳	فروشنده پوشاک	دیپلم	۴ سال
P16	مرد	۳۶	مربی فوتبال	دانشجوی دکتری علامه	تسلط علمی بر موضوع شرط‌بندی
P17	مرد	۲۷	مربی فوتبال	لیسانس تربیت بدنی	تسلط علمی بر موضوع شرط‌بندی

روش تحلیل داده‌ها و استخراج مضامین حاصل از اطلاعات مشارکت‌کنندگان در پژوهش؛ مضامین اصلی و فرعی شامل: ۶۱ مضمون فرعی در قالب ۸ مضمون اصلی می‌باشد. در جدول ۲، مضامین اصلی و فرعی پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرط‌بندی ورزشی

مضمون اصلی	مضمون فرعی
عوامل شخصی	تجربه حس آرامش از طریق شرط‌بندی
	فرار از روزمرگی یا پر کردن اوقات فراغت از طریق شرط‌بندی
	استفاده از شرط‌بندی به عنوان راهی برای تخلیه تنش‌های روزمره
آسیب‌های دوره زندگی	شرط‌بندی به منظور ایجاد چالش‌های دوستانه و رقابتی با دیگران
	تحریک حس ریسک‌پذیری
	یادگیری استراتژی‌ها و تکنیک‌های جدید
مشکلات عاطفی/روانی	مشکلات در تأمین منابع مالی و پیامدهای ناتوانی مالی
	تهدیدات در رابطه با همسر، فرزندان و دوستان
	کاهش روابط با والدین، فرزندان و جامعه
	نیاز به نقل مکان به دلیل بحران‌های مالی ناشی از شرط‌بندی.
	از دست دادن محل زندگی به علت مشکلات مالی
	عواقب قانونی ناشی از شرط‌بندی
	خودانتقادی شدید
	اعتیاد به مواد
	تجربه جدایی یا طلاق

	کاهش احساس موفقیت احساسات منفی ناشی از مقایسه اجتماعی احساس کم ارزش بودن در مقایسه با دیگران ترس و نگرانی از قضاوت دیگران اضطراب ناشی از باخت‌های متوالی احساس یأس و ناامیدی بعد از باخت‌های شدید فشار روانی برای بازپرداخت باخت‌ها وابستگی عاطفی به شرط‌بندی و مسابقات ورزشی ترس از قضاوت دیگران به خاطر عواقب شرط‌بندی خودگویی‌های منفی احساس عدم توانایی در انتخاب صحیح
	از دست دادن خواب به دلیل استرس یا نگرانی در مورد شرط‌بندی یا مشکلات مربوط به شرط‌بندی افزایش تجربه افسردگی مشکلات سلامتی مرتبط با استرس (مانند فشار خون بالا، سردرد) کاهش فعالیت بدنی به دلیل شرط‌بندی افزایش مصرف مواد مخدر افزایش مصرف الکل مرتکب اعمال آسیب به خود اقدام به خودکشی
چالش سلامتی	نیاز به درمان اورژانسی پزشکی برای مسائل بهداشتی ناشی از شرط‌بندی یا تشدید آن ایجاد قوانین مشخص برای خود، که شامل تعیین سقف مشخصی برای مبالغ شرط‌بندی و زمان صرف شده جستجوی آرامش و پیوند دوباره با ارزش‌ها و اصول معنوی می‌تواند به فراموشی مشکلات و ایجاد احساس تعلق جایگزینی شرط‌بندی با فعالیت‌های مثبت و سرگرم‌کننده پذیرش این موضوع که اشتباهات مسیری برای رشد و یادگیری آگاهی از اینکه شرط‌بندی به‌عنوان یک اختلال رفتاری ارتباط برقرار کردن با دوستان و خانواده، و بیان احساسات و چالش‌ها به کارگیری برنامه‌های مالی مشخص و پایبندی به آن
استراتژی‌های مقابله‌ای موثر	درک و پذیرش در محیط‌های اجتماعی و ایجاد ارتباطات جدید تبدیل شرط‌بندی به یک فعالیت گروهی که موجب تقویت دوستی‌ها استفاده از شرط‌بندی به‌عنوان یک راه برای در جمع دوستان بودن ایجاد فضای هیجان‌انگیز و شاداب ابراز احساس رضایت و افتخار از پیروزی‌های جمعی یا فردی فرصتی برای برگزاری جشن‌های کوچک و به اشتراک‌گذاری لحظات شاد با دیگران
انگیزه اجتماعی	جالب‌تر کردن ورزش انجام یک بازی جانبی در حین تماشای رویداد ورزشی استفاده از دانش ورزشی برای شرط‌بندی
مشوق‌های شرط‌بندی	از دست دادن سرمایه افزایش بدهی عدم ثبات مالی مشکلات در تأمین مالی برای سفرها و تفریحات کاهش درآمدهای شغلی مشکلات در تأمین منابع مالی تنش‌های خانوادگی خسارت به دارایی‌های شخصی کاهش کیفیت زندگی فقدان پس‌انداز برای مواقع اضطراری
چالش اقتصادی	

مضمون اصلی ۱. عوامل شخصی

در یکی از مصاحبه‌ها، یکی از مصاحبه‌شوندگان به تجربه‌های خود در زمینه شرطبندی و فعالیت‌های معاملاتی اشاره کرد و گفت: «من در طول هفته چند روز را به فعالیت‌های معاملاتی اختصاص می‌دهم. این کار برای من یک راهکار برای رفع خستگی محسوب می‌شود. در این روزها یا در وبسایت‌های شرطبندی حضور دارم یا به تماشای مسابقات کورس می‌پردازم». این فرد همچنین به بعد اجتماعی فعالیت‌های خود اشاره کرد و افزود: «یکی از گزینه‌هایی که برای من بسیار جذاب است، شرطبندی با دوستانم است. ما معمولاً دور هم جمع می‌شویم و بر اساس اطلاعاتی که از رشته‌های ورزشی داریم، شرط می‌بندیم. این نوع شرطبندی نه تنها برای ما سرگرم‌کننده است بلکه فرصتی برای ایجاد ارتباطات و تقویت دوستی‌ها نیز به شمار می‌رود». (مصاحبه‌شونده شماره P6)

مضمون اصلی ۲. آسیب‌های دوره زندگی

یکی از مصاحبه‌شوندگان در بیان‌اتش به شدت از وضعیت خود ابراز ناامیدی کرد و گفت: «احساس می‌کنم در یک باتلاق گیر افتاده‌ام و نمی‌توانم از آن بیرون بیایم. به گونه‌ای شده که خانواده‌ام دیگر مرا دوست ندارند، زیرا بیشتر درآمد را صرف شرطبندی می‌کنم. به خاطر وسواس بیش از حد به این سرگرمی، ارتباط عاطفی من با همسر و فرزندانم به شدت کاهش یافته است. ضمن این‌که در میان دوستانم افرادی هستند که نتایج خطرناکی از شرطبندی تجربه کرده‌اند. به عنوان مثال، یکی از آن‌ها به دلیل یک شرطبندی بزرگ، خانه‌اش را در میز شرطبندی باخته و اکنون بی‌خانمان است. همچنین، دوستی دیگر دارم که به خاطر شرطبندی نتوانسته است بدهی‌هایش را پرداخت کند و هر هفته نامه‌های احضاریه به منزلش می‌رسد. این شرایط نشان‌دهنده عواقب تلخ و ویران‌کننده‌ای است که شرطبندی می‌تواند به دنبال داشته باشد». (مصاحبه‌شونده P5)

مضمون اصلی ۳. مشکلات عاطفی/روانی

گاهی افراد تعاریف درباره خود و مسائلی که در مورد شرطبندی ندارد و بعد از یک برهه زمانی تنش‌های عاطفی و روانی برای افراد ایجاد می‌شود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌هایشان بر نگرش‌های منفی شرطبندی در ایجاد بحران‌هایی در زندگی تاکید داشتند. در یکی از مصاحبه‌ها، شرکت‌کننده به بیان احساسات و چالش‌های خود پرداخت و گفت: «من به شدت با خودانتقادی مواجه هستم و هر بار که باخت می‌زنم، اضطراب و یأس سنگینی بر دوشم می‌افتد. جدا از این، احساس می‌کنم هیچ‌گاه به موفقیت نمی‌رسم و مقایسه خود با دیگران فقط این حس کم‌ارزشی را بیشتر می‌کند. همچنین ترس از قضاوت دیگران در مورد عواقب شرطبندی من را آزار می‌دهد. فشار روانی برای بازپرداخت باخت‌ها، به نوعی وابستگی عاطفی به این فعالیت‌ها ایجاد کرده که رهایش دشوار است. این احساسات منفی باعث شده‌اند تا خودگویی‌های منفی مکرراً در ذهنم تکرار شوند و از توانایی‌ام در انتخاب‌های صحیح دلسرد شوم». (مصاحبه‌شونده P15)

در یکی از مصاحبه‌ها، یکی از مصاحبه‌شوندگان با اشاره به چالش‌های احساسی ناشی از شرطبندی گفت: «زمانی که شرطی را می‌بندم، احساس می‌کنم در حال خفه شدن هستم. حتی وقتی دوستانم به من دل‌داری می‌دهند که اشکالی ندارد، اضطراب عمیقی در درونم حس می‌کنم، زیرا این پول نتیجه یک هفته زحمت بوده و نمی‌توانم به راحتی از دستش بدهم. این احساس باعث عصبانیت و خشم زیادی در من می‌شود، به‌طوری که اگر چیزی شکستی دم دستم باشد، واقعاً تمایل دارم آن را بشکنم. در آن لحظات، کنترل خشمم را از دست می‌دهم و نمی‌توانم خودم را آرام کنم». (مصاحبه‌شونده P3)

مضمون اصلی ۴. چالش سلامتی

یکی از مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه به تاثیرات منفی شرطبندی بر زندگی‌اش اشاره کرد و گفت: «من به شدت از خوابم کم شده و هر شب به خاطر استرس و نگرانی درباره وضعیت شرطبندی‌ام نمی‌توانم بخوابم. این موضوع بر روحیه‌ام تأثیر گذاشته و باعث افزایش تجربه افسردگی در من شده است. به علاوه، مشکلات سلامتی من از جمله فشار خون بالا و سردردهای مکرر

به شدت افزایش یافته است. از وقتی که به شرطبندی روی آورده‌ام، فعالیت بدنی‌ام کاهش یافته و این سبک زندگی ناسالم جای خود را به مصرف مواد مخدر و الکل داده است؛ گاهی حتی فکر خودآزاری به سرم می‌زند». (مصاحبه شونده P13)

در یک مصاحبه دیگر، فردی با بیان عواقب زندگی خود به خاطر شرطبندی اظهار کرد: «شرطبندی به قدری بر روی روان و جسمم فشار وارد کرده که گاهی به فکر خودکشی می‌افتم. من به خاطر مشکلات سلامتی ناشی از این وضعیت، نیاز به درمان اورژانسی پزشکی پیدا کرده‌ام. این احساس ناامیدی و یأس مرا تا جایی پیش برده که دیگر نمی‌توانم به زندگی عادی‌ام ادامه دهم. افزایش مصرف الکل در روزهای دشوار، به نوعی در تلاش برای فرار از واقعیت‌هاست، اما هر بار که مصرف می‌کنم، فقط اوضاع بدتر می‌شود». (مصاحبه شونده P8)

مضمون اصلی ۵. استراتژی مقابله‌ای موثر

یکی از مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه درباره راهکارهایش برای مدیریت شرطبندی گفت: «یکی از نخستین اقداماتی که انجام دادم، ایجاد قوانین مشخص برای خودم بود. من سقف مشخصی برای مبالغ شرطبندی و زمان صرف شده برای این فعالیت تعیین کردم. همچنین سعی کرده‌ام که آرامش را در زندگی‌ام پیدا کنم و با ارزش‌ها و اصول معنوی‌ام دوباره پیوند برقرار کنم. این کار به من کمک کرده تا احساس تعلق بیشتری را تجربه و مشکلات را فراموش کنم. علاوه بر این، فعالیت‌های مثبت و سرگرم‌کننده‌ای مثل ورزش و هنر را جایگزین شرطبندی کرده‌ام. حالا می‌توانم بگویم که زندگی‌ام خیلی بهتری دارد». (مصاحبه شونده P15)

در مصاحبه‌ای دیگر، فردی از تجربیاتش در پذیرش اشتباهاتش و ارتباط با دیگران سخن گفت: «من یاد گرفته‌ام که اشتباهات بخشی از مسیر یادگیری و رشد هستند. این آگاهی به من کمک کرده تا اشتباهاتم را بپذیرم و از آن‌ها به عنوان فرصت‌هایی برای بهبود استفاده کنم. همچنین ارتباط با خانواده و دوستان بسیار مؤثر بوده است. من حالا با آن‌ها درباره احساسات و چالش‌هایم صحبت می‌کنم و این تبادل احساسات، خیلی به من کمک کرده است. همچنین، به کارگیری برنامه‌های مالی مشخص و پایبندی به آن‌ها باعث شده که بتوانم بدون شرطبندی زندگی کنم و بر روی آینده‌ام تمرکز کنم». (مصاحبه شونده P7)

مضمون اصلی ۶. انگیزه اجتماعی

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مصاحبه بیان داشت: «من معمولاً زمانی به شرطبندی اقدام می‌کنم که دوستانم دور هم جمع می‌شوند. در این مواقع، هرکسی می‌تواند نظرات و تحلیل‌های خود را ارائه دهد و این باعث می‌شود که همه به نوعی به عنوان یک مغز متفکر عمل کنند. این فعالیت برای من هیجان‌انگیز است و حس خوبی به من می‌دهد. وقتی یکی از دوستانم برنده می‌شود، حتی اگر مبلغ شرطبندی خیلی کم باشد، ما آنقدر شلوغ‌کاری می‌کنیم که قابل توصیف نیست؛ این شادی و هیجان ما را وادار می‌کند تا برای خود یک جشن کوچک بگیریم؛ این لحظات به ما اجازه می‌دهند که نه تنها از پیروزی یکدیگر لذت ببریم، بلکه ارتباطات و دوستی‌هایمان را نیز تقویت کنیم». (مصاحبه شونده P4)

مضمون اصلی ۷. مشوق‌های شرطبندی

سایت‌های شرطبندی به نوعی برای افراد که در حال شرط بستن هستند مشوق‌هایی قرار می‌دهد که باعث جذب بیشتر افراد می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد این مشوق‌ها می‌گفت: «اصلاً شرط که می‌بندی برای ورزش اینقدر اون لحظات برات جالب می‌کنه که فک می‌کنی یه جادویی کردی و در حال بردن هستی؛ خب من وقتی دارم مسابقه‌ای تماشا می‌کنم دوس دارم در کنارش شرط ببندم این خودش یه نوع بازی که بازیکنان در حال دویدن و مسابقه دادن هستند و منم اتاقم نشستم و در حالی چایی خوردن دارم رو اون بازی شرط می‌بندم، من اینقدر شرط روی مسابقات ورزشی بستم که خودم یه پا کارشناس

ورزشم و پیشگویی می‌کنم که تو نیمه‌های بازی چه اتفاقی میفته کدوم تیم گل میزنه اصلا چه بازیکنی گل میزنه این باعث میشه من به راحتی استدلال کنم و شرط ببندم هر چند بیشتر مواقع اشتباه از آب در میاد». (مصاحبه شونده P17)

مضمون اصلی ۸. موانع اقتصادی

در بسیاری از موارد، افرادی که به شرط‌بندی روی می‌آورند، متحمل باخت می‌شوند و این امر باعث از دست دادن میزان زیادی از سرمایه‌شان می‌گردد. یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان کرد: «من بیش از ده سال است که در یک بنگاه معاملات ملکی کار می‌کنم. چیزی که مرا به سمت شرط‌بندی کشاند، دوستان ثروتمندم بودند که به خانه من می‌آمدند. آن‌ها به راحتی شرط می‌بستند و با وجود باختن، برایشان اهمیتی نداشت زیرا پول زیادی داشتند. من هم مدتی شروع به شرط‌بندی کردم. یکی از دوستانم که در تحلیل بازی‌ها مهارت داشت، مرا راهنمایی می‌کرد. یک روز با او تماس گرفتم و گفتم: برادر، قصد دارم یک تلویزیون ۶۰ اینچی بخرم، برای همین نیاز به راهنمایی دارم او هم توصیه‌هایی کرد و من شرط بستم؛ در ابتدا، نتیجه موفقیت‌آمیز بود و وسوسه شدم؛ در دور آخر به امید چند برابر شدن پولم با ضریب ۱۰ شرط بستم، اما ناگهان تمام پول‌هایم را از دست دادم». (مصاحبه شونده P14)

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بیان داشت: «همسایه ما تو مسابقات کورس شرط میبند و هر یه مدت ی تیکه از زمینشو باخت تا جایی که چند وقت پیش اومدن خونشو ازش گرفتن خانومش گریه می‌کرد که الان چکار کنیم شوهرشم می‌گفت باختم ولی سری بعدی برنده میشم». (مصاحبه شونده P12)

یکی از مصاحبه‌شوندگان به بیان تجربیاتش پرداخته و گفت: «شرط‌بندی مداوم تأثیراتی منفی زیادی بر زندگی من داشته است. در ابتدا، احساس می‌کردم که می‌توانم کنترل همه چیز را داشته باشم، اما به تدریج متوجه شدم که این فعالیت به افت کارایی شغلی‌ام منجر شده است. به دلیل تمرکز بیش‌ازحد بر شرط‌بندی، تصمیمات مالی بدی اتخاذ کردم که وضعیت را از آنچه بود، بدتر کرد. متأسفانه، همین شرط‌بندی‌ها باعث شد تا احتمال ورشکستگی به دلیل از دست دادن منابع مالی‌ام افزایش یابد. اکنون با کاهش بودجه برای تأمین هزینه‌های پزشکی و بهداشتی، مواجه هستم و این موضوع به شدت نگران‌کننده است. همچنین، نمی‌توانم به درستی در امور آموزشی سرمایه‌گذاری کنم و ناتوانی در تأمین شهریه‌های تحصیلی برای فرزندانم، فشار زیادی به من آورده است. علاوه بر این، برای تفریحات نیز دیگر نمی‌توانم بودجه کافی اختصاص دهم، که این خود به کاهش کیفیت زندگی‌ام منجر شده است. همه این مشکلات باعث از دست رفتن اعتبار مالی‌ام شده و اکنون بیشتر از هر زمان دیگری احساس ناامیدی می‌کنم. این تجربیات نشان می‌دهد که شرط‌بندی نه تنها یک سرگرمی نیست، بلکه می‌تواند عواقب جدی و ناخواسته‌ای را به دنبال داشته باشد». (مصاحبه شونده P1)

بحث و نتیجه‌گیری

اکنون با ظهور سریع اپلیکیشن‌ها و وبسایت‌های شرط‌بندی، شرط‌بندی ورزشی بیشتر از همیشه قابل دسترسی است. شرط‌بندی بیش از حد روی ورزش می‌تواند بر چندین بخش از زندگی فرد تأثیر منفی از جمله سلامت روان، امور مالی و روابط بگذارد. اعتیاد به شرط‌بندی ورزشی یک است که با تمایل مداوم و غیرقابل کنترل برای شرط‌بندی روی ورزش علیرغم پیامدهای نامطلوب انجام می‌شود. پیش‌بینی و شرط‌بندی روی نتیجه بازی‌ها/مسابقه‌ها به عنوان شرط‌بندی ورزشی شناخته می‌شوند. نگرش مثبت نسبت به شرط‌بندی ورزشی ممکن است در دراز مدت رفتار شرط‌بندی ورزشی و مشکلات مربوط به شرط‌بندی را پیش‌بینی کند. در حالی که شرط‌بندی ورزشی راهی برای سرگرمی و تعامل استراتژیک ارائه می‌کند،

زیرمجموعه‌ای از افراد می‌توانند خود را درگیر شبکه‌ای از رفتارهای مشکل‌ساز ببینند. بنابراین هدف پژوهش؛ جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرطبندی ورزشی است.

اولین مضمون شناسایی شده عامل شخصی در جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرطبندی ورزشی تاثیرگذار است. این یافته با نتایج پژوهش‌های ماریونو و همکاران (۲۰۲۳) و ابوت (۲۰۲۰) همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل شخصی به‌طور قابل توجهی بر رفتار شرطبندی افراد تأثیر می‌گذارند. یکی از این عوامل، تجربه حس آرامش از طریق شرطبندی است. بسیاری از افراد به شرطبندی به عنوان یک فعالیت تفریحی نگاه می‌کنند که می‌تواند به آن‌ها احساس آرامش و رضایت بدهد. این حس آرامش، به ویژه در شرایط استرس‌زا، به افراد کمک می‌کند تا از تنش‌های روزمره فرار کنند و به نوعی، احساس کنترل بیشتری بر زندگی خود پیدا کنند. علاوه بر این، فرار از روزمرگی و پر کردن اوقات فراغت از طریق شرطبندی نیز از دیگر دلایل عمده برای شرکت در این فعالیت است. در دنیای پرسرعت و پر تنش امروزی، شرطبندی به عنوان یک راه فرار از روزمرگی و یکنواختی زندگی به شمار می‌آید. این فعالیت نه تنها به ایجاد تنوع در زندگی افراد کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به آن‌ها فرصتی برای تجدید قوا و آرامش ذهن نیز بدهد. استفاده از شرطبندی به عنوان ابزاری برای تخلیه تنش‌های روزمره نیز یک جنبه کلیدی در رفتار شرطبندهاست. بسیاری از افراد به شرطبندی به عنوان یک راهکار برای کاهش استرس و اضطراب‌های روزمره خود نگاه می‌کنند. این رفتار، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت تسکین‌دهنده باشد، اما نیاز به توجه و مدیریت دارد تا از تبدیل آن به یک عادت مضر جلوگیری شود. علاوه بر این، شرطبندی به منظور ایجاد چالش‌های دوستانه و رقابتی با دیگران، به‌ویژه در بین جوانان، به عنوان یک انگیزه مهم شناخته می‌شود. این رقابت‌ها می‌توانند زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی مثبت و تقویت روابط میان افراد شوند. تحریک حس ریسک‌پذیری نیز یکی دیگر از عوامل جذابیت شرطبندی است؛ بسیاری از افراد به دنبال هیجان و احساسات ناشی از ریسک هستند که شرطبندی می‌تواند به آن‌ها ارائه دهد. در نهایت، یادگیری استراتژی‌ها و تکتیک‌های جدید در شرطبندی نیز یکی از انگیزه‌های مهم برای شرکت در این فعالیت به شمار می‌رود. این جنبه آموختن و بهبود مهارت‌ها می‌تواند به افراد احساس پیشرفت و موفقیت بدهد و آن‌ها را به ادامه این فعالیت ترغیب کند. با توجه به همه این عوامل، می‌توان گفت که شرطبندی نه تنها یک فعالیت تفریحی، بلکه یک تجربه پیچیده است که تحت تأثیر جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی قرار دارد. بنابراین، شناخت دقیق این عوامل می‌تواند به طراحی راهکارهای مؤثر در راستای کاهش آسیب‌های مرتبط با شرطبندی و ارتقاء رفتارهای سالم در این حوزه کمک کند. به این ترتیب، نیاز به تحقیقات بیشتر در این زمینه احساس می‌شود تا بتوان به درک عمیق‌تری از رفتار شرطبندها دست یافت و راهکارهای بهینه‌تری را ارائه کرد.

مضمون دوم شناسایی شده آسیب‌های دوره زندگی در جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرطبندی ورزشی تاثیرگذار است. این یافته با نتایج پژوهش‌های‌های تولوچ و همکاران، (۲۰۲۲)، راکلوف و همکاران (۲۰۲۲)، لی و همکاران (۲۰۱۷) و متیوز و ولبرگ (۲۰۱۳) همسو می‌باشد. شرطبندی ورزشی، هرچند که به عنوان یک فعالیت تفریحی و هیجان‌انگیز مطرح می‌شود، اما می‌تواند تبعات و آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد که زندگی فردی و اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از شرطبندی، مشکلات مالی است. افرادی که به این سرگرمی وابسته می‌شوند، ممکن است با ناتوانی در تأمین منابع مالی مواجه شوند. این ناتوانی نه تنها به مشکلات اقتصادی منجر می‌شود، بلکه عواقب روانی و اجتماعی نیز به همراه دارد. فشارهای مالی می‌تواند احساس ناامیدی و افسردگی را در افراد تشدید کند و در نهایت، به فرار به سوی فعالیت‌های خطرناک‌تر منجر شود. از سوی دیگر، شرطبندی می‌تواند تهدیداتی را در روابط خانوادگی و اجتماعی ایجاد کند. ارتباط با همسر، فرزندان و دوستان به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. افرادی که به شرطبندی وابسته هستند، ممکن است از خانواده و نزدیکان خود دور شوند و به دلیل مشکلات مالی و رفتاری، تنش‌های شدیدی در روابط خود

ایجاد کنند. این وضعیت می‌تواند به تنهایی و انزوای اجتماعی منجر شود که خود عاملی برای تشدید مشکلات روحی و روانی خواهد بود. کاهش روابط با والدین و فرزندان نیز یکی دیگر از عواقب منفی شرط‌بندی است. وابستگی به شرط‌بندی می‌تواند فرد را از مسئولیت‌های خانوادگی دور کند و به فراموشی ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی منجر شود. این قطع ارتباطات نه تنها به آسیب به بنیان خانواده منجر می‌شود، بلکه بر روی تربیت فرزندان و روابط اجتماعی نیز تأثیر منفی خواهد گذاشت. نیاز به نقل مکان به دلیل بحران‌های مالی ناشی از شرط‌بندی نیز یکی دیگر از پیامدهای جدی این فعالیت است. افرادی که به دلیل مشکلات مالی مجبور به ترک محل زندگی خود می‌شوند، با چالش‌های جدیدی مواجه خواهند شد که می‌تواند به کاهش کیفیت زندگی و افزایش فشارهای روانی منجر شود. از دست دادن محل زندگی نه تنها مشکلات مالی را تشدید می‌کند بلکه به تنهایی و احساس بی‌پناهی نیز می‌افزاید. علاوه بر این، عواقب قانونی ناشی از شرط‌بندی نیز می‌تواند زندگی افراد را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. در بسیاری از کشورها و مناطق، شرط‌بندی غیرقانونی است و افراد ممکن است با مشکلات قانونی و عواقب ناشی از آن مواجه شوند. این مشکلات نه تنها به آسیب‌های مالی بلکه به افت اعتبار اجتماعی و حتی حبس منجر می‌شود.

در نهایت، ضروری است که افراد با آگاهی و بصیرت به مقوله شرط‌بندی نگاه کنند و از پیامدهای منفی آن آگاه باشند. برای کاهش آسیب‌های ناشی از شرط‌بندی، لازم است که آموزش‌های لازم در این زمینه ارائه شود و جامعه به سمت ایجاد فضاهایی برای سرگرمی‌های سالم‌تر و مثبت‌تر حرکت کند. حمایت از افرادی که با مشکلات شرط‌بندی مواجه هستند، باید در دستور کار قرار گیرد تا به آن‌ها کمک شود تا با این معضل مواجه شوند و به زندگی سالم‌تری بازگردند. با توجه به این نکات، می‌توان نتیجه گرفت که شرط‌بندی ورزشی، اگرچه می‌تواند هیجان‌انگیز باشد، اما پیامدهای منفی آن می‌تواند زندگی افراد را به شدت دچار اختلال کند و ضروری است که به این موضوع با جدیت و مسئولیت توجه شود.

مضمون سوم شناسایی شده مشکلات عاطفی/روانی در جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرط‌بندی ورزشی تاثیرگذار است. این یافته با نتایج پژوهش‌های لونک-کولتا و همکاران (۲۰۲۰) و هینگ و همکاران (۲۰۱۷) همراستا می‌باشد. شرط‌بندی ورزشی، اگرچه به نظر می‌رسد که یک فعالیت تفریحی و هیجان‌انگیز باشد، اما می‌تواند به عمیق‌ترین مشکلات عاطفی و روانی منجر شود که سلامت روانی فرد را به چالش می‌کشد. یکی از نخستین آسیب‌های روانی ناشی از شرط‌بندی، خودانتقادی شدید است. افرادی که درگیر این فعالیت می‌شوند، ممکن است به خاطر نتایج ناامیدکننده خود، خود را به شدت سرزنش کنند و این احساس خودانتقادی می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس و افزایش احساس کم‌ارزشی منجر شود. اعتیاد به مواد نیز یکی دیگر از پیامدهای منفی شرط‌بندی است. بسیاری از افرادی که با مشکلات شرط‌بندی مواجه‌اند، ممکن است به مصرف مواد مخدر یا الکل روی آورند تا از احساسات منفی ناشی از باخت‌ها و فشارهای روانی رهایی یابند. این وابستگی می‌تواند به چرخه‌ای معیوب منجر شود که در آن فرد به دنبال تسکین دردهای عاطفی خود، بیشتر در دام شرط‌بندی و مصرف مواد گرفتار می‌شود. تجربه جدایی یا طلاق نیز به عنوان یکی از عواقب روانی و اجتماعی شرط‌بندی مطرح است. فشارهای مالی و عاطفی ناشی از شرط‌بندی می‌تواند باعث بروز بحران‌های جدی در روابط خانوادگی شود و در نهایت به جدایی یا طلاق منجر گردد. این وضعیت نه تنها آسیب‌های عاطفی عمیقی به فرد وارد می‌کند، بلکه اثرات منفی آن بر روی فرزندان و دیگر اعضای خانواده نیز غیرقابل انکار است.

کاهش احساس موفقیت و افزایش احساسات منفی ناشی از مقایسه اجتماعی از دیگر مشکلات روانی است که شرط‌بندی می‌تواند به دنبال داشته باشد. افرادی که در این فعالیت ناکام می‌شوند، ممکن است خود را با دیگران مقایسه کنند و در نتیجه، احساس ناکامی و عدم موفقیت در زندگی را تجربه کنند. این احساسات منفی می‌تواند به یأس و ناامیدی عمیق منجر شود و فرد را در یک چرخه منفی گرفتار کند. ترس و نگرانی از قضاوت دیگران نیز از جمله احساساتی است که در نتیجه شرط‌بندی

ایجاد می‌شود. افرادی که در این فعالیت به مشکلات مالی یا اجتماعی دچار می‌شوند، ممکن است نگران نظرات و قضاوت‌های دیگران باشند و این نگرانی می‌تواند به اضطراب و استرس شدید منجر شود. اضطراب ناشی از باخت‌های متوالی و احساس یأس و ناامیدی بعد از باخت‌های شدید، می‌تواند فشار روانی شدیدی به فرد وارد کند. این فشار روانی نه تنها بر روی سلامت روانی فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به رفتارهای مخاطره‌آمیز و دیگر مشکلات روانی منجر شود. فشار روانی برای بازپرداخت باخت‌ها و وابستگی عاطفی به شرطبندی و مسابقات ورزشی نیز از دیگر جنبه‌های منفی این فعالیت است. افراد ممکن است به امید جبران باخت‌های قبلی، بیشتر در دام شرطبندی گرفتار شوند و این وابستگی می‌تواند به آسیب‌های جدی عاطفی منجر شود. در نهایت، خودگویی‌های منفی و احساس عدم توانایی در انتخاب صحیح، از دیگر مشکلات روانی است که در نتیجه شرطبندی ایجاد می‌شود. این مشکلات می‌توانند به یک چرخه معیوب منجر شوند که در آن فرد به صورت مداوم در حال سرزنش خود و احساس ناکامی است. به طور خلاصه، شرطبندی ورزشی می‌تواند به عنوان یک منبع عمیق مشکلات عاطفی و روانی در زندگی افراد عمل کند. برای مقابله با این آسیب‌ها، ضروری است که آگاهی عمومی درباره تبعات منفی شرطبندی افزایش یابد و حمایت‌های روانی و اجتماعی برای افرادی که با این معضل مواجه‌اند، فراهم شود. تنها با شناخت و آگاهی از این چالش‌ها می‌توان به سوی زندگی سالم‌تری گام برداشت.

مضمون چهارم شناسایی شده چالش سلامتی در جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرطبندی ورزشی تأثیرگذار است. این یافته با نتایج پژوهش‌های ساوالین و همکاران، (۲۰۲۲)، واردل و همکاران (۲۰۱۹) و سانتانجلو و همکاران (۲۰۱۳) همسو می‌باشد. شرطبندی ورزشی به عنوان یک فعالیت به ظاهر بی‌ضرر، می‌تواند به عواقب جدی و چالش‌های سلامت روانی و جسمی منجر شود که سلامت عمومی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از نخستین آسیب‌ها در این زمینه، از دست دادن خواب است. استرس و نگرانی‌های ناشی از شرطبندی به ناچار خواب شبانه را مختل می‌کند و این کمبود خواب می‌تواند به عواقب جدی‌تری منجر شود. علاوه بر این، افزایش تجربه افسردگی یکی دیگر از پیامدهای شایع شرطبندی است. افرادی که درگیر این فعالیت می‌شوند، غالباً به دلیل فشارهای مالی، اجتماعی و عاطفی، احساس ناامیدی و افسردگی را تجربه می‌کنند. این وضعیت نه تنها کیفیت زندگی آن‌ها را پایین می‌آورد، بلکه می‌تواند به مشکلات جدی‌تری از جمله مشکلات سلامتی مرتبط با استرس مثل فشار خون بالا و سردرد نیز منجر شود. کاهش فعالیت بدنی به دلیل وابستگی به شرطبندی از دیگر چالش‌های سلامتی است. افراد ممکن است وقت خود را صرف شرطبندی کنند و از فعالیت‌های بدنی و اجتماعی دور شوند، که این امر می‌تواند به مشکلات فیزیکی و روحی بیشتری منجر شود. در عین حال، افزایش مصرف مواد مخدر و الکل به عنوان راهی برای تسکین استرس و اضطراب ناشی از باخت‌ها و فشارهای مالی، به شدت در این افراد مشاهده می‌شود. این مصرف می‌تواند به وابستگی و مشکلات جدی‌تر سلامتی منجر شود. در موارد حاد، افراد ممکن است مرتکب اعمال آسیب به خود شوند یا حتی به اقدام به خودکشی فکر کنند. این وضعیت نشان‌دهنده عمق خطراتی است که شرطبندی می‌تواند بر سلامت روانی فرد تحمیل کند. در نهایت، افرادی که با مشکلات جدی بهداشتی ناشی از شرطبندی مواجه هستند، ممکن است به نیاز به درمان اورژانسی پزشکی برسند که خود نشان‌دهنده وخامت اوضاع و چالش‌های جدی در زندگی آن‌ها است. در مجموع، چالش‌های سلامت ناشی از شرطبندی ورزشی نه تنها تأثیرات منفی بر روی فرد دارند، بلکه بر روی خانواده، دوستان و جامعه نیز اثرگذارند. بنابراین، ضروری است که آگاهی عمومی درباره این مشکلات افزایش یابد و حمایت‌های روانی و پزشکی برای افرادی که با این معضل دست و پنجه نرم می‌کنند، فراهم شود. تنها با شناخت و درک این چالش‌ها می‌توان به ارائه راهکارهای مؤثر و پیشگیری از آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیر کمک کرد.

مضمون پنجم شناسایی شده استراتژی‌های مقابله‌ای بر جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرطبندی ورزشی تأثیرگذار است. این یافته با نتایج پژوهش‌های بوگوتایا و همکاران (۲۰۲۰) و داوولینگ و همکاران (۲۰۱۶) همسو است.

استراتژی‌های مقابله‌ای مؤثر در برابر چالش‌های ناشی از شرط‌بندی ورزشی می‌تواند به افراد کمک کند تا از آسیب‌های جدی این فعالیت دور شوند و زندگی سالم‌تری را تجربه کنند. نخستین گام در این راستا، ایجاد قوانین مشخص برای خود است. با تعیین سقف مشخصی برای مبالغ شرط‌بندی و زمان صرف‌شده در این فعالیت، افراد می‌توانند کنترل بیشتری بر روی رفتارهای خود داشته باشند و از افراط و زیان‌های مالی جلوگیری کنند.

علاوه بر این، جستجوی آرامش و پیوند دوباره با ارزش‌ها و اصول معنوی می‌تواند به افراد کمک کند تا از مشکلات روزمره فاصله بگیرند و احساس تعلق بیشتری نسبت به جامعه و خانواده داشته باشند. این پیوند دوباره با ارزش‌های معنوی، می‌تواند منبعی از قدرت و انگیزه برای تغییر رفتار و اتخاذ تصمیمات مثبت باشد. جایگزینی شرط‌بندی با فعالیت‌های مثبت و سرگرم‌کننده نیز یکی از استراتژی‌های مؤثر است. با انتخاب فعالیت‌های جایگزین که موجب شادی و رضایت می‌شوند، افراد می‌توانند زمان و انرژی خود را به سمت کارهای سالم‌تر و مفیدتر هدایت کنند. این تغییر می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و افزایش ارتباطات اجتماعی منجر شود.

پذیرش این موضوع که اشتباهات مسیری برای رشد و یادگیری هستند، به افراد این امکان را می‌دهد تا از تجربیات خود درس بگیرند و به جای سرزنش خود، به سمت بهبود و تغییر مثبت حرکت کنند. این نگرش می‌تواند به تقویت روحیه و اعتماد به نفس فرد کمک کند. همچنین، آگاهی از اینکه شرط‌بندی به‌عنوان یک اختلال رفتاری شناخته می‌شود، می‌تواند به افراد کمک کند تا با جدیت بیشتری به دنبال درمان و راهکارهای مؤثر باشند. این آگاهی می‌تواند به شناسایی و پذیرش مشکلات کمک کند و افراد را به سمت جستجوی راه‌حل‌های مناسب هدایت کند. ارتباط برقرار کردن با دوستان و خانواده و بیان احساسات و چالش‌ها نیز از دیگر استراتژی‌های مؤثر است. حمایت‌های اجتماعی و عاطفی می‌تواند به کاهش احساس تنهایی و انزوا کمک کند و افراد را در مسیر بهبودی و تغییر مثبت یاری دهد.

در نهایت، به کارگیری برنامه‌های مالی مشخص و پایبندی به آن‌ها می‌تواند به افراد این امکان را بدهد که بر روی وضعیت مالی خود کنترل بیشتری داشته باشند و از مشکلات مالی ناشی از شرط‌بندی جلوگیری کنند. این برنامه‌ریزی می‌تواند به ایجاد احساس امنیت و رضایت در زندگی کمک کند. به طور کلی، با اتخاذ این استراتژی‌های مؤثر و پایبندی به آن‌ها، افراد می‌توانند به تدریج از دام شرط‌بندی خارج شوند و به سمت زندگی‌ای با کیفیت و معنادار حرکت کنند. این فرآیند نیازمند زمان، تلاش و حمایت اجتماعی است، اما نتایج آن می‌تواند بهبودی شگرف در زندگی فردی و اجتماعی افراد ایجاد کند.

مضمون ششم شناسایی شده انگیزه اجتماعی در جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرط‌بندی ورزشی تاثیرگذار است. این یافته با نتایج پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. انگیزه‌های اجتماعی در شرط‌بندی ورزشی می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتارها و تعاملات افراد داشته باشد. یکی از این انگیزه‌ها، درک و پذیرش در محیط‌های اجتماعی است که به افراد این امکان را می‌دهد تا با دیگران ارتباط برقرار کنند و احساس تعلق بیشتری پیدا کنند. این ارتباطات جدید می‌تواند به تقویت حس اجتماع و دوستی کمک کند. تبدیل شرط‌بندی به یک فعالیت گروهی، نه تنها موجب تقویت دوستی‌ها می‌شود، بلکه به افراد این امکان را می‌دهد که تجربه‌های مشترکی را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. این نوع تعاملات اجتماعی می‌تواند به احساسات مثبت و هیجان‌انگیز منجر شود و از تنهایی و انزوا جلوگیری کند. استفاده از شرط‌بندی به‌عنوان یک راه برای در جمع دوستان بودن نیز یکی دیگر از جنبه‌های جذاب این فعالیت است. افراد با گرد هم آمدن و مشارکت در شرط‌بندی، می‌توانند لحظات شاد و هیجان‌انگیزی را تجربه کنند که به تقویت روابط اجتماعی منجر می‌شود.

ایجاد فضای هیجان‌انگیز و شاداب از دیگر پیامدهای مثبت شرط‌بندی ورزشی است. این فضاها می‌توانند به افراد احساس نشاط و شادابی ببخشند و به عنوان یک کاتالیزور برای جشن‌ها و گردهمایی‌های اجتماعی عمل کنند. علاوه بر این، ابراز احساس رضایت و افتخار از پیروزی‌های جمعی یا فردی می‌تواند به تقویت اعتماد به نفس و احساس موفقیت در افراد منجر

شود. این احساسات مثبت می‌تواند به ایجاد انگیزه بیشتر برای ادامه تعاملات اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی کمک کند.

در نهایت، شرطبندی می‌تواند فرصتی برای برگزاری جشن‌های کوچک و به اشتراک‌گذاری لحظات شاد با دیگران فراهم کند. این جشن‌ها و گردهمایی‌ها می‌توانند به ایجاد خاطرات خوش و تقویت روابط اجتماعی کمک کنند و احساسات مثبت را در افراد افزایش دهند. به طور کلی، انگیزه‌های اجتماعی در شرطبندی ورزشی می‌تواند به عنوان عاملی موثر در ایجاد ارتباطات مثبت و تقویت دوستی‌ها عمل کند. با این حال، ضروری است که افراد به جنبه‌های منفی این فعالیت نیز توجه داشته باشند و با آگاهی و مسئولیت به شرطبندی بپردازند تا از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کنند.

مضمون هفتم شناسایی شده مشوق‌های شرطبندی ورزشی در جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرطبندی ورزشی تاثیرگذار است. این یافته با نتایج پژوهش‌های گوردون و ریث (۲۰۱۹) و بوگوئنا و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. مشوق‌های شرطبندی ورزشی می‌توانند به طور چشمگیری تجربه ورزشی را برای طرفداران جذاب‌تر و هیجان‌انگیزتر کنند. یکی از این مشوق‌ها، جالب‌تر کردن ورزش توسط شرطبندی است. با قرار دادن شرط در حین تماشای مسابقات، افراد نه تنها به تماشای رویدادها می‌پردازند، بلکه با افزودن بُعد رقابتی به این تجربه، سطح هیجان و انگیزه خود را به شدت افزایش می‌دهند. این امر می‌تواند به تقویت علاقه به ورزش و افزایش تعاملات اجتماعی مرتبط با آن منجر شود. علاوه بر این، انجام یک بازی جانبی در حین تماشای رویداد ورزشی می‌تواند به جذب بیشتر تماشاگران کمک کند. این بازی‌های جانبی، که معمولاً به صورت غیررسمی و در جمع‌های دوستانه انجام می‌شود، می‌تواند فضای شاداب و هیجان‌انگیزی را فراهم آورد که به تقویت روابط اجتماعی و ایجاد خاطرات خوش مشترک منجر شود. این نوع تعاملات اجتماعی، می‌تواند به افزایش لذت و رضایت از تماشای رویدادهای ورزشی کمک کند. همچنین، استفاده از دانش ورزشی برای شرطبندی، به افراد این امکان را می‌دهد که با اتکا به اطلاعات و تحلیل‌های خود، در فرآیند شرطبندی مشارکت کنند. این دانش می‌تواند به افزایش احساس کنترل و موفقیت در شرطبندی منجر شود و در نتیجه، تجربه شرطبندی را برای افراد جذاب‌تر کند. همچنین، این آگاهی به افراد کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری بگیرند و در نهایت، احتمال موفقیت خود را افزایش دهند.

در مجموع، مشوق‌های شرطبندی ورزشی می‌توانند به عنوان ابزاری برای افزایش جذابیت و هیجان در ورزش عمل کنند. با این حال، لازم است که افراد با آگاهی و احتیاط به این فعالیت‌ها بپردازند تا از آسیب‌های احتمالی ناشی از شرطبندی آگاه باشند و تجربیات مثبت و سازنده‌ای را رقم بزنند.

مضمون هشتم شناسایی شده چالش اقتصادی در جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرطبندی ورزشی تاثیرگذار است. این یافته با نتایج پژوهش‌های محسنی سرشت و عیدی (۱۴۰۱)، آزمی، اودیلی و بیتیکی (۲۰۲۳)، کاسترن و همکاران (۲۰۱۳) و جان استون و ریگان، (۲۰۲۰) همسو است. شرطبندی ورزشی، به عنوان یک فعالیت جذاب و هیجان‌انگیز، می‌تواند در ظاهر فرصتی برای کسب درآمد به نظر برسد، اما در واقع، این فعالیت به همراه خود چالش‌های اقتصادی جدی و عمیق‌تری دارد که می‌تواند بر روی زندگی افراد و خانواده‌ها تأثیرات منفی بگذارد. در این نتیجه‌گیری، به بررسی چالش‌های اقتصادی ناشی از شرطبندی ورزشی و پیامدهای آن خواهیم پرداخت. نخستین چالش، از دست دادن سرمایه است. بسیاری از افراد با امید به کسب سود، اقدام به شرطبندی می‌کنند، اما واقعیت این است که درصد بالایی از آن‌ها در نهایت سرمایه خود را از دست می‌دهند. این از دست دادن سرمایه نه تنها به مشکلات مالی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به احساس ناامیدی و اضطراب عمیق نیز منجر گردد. افزایش بدهی یکی دیگر از پیامدهای جدی شرطبندی است. افرادی که در تلاش برای جبران باخت‌های خود به قرض گرفتن روی می‌آورند، ممکن است با یک چرخه معیوب از بدهی مواجه شوند که به دشواری‌های مالی و اجتماعی عمیق‌تری منجر خواهد شد. این وضعیت نه تنها به فشارهای مالی افزوده، بلکه به روابط فرد با اطرافیان نیز آسیب می‌زند.

چالش بعدی، عدم ثبات مالی است. شرط‌بندی می‌تواند موجب نوسانات شدید در وضعیت مالی فرد شود و این ناپایداری می‌تواند به اضطراب و نگرانی دائمی منجر گردد. افرادی که در این وضعیت قرار دارند، معمولاً نمی‌توانند برنامه‌ریزی مالی مؤثری داشته باشند و در نتیجه، در مواجهه با بحران‌های مالی دچار مشکل می‌شوند. مشکلات در تأمین مالی برای سفرها و تفریحات نیز به عنوان یکی دیگر از چالش‌های اقتصادی قابل توجه است. افرادی که به شرط‌بندی روی می‌آورند، ممکن است از هزینه‌های ضروری برای تفریح و سفر صرف‌نظر کنند، که این امر می‌تواند به کاهش کیفیت زندگی و رضایت شخصی منجر شود. این کمبود تفریح و سرگرمی می‌تواند به احساس یأس و ناامیدی منجر گردد.

کاهش درآمدهای شغلی نیز از دیگر پیامدهای منفی شرط‌بندی است. افرادی که به شرط‌بندی وابسته می‌شوند، ممکن است تمرکز خود را بر روی کار و حرفه خود از دست بدهند که این امر می‌تواند به کاهش عملکرد شغلی و در نهایت به کاهش درآمد منجر شود. مشکلات در تأمین منابع مالی به عنوان یکی از چالش‌های اصلی در شرط‌بندی مطرح است. افرادی که با بحران‌های مالی ناشی از شرط‌بندی مواجه‌اند، ممکن است نتوانند به راحتی منابع مالی لازم برای تأمین نیازهای روزمره خود را فراهم کنند. این ناتوانی می‌تواند به کاهش کیفیت زندگی و افزایش استرس روانی منجر شود. تنش‌های خانوادگی که ناشی از مشکلات مالی و رفتاری مرتبط با شرط‌بندی است، می‌تواند به آسیب‌های جدی در روابط خانوادگی منجر شود. این تنش‌ها نه تنها بر روی سلامت روانی فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به فروپاشی روابط خانوادگی و اجتماعی منجر شود. خسارت به دارایی‌های شخصی نیز یکی دیگر از پیامدهای جدی شرط‌بندی است. افرادی که برای جبران باخت‌های خود به فروش دارایی‌ها یا گرفتن وام روی می‌آورند، ممکن است در نهایت با از دست دادن دارایی‌های ارزشمند خود مواجه شوند، که این امر می‌تواند به بحران‌های مالی جدی منجر شود. کاهش کیفیت زندگی از دیگر چالش‌های ناشی از شرط‌بندی است. با توجه به مشکلات مالی و استرس‌های روانی، افراد ممکن است از فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی خود فاصله بگیرند و این امر به کاهش کیفیت زندگی و احساس رضایت منجر می‌شود.

در نهایت، فقدان پس‌انداز برای مواقع اضطراری یکی از بزرگ‌ترین خطرات ناشی از شرط‌بندی است. افرادی که به شرط‌بندی وابسته شده‌اند، معمولاً نمی‌توانند برای آینده خود پس‌انداز کنند و این وضعیت می‌تواند در مواجهه با بحران‌های مالی به مشکلات جدی منجر شود. در مجموع، چالش‌های اقتصادی ناشی از شرط‌بندی ورزشی نشان‌دهنده زوایای تاریک این فعالیت است. بنابراین، آگاهی از این خطرات و اتخاذ استراتژی‌های مؤثر برای مدیریت مالی و روانی، ضروری است. ایجاد برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای افرادی که با مشکلات شرط‌بندی مواجه‌اند، می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا از این چرخه معیوب خارج شوند و به سمت زندگی‌ای با کیفیت و معنادار حرکت کنند.

این پژوهش نشان می‌دهد که جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری افراد در شرط‌بندی ورزشی تأثیرات عمیق و پیچیده‌ای دارد. عوامل مختلفی از جمله هیجان، نیاز به فرار از روزمرگی و فشارهای اجتماعی می‌توانند به شکل‌گیری رفتارهای شرط‌بندی منجر شوند. در حالی که شرط‌بندی می‌تواند به عنوان یک منبع تفریح و هیجان تلقی شود، اما همچنین می‌تواند به مشکلات جدی مانند وابستگی، آسیب‌های مالی و اجتماعی، و اختلالات روانی منجر گردد. بنابراین، درک دقیق این عوامل و رفتارها به ما کمک می‌کند تا راهکارهای مؤثری برای مدیریت و کاهش آسیب‌های مرتبط با شرط‌بندی ورزشی طراحی کنیم. نیاز به مداخلات آموزشی، گروه‌های حمایتی و تقویت نظارت‌های قانونی برای پیشگیری از عواقب منفی این پدیده ضروری است. در نهایت، این پژوهش بر اهمیت توجه به ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی شرط‌بندی تأکید می‌کند و نیاز به تحقیقات بیشتر در این زمینه را نمایان می‌سازد تا بتوان به درک بهتری از رفتار شرط‌بندها دست یافت و جامعه‌ای سالم‌تر و آگاه‌تر ایجاد کرد.

لذا پیشنهاد می‌شود؛ به طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی برای آگاهی بخشی به عموم درباره خطرات و عواقب شرط‌بندی ورزشی، به‌ویژه برای جوانان و افراد آسیب‌پذیر پرداخته شود. تأسیس گروه‌های حمایتی برای افرادی که با مشکلات شرط‌بندی

مواجه‌اند، تا بتوانند تجربیات خود را به اشتراک گذاشته و از یکدیگر حمایت کنند؛ بررسی و تقویت قوانین و مقررات مرتبط با شرطبندی ورزشی به منظور جلوگیری از فعالیتهای غیرقانونی و حمایت از حقوق شرطبندها. ترویج فعالیتهای تفریحی و ورزشی سالم به عنوان جایگزینی برای شرطبندی، تا افراد بتوانند از هیجان و رقابت بدون ریسک مالی بهره‌مند شوند و ایجاد و ارتقاء دسترسی به خدمات مشاوره‌ای برای افرادی که ممکن است تحت تأثیر شرطبندی قرار گرفته و نیاز به حمایت داشته باشند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود که می‌تواند بر اعتبار نتایج تأثیر بگذارد. اولاً، نمونه‌گیری به روش گلوله‌برفی ممکن است منجر به تعصب در انتخاب مشارکت‌کنندگان گردد و نتواند نماینده‌ای کامل از جامعه هدف باشد. ثانیاً، به دلیل ماهیت کیفی پژوهش، نتایج ممکن است به طور عمومی قابل تعمیم نباشند و تنها به تجربیات خاص مشارکت‌کنندگان محدود شوند.

منابع

- سلطان حسینی، محمد؛ سلیمی، مهدی و طیبی، محسن. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مشارکت افراد در شرطبندی‌های ورزشی (مطالعه موردی: ورزش فوتبال). رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، ۷(۲۷): ۱۴۷-۱۶۰.
- محسنی سرشت، طاهره و عیدی، حسین. (۱۴۰۱). انگیزاننده‌ها و پیامدهای شرطبندی در فوتبال؛ رویکرد ساختاری. مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، ۱۰(۱): ۲۹-۳۹.
- Abbott, M. W. (2020). The changing epidemiology of gambling disorder and gambling-related harm: public health implications. *Public health*, 184, 41-45.
- Azemi, F., Avdyli, M., & Bytyqi, V. (2023). Understanding gambling in the United Kingdom: A qualitative study on the experiences of gamblers' families. *Frontiers in Psychology*, 14, 1009923.
- Barrault, S., & Varescon, I. (2016). Online and live regular poker players: Do they differ in impulsive sensation seeking and gambling practice? *Journal of Behavioral Addictions*, 5(1): 41-50.
- Brevers, D., Baeken, C., Bechara, A., He, Q., Maurage, P., Sescousse, G., & Billieux, J. (2024). Increased ventral anterior insular connectivity to sports betting availability indexes problem gambling. *Addiction Biology*, 29(3): e13389.
- Bouguettaya, A., Lynott, D., Carter, A., Zerhouni, O., Meyer, S., Ladegaard, I., Gardner, J., & O'Brien, K. S. (2020). The relationship between gambling advertising and gambling attitudes, intentions and behaviours: a critical and meta-analytic review. *Current opinion in behavioral sciences*, 31, 89-101.
- Castrén, S., Basnet, S., Pankakoski, M., Ronkainen, J.-E., Helakorpi, S., Uutela, A., Alho, H., & Lahti, T. (2013). An analysis of problem gambling among the Finnish working-age population: A population survey. *BMC public health*, 13(1): 1-9.
- Constandt, B., Rosiers, J., Moernaut, J., Van Der Hoeven, S., & Willem, A. (2022). Part of the game? Exploring the prevalence and normalization of gambling in Belgian sports clubs. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(11): 6527.
- Delfabbro, P., King, D., Williams, J., & Georgiou, N. (2021). Cryptocurrency trading, gambling and problem gambling. *Addictive Behaviors*, 122, 107021.
- Derevensky, J. L., & Gainsbury, S. M. (2016). Social casino gaming and adolescents: Should we be concerned and is regulation in sight? *International Journal of Law and Psychiatry*, 44, 1-6.
- Dowling, N. A., Suomi, A., Jackson, A. C., & Lavis, T. (2016). Problem gambling family impacts: development of the problem gambling family impact scale. *Journal of gambling studies*, 32, 935-955.
- Gainsbury, S., Wood, R., Russell, A., Hing, N., & Blaszczynski, A. (2012). A digital revolution: Comparison of demographic profiles, attitudes and gambling behavior of Internet and non-Internet gamblers. *Computers in Human Behavior*, 28(4), 1388-1398.

- Gainsbury, S. M. (2015). Online gambling addiction: the relationship between internet gambling and disordered gambling. *Current addiction reports*, 2, 185-193.
- Gordon, R., & Reith, G. (2019). Gambling as social practice: a complementary approach for reducing harm? *Harm reduction journal*, 16(1), 1-11.
- Haydock, M., Cowlshaw, S., Harvey, C., & Castle, D. (2015). Prevalence and correlates of problem gambling in people with psychotic disorders. *Comprehensive Psychiatry*, 58, 122-129.
- Hing, N., Sproston, K., Brook, K., & Brading, R. (2017). The structural features of sports and race betting inducements: Issues for harm minimisation and consumer protection. *Journal of gambling studies*, 33(2): 685-704.
- Hanss, D., Mentzoni, R. A., Delfabbro, P., Myrseth, H., & Pallesen, S. (2014). Attitudes toward gambling among adolescents. *International Gambling Studies*, 14(3):505-519.
- Hing, N., Li, E., Vitartas, P., & Russell, A. M. (2018). On the spur of the moment: Intrinsic predictors of impulse sports betting. *Journal of Gambling Studies*, 34, 413-428.
- Johnstone, P., & Regan, M. (2020). Gambling harm is everybody's business: A public health approach and call to action. *Public Health*, 184, 63-66.
- Lamont, M., Hing, N., & Gainsbury, S. (2011). Gambling on sport sponsorship: A conceptual framework for research and regulatory review. *Sport Management Review*, 14(3): 246-257.
- Landon, J., Grayson, E., & Roberts, A. (2018). An exploratory study of the impacts of gambling on affected others accessing a social service. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 16, 573-587.
- Langham, E., Thorne, H., Browne, M., Donaldson, P., Rose, J., & Rockloff, M. (2015). Understanding gambling related harm: A proposed definition, conceptual framework, and taxonomy of harms. *BMC public health*, 16, 1-23.
- Lee, C.-K., Bernhard, B. J., Kim, J., Fong, T., & Lee, T. K. (2015). Differential gambling motivations and recreational activity preferences among casino gamblers. *Journal of Gambling Studies*, 31, 1833-1847.
- Lelonek-Kuleta, B., Bartczuk, R. P., Wiechetek, M., Chwaszcz, J., & Niewiadomska, I. (2020). The prevalence of E-gambling and of problem e-gambling in Poland. *International journal of environmental research and public health*, 17(2):404.
- Li, E., Browne, M., Rawat, V., Langham, E., & Rockloff, M. (2017). Breaking bad: Comparing gambling harms among gamblers and affected others. *Journal of gambling studies*, 33, 223-248.
- Lole, L., Russell, A. M., Li, E., Thorne, H., Greer, N., & Hing, N. (2020). Interest in inducements: A psychophysiological study on sports betting advertising. *International Journal of Psychophysiology*, 147, 100-106.
- Marchica, L., Richard, J., Mills, D., Ivoska, W., & Derevensky, J. (2021). Between two worlds: Exploring esports betting in relation to problem gambling, gaming, and mental health problems. *Journal of Behavioral Addictions*, 10(3): 447-455.
- Marionneau, V., Egerer, M., & Raisamo, S. (2023). Frameworks of gambling harms: a comparative review and synthesis. *Addiction Research & Theory*, 31(1): 69-76.
- Martin, F., Lichtenberg, P. A., & Templin, T. N. (2011). A longitudinal study: Casino gambling attitudes, motivations, and gambling patterns among urban elders. *Journal of Gambling Studies*, 27(2): 287-297.
- Mathews, M., & Volberg, R. (2013). Impact of problem gambling on financial, emotional and social well-being of Singaporean families. *International Gambling Studies*, 13(1): 127-140.
- Nower, L., & Blaszczynski, A. (2010). Gambling motivations, money-limiting strategies, and precommitment preferences of problem versus non-problem gamblers. *Journal of Gambling Studies*, 26, 361-372.
- Parke, J., Williams, R. J., & Schofield, P. (2019). Exploring psychological need satisfaction from gambling participation and the moderating influence of game preferences. *International Gambling Studies*, 19(3): 508-531.
- Roberts, A., Murphy, R., McNally, E.-J., Derevensky, J., & Sharman, S. (2023). Teacher attitudes towards and awareness of adolescent gambling behavior in the UK. *International Gambling Studies*, 23(1): 160-184.

- Rockloff, M., Armstrong, T., Hing, N., Browne, M., Russell, A. M., Bellringer, M., du Preez, K. P., & Lowe, G. (2022). Legacy Gambling Harms: What Happens Once the Gambling Stops? *Current Addiction Reports*, 9(4): 392-399.
- Salonen, A. H., Castrén, S., Raisamo, S., Orford, J., Alho, H., & Lahti, T. (2014). Attitudes towards gambling in Finland: a cross-sectional population study. *BMC public health*, 14(1): 1-9.
- Santangelo, G., Barone, P., Trojano, L., & Vitale, C. (2013). Pathological gambling in Parkinson's disease. A comprehensive review. *Parkinsonism & related disorders*, 19(7): 645-653.
- Savolainen, I., Vuorinen, I., Sirola, A., & Oksanen, A. (2022). Gambling and gaming during COVID-19: The role of mental health and social motives in gambling and gaming problems. *Comprehensive Psychiatry*, 117, 152331.
- Shannon, K., Anjoul, F., & Blaszczyński, A. (2017). Mapping the proportional distribution of gambling-related harms in a clinical and community sample. *International Gambling Studies*, 17(3): 366-385.
- Shipurut, G. N., & Dauda, G. N. E. (2024). Sport Betting Among Students of Federal University Wukari, Taraba State, Nigeria. *Kwaghe International Journal of Arts, Humanities and Religious Studies*, 1(1): 39-52.
- Tulloch, C., Browne, M., Hing, N., Rockloff, M., & Hilbrecht, M. (2022). How gambling harms the wellbeing of family and others: A review. *International Gambling Studies*, 22(3), 522-540.
- van der Maas, M., Mann, R. E., Turner, N. E., Matheson, F. I., Hamilton, H. A., & McCready, J. (2018). The prevalence of problem gambling and gambling-related behaviours among older adults in Ontario. *Journal of Gambling Issues* 4(39): 67-89.
- Wardle, H., Bramley, S., Norrie, C., & Manthorpe, J. (2019). What do we know about gambling-related harm affecting migrants and migrant communities? A rapid review. *Addictive behaviors*, 93, 180-193.



مقایسه ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، سازگاری اجتماعی و کیفیت دوستی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۷/۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

شهرام واحدی^۱، امیر یکانی زاد^{۲*}، سیده شکوفه میرباقری^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: در جوامع امروزی، تفاوت‌های فردی در میان دانش‌آموزان تیزهوش و عادی به موضوعی مهم در زمینه‌های آموزشی و روان‌شناختی تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، سازگاری اجتماعی و کیفیت دوستی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی انجام شد.

روش: روش پژوهش، توصیفی و از نوع علی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه شهر خوی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۵۹۳۶ دانش‌آموز بود که از این تعداد ۵۵۴۳ نفر دانش‌آموز عادی و ۳۹۳ نفر دانش‌آموز تیزهوش می‌باشد. تعداد نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران برای دانش‌آموزان عادی ۳۶۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای و برای دانش‌آموزان تیزهوش ۱۹۵ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه نیازهای بنیادین روان‌شناختی (لی گاردیا و همکاران، ۲۰۰۰)، پرسش‌نامه کیفیت دوستی (حجازی و ظهره وند، ۱۳۸۰) و پرسش‌نامه سازگاری فردی - اجتماعی کالیفرنیا (کلارک و همکاران، ۱۹۵۳) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین میانگین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، سازگاری اجتماعی و کیفیت دوستی دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0.001$). به این صورت که نمرات ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، سازگاری اجتماعی و کیفیت دوستی دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش لزوم توجه به ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، سازگاری اجتماعی و کیفیت دوستی دانش‌آموزان را از طرف خانواده، برنامه‌ریزان آموزش و پرورش، روان‌شناسان و مشاوران مدرسه و معلمان مورد تأکید قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: دانش‌آموزان تیزهوش و عادی، سازگاری اجتماعی، کیفیت دوستی، نیازهای بنیادین روان‌شناختی.

۱. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

* نویسنده مسئول: yekaniamir@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.



Comparison of the Satisfaction of Basic Psychological Needs, Social Adjustment, and Friendship Quality in Gifted and Normal Students

Received: 2024/09/24

Accepted: 2025/01/14

Shahram Vahedi¹, Amir Yekanizad^{2*}, Seyedeh Shekoofeh Mirbagheri³

Original Article

Abstract

Introduction: In modern societies, the distinct differences between gifted and typical students have emerged as a critical focus within education and psychology. This study seeks to compare the satisfaction of basic psychological needs, social adjustment, and friendship quality among gifted and normal students.

Method: This study employed a descriptive, causal-comparative design. The target population consisted of all male high school students in their second cycle in Khoy city during the 2023–2024 academic year, totaling 5,936 students (5,543 normal and 393 gifted). Using Cochran's formula, a sample of 360 normal students was determined and selected via multistage random cluster sampling, while 195 gifted students were chosen through simple random sampling. Data were collected using the Basic Psychological Needs Questionnaire (La Guardia et al., 2000), the Friendship Quality Questionnaire (Hijazi & Zohrevand, 2006), and the California Personal-Social Adjustment Questionnaire (Clark et al., 1953). Multivariate analysis of variance (MANOVA) was used to analyze the data.

Results: The findings revealed a statistically significant difference in the mean scores for satisfaction of basic psychological needs, social adjustment, and friendship quality between gifted and normal students ($P < 0.001$). Specifically, gifted students consistently demonstrated higher levels of satisfaction with basic psychological needs, better social adjustment, and superior friendship quality compared to their normal counterparts.

Conclusion: These results highlight the importance of addressing the basic psychological needs, social adjustment, and friendship quality of gifted students. Families, educators, school psychologists, counselors, and teachers are urged to prioritize these areas to support the well-being and development of gifted learners.

Keywords: Gifted and Normal Students, Social Adjustment, Friendship Quality, Basic Psychological Needs.

1. Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

2. Ph. D Student in Educational Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

*Corresponding author: yekaniamir@gmail.com

3. M.A. in Department of Educational Psychology, University of Yasouj, Yasouj, Iran.

مقدمه

دانش‌آموزان، چه تیزهوش و چه عادی، در دوران حساس و پرفراز و نشیبی از زندگی خود به سر می‌برند (نیکس^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). در این دوران، نیازها و خواسته‌های متعددی در آن‌ها شکل می‌گیرد که بر رشد و تعالی آن‌ها تأثیر به سزایی دارد (شوتالوا^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، عده‌ای از نوجوانان در مقابل انواع اختلال‌های رفتاری و نابهنجاری‌های روانی آسیب‌پذیری بیشتری دارند و دستیابی به هدف‌های آموزشی با وجود این آشفتگی‌های عاطفی و سازشی، امری ناممکن است (صفری و قلتاش، ۱۳۹۹)؛ بنابراین، یکی از مسائل مهمی که توجه به آن ضروری می‌باشد، موضوع سازگاری اجتماعی^۳ دانش‌آموزان است که از مصادیق بهداشت روانی نیز می‌باشد (جکسون^۴، ۲۰۲۱). انجمن روان‌پزشکان آمریکا سازگاری اجتماعی را چنین تعریف می‌کنند: هماهنگ ساختن رفتار به منظور برآورده ساختن نیازهای محیطی که غالباً مستلزم اصلاح تکانه‌ها، هیجان‌ها یا نگرش‌هاست (انجمن روان‌پزشکان آمریکا، ۱۴۰۱). در تعریف دیگری از سازگاری، آن را حالت تعادل کامل بین ارگانیزم و محیط تعریف می‌کنند که در این حالت تمام نیازها برآورده شده و اعمال ارگانیزمی به راحتی صورت می‌پذیرد (شوور^۵ و همکاران، ۲۰۲۱).

سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان به توانایی آن‌ها در برقراری ارتباط مثبت با همسالان و بزرگسالان، درک و پیروی از قوانین و هنجارهای اجتماعی و احساس راحتی در محیط مدرسه اشاره دارد (ماییا^۶ و همکاران، ۲۰۲۴). از این رو هدف آموزش‌های اولیه کودکان، اجتماعی بار آوردن (جامعه‌پذیری) آنان است (بوکایف^۷، ۲۰۲۴). والدین به عنوان الگوی اصلی رفتار برای کودکان عمل می‌کنند. کیفیت روابط اولیه والدین با کودکان نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای تعامل اجتماعی او دارد. کودکان از طریق مشاهده رفتار والدین خود، یاد می‌گیرند که چگونه در موقعیت‌های اجتماعی مختلف واکنش نشان دهند (سوکمانا سیگر و سیت^۸، ۲۰۲۴؛ شائوکونگ^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). این الگوها می‌توانند شامل نحوه تعامل با دیگران (برنستین^{۱۰}، ۲۰۲۲)، مدیریت تعارضات و ابراز احساسات (چنوشا و ترلیوک^{۱۱}، ۲۰۲۳) و آموزش ارزش‌ها و اخلاقیات باشند (ریفای^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۴). سازگاری اجتماعی کودکان ممکن است با پیشرفت تحصیلی بعدی آن‌ها در ارتباط باشد و تجارب آن‌ها با همسالان خود، احتمالاً روی نگرش‌های آنان در ارتباط با مدرسه و یادگیری نیز تأثیری گذارد (حسنی، ۱۴۰۲؛ صابری و همکاران، ۱۴۰۱) از سوی دیگر، مدرسه به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای اجتماعی با ایجاد محیط ساختاریافته و منظم، شکل‌دهی تعاملات گسترده با همسالان و معلمان، انجام فعالیت‌های گروهی، ایجاد و افزایش توانایی حل مسئله اجتماعی و با ترویج ارزش‌های تنوع و شمول نقش بسیار مهمی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دارد (ناچی و اومابه^{۱۳}، ۲۰۲۴؛ نصیری و همکاران، ۱۴۰۰).

با در نظر داشتن همه تعاریفی که از سازگاری اجتماعی شده است درمی‌یابیم که سازگاری اجتماعی نتیجه تعاملات پیچیده و چندگانه بین فرد و محیط‌های مختلف زندگی او است (کراندون^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۲) و با مفهوم انطباق^{۱۵} رابطه نزدیکی دارد و

1. Nix
2. Shutaleva
3. Social Adjustment
4. Jackson
5. Schuur
6. Mabeya
7. Bokayev
8. Sukmana Siregar & Sit
9. Shaocong
10. Bornstein
11. Cenușă & Turliuc
12. Rifai
13. Nnachi & Omabe
14. Crandon
15. Accommodation

منظور از انطباق، هماهنگی و تناسب با محیط است که تغییرات مفید را دربر می‌گیرد (فارسی جانی و همکاران، ۱۴۰۱). حاصل انطباق موفقیت‌آمیز، سازگاری و نتیجه ناموفق آن را ناسازگاری می‌نامند (سیف، ۱۴۰۲).

همسالان و دوستان از مهم‌ترین عوامل اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان به شمار می‌آیند. آن‌ها از طرق مختلف بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند (نخبه زعیم، ۱۳۹۹). بسیاری از محققان بر این عامل تأکید دارند و از آن به‌عنوان ارتباط افقی یاد کرده‌اند، یعنی ارتباطی که در بین افرادی نسبتاً هم‌سطح از لحاظ سنی، طبقه اجتماعی، تحصیلی، اقتصادی و... برقرار است (هارتوپ^۱، ۲۰۰۲). کیفیت دوستی^۲ نیز به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی روابط بین فردی نقش بسزایی در توسعه اجتماعی و روانی دانش‌آموزان ایفا می‌کند (دیاکونو-گراسیم^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). صمیمیت در بسیاری از نظریه‌های سنتی شخصیت، از جمله روان‌درمانی و روان‌شناسی اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای دارد (کیم و چون^۴، ۲۰۱۸). این نظریه‌ها و همچنین درک عمومی، فعالیت‌هایی مانند روابط عاشقانه، دوستی‌های بسیار نزدیک و پیوندهای والد-فرزند را به عنوان نمونه‌های بارز صمیمیت معرفی می‌کنند. باور بر این است که چنین فعالیت‌هایی نقش حیاتی در شکل‌گیری شخصیت، رفتار و معنا بخشی به زندگی انسان دارند (برنت^۵، ۱۹۹۸)؛ بنابراین توانایی برقراری روابط صمیمانه با دیگران یکی از عوامل کلیدی در سلامت و بهزیستی روانی افراد محسوب می‌شود (لانگ^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). از نظر کرامر^۷ و همکاران (۲۰۲۳) دوستی یک رابطه پیچیده و پویا است که در آن، افراد با اشتراک‌گذاری تجربیات، احساسات و حمایت‌های متقابل، به رشد شخصی یکدیگر کمک می‌کنند. این رابطه بر پایه عواملی همچون اعتماد، صداقت، همدلی، حمایت، احترام متقابل و پذیرش بدون قضاوت شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود (دو و فام^۸، ۲۰۲۴). سلمن^۹ (۱۹۸۰) جامع‌ترین نظریه را برای دوستی مطرح کرده است و معتقد است که در آخرین مرحله دوستی، دوستی‌های وابسته و خودکار شکل می‌گیرند که عبارت است از توانایی برقراری تعامل میان استقلال و وابستگی عاطفی. دوستی و روابط اجتماعی می‌تواند به عنوان عامل حمایتی برای شخص مطرح باشد و دوستان می‌توانند فرد را در سازگاری بیشتر یاری داده و سبب بروز بسیاری از رفتارهای انطباقی در فرد شوند (سان و پادیل-واکر^{۱۰}، ۲۰۱۹).

از منظر دیگر، سازگاری امروز نوجوانان، اثر قابل توجهی در سازگاری آتی آنان در نقش‌های شغلی و خانوادگی خواهد داشت (جکسون، ۲۰۲۱). به همین جهت شناسایی عواملی که می‌تواند بر سازگاری اجتماعی و روابط دوستی به عنوان مهم‌ترین نشانه‌ی سلامت روان تأثیرگذار باشد، حائز اهمیت است (ژانگ^{۱۱}، ۲۰۲۳). از جمله‌ی این عوامل، نیازها و انگیزش افراد می‌باشد؛ و یکی از رویکردهای انگیزشی که در سال‌های اخیر توجه زیادی به خود جلب کرده است، نظریه‌ی خود تعیین گری^{۱۲} می‌باشد. این نظریه توسط دسی و رایان^{۱۳} (۱۹۸۵) مطرح شده است. نظریه خود تعیین گری به ما درک نیازهای انگیزشی، شناختی و عاطفی افراد، کمک می‌کند (شاو^{۱۴}، ۲۰۲۴). مطابق با نظریه خود تعیین گری انسان‌ها دارای سه نیاز بنیادین روان‌شناختی^{۱۵} هستند. نیاز

1. Hartup
2. Quality of friendship
3. Diaconu-Gherasim
4. Kim & Chun
5. Bernet
6. Long
7. Krammer
8. Do & Pham
9. Selman
10. Son & Padilla-Walker
11. Zhang
12. Self-Determination Theory
13. Deci & Ryan
14. Shaw
15. Basic Psychological Needs

به خودمختاری^۱ نیاز به شایستگی^۲ و نیاز به ارتباط^۳ (رایان و دسی، ۲۰۰۰؛ لو آری^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). نیاز به خودمختاری به نیاز فرد به احساس انتخاب و خود آغازگری در انجام اعمال و تکالیف اشاره دارد (رسل^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). نیاز به شایستگی به تمایل افراد به تسلط بر اعمال خود، محیط پیرامون و احساس کارآمدی اشاره دارد و نهایتاً نیاز به ارتباط، به دنبال تأمین نیازهای روان‌شناختی انسان برای تعلق، عزت نفس و احساس ارزشمندی است که از طریق برقراری روابط صمیمانه و مبتنی بر اعتماد حاصل می‌شود (ریان و دسی، ۲۰۱۷). نیازهای بنیادین روان‌شناختی، تمایلات درونی و جهان شمولی هستند که برآورده نمودن آن‌ها برای رشد روان‌شناختی بهینه، یکپارچگی شخصیت و بهزیستی ضروری است (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ جانگ، ریو و هالوسیک^۶، ۲۰۱۶). دسی و ریان (۲۰۰۲) در چهارچوب نظریه خود تعیین گری معتقدند که حمایت از نیازهای بنیادین روان‌شناختی برای بهزیستی و رضایت از زندگی افراد ضروری است (لی گاردیا^۷، ۲۰۰۹). مطابق با نظریه خود تعیین گری مهارت‌های ارتباطی به طور مثبت پیش‌بینی کننده نیاز به شایستگی بوده و شایستگی نیز به طور مثبت، سازگاری اجتماعی و فردی را پیش‌بینی می‌نماید (پارکر و فیلد^۸، ۲۰۲۳). همچنین، مهارت‌های ارتباطی از طریق متغیر واسطه‌ای شایستگی نیز سازگاری اجتماعی و فردی را پیش‌بینی می‌نمایند (کایا و یوتتم^۹، ۲۰۲۱). علاوه بر این، ارضای نیاز به شایستگی، به دلیل احساس کارآمدی که ایجاد می‌کند، افراد را در جهت اکتشاف برمی‌انگیزد و موجب می‌شود آن‌ها در تصمیمات هویتی توانا تر ظاهر شده و به تعهداتی که برای آن‌ها ارزشمند است، دست یابند (گارلز^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۸). در مجموع، ارضای نیاز به خود پیروی و شایستگی، مبنایی را برای جستجو و کاوش‌های برانگیخته شده درونی فراهم می‌کند (زینالی و زینالی، ۱۴۰۱؛ کریستیا و گرگوت^{۱۱}، ۲۰۲۲). حمایت‌های عاطفی نیز که در نیاز به ارتباط نمود پیدا می‌کند، با فراهم آوردن یک پایگاه امن، اکتشاف را تسهیل می‌کند و از آن مهم‌تر بر تعهد افراد و کیفیت دوستی آن‌ها اثرگذار است (باومیستر^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۶).

در این رابطه مطالعه جانسون^{۱۳} و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد در برآورده شدن نیازهای بنیادین روان‌شناختی دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین یافته‌های فتی مرد و اخوت (۱۴۰۱)، هاشمی و خروطی (۱۳۹۹)، اسدیان و غفاری (۱۳۹۹)، کالدول^{۱۴} (۲۰۲۲)، حیلات^{۱۵} و همکاران (۲۰۱۹) و ملتفت و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند بین برآورده شدن نیازهای بنیادین روان‌شناختی دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. از جمله نتایج پژوهش‌های شعبانی و همکاران (۱۴۰۲)، سنگانی و همکاران (۱۴۰۱)، رنگرز و خانزاده (۱۴۰۱)، حسینی ایرج و همکاران (۱۳۹۹)، مرادی زاده و همکاران (۱۳۹۸)، مصفای خمایی و خوش‌روش (۱۳۹۷)، جنابادی و همکاران (۱۳۹۶)، سلیمانوا^{۱۶} و همکاران (۲۰۲۰)، اسوالد^{۱۷} و همکاران (۲۰۱۸) و شی و کریستیا^{۱۸} (۲۰۱۶) نشان داده‌اند که در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. افزون بر اینکه یافته‌های احمدی و قاسمی پور (۱۴۰۰)، جعفری

1. Autonomy
2. Competence
3. Relatedness
4. Lev-Arey
5. Rosli
6. Jang, Reeve & Halosic
7. La Guardia
8. Parker & Field
9. Kaya & Yontem
10. Garrels
11. Cristea & Ghergut
12. Baumeister
13. Johnson
14. Caldwell
15. Heilat
16. Selivanova
17. Oswald
18. Shi & Cristea

رزجی و همکاران (۱۴۰۰)، لی^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، کارو و پوپوچ^۲ (۲۰۲۰)، هورنسترا^۳ و همکاران (۲۰۲۰) و یودها^۴ و همکاران (۲۰۱۷) وجود تفاوت معنی‌دار در کیفیت و نوع دوستی در بین دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی را مورد تأیید قرار داده‌اند.

ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی که در نظریه خود تعیین‌گری به عنوان یکی از عوامل اصلی در رشد بهینه و بهزیستی روان‌شناختی افراد مطرح شده است، در محیط‌های آموزشی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند و سازگاری اجتماعی به عنوان یک سازه چندبعدی، به توانایی دانش‌آموزان در برقراری تعاملات مؤثر با همسالان، پذیرش هنجارهای مدرسه و انطباق با محیط آموزشی اشاره دارد (فارسی جانی و همکاران، ۱۴۰۱). علاوه بر این، کیفیت دوستی که شامل ابعادی چون صمیمیت، حمایت و تعارض است، نقشی اساسی در رشد اجتماعی-عاطفی دانش‌آموزان و بهبود تجربیات آموزشی آنان دارد (دو و فام، ۲۰۲۴). این مفاهیم به ویژه در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی می‌توانند تأثیرات متفاوتی داشته باشند، چرا که نیازها و شرایط خاص این دو گروه متفاوت است. دانش‌آموزان تیزهوش با توجه به ویژگی‌های شناختی و عاطفی خاص خود، نیازمند محیط‌های آموزشی و اجتماعی مناسب‌تری هستند که بتوانند نیازهای بنیادین روان‌شناختی خود را به طور کامل ارضا کنند و به سازگاری اجتماعی مطلوب و کیفیت بالای دوستی دست یابند (اسمیت^۵، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، دانش‌آموزان عادی نیز به محیط‌هایی نیاز دارند که بتوانند در آن‌ها رشد کرده و به نیازهای روان‌شناختی خود پاسخ دهند. تفاوت‌های احتمالی بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در این زمینه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است که با بررسی این ابعاد، می‌توان به درک بهتری از تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو گروه دانش‌آموزان دست یافت و برنامه‌های آموزشی و تربیتی مؤثرتری برای ارتقای سلامت روان و اجتماعی آنان طراحی کرد. به لحاظ اهمیت نظری نتایج این پژوهش می‌تواند به معلمان، مشاوران و سیاست‌گذاران آموزشی در طراحی برنامه‌های آموزشی و تربیتی مؤثرتر کمک کند و به ایجاد محیط‌های حمایتی‌تر و مناسب‌تر برای توسعه همه‌جانبه دانش‌آموزان منجر شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف مقایسه ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، کیفیت دوستی و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی پرداخته است.

روش

پژوهش حاضر با توجه به اهداف از نوع کاربردی و بر اساس روش جمع‌آوری داده‌ها توصیفی، از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه شهر خوی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به تعداد ۵۹۳۶ دانش‌آموز بود که از این تعداد ۵۵۴۳ نفر دانش‌آموز عادی و ۳۹۳ نفر دانش‌آموز تیزهوش می‌باشد. تعداد نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران برای دانش‌آموزان عادی ۳۶۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و برای دانش‌آموزان تیزهوش ۱۹۵ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نمونه‌های انتخاب شده برای دانش‌آموز عادی بدین صورت بود که از جامعه پژوهش، یکی از نواحی آموزش و پرورش و از آن ناحیه، با توجه به حجم نمونه چند مدرسه دوره دوم متوسطه پسرانه به طور تصادفی انتخاب شدند و کلاس‌ها و دانش‌آموزان نیز به طور تصادفی انتخاب شدند. برای دانش‌آموزان تیزهوش نیز از یک دبیرستان دوره دوم متوسطه تیزهوشان پسرانه شهر خوی با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده فهرستی کامل از دانش‌آموزان موجود در این دبیرستان تهیه شد. سپس، با استفاده از قرعه‌کشی حجم نمونه انتخاب شد. ملاک‌های ورود

1. Li
2. Caro & Popovac
3. Hornstra
4. Yudha
5. Smith

شرکت‌کنندگان عبارت بود از تمایل دانش‌آموزان برای شرکت در پژوهش، ساکن خوی بودن، دانش‌آموز پسر دوره دوم متوسطه بودن، داشتن سلامت روان با استناد به پرونده سلامت دانش‌آموزان و توانایی در جواب دادن به پرسش‌نامه‌ها. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل: مخدوش بودن پرسش‌نامه و تمایل نداشتن به ادامه همکاری بود. بعد از این مرحله پرسش‌نامه‌های پژوهش برای پاسخگویی در اختیار آن‌ها قرار داده شد. در ابتدای پرسش‌نامه، اصول اخلاقی پژوهش توضیح داده شد که شامل شرکت آزادانه و داوطلبانه و محرمانه ماندن پاسخ‌ها بود. این اصول برای دانش‌آموزان و والدینشان خوانده شد و رضایت شفاهی آن‌ها برای شرکت در پژوهش کسب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی از قبیل شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی و بخش روش‌های آمار استنباطی برای بررسی تفاوت دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و عادی در متغیرهای پژوهش از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره از طریق نرم‌افزار SPSS-۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده گردید.

الف) پرسش‌نامه نیازهای اساسی روان‌شناختی^۱ (BPNQ): این مقیاس توسط لی گاردیا و همکاران در سال (۲۰۰۰) ساخته شده است که میزان احساس حمایت از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگر آزمودنی‌ها را می‌سنجد. مقیاس مذکور شامل ۲۱ گویه است و برآورده شدن سه نیاز خودمختاری (۷ گویه)، شایستگی (۶ گویه) و ارتباط (۸ گویه) را می‌سنجد. گویه‌های مقیاس با طیف لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) پاسخ داده می‌شود. شیوه نمره گذاری در مورد سؤالات ۳، ۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ معکوس است. ضریب اعتبار هر سه خرده مقیاس به طور متوسط، ۰/۸۹ و همچنین همبستگی سه خرده مقیاس بین ۰/۶۶-۰/۶۱ گزارش کرده‌اند. (لی گاردیا و همکاران، ۲۰۰۰). قربانی و همکاران (۲۰۰۳) نیز در پژوهش‌های خود بر روی نمونه‌های مدیران و دانشجویان ایرانی پایایی مقیاس‌ها را ۰/۷۹ به دست آورده‌اند. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد. همچنین ضریب پایایی به دست آمده برای مؤلفه‌های نیاز به خودمختاری ۰/۷۱، نیاز به شایستگی ۰/۷۳ و نیاز به ارتباط ۰/۸۰ می‌باشد. اعتبار صوری و محتوایی پرسش‌نامه نیز توسط اساتید روان‌شناسی دانشگاه تبریز تأیید شد.

ب) پرسش‌نامه سازگاری فردی اجتماعی کالیفرنیا^۲ (CPIQ): توسط کلارک^۳ و همکاران (۱۹۵۳) تهیه شده این آزمون ۱۸۰ سؤال دوگزینه‌ای (بلی یا خیر) که ۱۲ خرده مقیاس (۶ خرده مقیاس مربوط به سازگاری فردی و ۶ خرده مقیاس سازگاری اجتماعی) دارد. در زمینه سازش تحصیلی، ۶ نمره به ترتیب زیر به دست می‌آید: اتکا به نفس، درک ارزش خویش، آزادی شخصی، احساس وابستگی، تمایلات واپس زده و نشانگان عصبی و یک نمره به عنوان سازش شخصی. در زمینه سازش اجتماعی، ۶ نمره به ترتیب اختصاص داده می‌شود: قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، علائق ضد اجتماعی، روابط خانوادگی، روابط مدرسه‌ای و روابط اجتماعی و یک نمره به عنوان سازش اجتماعی. در این پژوهش فقط بخش سازگاری اجتماعی این آزمون مورد استفاده قرار گرفت. در پژوهش انگلیش و جان^۴ (۲۰۱۳) پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ برای سازگاری فردی ۰/۹۵، برای سازگاری اجتماعی ۰/۹۶ و برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۷ گزارش شده است. همچنین حقیقی و همکاران (۱۳۸۱) اعتبار این پرسش‌نامه را با استفاده از پرسش‌های ملاک برابر ۰/۴۳ به دست آورد که در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار بوده است. همچنین ضرایب پایایی پرسش‌نامه را با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۹۴ گزارش کرده است. در تحقیق حاضر، ضرایب

1. Basic Psychological Needs Questionnaire

2. California Individual-Social Adjustment Questionnaire (CPI)

3. Clarek

4. English & John

پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از روش کودر-ریچاردسون $0/90$ محاسبه گردید. اعتبار صوری و محتوایی پرسش‌نامه نیز توسط اساتید روان‌شناسی دانشگاه تبریز تأیید شد.

ج) پرسش‌نامه کیفیت دوستی^۱ (FQQ): برای اندازه‌گیری کیفیت دوستی از پرسش‌نامه حجازی و ظهريه وند (۱۳۸۰) که برای سنجش کیفیت دوستی طراحی شده است، استفاده گردید. این پرسش‌نامه دارای ۱۴ گویه پنج گزینه‌ای است (هرگز، بندرت، بعضی اوقات، اکثر اوقات و همیشه) است که گویه‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. این پرسش‌نامه ۴ عامل کیفیت مجاورت، افشای خود، رضایتمندی و اعتماد را در دوستی مورد سنجش قرار می‌دهد. در پژوهش ظهريه وند آلفای کرونباخ برای عامل خودفاش سازی به $0/75$ ، برای عامل مجاورت $0/80$ و برای عامل رضایتمندی و اعتماد $0/71$ به دست آمده است. به منظور بررسی اعتبار سازه پرسش‌نامه از روش تحلیل عاملی با چرخش اوبلین استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس وجود چهار عامل در گویه‌ها را تأیید نمود. همچنین سؤالات ۴ و ۹ به دلیل تداخل با گویه‌های دیگر از مجموع سؤالات حذف شدند. در پژوهش حاضر، به منظور تعیین ضریب قابلیت اعتماد پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضرایب حاصله برای ابعاد رضایتمندی، افشای خود، مجاورت و اعتماد به ترتیب $0/57$ ، $0/67$ و $0/69$ به دست آمد. اعتبار صوری و محتوایی پرسش‌نامه نیز توسط اساتید روان‌شناسی دانشگاه تبریز تأیید شد.

یافته‌ها

در بررسی اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش از لحاظ توزیع پایه تحصیلی در دانش‌آموزان عادی بیشترین فراوانی مربوط به پایه یازدهم با ۱۳۰ نفر ($36/1$ درصد) و بعد از آن پایه دوازدهم با ۱۱۷ نفر ($32/5$ درصد) و در نهایت پایه تحصیلی دهم با ۱۱۳ نفر ($31/4$ درصد) بوده است. از لحاظ توزیع پایه تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش نیز بیشترین فراوانی مربوط به پایه دوازدهم با ۷۵ نفر ($38/4$ درصد) و بعد از آن پایه یازدهم با ۶۷ نفر ($34/4$ درصد) و در نهایت پایه تحصیلی دهم با ۵۳ نفر ($27/2$ درصد) بوده است. ضمناً میانگین و انحراف استاندارد سن دانش‌آموزان $16/87 \pm 1/56$ بود. توصیف شاخص مرکزی میانگین و شاخص پراکندگی انحراف معیار مؤلفه‌های پژوهش در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. توصیف آماری داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
	تیزهوش تعداد=۱۹۵		عادی تعداد=۳۶۰	
نیاز به خودمختاری	۴۱/۵۲	۷/۴۵	۳۳/۶۱	۸/۸۶
نیاز به شایستگی	۳۹/۰۲	۸/۶۱	۳۱/۷۴	۷/۶۵
نیاز به ارتباط	۴۵/۷۹	۱۰/۰۸	۳۵/۷۳	۹/۶۱
قالب‌های اجتماعی	۴۳/۵۶	۵/۶۹	۴۷/۳۱	۵/۸۶
مهارت‌های اجتماعی	۳۹/۴۸	۵/۰۲	۳۱/۳۷	۴/۴۶
علائق ضداجتماعی	۳۷/۹۰	۷/۸۲	۳۶/۱۵	۶/۰۸
روابط خانوادگی	۴۳/۱۷	۵/۷۵	۳۹/۳۲	۶/۷۱
روابط مدرسه‌ای	۳۹/۲۴	۴/۱۴	۳۶/۶۷	۵/۸۹
روابط اجتماعی	۴۰/۱۰	۵/۲۳	۳۵/۵۹	۸/۶۸
مجاورت	۱۵/۰۳	۲/۱۷	۱۰/۴۰	۱/۵۲
افشای خود	۱۴/۸۹	۱/۲۳	۱۰/۸۷	۱/۶۴
رضایتمندی	۱۳/۳۱	۲/۱۱	۱۱/۵۰	۰/۵۰
اعتماد	۱۱/۶۴	۱/۰۶	۸/۹۱	۱/۵۷

بر اساس نتایج جدول ۱ دانش‌آموزان تیزهوش میانگین بالاتری نسبت به دانش‌آموزان عادی در تمامی ابعاد ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، سازگاری اجتماعی و کیفیت دوستی را دارند. در ادامه به منظور بررسی تفاوت دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و عادی، در متغیرهای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سازگاری اجتماعی و کیفیت دوستی از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. ابتدا مفروضه‌های این آزمون بررسی و تأیید شد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها برقرار است ($P > 0/05$). برای بررسی همسانی ماتریس‌های کوواریانس‌های مؤلفه‌های متغیرهای تحقیق در بین سطوح مختلف متغیر مستقل از آزمون ام باکس استفاده شده است که نتایج به دست آمده حاکی از برقراری این مفروضه است ($P > 0/05$). نتایج آزمون لوین، حاکی از برقراری مفروضه همسانی ماتریس کوواریانس‌ها در بین سطوح متغیر مستقل است ($P > 0/05$). مفروضه کرویت با استفاده از آزمون بارتلت بررسی شد نتایج به دست آمده برای زیر مقیاس‌های متغیرها معنادار و حاکی از کرویت ارتباط بین متغیرهای وابسته بود ($P < 0/05$). همچنین برابری واریانس خطای مؤلفه‌های متغیرها با استفاده از آزمون لون انجام گرفت و نتایج حاکی از عدم معناداری تفاوت واریانس‌ها بین دو گروه بود ($P > 0/05$). پس از بررسی و اطمینان از برقراری پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس چند متغیری استفاده که نتایج در ادامه گزارش شده است.

جدول ۲. اثرات بین‌آزمودنی‌ها در مؤلفه‌های نیازهای بنیادین روان‌شناختی

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	P
نیازهای بنیادین روان‌شناختی	خودمختاری	۵۱۱۸/۷۳	۱	۵۱۱۸/۷۳	۱۸/۱۱	۰/۰۰۱
	شایستگی	۴۱۲۱/۴۳	۱	۴۱۲۱/۴۳	۱۵/۶۲	۰/۰۰۱
	ارتباط	۴۸۷۱/۲۲	۱	۴۸۷۱/۲۲	۱۶/۳۹	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌های نیازهای بنیادین روان‌شناختی بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P = 0/001$). با توجه به میانگین دو گروه، می‌توان گفت دانش‌آموزان تیزهوش در همه مؤلفه‌های نیازهای بنیادین روان‌شناختی بالاتر از دانش‌آموزان عادی هستند.

جدول ۳. اثرات بین‌آزمودنی‌ها در مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	P
سازگاری اجتماعی	قالب‌های اجتماعی	۵۱۱۸/۷۳	۱	۵۱۱۸/۷۳	۱۸/۱۱	۰/۰۰۱
	مهارت‌های اجتماعی	۴۱۲۱/۴۳	۱	۴۱۲۱/۴۳	۱۵/۶۲	۰/۰۰۱
	علاقه ضداجتماعی	۴۸۷۱/۲۲	۱	۴۸۷۱/۲۲	۱۶/۳۹	۰/۰۰۱
	روابط خانوادگی	۵۸۱۸/۱۵	۱	۵۸۱۸/۱۵	۱۱/۵۶	۰/۰۰۱
	روابط مدرسه‌ای	۴۹۱۰/۶۹	۱	۴۹۱۰/۶۹	۱۱/۲۳	۰/۰۰۱
	روابط اجتماعی	۵۱۲۱/۲۰	۱	۵۱۲۱/۲۰	۱۲/۰۳	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P = 0/001$). با توجه به میانگین دو گروه، می‌توان گفت دانش‌آموزان تیزهوش در همه مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی بالاتر از دانش‌آموزان عادی هستند.

جدول ۴. اثرات بین آزمودنی‌ها در مؤلفه‌های کیفیت دوستی

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	P
کیفیت دوستی	مجاورت	۱۶۰۴/۲۳	۱	۱۶۰۴/۲۳	۱۸/۱۱	۰/۰۰۱
	افشای خود	۱۳۱۸/۶۰	۱	۱۳۱۸/۶۰	۱۵/۶۲	۰/۰۰۱
	رضایت‌مندی	۱۱۷۰/۳۱	۱	۱۱۷۰/۳۱	۱۶/۳۹	۰/۰۰۱
	اعتماد	۱۰۱۸/۴۶	۱	۱۰۱۸/۴۶	۱۱/۵۶	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌های کیفیت دوستی بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/001$). با توجه به میانگین دو گروه، می‌توان گفت دانش‌آموزان تیزهوش در همه مؤلفه‌های کیفیت دوستی بالاتر از دانش‌آموزان عادی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی با سازگاری اجتماعی و کیفیت دوستی در دانش‌آموزان پسر تیزهوش و عادی دوره دوم متوسطه بود. نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری در ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی بین دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی وجود دارد. به عبارتی ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی بود و این یافته با نتایج پژوهش‌های فتحی‌مرد و اخوت (۱۴۰۱)، هاشمی و خروطنی (۱۳۹۹)، اسدیان و غفاری (۱۳۹۹)، جانسون و همکاران (۲۰۲۳)، کالدول (۲۰۲۲)، حیلات و همکاران (۲۰۱۹) و ملتفت و همکاران (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت احتمالاً خانواده‌های دانش‌آموزان تیزهوش، از نظر عاطفی و تحصیلی، حمایت و تشویق بیشتری از فرزندان خود می‌کنند. این امر می‌تواند به احساس شایستگی و کفایت در دانش‌آموزان تیزهوش منجر شده و نیاز به استقلال و ارتباط آن‌ها را به نحو بهتری برآورده سازد. معمولاً والدین با سطح تحصیلات بالاتر، از آگاهی و بینش بیشتری در زمینه تربیت فرزند برخوردارند. این امر می‌تواند به آن‌ها در درک بهتر نیازهای فرزندان، به خصوص نیازهای دانش‌آموزان تیزهوش و برآورده کردن آن‌ها به نحو مؤثرتری کمک کند. چرا که دانش‌آموزانی از چنین خانواده‌های به طور کلی از فرصت‌ها و امکانات بیشتری برای رشد و پیشرفت تحصیلی و شخصی برخوردارند. این امر می‌تواند در ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی آن‌ها، از جمله نیاز به شایستگی، استقلال و خودمختاری، مؤثر باشد (سوکمانا سیگر و سیت، ۲۰۲۴). همچنین والدین دانش‌آموزان تیزهوش، به دلیل هوش و توانایی‌های بالای فرزندان، استقلال بیشتری به آن‌ها می‌دهند. این امر می‌تواند به پرورش حس مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس و قدرت تصمیم‌گیری در این دانش‌آموزان کمک کند و نیاز به استقلال و خودمختاری‌شان را به خوبی برآورده سازد. از سوی خانواده‌های دانش‌آموزان تیزهوش، به دلیل هوش و توانایی‌های بالای فرزندان، انتظارات بالایی از آن‌ها دارند. این امر می‌تواند به انگیزه و تلاش بیشتر دانش‌آموزان تیزهوش منجر شده و نیاز به شایستگی و موفقیت آن‌ها را به خوبی برآورده سازد (شائوکونگ و همکاران، ۲۰۲۲).

در تبیین دیگر می‌توان گفت که مدارس تیزهوش، علاوه بر برنامه‌های درسی استاندارد، برنامه‌های غنی‌سازی شده دیگری نیز ارائه می‌کنند. این برنامه‌ها می‌توانند به شکوفایی استعدادها و خلاقیت دانش‌آموزان تیزهوش کمک کرده و نیاز به شایستگی و استقلال آن‌ها را به خوبی برآورده سازند و معلمان مدارس تیزهوش، از تخصص و مهارت بالایی در تدریس به دانش‌آموزان تیزهوش برخوردارند. این امر می‌تواند به ایجاد محیطی یادگیری جذاب و پویا برای این دانش‌آموزان کمک کرده و نیاز به یادگیری و اکتشاف آن‌ها را به خوبی برآورده سازد. همچنین مدارس تیزهوش، از خدمات مشاوره و مددکاری برای حمایت از دانش‌آموزان با نیازهای خاص تحصیلی و روان‌شناختی برخوردارند. این امر می‌تواند به رفع مشکلات و موانع احتمالی در مسیر یادگیری این

دانش‌آموزان کمک کرده و نیاز به تعلق خاطر و ارتباط آن‌ها را به خوبی برآورده سازد. از سوی دیگر، دانش‌آموزان تیزهوش، از مهارت‌های تفکر انتقادی قوی برخوردارند. این امر می‌تواند به آن‌ها در تحلیل مسائل و یافتن راه‌حل‌های خلاقانه برای مشکلاتشان کمک کرده و نیاز به استقلال و خودمختاری‌شان را به خوبی برآورده سازد و این دانش‌آموزان که معمولاً انگیزه‌های درونی قوی‌تری برای یادگیری دارند. آن‌ها به دنبال درک عمیق‌تر مطالب و کشف اطلاعات جدید هستند لذا از مهارت‌های حل مسئله قوی برخوردارند؛ بنابراین این توانایی ضمن اینکه می‌تواند به آن‌ها در غلبه بر چالش‌ها و موانع و ارضای بهتر نیازهایشان کمک کند این امر به افزایش رضایت و ارضای نیازهای روان‌شناختی آن‌ها نیز کمک می‌کند (ناچی و اومابه، ۲۰۲۴).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که در سازگاری اجتماعی نیز تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی وجود دارد. به عبارتی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی بود و این نتیجه همسو با یافته‌های شعبانی و همکاران (۱۴۰۲)، سنگانی و همکاران (۱۴۰۱)، رنگرز و خانزاده (۱۴۰۱)، حسینی ایرج و همکاران (۱۳۹۹)، مرادی زاده و همکاران (۱۳۹۸)، مصفای خمایی و خوش‌روش (۱۳۹۷)، جنابادی و همکاران (۱۳۹۶)، سلیمانوا و همکاران (۲۰۲۰) اسوالد و همکاران (۲۰۱۸) و شی و کریستیا (۲۰۱۶) است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که بر اساس پردازش اطلاعات اجتماعی افراد برای درک و تعامل با دنیای اجتماعی از فرایندهای شناختی مختلفی مانند توجه، حافظه، تصمیم‌گیری و حل مسئله استفاده می‌کنند. دانش‌آموزان تیزهوش ممکن است در این فرایندها کارآمدتر باشند و به همین دلیل در درک و تفسیر اطلاعات اجتماعی و واکنش مناسب به آن‌ها بهتر عمل کنند (اسمیت، ۲۰۱۷). بر اساس نظریه دل‌بستگی جان بالبی، نوع دل‌بستگی که کودک در سال‌های اولیه زندگی با مراقبان خود تجربه می‌کند، می‌تواند تأثیر عمیقی بر توانایی‌های اجتماعی و سازگاری او داشته باشد. دانش‌آموزان تیزهوش معمولاً از خانواده‌هایی می‌آیند که توجه بیشتری به نیازهای تحصیلی و عاطفی آن‌ها دارند که این می‌تواند منجر به ایجاد دل‌بستگی امن‌تر و در نتیجه مهارت‌های اجتماعی بهتر شود (برنستین، ۲۰۲۲). همچنین بر اساس مدل زیست‌محیطی برونفنبرنر، رشد کودک تحت تأثیر لایه‌های مختلفی از محیط قرار دارد که شامل خانواده، مدرسه، جامعه و فرهنگ می‌شود. دانش‌آموزان تیزهوش معمولاً در محیط‌هایی پرورش می‌یابند که از آن‌ها حمایت و تشویق بیشتری می‌شود. این محیط‌های حمایتی به آن‌ها امکان می‌دهد تا مهارت‌های اجتماعی خود را بهبود بخشند و در مواجهه با چالش‌های اجتماعی موفق‌تر باشند (کراندون و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، نظریه خودکارآمدی بندورا پیشنهاد می‌کند که باور فرد به توانایی‌های خود در انجام وظایف می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد و موفقیت او داشته باشد. دانش‌آموزان تیزهوش به دلیل موفقیت‌های مکرر در تحصیل و دریافت بازخورد مثبت، معمولاً خودکارآمدی بالاتری دارند که این می‌تواند به موفقیت‌های اجتماعی آن‌ها نیز منتقل شود (صابری و همکاران، ۱۴۰۱). افزون بر اینکه از بعد تأثیر فرهنگ و جامعه بر سازگاری اجتماعی می‌توان بیان کرد احتمالاً در جوامعی که به تحصیلات و موفقیت تحصیلی اهمیت بیشتری داده می‌شود، دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر مورد تقدیر قرار می‌گیرند و این تقدیر اجتماعی می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و بهبود مهارت‌های اجتماعی آن‌ها کمک کند. این دانش‌آموزان معمولاً فرصت‌های بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دارند که این خود به توسعه سازگاری اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند.

همچنین، نتایج نشان داد، کیفیت دوستی دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی است و این نتیجه همسو با نتایج احمدی و قاسمی پور (۱۴۰۰)، جعفری رزجی و همکاران (۱۴۰۰)، لی و همکاران (۲۰۲۳)، کارو و پوپوچ (۲۰۲۰)، هورنسترا و همکاران (۲۰۲۰) و یودها و همکاران (۲۰۱۷) است. در بررسی یافته حاضر می‌توان چنین تبیین کرد که بر اساس نظریه هوش چندگانه گاردنر، هوش انسان فقط به یک نوع هوش محدود نمی‌شود، بلکه انواع مختلفی از هوش مانند هوش زبانی، منطقی-ریاضی، فضایی، موسیقایی، بدنی-حرکتی و بین فردی وجود دارد. دانش‌آموزان تیزهوش ممکن است در هوش بین فردی که به توانایی درک و برقراری ارتباط با دیگران اشاره دارد، قوی‌تر باشند. این هوش می‌تواند به آن‌ها در همدلی با دیگران، درک انگیزه‌ها

و رفتارهای آن‌ها و برقراری روابط سالم کمک کند؛ بنابراین دانش‌آموزان تیزهوش، به دلیل برابری سطح هوشی، از توانایی بالاتری در درک و همدلی با یکدیگر برخوردارند. این امر زمینه‌ساز ایجاد تعاملات عمیق‌تر و صمیمانه‌تر در دوستی‌های آن‌ها می‌شود (هارتوپ، ۲۰۰۲). چرا که طبق نظریه همسانی اجتماعی، افراد تمایل دارند با کسانی دوست شوند که از نظر علایق، ارزش‌ها و توانمندی‌ها شبیه به خودشان هستند. دانش‌آموزان تیزهوش به دلیل اشتراکات فکری و علاقه‌مندی‌های مشابه، به راحتی با هم‌نوعان خود ارتباط برقرار می‌کنند. این شباهت‌ها منجر به کیفیت بالاتر روابط دوستانه می‌شود (سان و پادیل-واکر، ۲۰۱۹). همچنین دانش‌آموزان تیزهوش ممکن است در محیط‌های آموزشی و اجتماعی خاصی قرار گیرند که در آن‌ها همکاری و تعاملات مثبت ترویج می‌شود. این محیط‌ها به توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی کمک کرده و دوستی‌های با کیفیت‌تری را تسهیل می‌کنند.

همچنین بر اساس نظریه تنظیم هیجان می‌توان بیان کرد که توانایی مدیریت و تعدیل هیجانات نقش مهمی در کیفیت دوستی‌ها دارد. افراد با مهارت‌های تنظیم هیجان بهتر می‌توانند روابط دوستانه‌ای پایدارتر، عمیق‌تر و رضایت‌بخش‌تر برقرار کنند. این مهارت‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌ها و تعارضات به شیوه‌ای سازنده عمل کرده و از هیجانات مثبت در روابط خود بهره‌برداری کنند. لذا دانش‌آموزان تیزهوش ممکن است در تنظیم هیجانات خود، به خصوص در موقعیت‌های چالش‌برانگیز اجتماعی، مهارت بیشتری داشته باشند. این امر می‌تواند به آن‌ها در حفظ آرامش، تمرکز بر روی راه‌حل‌ها و اجتناب از رفتارهای شتاب‌زده که می‌تواند به روابط آسیب برساند، کمک کند (چنوشا و ترلیوک، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، نظریه رشد اخلاقی کلبگ نشان می‌دهد که رشد اخلاقی افراد تأثیر مستقیم و مهمی بر کیفیت و نوع روابط دوستانه آن‌ها دارد. با پیشرفت افراد در مراحل مختلف رشد اخلاقی، توانایی آن‌ها برای ایجاد و حفظ روابط دوستانه‌ای که بر پایه احترام متقابل، همدلی، عدالت و اصول اخلاقی جهانی باشد، افزایش می‌یابد. این تحول اخلاقی می‌تواند منجر به دوستی‌های عمیق‌تر، پایدارتر و با کیفیت بالاتر شود. احتمالاً دانش‌آموزان تیزهوش ممکن است به مراحل بالاتری از رشد اخلاقی و اجتماعی برسند که این امر می‌تواند به درک بهتر نیازهای دیگران، احترام به تفاوت‌ها و ایجاد دوستی‌های عمیق‌تر و پایدارتر منجر شود (ریفایی و همکاران، ۲۰۲۴).

عدم کنترل متغیرهای فردی و خانوادگی مانند ویژگی‌های شخصیتی، سبک والدگری والدین، سطح فرهنگ و سطح رفاه خانواده، از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود توسعه مدل‌های تلفیقی که تأثیرات هم‌زمان نیازهای بنیادین روان‌شناختی، سازگاری اجتماعی و کیفیت دوستی را بررسی کنند. این مدل‌ها می‌توانند به شناخت بهتر دینامیک‌های پیچیده بین این عوامل کمک کنند و راهکارهای بهتری برای بهبود وضعیت دانش‌آموزان عادی ارائه دهند. مشاوران و روان‌شناسان مدرسه با طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر شواهد که به طور خاص مهارت‌های اجتماعی مانند همدلی، مدیریت تعارض و ارتباط مؤثر را هدف قرار دهند. ارائه خدمات مشاوره روان‌شناختی تخصصی برای دانش‌آموزان عادی که می‌تواند شامل درمان‌های شناختی-رفتاری، مداخلات مبتنی بر ذهن آگاهی و تکنیک‌های مدیریت استرس باشد و همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای والدین و معلمان که این آموزش‌ها می‌توانند شامل تکنیک‌های تقویت اعتماد به نفس، ارتقای تعاملات مثبت و مدیریت رفتار باشند. علاوه بر این، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش، با تدوین و اجرای سیاست‌های آموزشی به نیازهای روان‌شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان توجه ویژه‌ای داشته باشد که این سیاست‌ها می‌توانند شامل کاهش فشارهای تحصیلی، ایجاد توازن بین تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی و ترویج فرهنگ احترام و همکاری باشند.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

تقدیر و تشکر

از همه افراد شرکت‌کننده در پژوهش و از همه کسانی که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- احمدی، سبا و قاسمی پور یداله. (۱۴۰۰). مقایسه ترس از صمیمیت، ناگویی هیجانی و ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در افراد. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی، ۱۵ (۶۲)، ۱۵-۲۰۴-۱۸۵.
- اسدیان، آوا و غفاری، عذرا. (۱۳۹۹). مقایسه میزان خودمختاری، باورهای انگیزشی و آسیب پذیری روانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. هفتمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، اصفهان.
- انجمن روان‌پزشکان آمریکا. (۱۴۰۱). چکیده معیارهای تشخیصی DSM-5-TR. ترجمه مهدی گنجی. تهران: ساوالان.
- جعفری رزجی، فرشته؛ آروین، سمانه؛ نیک روی، فرزاد و غفاریان، سارا. (۱۴۰۰). نقش ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، دشواری در تنظیم هیجان و احساس تنهایی در پیش‌بینی ترس از صمیمیت در زنان کارگر جنسی. رویش روان‌شناسی، ۱۰ (۷)، ۱۶۲-۱۵۱.
- جناب‌آبادی، حسین؛ پورقاز، عبدالوهاب و شعبانی، مهتاب. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای رابطه‌ی نیازهای بنیادی روان‌شناختی خود تعیین‌گری و سازگاری فردی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه، ۳ (۶)، ۴۵-۲۳.
- حجازی، الهه و ظهره وند، (۱۳۸۰). بررسی ملاک‌ها و کیفیت دوستی در کودکان و نوجوانان دختر. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۰ (۱)، ۲۰-۲۱.
- حسینی، مریم. (۱۴۰۲). نقش سازگاری اجتماعی و اهداف پیشرفت در پیش‌بینی درگیری تحصیلی دانش‌آموزان با اختلال یادگیری. فصلنامه ایده‌های نوین روان‌شناسی، ۱۶ (۲۰)، ۸-۱.
- حسینی ایرج، سیدجلال الدین؛ مهدیان، حسین و جاجرمی، محمود. (۱۳۹۹). بررسی رابطه نیازهای بنیادین روان‌شناختی در روابط با احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۴ (۵۰)، ۲۰۴-۱۹۱.
- حقیقی، جمال؛ شکرکن، حسین و موسوی شوشتری، مژگان. (۱۳۸۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش‌آموزان دختر پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز. دست‌آوردهای روان‌شناختی، ۹ (۲)، ۱۰۸-۷۹.
- رنگز، مریم و خانزاده، مصطفی. (۱۴۰۱). مقایسه مهارت‌های اجتماعی و اضطراب امتحان در نوجوانان تیزهوش، تیزهوش کاذب و عادی. آموزش و ارزشیابی، ۶۰ (۱۵)، ۸۵-۱۰۶.
- زینالی، زهرا و زینالی علی. (۱۴۰۱). مدل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی: نقش عملکرد خانواده با میانجیگری نیازهای اساسی روان‌شناختی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۲ (۴۸)، ۳۴-۲۱.
- سنگانی، علیرضا؛ مکوندی، بهنام و عسگری، پرویز. (۱۴۰۱). نقش واسطه‌ای سازگاری اجتماعی در رابطه بین نظریه ذهن و خودکارآمدی با گرایش به شبکه‌های مجازی در دانش‌آموزان تیزهوش. نشریه روان‌شناسی اجتماعی، ۶۳ (۱۰)، ۶۵-۷۹.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۴۰۲). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
- شعبانی، هاجر؛ سیف، دیبا؛ همتی علمدارلو، قربان و جباری، فاطمه سوسن. (۱۴۰۲). پیش‌بینی سازگاری عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش بر اساس بلوغ عاطفی و سبک‌های فرزندپروری. اختلال‌های هیجانی و رفتاری، ۱ (۱)، ۳۲-۱۷.
- صابری، زینب؛ صابری، زهرا؛ بلوچی، نورا و رنجبر آزادی، پریسا. (۱۴۰۱). بررسی رابطه سازگاری اجتماعی و مولفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی شهر بنت. مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۵ (۵۰)، ۳۳۳-۳۶۱.
- صفری، عباس و قلتاش، عباس. (۱۳۹۹). چالش‌ها و راهبردهای آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن. مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۴ (۱۸)، ۴۶-۳۳.

-فارسی جانی، نیلوفر؛ بشارت، محمدعلی؛ مقدم زاده، علی. (۱۴۰۱). پیش‌بینی سازگاری اجتماعی براساس سبک‌های دلبستگی و راهبردهای نظم دهی شناختی هیجان. فصلنامه علمی پژوهشی علوم روان‌شناختی، ۲۱ (۱۰۹)، ۷۱-۸۸.

-فتحی مرد، آزاده و اخوت، علی محمد. (۱۴۰۱). مقایسه‌ی حمایت اجتماعی و شایستگی اجتماعی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۵ (۱۳)، ۱۷۸-۱۸۶.

-مرادی زاده، سیروس؛ بازگیر، لیلا و سپهوند، اسفندیار. (۱۳۹۸). بررسی و مقایسه‌ی سازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی، خودتنظیمی و اضطراب امتحان دانش‌آموزان پسر تیزهوش و عادی. رویش روان‌شناسی، ۸ (۷)، ۳۹-۴۸.

-مصطفای خمایی، عباس و خوش‌روش، وحید. (۱۳۹۷). مقایسه راهبردهای یادگیری، سازگاری اجتماعی و اضطراب امتحان در دانش‌آموزان پسر تیزهوش و عادی. هفتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران.

-نخبه زعیم، پریسا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر واقعیت‌درمانی بر ارتقای مسئولیت‌پذیری و سازگاری اجتماعی دختران نوجوان. مجله علمی پژوهان، ۱۹ (۲)، ۴۹-۴۳.

-نصیری، اکبر؛ شکری، امید؛ فتح‌آبادی، جلیل و شریفی، مسعود. (۱۴۰۰). رابطه‌ی هدف‌گزینی اجتماعی و سازگاری با مدرسه: نقش واسطه‌ای نشخوار فکری، همدلی و بخشایش. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۷ (۵۹)، ۵۷-۹۲.

-هاشمی، نظام و خروطی، فاطمه. (۱۳۹۹). مقایسه‌ی انگیزش تحصیلی، خودتنظیمی و خود ارزشمندی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر کرج. نوآوری‌های آموزشی، ۱۹ (۱)، ۱۴۷-۱۶۲.

- Baumeister, R. F., Campbell, J. D., Krueger, J. I., & Vohs, K. D. (2016). Does High Self-Esteem Cause Better Performance, Interpersonal Success, Happiness, or Healthier Lifestyles? *Psychological Science in the Public Interest*, 4(1):1-44.
- Bernt, T. J. (1998). 15 Exploring the effects of friendship quality on social development. The company they keep: *friendships in childhood and adolescence*, 13:346.
- Bokayev, B. (2024). The Socialization of International Students in American Society and its Education System: A Comprehensive Literature Review. *Journal of Social Studies Education Research*, 3 (15), 289-316.
- Bornstein, M. H. (2022). *Parenting Knowledge*. New York: Routledge.
- Caldwell, L. T. (2022). *Middle School Teachers' Experiences Addressing Gifted Students' Basic Psychological Needs: A Phenomenological Study*. Doctoral Dissertations and Projects. 3986.
- Caro, C., & Popovac, M. (2020). Examining How Emotion Regulation and Coping Self-Efficacy Influence Gaming During Difficult Life Situations. *Sage journals*, 16(5), 1-21.
- Cenușă, M., & Turliuc, M. N. (2023). Parents' Beliefs about Children's Emotions and Children's Social Skills: The Mediating Role of Parents' Emotion Regulation. *Children*, 10, 1473.
- Clark, L. C., Wolf, R., & Granger D, Taylor Z. (1953). Continuous recording of blood oxygen tensions by polarography. *J. Appl. Physiol*, 6:189-193.
- Crandon, T. J., Scott, J.G., Charlson, F. J., & Thomas, F. J. (2022). A social-ecological perspective on climate anxiety in children and adolescents. *Nat. Clim. Chang*. 12, 123-131.
- Cristea, M., & Ghergut, A. (2022). Self-Determination assessment and evaluation in Romanian adolescents: preliminary psychometric properties of the ARC's Self-Determination scale. *European Journal of Special Needs Education*, 38 (4), 482-496.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior*, New York: 7th Plenum.
- Deci E. L., & Ryan R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the selfdetermination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11: 227-268.
- Diaconu-Gherasim, L.R., Nicuță, E.G., Crumpei-Tanasă, I. Opariuc-Dan, C. (2023). Perception of Friendship Quality and Mental Health: School Goal Structures as Moderators. *School Mental Health*, 15, 1003-1016.
- Do, T. T., & Pham, T. T. H. (2024). Navigating peer pressure: The role of friendship quality in middle school students. *Multidisciplinary Science Journal*, 6(11), 2024242.
- English, T., & John, O. P. (2013). Understanding the social effects of emotion regulation: The mediating role

- of authenticity for individual differences in suppression. *Emotion*, 13(2), 314-329.
- Garrels, V., & Granlund, M. (2018). Measuring self-determination in Norwegian students: adaptation and validation of the AIR Self-Determination Scale. *European Journal of Special Needs Education*, 33(4), 466-480.
- Ghorbani, N., Bing, M. N., Watson, P. J., Davison, H. K., & Lebreton, D. L. (2003). Individualist and collectivist values: evidence of compatibility in Iran and the United States. *Personality and Individual Differences*, 35, 431-44.
- Hartup, W. W. (2002). Child development, the company they keep: friendship and their , *developmental significance*, 67, 1-13.
- Heilat, M. Q., Seifert, T., Meihua, Q. (2019). Mental motivation, intrinsic motivation and their relationship with emotional support sources among gifted and non-gifted Jordanian adolescents. *Cogent Psychology*, 6:158713.
- Hornstra, L., Bakx, A., Mathijseen, D. J. (2020). Motivating gifted and nin-giftes students in regular primary school: A self-determination perspective, *Learning and Individual Differences*, 10, 87-101.
- Jackson, E. (2021). *Adaptability in talent development*. United States of America: ATD Press.
- Jang, H., Reeve, J., & Halosic, M. (2016). A new autonomy-supportive way of teaching that increases conceptual learning: Teaching in students' preferred ways. *The Journal of Experimental Education*, 84, 686-701.
- Johnson, R. M., Mun, R., Hodges, J., & Rinn, A. (2023). Basic psychological needs, socioeconomic status, and well-being of undergraduate honors and non-honors students. *SENG Journal: Exploring the Psychology of Giftedness*, 2(2), 9-22.
- Kaya, A., & Yontem, M. (2021). Adaptation of AIR Self-Determination Scale to Turkish (AIR SDS-TR). *International Electronic Journal of Elementary Education*, 14(1), 79-86.
- Kim, H.H.S., & Chun, J. S. (2018) Analyzing Multilevel Factors Underlying Adolescent Smoking Behaviors: The Roles of Friendship Network, Family Relations, and School Environment. *J Sch Health*, 88(6):434-43.
- Krammer, I., Schrank, B., Pollak, I., Stiehl, K., Nater, U., & Woodcock, K. (2023). Early Adolescents' Perspectives on Factors That Facilitate and Hinder Friendship Development with Peers at the Time of School Transition. *Journal of School Psychology*, 98, 113-132.
- La Guardia, J. G., Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2000). The What and Why of goal pursuit: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
- La Guardia, J. G. (2009). Developing who I am: A self-determination theory approach to the establishment of healthy identities. *Educational Psychologist*, 44: 90-104.
- Lev-Arey, D., Gutman, T., & Levental, O. (2024). Empowering Movement: Enhancing Young Adults' Physical Activity through Self-Determination Theory and Acceptance and Commitment Therapy-Based Intervention. *Behav. Sci*, 14, 130.
- Li, M., Zheng, Y., Xie, Y., Li, X. (2023). Friendship quality and positive emotional adjustment among boarding adolescents: roles of basic psychological needs satisfaction. *Curr Psychol*, 12, 1-7.
- Long, E., Gardani, M., McCann, M., Sweeting, H., Tranmer, M., & Moore, L. (2020). Mental health disorders and adolescent peer relationships. *Soc Sci Med*, 112973.
- Mabeya, C. A., Kimotho, M., & Munyua, J. (2024). Influence of Social Skills on Behavioural Adjustments among University Students in Uasin Gishu County, Kenya. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 22(02), 2193-2199.
- Moltafet, G., Sadati Firoozabadi, S., & Pour-Raisi, A. (2018). Parenting Style, Basic Psychological Needs, and Emotional Creativity: A Path Analysis. *Creativity Research Journal*, 30(2), 187-194.
- Nnachi, A. N., & Omabe, C. C. (2024). Personality traits as correlates of social adjustment among secondary school students in afikpo education zone of ebonyi state. *Ebonyi state college of education, ikwo, ebonyi state*, 2 (10), 1- 21.
- Nix, A. N., Bertrand Jones, T., Daniels, H., Hu, P., & Hu, S. (2024). There's so much that we're doing": how florida college system institutions address basic needs insecurity among students. *Sage Journals*, 52 (3), 334-353.
- Oswald, T.M., Winder-Patel, B., Ruder, S., Xing, G., Stahmer, A., & Solomon, M. (2018). A Pilot Randomized Controlled Trial of the ACCESS Program: A Group Intervention to Improve Social, Adaptive

- Functioning, Stress Coping, and Self-Determination Outcomes in Young Adults with Autism Spectrum Disorder. *J Autism Dev Disord*, 48, 1742–1760.
- Parker, D. R., & Field, S. (2023). Chapter 20: Self-determination theory, research, and practice in the U.S.: promoting personal growth in a standardized culture. *Sociology, Social Policy and Education*, 8 (20), 261–276.
- Rifai, T., Surahman, S., & Maarif, A.H. (2024). The Study Examines the Role of Teachers and Parents In The Ethical Development of Students at Madrasah Aliyah. *Journal of Islamic Educational Management*, 6(1), 131-148.
- Rosli, M. S, Saleh, N.S, Ali, A., & Abu Bakar S. (2022). Self-Determination Theory and Online Learning in University: Advancements, Future Direction and Research Gaps. *Sustainability*, 14(21),14655.
- Ryan, R. M, & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development and well-being. *American Psychologist*, 50: 68-78 .
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-Determination Theory: Basic Psychological Needs in Motivation, Development, and Wellness*. New York: Guilford.
- Schoor, J., Weerdenburg, M. V., Hoogeveen, L., & Kroesbergen, E. H. (2021). Social– emotional characteristics and adjustment of accelerated university students: A systematic review. *Gifted Child Quarterly*, 65 (1), 29-51.
- Selivanova, J., Konovalova, M., & hchetinina, E. (2020). Relationship of indicators of socio-psychological adaptation and characteristics of personal self-determination in students with special needs. *Psychology of Human-Environment Interactions*, 210, 1-6.
- Selman, R. L. (1980). *The Growth of Interpersonal understanding*. New York Academic press.
- Shaocong, M. A., Li, J., & Chen. E. E. (2022). Does screen media hurt young children's social development? longitudinal associations between parental engagement, children's screen time, and them social competence. *Early Education and Development*, 30 (3), 10-25.
- Shaw, J. D. (2024). A cautionary tale: On the adoption of self-determination theory principles for practice. *Journal of Management Studies*,9 (20). 12- 21.
- Shi, L., & Cristea, A. I. (2016). *Motivational Gamification Strategies Rooted in Self-Determination Theory for Social Adaptive E-Learning*. 9684. Springer, Cham.
- Shutaleva, A., Martyushev, N., Nikonova, Z., Savchenko, I., Kukartsev, V., Tynchenko, V., & Tynchenko Y. (2023). Sustainability of Inclusive Education in Schools and Higher Education: Teachers and Students with Special Educational Needs. *Sustainability*, 15(4):3011.
- Smith, S. (2017). Responding to the Unique Social and Emotional Learning Needs of Gifted Australian Students. *Social and Emotional Learning in Australia and the Asia-Pacific*, 8 (20), 147–166.
- Son, D., & Padilla-Walker, L. M. (2019). Happy helpers: A multidimensional and mixed-method approach to prosocial behavior and its effects on friendship quality, mental health, and well-being during adolescence. *J Happiness Stud*, 21(5):1705–23.
- Sukmana Siregar, K. Z., & Sit, M. (2024). The role of parents in early childhood social emotional development. *Continuous Education: Journal of Science and Research*, 5(2), 143-150.
- Zhang, X. (2023). The impact of online socialization on adolescent mental health: the mediating role of friendship quality and family relationships. *New Directions for Child and Adolescent Development*, (1), 1-10.
- Yudha, E. S., Kartadinata, S., & Rusmana, N. (2017). Understanding motivation of gifted student: A selfdetermination theory perspective. *Academicjournals*, 4(38). 1-8.

هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و بررسی رابطه آن با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۸/۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

بهمن اسماعیلی انامق^۱، سجاد بشرپور^{۲*}

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: افراطی‌گری و خشونت مهمترین چالش بشری در جهان است. هدف پژوهش هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و بررسی رابطه آن با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بود.

روش: روش پژوهش توصیفی بود. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه‌های شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. طبق نظر کلاین (۲۰۱۰)، ۴۱۷ نفر (۲۵۰ مرد و ۱۶۷ زن) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردید. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل مقیاس‌های محقق‌ساخته افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بود که در این پژوهش ساخت و هنجاریابی گردید. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل عاملی اکتشافی و رگرسیون تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی با تحلیل مؤلفه‌های اصلی و روش چرخش واریمکس منجر به استخراج دو عامل تأیید افراط‌گرایی و تأیید ابزارهای خشونت/ غیرقانونی شد. دو عامل استخراج شده ۵۸/۴۲ درصد واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کنند. روایی همگرا این مقیاس با مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان تأیید گردید ($R=0/77$, $P<0/01$). پایایی کل مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، خرده مقیاس تأیید افراط‌گرایی و تأیید ابزارهای خشونت/ غیرقانونی به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۰، ۰/۸۱ به‌دست آمد. پایایی کل مقیاس به روش بازآزمایی ($R=0/78$) بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها حاکی از آن است که مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز یک ابزار معتبر و قابل اعتماد برای استفاده در جامعه ایران است. اغلب افراد دارای نگرش‌های افراطی خشونت‌آمیز، گرایش به خشونت اجتماعی علیه زنان دارند. اغلب آنها از خشونت اجتماعی علیه زنان حمایت می‌کنند و استفاده از روش‌های خشن و غیرقانونی را مجاز می‌دانند.

کلمات کلیدی: افراطی‌گری، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، خشونت اجتماعی علیه زنان.

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

* نویسنده مسئول: basharpoor_sajjad@yahoo.com



Standardization the Scale of Violent Extremism and Study its Relationship with the Approval of Social Violence Against Women

Received: 2024/10/29

Accepted: 2025/02/11

Bahman Esmaeili Anamagh¹, Sajjad Basharpour^{2*}

Original Article

Abstract

Introduction: Extremism and violence remain critical global challenges. This study aimed to standardize a scale for measuring violent extremism and explore its correlation with the endorsement of social violence against women.

Method: The study utilized a descriptive research design. The target population consisted of university students in Tabriz during the 2023-2024 academic year. Following Klein (2010), a sample of 417 participants (250 men and 167 women) was selected through multi-stage cluster sampling. Data were collected using two researcher-developed tools: a violent extremism scale and a scale measuring the endorsement of societal violence against women, both constructed and standardized in this study. Data analysis involved Pearson correlation, exploratory factor analysis, and regression techniques.

Results: Exploratory factor analysis, employing principal component analysis with Varimax rotation, identified two factors: "endorsement of extremism" and "approval of violence and illegal methods." Together, these factors accounted for 58.42% of the total variance. The violent extremism scale demonstrated strong convergent validity with the social violence endorsement scale against women ($r=0.77$, $P<0.01$). Reliability coefficients were robust, with Cronbach's alpha values of 0.89 for the overall violent extremism scale, 0.90 for the endorsement of extremism subscale, and 0.81 for the approval of violence-illegal methods subscale. Test-retest reliability was also confirmed ($R=0.78$).

Conclusion: The findings establish the violent extremism scale as a valid and reliable tool for assessing attitudes in Iranian society. Individuals exhibiting violent extremist tendencies showed a significant inclination to endorse social violence against women, often justifying the use of violent and illegal means.

Keywords: Extremism, Violent Extremism, Social Violence Against Women.

1. PhD student, Department of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

2. Professor, Psychology Department, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

* Corresponding Author: basharpour_sajjad@yahoo.com

مقدمه

افراط‌گرایی خشونت‌آمیز^۱ طبق نظر دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۲ (۲۰۱۸) به تهدیدی جدی برای جوامع در سراسر جهان تبدیل شده است. این امر بر امنیت و رفاه بسیاری از افراد ساکن در کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه و راه‌های صلح‌آمیز و پایدار آنها تأثیر می‌گذارد. امروزه افراط‌گرایی خشونت‌آمیز از عوامل اساسی نگرانی‌های اجتماعی، آموزشی و امنیتی در میان محققان و سیاست‌گذاران است (البدینه^۳، ۲۰۲۳). افراط‌گرایی منجر به ناامنی سیاسی و اجتماعی جدی است که آزادی مدنی، فعالیت‌های اقتصادی و زندگی شهروندان به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان و اقلیت‌ها را تهدید می‌کند (اورنیه، نانیلو و اگنو^۴، ۲۰۲۴). افراط‌گرایی پدیده‌ای است که نمی‌توان به آسانی آن را تعریف کرد. شوپ و پری^۵ (۲۰۲۱) آن را مفهومی می‌دانند که اختلاف‌نظر در تعریف آن بیشتر است. در ادبیات پژوهشی در مورد اینکه افراط‌گرایی دقیقاً چه چیزی را شامل و چه چیزی را شامل نمی‌شود، اختلاف‌نظر وجود دارد (لو^۶، ۲۰۱۷). در متون علمی تصدیق شده است که تعاریف ممکن است تحت تأثیر تعصبات نژادی، مذهبی و سیاسی باشد که منعکس‌کننده انگیزه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی سازندگان آنها است (سیان^۷، ۲۰۱۷). اگرچه اصطلاحات توصیفی بیشتری مانند «افراط‌گرایی خشونت‌آمیز» و «افراط‌گرایی راست»^۸ ممکن است زمینه و تعریف روشنی داشته باشند، اما هنوز شکاف‌هایی در درک مفهوم این پدیده‌ها وجود دارد (چرمک^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). افراط‌گرا طبق فرهنگ لغت میراث آمریکایی^{۱۰} «کسی است که از اقدامات فراتر از هنجار به ویژه در سیاست حمایت می‌کند یا به آن متوسل می‌شود». افراط‌گرایی در سطوح فردی، گروهی و اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (برگر^{۱۱}، ۲۰۱۹). مفهوم‌سازی اوزر و برتلسن^{۱۲} (۲۰۱۸) از افراط‌گرایی نشان می‌دهد که نگرش‌های افراطی به طور پویا در امتداد دو بعد مرتبط به هم توسعه می‌یابند: ۱. تأیید تغییرات عمیق و جامع در سطح فردی و اجتماعی ۲. عدم تحمل نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی که به این تغییرات فردی و اجتماعی اعتراض دارند. در این مفهوم، عدم تحمل شامل امتناع از احترام به عقاید مخالف عقاید خود و به همین ترتیب، امتناع از احترام به اعضای گروه‌های اجتماعی دارای عقاید متفاوت از عقاید خود است. در رابطه با ماهیت افراط‌گرایی، تحقیقات عدم تحمل از روی تعصب را نشان می‌دهند که در آن باورهای ایدئولوژیک متفاوت از باورهای خود از سوی افراط‌گرایان سیاسی (چپ و راست) قابل تحمل نیستند (وان پروجن^{۱۳}، ۲۰۱۷). مطابق با این مفهوم، افراط‌گرایی می‌تواند به عنوان گرایش شدید به پیگیری تغییرات جهانی و فراگیر در زندگی خود و زندگی مشترک از نظر اجتماعی - فرهنگی تعریف شود تا جایی که از نظر فرهنگی و یا اجتماعی نگرانی به هم نوع و درک متقابل ممنوع کنار گذاشته می‌شود (برتلسن، ۲۰۱۸). براین اساس به نظر برتلسن (۲۰۱۶) افراطی‌گری شامل نگرش نسبت به ساختن یا بازسازی زندگی و بافت اجتماعی و فرهنگی خود به روشی کاملاً متفاوت با وضع جاری است و همچنین شامل عدم تحمل و نادیده گرفتن نگرانی‌های عمیق اجتماعی در زندگی مشترک اجتماعی است. عمدتاً این تعریف تأکید می‌کند که افراط‌گرایی به خودی خود همیشه با اعمال خشونت‌آمیز و جنایتکارانه همراه نیست، مثلاً

1. Violent Extremism
2. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)
3. Al-Badaynah
4. Oranye, Nnonyelu & Ughenu
5. Schweppe & Perry
6. Lowe
7. Sian
8. Rightwing Extremism
9. Chermak
10. American Heritage Dictionary
11. Berger
12. Ozer & Bertelsen
13. Van Prooijen & Krouwel

در جوامع مذهبی که شخصیت افراطی صرفاً یک انشقاق فراگیر با شیوه‌های زندگی جاری همراه با بی‌علاقگی نسبت به گفتگو و عدم ارتباط با افراد دارای شیوه‌های زندگی متفاوت از خود دارد (اوزر و برتلسن، ۲۰۱۸).

یکی از چالش‌های متعدد رویکرد علمی برای بررسی افراط‌گرایی دامنه پوشش زیادی است که این پدیده به بسیاری از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متنوع شامل می‌شود (اوزر و برتلسن، ۲۰۱۸). دوسجه^۱ و همکاران (۲۰۱۶) پنج نوع کلی افراط‌گرایی را براساس انگیزه‌های متفاوت ایدئولوژیکی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی مشخص می‌کنند: ۱. ملی‌گرایانه یا جدایی‌طلب. ۲. افراط‌گرایی راست. ۳. افراط‌گرایی چپ. ۴. افراط در موضوع واحد خاص. ۵. افراط‌گرایی مذهبی. همه افراطی‌گری‌ها به سمت تغییر عمیق جامعه که در آن وضعیت موجود غیرقابل قبول است و به سمت اعتقاد به کارآمدی خشونت برای دستیابی به هدف جهت‌گیری می‌کنند (اشمید^۲، ۲۰۱۳). به علاوه انواع افراط‌گرایی با تأیید آرمان‌گرایانه هنجارها و ارزش‌های خود به عنوان جهان‌بینی برتر مشخص می‌شود که یک دوگانگی قوی درون‌گروهی در مقابل برون‌گروهی ایجاد می‌کند که می‌تواند خشونت علیه بیرون‌گروه را مشروعیت بخشد (دوسجه و همکاران، ۲۰۱۶). در این راستا می‌توان مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را جهت درک موضوع مطرح کرد. افراط‌گرایی خشونت‌آمیز نوعی باور و فعالیت خشونت‌آمیز است که هدف آن ارتقای جایگاه یک گروه و در عین حال حذف یا تسلط بر «دیگران» بر اساس شاخص‌هایی مانند جنسیت، مذهب، فرهنگ و قومیت است (بک^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). جمع‌بندی نتایج تحقیقات از سراسر جهان و مشاهدات تجربی در مورد ماهیت افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در تعریف فعلی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده^۴ (USAID) منعکس شده که مورد پذیرش همگانی واقع شده است. براین اساس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به آمادگی، حمایت یا مشارکت در خشونت با انگیزه ایدئولوژیک یا توجیه شده برای پیشبرد اهداف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی سفت و سخت، غیرقابل انعطاف و متعصبانه اشاره دارد (پراچا، ایوب، خان، فاروق و زهرا^۵، ۲۰۱۷). افراد افراط‌گرا گرایش به طبقاتی کردن جامعه، ایجاد تمایزات شدید بین گروه‌ها و اعتقاد به «ما» در مقابل «آنها» دارند. یک ذهن افراطی به جای اذعان به پیچیدگی دنیای اجتماعی به طبقه‌بندی سفت و سخت و مستقیم حقایق روی می‌آورد و از تهدید و تحریک خشونت در جهت اهداف ایدئولوژیک، جهان‌بینی متعصبانه و آرمان‌های افراطی خود استفاده می‌کند (دیکو^۶ و همکاران، ۲۰۱۸).

آنچه در افراط‌گرایی خشونت‌آمیز نیاز به بررسی و اهمیت توجه دارد، بررسی نقش افراط‌گرایی در پیش‌بینی خشونت علیه زنان است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ و اعلامیه «حذف خشونت علیه زنان» خشونت علیه زنان را شامل هرگونه عمل خشونت‌آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی (بدنی)، جنسی یا روانی زنان شود تعریف کرده است و آن را شامل «تهدید به اعمالی، اعمال اجبار یا سلب مستبدانه آزادی چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی می‌داند (ریچاردسن، سنتونگو و سنتونگو^۷، ۲۰۲۴). در سال‌های اخیر، مفهوم «افراط‌گرایی زن‌ستیزانه» به عنوان موضوعی مورد توجه در میان محققان، دولت‌ها، کارکنان مجری قانون و رسانه‌ها مطرح شده است (اوهانلون^۸ و همکاران، ۲۰۲۴). فرض این است که یک رابطه ناشناخته بین زن‌ستیزی و اعمال افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در سراسر جهان در سال‌های اخیر وجود دارد. چنانکه برخی از اولین نشانه‌های گسترش و نفوذ گروه‌های افراطی در یک منطقه، یک تغییر سریع و رادیکال در عقب‌نشینی حقوق زنان از لباس، پویایی اجتماعی و تحصیل بود. نقض حقوق زنان نه فقط ایدئولوژی آنها بلکه جزو تاکتیک‌های این سازمان‌های افراطی است. دولت اسلامی

1. Doosje
2. Schmid
3. Bak
4. United States Agency for International Development
5. Peracha, Ayub, Khan, Farooq & Zahra
6. Dicko
7. Richardson, Ssentongo & Ssentongo
8. O'Hanlon

داعش در غرب عراق و سوریه، بردگی جنسی زنان را مدون کرد. بوکوحرام در نیجریه به ربودن دختران مدرسه‌ای و استفاده از زنان و دختران به عنوان بمب‌گذار انتحاری معروف است و الشباب سومالی، دولت اسلامی داعش و بوکوحرام همگی به وادار کردن زنان به ازدواج با جنگجویان خود شناخته شده‌اند (دیز و والجبی،^۱ ۲۰۱۹). اقدامات خشونت‌آمیز افراط‌گرایان شامل سنگسار یا شلاق زدن علنی زنان و همچنین اقدامات افراطی مانند قتل ناموسی زنانی است که منطبق بر عقاید افراطی آنها رفتار نکرده‌اند (داود،^۲ ۲۰۱۵). اندیشه افراط‌گرایان پیوسته به انحطاط اخلاقی مشغول است که معمولاً بر رفتار، پوشش و تماس زنان با مردان دیگر خارج از خانواده تمرکز دارد (آلسینا، بروشی و فیرارا،^۳ ۲۰۲۱). همچنین خشونت علیه زنان به عنوان پدیده‌ای سیاسی است که هدف آن اعمال تابعیت زنان و حمایت از سلطه مردان است (دیز و والجبی، ۲۰۱۹). از سوی دیگر افراط‌گرایان جنبش زنان را عامل نقض حقوق و موقعیت مردان تلقی می‌کنند. در کل، این ایده که قدرت و کنترل مردان ممکن است از بین رفته باشد، احساس قربانی بودن می‌کنند که نظریه واکنش مردانه^۴ در تأیید این موضوع است (آلسینا و همکاران، ۲۰۲۱). زن‌ستیزی و روش‌های مختلف خشونت علیه زنان در واقع توسط یک ایدئولوژی افراطی هدایت می‌شود که نمی‌توان آن را بی‌ارتباط با مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز دانست که به دنبال اعمال تابعیت زنان برای حمایت از یک نظام اعتقادی مردسالار است (روتویلر، کلمو و گیل،^۵ ۲۰۲۴). تحقیقات تجربی نوظهور نشان می‌دهد، نگرش‌ها و رفتارهای زن‌ستیزانه ظاهراً در اشکال مختلف افراط‌گرایی خود را نشان می‌دهند و زن‌ستیزی بخش اصلی ایدئولوژی‌های افراطی خشونت‌آمیز از جمله ایدئولوژی برتری‌طلبی مردانه است (کاریان، دی‌برانکو و ایبن،^۶ ۲۰۲۲). گزارش سرویس مخفی ایالات متحده آمریکا^۷ (۲۰۲۲) افراط‌گرایی زن‌ستیز را به عنوان «ایدئولوژی مبتنی بر جنسیت» تعریف می‌کند و افراط‌گرایی زن‌ستیز را با برتری مردانه یکی می‌داند (اوهانلون و همکاران، ۲۰۲۴). هنجارهای برتری‌طلبانه و سخت‌گیرانه مردسالارانه و نقش‌های جنسیتی عناصر مشترکی هستند که زیربنای ایدئولوژی‌های افراطی متفاوت هستند (روتویلر و همکاران، ۲۰۲۴). روتویلر و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با موضوع پیوندهای بین زن‌ستیزی، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و خشونت مبتنی بر جنسیت با انجام تحلیل‌های مبتنی بر نظرسنجی به این یافته دست یافتند که زن‌ستیزی پیش‌بینی‌کننده نیت افراطی خشونت‌آمیز، تمایل به درگیر شدن در خشونت بین‌فردی و افزایش حمایت از خشونت علیه زنان از طریق برنامه‌ریزی انتقام‌جویانه است و عامل پیش‌بین مردانگی بیش از حد در مردانی است که احساس نقض حقوق و تهدیدهای بزرگ‌تر برای جنسیت خود دارند. نویسندگان مختلف مکرراً افراد زن‌ستیز را به پیروی از یک طرز فکر یا سیستم اعتقادی «افراطی» توصیف می‌کنند (ادونل و شور،^۸ ۲۰۲۲؛ توربرن^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). توربرن و همکاران (۲۰۲۲) بیان می‌کنند که افراد زن‌ستیز «مسلماً افراطی‌تر» هستند و آن را به یک سلسله مراتب اجتماعی سفت و سخت مبتنی بر ایدئولوژی برتری مردانه نسبت می‌دهند. رز، فلود و آلفانو^{۱۰} (۲۰۲۰) استدلال می‌کنند که گروه‌های مردسالارانه یا افراد زن‌ستیز ممکن است شکل جدیدی از افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با انگیزه ایدئولوژیکی باشند. تحقیقات مرکز جنسیت، صلح و امنیت دانشگاه موناش^{۱۱} در سه کشور آسیایی نشان داد که حمایت از خشونت علیه زنان و نگرش‌های جنسیتی خصمانه در مقایسه با نقش اعتقادات افراطی مذهبی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای افراط‌گرایی خشونت‌آمیز هستند (دیز و والجبی، ۲۰۱۹). از آنجا که زن‌ستیزی و مردسالاری

1. Díaz & Valji

2. Dowd

3. Alesina, Brioschi & La Ferrara

4. Male backlash theory

5. Rottweiler, Clemmow & Gill

6. Carian, DiBranco, & Ebin

7. United States Secret Service report

8. O'Donnell, & Shor

9. Thorburn

10. Roose, Flood & Alfano

11. Monash Gender, Peace & Security Center

عمیقاً در بسیاری از جوامع راست افراطی جا افتاده است، برخی تحلیل‌ها افراط‌گرایی زن‌ستیزانه را به افراط‌گرایی راست^۱ مرتبط می‌کنند (دیکوک و کلی^۲، ۲۰۲۲؛ جنتری^۳، ۲۰۲۲). محققان خاطرنشان می‌کنند که افراط‌گرایان راست در ایالات متحده آمریکا که دارای جهان‌بینی برتری سفیدپوستان هستند، سلسله مراتب جنسیتی سخت و سخت را تأیید می‌کنند و از نظام‌های اجتماعی که به برتری مردها باور دارند، حمایت می‌کنند (اوهانلون و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعه دیگری افراط‌گرایی زن‌ستیزانه را به افراط‌گرایی اسلامی مرتبط می‌کند (کارداش و یسیلتاش^۴، ۲۰۱۷). ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که برخی از مسلمانان جهان دارای دیدگاهی تحریف‌یافته و متفاوت از اسلام هستند و معتقدند که اعمال خشونت‌آمیز وظیفه دینی آنهاست (باسدور، شفرکنت^۵، ۲۰۱۹). درحالی که اسلام دین میانه‌روی و اعتدال است و افراط‌گرایی را به شدت منع می‌کند و افراط‌گرایی نقطه مقابل عقلانیت و شریعت است (بهشتی، ۱۳۹۳). قرآن در سوره مائده و آیه ۷۷ افراطی‌گری را نفی می‌کند و می‌فرماید «بگو ای اهل کتاب! در دین خود، غلو [و زیاده‌روی] نکنید و غیر از حق نگوئید و از هوس‌های گروهی که پیشتر گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید».

از آنجایی که افراط‌گرایی خشونت‌آمیز پدیده‌ای چالش‌برانگیز برای مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی بوده است، اقدامات مختلفی در این زمینه مورد نیاز است تا زمینه پژوهش‌های میدانی و تجربی در این زمینه مهیا شود. افراط‌گرایی به‌عنوان یک اصطلاح بحث‌برانگیز و ناهمگون در حال حاضر به یک پایه تجربی و علمی نیاز دارد. یک گام در جهت ایجاد چنین زمینه‌ای برای تحقیق، توسعه معیارهای قابل اعتماد و معتبر از جنبه‌های اصلی افراط‌گرایی خشونت‌آمیز است. در این راستا این پژوهش مقیاسی را طراحی و هنجاریابی می‌کند که افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را اندازه‌گیری کند. در اخیر برخی پژوهش‌ها با هدف ساخت مقیاس‌هایی برای بهره‌برداری از جنبه‌های مختلف پدیده پیچیده افراط‌گرایی خشونت‌آمیز توسعه یافته‌اند. اما پژوهش‌ها در این زمینه به برخی زمینه‌های سیاسی یا مذهبی یا گروه خاصی وابسته بودند. با این حال، این پژوهش‌ها منجر به تولید ابزار سنجش جامع و موفق در این خصوص نشدند. این امر اهمیت و ضرورت توسعه مقیاسی برای سنجش مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را آشکار می‌کند. لذا به لحاظ اهمیت موضوع، از اهداف مطالعه حاضر توسعه و اعتبارسنجی مقیاسی مرتبط با جنبه‌های اصلی افراط‌گرایی خشونت‌آمیز است. از سوی دیگر در حالی که افراط‌گرایی منجر به مشکلات اجتماعی به خصوص برای زنان است، اما تحقیقات مبتنی بر داده‌های میدانی در مورد خشونت علیه زنان کم است. لذا این پژوهش قصد دارد در کنار آن تأثیر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز بر نگرش به خشونت اجتماعی علیه زنان را بررسی کند. بنابراین هدف کلی پژوهش ساخت و هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و بررسی رابطه آن با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان است.

روش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل همه دانشجویان دانشگاه‌های شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. روش نمونه‌گیری از جامعه فوق نمونه‌گیری به روش تصادفی چند مرحله‌ای بود. بدین صورت که از بین دانشگاه‌های شهر تبریز تعداد دو دانشگاه آزاد و دولتی شهر تبریز به طور تصادفی انتخاب شد و سپس از هر دانشگاه ۲ دانشکده به طور تصادفی انتخاب شد و دانشجویان داوطلب به عنوان نمونه در پژوهش شرکت کردند. شرکت‌کنندگان در پژوهش از رشته‌های فنی و مهندسی و گروه ادبیات و علوم انسانی بودند. به نظر کلاین (۲۰۱۰) در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر

1. Far-Right Extremists
2. DeCook & Kelly
3. Gentry
4. Kardaş & Yesiltaş
5. Basedau & Schaefer-Kehnert

۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است، اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ قابل دفاع است. در این پژوهش مجموع گویه‌های مقیاس‌های استفاده شده در پژوهش به تعداد ۲۰ گویه بود. با در نظر گرفتن ۲۰ نمونه طبق نظر کلاین^۱ (۲۰۱۰) برای هر ۲۰ گویه مقیاس‌ها، حجم نمونه ۴۰۰ نفر کافی است، اما جهت ارتقاء اعتبار پژوهش داده‌های ۴۱۷ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش تحلیل شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل داشتن رضایت شرکت در پژوهش، در حال تحصیل بودن در یکی از مقاطع مختلف تحصیلی و درک کامل هدف از شرکت در پژوهش بود. معیارهای عدم ورود به پژوهش شامل فقدان علاقه به پاسخدهی به پرسش‌نامه و تکمیل ناقص آن بود. داشتن اختیار و ورود و خروج از پژوهش، حفظ رازداری و امانتداری از ملزومات اخلاقی پژوهش بود.

در این پژوهش طراحی و هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز طبق روش لenz^۲ (۲۰۱۰) در ۴ مرحله انجام گرفت: ۱. تعریف مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با بررسی هدفمند مقالات و پژوهش‌های موجود ۲. طراحی گویه‌های مقیاس با بهره‌گیری از منابع موجود در ایران و سایر کشورها ۳. تعیین روایی مقیاس ۴. تعیین پایایی مقیاس. جهت بررسی روایی مقیاس از سه روش روایی صوری، روایی سازه و روایی همزمان استفاده گردید. در راستای روایی صوری و محتوایی مقیاس با توجه به مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز مطالعه هدفمند پژوهش‌ها، متون معتبر و مرتبط با افراط‌گرایی و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در منابع داخلی و خارجی و همچنین مقیاس‌های افراط‌گرایی موجود در منابع خارجی انجام یافت و لیستی از گویه‌های مرتبط با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به تعداد ۲۴ گویه تهیه گردید. روایی صوری مقیاس افراطی‌گری خشونت‌آمیز توسط سه نفر از اساتید در علم روان‌شناسی و دو نفر از اساتید جامعه‌شناسی بررسی و تأیید شد. در بررسی روایی صوری مقیاس با حذف ۸ گویه نامرتب براساس توافق نظر داوران تعداد گویه‌ها به ۱۶ گویه کاهش یافت که در نهایت بعد از تحلیل عاملی اکتشافی به دلیل بارعاملی پایین تعداد دو گویه حذف گردیده و تعداد گویه‌های مقیاس با ۱۴ گویه نهایی گردید. گویه‌های مقیاس به صورت لیکرتی ۵ گزینه‌ای کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم پاسخ داده می‌شود. برای (کاملاً موافقم) نمره ۴ و (کاملاً مخالفم) نمره صفر تعلق می‌گیرد. نمره بالاتر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را نشان می‌دهد. براین اساس دامنه نمرات فرد در کل مقیاس بین صفر تا ۵۶ خواهد بود. بعد از آماده شدن مقیاس و تعیین گویه‌ها با کمک اساتید، مقیاس جهت تعیین پایایی و روایی محتوایی و بررسی انطباق گویه‌های مقیاس با هدف پژوهش، با پاسخدهی ۱۰۰ نفر از شرکت‌کنندگان بررسی مقدماتی شد. بعد از اصلاح و تأیید گویه‌ها، مقیاس جهت جمع‌آوری اطلاعات در نمونه اصلی پژوهش توزیع گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات به‌دست آمده مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی داده‌ها اگر در مقیاسی به بیش از ۱۰ درصد گویه‌ها جواب داده نشده بود، از تحلیل حذف می‌شد. براین اساس تعداد ۴۷ پرسش‌نامه از تحلیل کنار گذاشته شد و داده‌های بدون پاسخ براساس میانگین گویه‌ها جایگزین شد. با حذف پرسش‌نامه‌های ناقص تکمیل شده تعداد کل شرکت‌کنندگان از ۴۶۴ به ۴۱۷ نفر کاهش یافت. در ادامه به منظور تعیین روایی مقیاس و تعیین اینکه مقیاس آنچه را که برای آن ساخته شده است را مورد سنجش قرار می‌دهد، از روش روایی سازه استفاده شد. روایی سازه مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس بررسی شد. در تحلیل عاملی اکتشافی جهت تعیین مناسب بودن ضرایب همبستگی برای عامل‌یابی از آزمون بارتلت^۳ و جهت تعیین کفایت اندازه نمونه برای تحلیل عاملی از آزمون کایزر-مایر-اولکین^۴ (KMO) استفاده گردید. آزمون بارتلت نشان داد همبستگی درونی گویه‌ها برای تحلیل عاملی معنادار و مناسب است ($P < 0/001$, $df = 91$, $X^2 = 3207/79$). نتایج آزمون کایزر-مایر-اولکین ($KMO = 0/89$)، به‌دست آمد، براین اساس کفایت حجم نمونه برای تحلیل عاملی اکتشافی به لحاظ اینکه بالاتر ۰/۷۰ است، مناسب بود (کایزر^۵، ۱۹۷۴).

1. Kline
2. Lenz
3. Bartlett's test
4. Kaiser-Mayer-Olkin
5. Kaiser

از ابزارهای سنجش به کار گرفته شده مقیاس ۶ گویه‌ای مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بود که روایی و پایایی آن بررسی و تأیید گردید. گویه‌های مقیاس عبارتند از: ۱. من معتقدم علت خشونت علیه زنان، خود زنان است. ۲. زنان مداوم نیازمند نظارت و کنترل هستند. ۳. صرفاً محدودیت و محرومیت‌های خدمات اجتماعی می‌تواند در تمکین زنان به قانون کارساز باشد. ۴. زنان توانایی آن را دارند در پست‌های تصمیم ساز حکومتی بکارگیری شوند. ۵. زنان باید در عرصه‌های مختلف در جامعه حضور داشته باشند. ۶. کلیه امتیازاتی که مردان در جامعه دارند، باید شامل زنان نیز باشد. پاسخدهی به گویه‌ها به صورت لیکرتی پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. حداقل نمره در این مقیاس ۶ و حداکثر ۳۰ است. کسب نمره بالا نشانگر دیدگاه مثبت به خشونت اجتماعی علیه زنان است. گویه‌های ۴ تا ۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌گردد. روایی صوری و محتوایی مقیاس بر اساس مشورت با سه نفر از اساتید جامعه‌شناسی تأیید گردید. ساختار تک‌عاملی مقیاس براساس تحلیل عاملی اکتشافی تأیید شد. در تحلیل عاملی اکتشافی تمام گویه‌ها بر روی یک عامل دارای ارزش ویژه بالاتر از یک بارگیری شدند. عامل استخراج شده ۶۹/۵۹ درصد واریانس کل مقیاس را تبیین کرد و روایی سازه مقیاس تأیید گردید. همه گویه‌های مقیاس دارای همبستگی معناداری در سطح آماری ($P < 0/01$) با نمره کل مقیاس بودند و همسانی درونی مقیاس به روش آلفای کرونباخ $0/80$ بود، لذا همسانی درونی مقیاس تأیید گردید. پایایی مقیاس به روش آزمون - بازآزمون به فاصله زمانی ۱۵ روز $0/78$ به‌دست آمد. همبستگی مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان با نمره کل افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در این پژوهش $0/77$ به‌دست آمد که بیانگر روایی همگرا مقیاس است.

یافته‌ها

در این پژوهش، تعداد کل شرکت‌کنندگان ۴۱۷ نفر بود که تعداد ۲۵۰ نفر آن مرد و ۱۶۷ نفر زن بودند. از لحاظ تحصیلات ۷۵ درصد دانشجوی کارشناسی، ۱۵ درصد دانشجوی کارشناسی‌ارشد و ۱۰ درصد دانشجوی دکتری بودند. سن گروه نمونه پژوهش $28/40$ و با انحراف معیار $8/34$ بود. براساس جدول (۱)، مردان در تمام متغیرهای پژوهش در مقایسه با گروه زنان نمرات بیشتری کسب کرده‌اند. نتایج همبستگی نشان می‌دهد خرده‌مقیاس‌های افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در ارتباط با هم و در ارتباط با کل مقیاس دارای روابط مثبت معنادار در سطح آماری ($P < 0/01$) است که این موضوع تأیید کننده همسانی درونی خرده مقیاس‌های افراط‌گرایی خشونت‌آمیز است.

**

جدول ۱. یافته‌های توصیفی و همبستگی متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌ها	گروه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	تأیید افراط‌گرایی	تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی	افراط‌گرایی خشونت‌آمیز
تأیید افراط‌گرایی	زنان	۱۶۷	۳/۲۰	۳/۳۴	۱	$0/52^{**}$	$0/90^{**}$
	مردان	۲۵۰	۴/۸۹	۳/۲۱			
تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی	زنان	۱۶۷	۳	۲/۷۰	$0/52^{**}$	۱	$0/84^{**}$
	مردان	۲۵۰	۴/۶۰	۲/۶۵			
افراط‌گرایی خشونت‌آمیز	زنان	۱۶۷	۶/۲۰	۵/۳۰	$0/90^{**}$	$0/84^{**}$	۱
	مردان	۲۵۰	۹/۴۹	۵/۷۰			
تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان	زنان	۱۶۷	۷/۵۷	۴/۰۶	$0/69^{**}$	$0/65^{**}$	$0/77^{**}$
	مردان	۲۵۰	۱۱/۴۵	۳/۹۸			

($P < 0/01$)

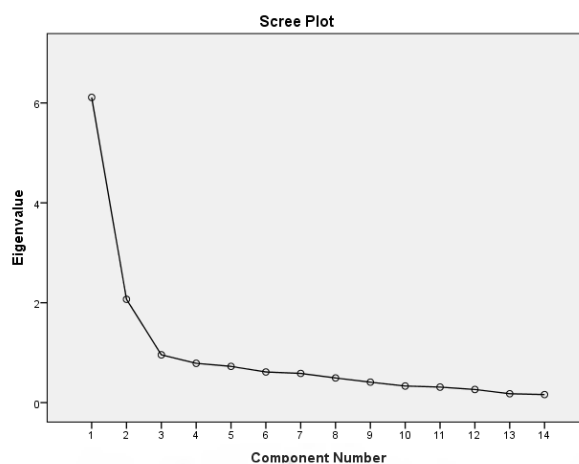
جدول ۲. بارهای عاملی، ارزش ویژه، درصد تبیین واریانس و درصد تراکمی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

ابعاد	گویه‌ها	گویه‌ها	عامل ۱	عامل ۲
تأیید افراط‌گرایی	۲	تلاش برای یافتن راه‌حل‌های مشترک با کسانی که افکارشان در مورد نحوه زندگی کاملاً با ما متفاوت است، ائتلاف وقت است.	۰/۸۴	
	۴	زندگی مسالمت‌آمیز در کنار افرادی که دارای سبک زندگی متفاوت با ما هستند، اشتباه و غیراخلاقی است.	۰/۸۸	
	۶	اکثر مردم در این کشور سبک زندگی و فرهنگی دارند که باید کاملاً تغییر کند.	۰/۸۸	
	۱۱	در صورت ایجاد آزادی‌های اجتماعی و اندیشه، جامعه از مسیر رشد و تعالی خارج می‌شود.	۰/۵۹	
	۱۴	نمی‌توان در کنار افرادی که سبک زندگی متفاوتی دارند، همیشه در صلح و آرامش زندگی کرد.	۰/۶۴	
	۱۰	گردش آزاد اطلاعات و دسترسی آسان به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی باعث توسعه فساد است.	۰/۵۹	
	۸	از مباحث و افرادی که اصول اعتقادی اینجانب را به چالش می‌کشد، دوری می‌کنم.	۰/۸۵	
	۱	من معتقدم که پیروان سایر ادیان در کشور من حق ندارند دستورات دین خود را حتی در خانه‌های خود اجرا کنند.	۰/۶۱	
تأیید ابزارهای خشونت غیرقانونی	۳	استفاده از خشونت تنها روش کارساز است، وقتی که موضوع پیشبرد یک هدف برتر (ایدئولوژیک) باشد.	۰/۸۳	
	۵	افرادی که دارای سبک زندگی مغایر با عرف اجتماعی هستند، باید از خدمات اجتماعی محروم شوند.	۰/۷۵	
	۷	زیر پا گذاشتن قانون تنها چیزی است که جهت حفاظت از یک هدف برتر (ایدئولوژیک) برخی مواقع کارساز است.	۰/۷۶	
	۹	گروه‌هایی از جامعه که دارای سبک زندگی مغایر با فرهنگ اصیل جامعه هستند، باید از حقوق خود محروم شوند.	۰/۵۱	
	۱۲	قانون‌شکنی وقتی هدف حفاظت از یک هدف برتر اعتقادی است، مانعی ندارد.	۰/۵۱	
	۱۳	استفاده از تهدید، خشونت و سرکوب بهترین روش کنترل اعتراض‌های اجتماعی است.	۰/۵۶	
	ارزش ویژه		۶/۱۱	۲/۰۶
	درصد واریانس تعیین شده		۴۳/۶۵	۱۴/۷۷
	درصد واریانس تجمعی		۴۳/۶۵	۵۸/۴۲

در ادامه در تحلیل عاملی اکتشافی حداقل بار عاملی قابل قبول گویه‌ها برای یک عامل طبق دیدگاه هیر، آندرسون، تاتهام و بلک^۱ (۱۹۹۸)، ۰/۴۰ در نظر گرفته شد. براین اساس از ۱۶ گویه موجود تعداد ۲ گویه به دلیل بار عاملی پایین حذف و تعداد ۱۴ گویه تأیید شد. ابعاد مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در دو عامل قرار گرفت که هر کدام دارای ۷ گویه است. براساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی بارعاملی تمام گویه‌های مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز بالاتر از ۰/۴۰ بوده و در سطح آماری ($P < ۰/۰۱$) معنادار بودند. بنابراین روایی سازه گویه‌های مقیاس تأیید می‌گردد. جدول ۲، ارزش ویژه، مقدار تبیین واریانس و درصد واریانس تراکمی مقیاس افراط‌گری را نشان می‌دهد. دو عامل دارای ارزش بیشتر از ۱ است. عامل اول ۴۳/۶۵ درصد واریانس و عامل دوم ۱۴/۷۷ درصد واریانس را تبیین می‌کند. دو عامل استخراج شده به صورت تراکمی ۵۸/۰ از واریانس کل را تبیین می‌کند. از آنجا که مقدار واریانس تبیین شده بیشتر از ۵۰/۰ است، بنابراین ساختار دو عاملی مقیاس یک ساختار مطلوب است. با توجه به

1. Hair, Anderson, Tatham & Black

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و همان طور که در نمودار سنگ‌ریزه در شکل ۱ آشکار است دو عامل برای مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تأیید شد. براساس مضمون گویه‌ها و ادبیات موضوع عامل اول تأیید افراط‌گرایی و عامل دوم پذیرش ابزارهای خشونت/ غیرقانونی نام‌گذاری گردید.



شکل ۱. نمودار سنگ‌ریزه براساس تحلیل عاملی اکتشافی

جدول ۳. یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی گویه‌های مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با نمره خرده مقیاس‌های خود و نمره کل ($P < 0.01$)

متغیر	گویه‌ها	میانگین	D. S.	خرده مقیاس	همبستگی با نمره کل مقیاس
تأیید افراط‌گرایی	۲	۰/۴۸	۰/۶۰	**۰/۸۳	**۰/۷۲
	۴	۰/۴۷	۰/۶۰	**۰/۸۵	**۰/۷۴
	۶	۰/۴۵	۰/۵۹	**۰/۸۴	**۰/۷۳
	۱۱	۰/۷۰	۰/۶۶	**۰/۷۴	**۰/۶۱
	۱۴	۰/۷۵	۰/۶۱	**۰/۷۴	**۰/۷۲
	۱۰	۰/۷۵	۰/۶۱	**۰/۷۱	**۰/۶۸
	۸	۰/۴۷	۰/۵۹	**۰/۸۴	**۰/۷۳
متغیر	گویه‌ها	میانگین	S. D.	خرده مقیاس	همبستگی با نمره کل مقیاس
تأیید ابزارهای خشونت/ غیرقانونی	۱	۰/۶۰	۰/۵۵	**۰/۵۸	**۰/۵۳
	۳	۰/۲۹	۰/۵۲	**۰/۸۰	**۰/۶۶
	۵	۰/۳۵	۰/۵۴	**۰/۷۵	**۰/۶۳
	۷	۰/۳۲	۰/۵۲	**۰/۷۶	**۰/۶۳
	۹	۰/۷۷	۰/۵۶	**۰/۶۵	**۰/۶۲
	۱۲	۰/۷۳	۰/۶۰	**۰/۶۶	**۰/۶۲
	۱۳	۰/۷۴	۰/۵۹	**۰/۷۰	**۰/۶۴

طبق جدول ۳، همبستگی همه گویه‌ها با نمرات خرده مقیاس مربوط به خود و نیز کل مقیاس محاسبه شد، تمامی ضرایب همبستگی در سطح معناداری ($p < 0.01$) معنادار بودند. در واقع همه گویه‌های مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز از همسانی درونی لازم برخوردار هستند.

جدول ۴. آلفای کرونباخ و پایایی بازآزمایی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

مؤلفه‌ها	تأیید افراط‌گرایی	تأیید ابزارهای خشونت / غیرقانونی	افراط‌گرایی خشونت‌آمیز
آلفای کرونباخ	۰/۹۰	۰/۸۱	۰/۸۹
پایایی بازآزمایی	۰/۸۰	۰/۷۵	۰/۷۸

براساس جدول ۴، پایایی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به روش همسانی درونی با محاسبه آلفای کرونباخ برای تأیید افراط‌گرایی، تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی و کل مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۱ و ۰/۸۹ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب مقیاس است. پایایی مقیاس همچنین به روش اجرای مجدد آزمون برای ۱۰۰ نفر به فاصله ۱۵ روز بررسی گردید. طبق نتایج پایایی بازآزمون برای تأیید افراط‌گرایی، تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی و کل مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۵ و ۰/۷۸ به دست آمد.

جدول ۵. آزمون رگرسیون خطی ساده پیش‌بینی تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان براساس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

متغیرهای پیش‌بین	Beta	B	T	P	R	ADJ.R ²
تأیید افراط‌گرایی	۰/۸۴	۰/۶۹	۱۹/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۶۹	۰/۴۷
تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی	۰/۶۵	۰/۹۸	۱۷/۷۳	۰/۰۰۱	۰/۶۵	۰/۴۳
افراط‌گرایی خشونت‌آمیز	۰/۷۷	۰/۵۹	۲۴/۷۷	۰/۰۰۱	۰/۷۷	۰/۵۹

در راستای تأیید روایی سازه مقیاس از روش روایی همگرا استفاده شد. روایی همگرا مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بررسی شد، نتایج همگرایی و روابط معنادار بین آنها نشان داد ($R = 0.77$, $P < 0.01$). براین اساس روایی سازه مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تأیید گردید (جدول ۵). از اهداف پژوهش پیش‌بینی تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان براساس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و زیرمقیاس‌های آن بود. میزان R^2 تعدیل یافته نشان می‌دهد که در کل افراط‌گرایی خشونت‌آمیز ۰/۵۹ از واریانس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان را پیش‌بینی می‌کند. افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به همراه زیرمقیاس‌ها به صورت جداگانه تأیید خشونت علیه زنان را به صورت معنادار پیش‌بینی می‌کنند. براساس ضرایب رگرسیونی استاندارد (Beta) با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره تأیید افراط‌گرایی، تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی و نمره کل افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، نمره تأیید خشونت علیه زنان به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۶۵ و ۰/۷۷ افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش با هدف ساخت و اعتباریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و بررسی رابطه آن با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان انجام گرفت. در راستای ساخت و هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تعداد ۱۶ گویه تأیید شده براساس نظر

صاحب‌نظران، به روش تحلیل عاملی اکتشافی تحلیل گردید. در تحلیل عاملی اکتشافی تعداد گویه‌های مقیاس با حذف دو گویه با نقطه برش بار عاملی کمتر از ۰/۴ به ۱۴ گویه کاهش یافت. براساس تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار دو عاملی از جمع گویه‌های مقیاس استخراج گردید که براساس ادبیات پژوهش و مضمون گویه‌ها دو خرده مقیاس به عناوین تأیید افراط‌گرایی و تأیید ابزارهای خشونت/ غیرقانونی نام‌گذاری گردید. ساختار دو عاملی مقیاس، همسو و در تأیید دیدگاه تمایز بین ایدئولوژی و کنش است. رابطه بین ایدئولوژی و کنش را می‌توان در افراط‌گرایی و خشونت نشان داد که این دو جنبه گاهی اوقات اما نه همیشه به هم مرتبط هستند، زیرا توسعه نگرش‌های افراطی چنان نیست که همیشه به یک مسیر کنش و اعمال واقعی منجر شود (برتلسن، ۲۰۱۸). در کل افراطی‌گری خشونت‌آمیز را می‌توان به عنوان فرآیندهای متنوع پذیرش تدریجی ایدئولوژی و کنش افراطی درک کرد (اوزر و برتلسن، ۲۰۱۸). در ادامه در راستای تأیید روایی سازه مقیاس از روش روایی همگرا استفاده گردید. نمره کل مقیاس و خرده مقیاس‌های افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در بررسی روایی همگرا با مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان نشان داد دو مقیاس به لحاظ نظری دو موضوع مرتبط را می‌سنجند، بنابراین همگرایی دو مقیاس تأیید گردید. در راستای تأیید روایی سازه همانطور که نتیجه پژوهش نشان می‌دهد، مردان در مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز نسبت به زنان نمرات متفاوت کسب کردند و نمرات افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در آنها بیشتر بود که این نتیجه پژوهش براساس ادبیات پژوهش از جمله مطالعات مسرشمیت^۱ (۲۰۱۹) و رز، فلود، گریگ، آلفانو و کوپلند^۲ (۲۰۲۲) حاکی از روایی افتراقی مقیاس است. هریک از گویه‌های مقیاس رابطه مثبت و معنادار با خرده مقیاس خود و کل مقیاس داشت و رابطه بین خرده‌مقیاس‌ها و رابطه هر خرده‌مقیاس با مقیاس کل نیز مثبت و معنادار بود که نشان می‌دهد مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز دارای همسانی درونی مناسب است. در این صورت می‌توان گفت هر یک از گویه‌ها در حال سنجش ساختار مشابهی هستند و پراکندگی مفهومی در آنها دیده نمی‌شود. با این حال هر یک از گویه‌های مقیاس با خرده مقیاس خود در مقایسه با نمره کل مقیاس مقدار همبستگی بیشتری دارد و این نشان می‌دهد که هریک از خرده مقیاس‌ها موضوع واحد و متفاوتی را در یک ساختار مشابه مورد سنجش قرار می‌دهند که نشان از روایی سازه و ساختار دو عاملی مقیاس است. ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌ها به منظور بررسی همسانی درونی بررسی شد. نتایج نشان دهنده پایایی عالی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز بود. پایایی عالی به این مفهوم است که گویه‌های این مقیاس از تجانس و همخوانی لازم برخوردار است و با توجه به ساده و روان بودن عبارات مقیاس در شرایط مختلف نتایج یکسانی به‌دست می‌دهند. همچنین برای بررسی پایایی، روش بازآزمایی با فاصله ۱۵ روز انجام شد، ضرایب همبستگی نمرات حاصل از دو آزمون حاکی از پایایی مقیاس بود. پایایی بازآزمایی بیانگر این است که نتایج این مقیاس کمتر نسبت به شرایط محیطی و حالات فرد دچار تغییرات می‌شود و در طول زمان ثبات دارد. براساس پایایی و اعتبار به‌دست آمده مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز یک مقیاس معتبر و پایا برای بررسی پدیده افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در جامعه ایران است.

در ادامه رابطه افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بررسی گردید. نتایج پژوهش ضمن اینکه همگرایی دو مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و نگرش به خشونت اجتماعی علیه زنان را تأیید کرد، نشان داد، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز پیش‌بینی‌کننده گرایش به خشونت اجتماعی علیه زنان است. این یافته پژوهش همسو با یافته‌های مطالعات

1. Messerschmidt

2. Roose, Flood, Greig, Alfano & Copland.

کارداش و یسیلتاش^۱ (۲۰۱۷)، روتوایلر و همکاران (۲۰۲۴) دیکوک و کلی (۲۰۲۲) و جنتری (۲۰۲۲) است که نشان دادند افراط‌گرایی با زن‌ستیزی و خشونت علیه زنان ارتباط دارد و زن‌ستیزی نمود بارز افراطی‌گری است.

فهم رابطه بین خشونت علیه زنان و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تا زمانی که درک جامع‌تری و در عین حال دقیق‌تری از مکانیسم‌های روان‌شناختی که زیربنای این نوع رفتارها هستند، صورت نگیرد، امکان پذیر نیست. یافته‌های پژوهش مشخص می‌کند که خشونت اجتماعی علیه زنان با مشارکت در انواع مختلف خشونت مرتبط است و به نظر می‌رسد که عوامل روان‌شناختی و مکانیسم‌های مشابهی وجود دارد. عوامل روان‌شناختی مشترک مکانیسم‌های بالقوه‌ای را روشن می‌کند و توضیح می‌دهد که چرا افراط‌گرایان خشن اغلب سابقه خشونت بین‌فردی و به ویژه خشونت شریک جنسی دارند. برخی روان‌شناسان بر این عقیده هستند که افراد خشن طرحواره‌های شناختی پرخاشگر یا الگوهای خاص تفکر دارند که موجب تداوم خشم آنها در کلیه روابط اجتماعی و حتی خشونت علیه زنان می‌گردد (نیکدل و جاودانیان، ۱۳۹۷). به طور کلی این پژوهش، نتایج پژوهش هامبی و گریچ^۲ (۲۰۱۳) را تأیید می‌کند، مطالعات آنها نشان می‌دهد اشکال مختلف خشونت اغلب همزمان رخ می‌دهند زیرا آنها عوامل خطر مشترکی دارند و نشان‌دهنده مکانیسم‌های اساسی مشابهی است که انواع مختلفی از خشونت (مردانه) را هدایت می‌کنند.

در کل نتیجه پژوهش نشان داد، مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز مقیاس معتبر و قابل اعتماد برای استفاده در فرهنگ ایران است و از این مقیاس می‌توان برای پژوهش میدانی افراط‌گرایی در میان جمعیت‌های عادی در سراسر گروه‌های اجتماعی و مذهبی استفاده کرد. همچنین این مقیاس، رابطه افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با نگرش به خشونت اجتماعی علیه زنان را آشکار کرد. مهمتر از همه شناسایی مکانیسم‌های زیربنایی روان‌شناختی و کشف رابطه بین خشونت اجتماعی علیه زنان و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز ارزش کاوش بیشتر را دارد و شناسایی عوامل خطر مشترک حیاتی است. از سوی دیگر در پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌گردد مشخص شود چه چیزی می‌تواند خشونت «خصوصی» علیه زنان را از رفتارهای خشونت‌آمیز عمومی متمایز کند. در حالی که به نظر می‌رسد اعمال خشونت‌آمیز خصوصی و عمومی مردان به هم مرتبط هستند، اما مطمئناً این ارتباط کامل نیست. بنابراین، پیشنهاد است مطالعات آینده کشف کنند که کدام مکانیسم‌های روان‌شناختی زیربنای وقوع متمایز و وقوع همزمان خشونت علیه زنان و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به صورت عمومی در میان مردان است.

علیرغم نتایج مفید این پژوهش در توسعه مرزهای دانش در شناخت ماهیت پدیده افراط‌گرایی و نقش آن در خشونت علیه زنان، چندین محدودیت باید در تحقیقات آینده مورد توجه قرار گیرد. اول اینکه مطالعه حاضر صرفاً مبتنی بر گزارش دانشجویان بود. بر این اساس یافته‌ها ممکن است به راحتی فراتر از زمینه مطالعه حاضر تعمیم داده نشوند. از این رو ما قویاً مطالعات آتی را پیشنهاد می‌کنیم تا ارتباط میان خشونت علیه زنان و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را در سایر زمینه‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز بررسی کنند. محدودیت دیگر ماهیت مقطعی داده‌های ما است. همچنین احتمال رابطه متقابل یا دوطرفه بین متغیرها وجود دارد. به طوری که قرار گرفتن در معرض روایت‌ها و محیط‌های افراطی خشونت‌آمیز، نارضایتی‌های شخصی و گروهی علیه زنان را تقویت می‌کند که به نوبه خود نگرش‌های زن‌ستیزانه و حمایت از خشونت علیه زنان را تقویت می‌کند. به همین ترتیب، مردانی که دارای نگرش‌های زن‌ستیزانه هستند ممکن است بیشتر در معرض افراط‌گرایی خشونت‌آمیز قرار گیرند، زیرا این امر ممکن است نگرش‌های بیش از حد مردانه و همچنین خصمانه نسبت به زنان را تقویت و تشدید کند. بنابه محدودیت مقطعی بودن داده‌های پژوهش و رابطه دوطرفه بین متغیرهای پژوهش در مطالعات توصیفی همبستگی پیشنهاد

1. Kardaş & Yesiltaş

2. Hamb & Grych

می‌شود مطالعاتی در خصوص عملیاتی کردن طرح‌های تحقیقاتی طولی و تجربی برای تعیین جهت زمانی مسیرهای پیشنهادی انجام یابد که می‌تواند روابط علت و معلولی را آشکار کند.

در پایان توصیه برای سیاست‌گذاران در جامعه شامل افزایش آموزش و آگاهی در میان مجریان قانون و کارشناسان مقابله و پیشگیری از خشونت درباره ماهیت افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و تاثیر آن در خشونت اجتماعی علیه زنان است. لازم است مکانیسم‌های قانونی و آموزشی برای تقویت عدالت جنسیتی در جامعه ارتقا یابد. نیاز است با خشونت‌های افراطی ناشی از جهان‌بینی‌های افراطی زن‌ستیزانه با به چالش کشیدن سیستم‌های بی‌عدالتی مانند ایدئولوژی مردسالاری در جامعه در راستای حمایت از حقوق زنان مقابله کرد. شایسته است سیاست‌گذارانی که در گزینش و بکارگیری کارکنان در نهادهای تصمیم‌ساز، نهادهای امنیتی و غیر امنیتی دخیل هستند، به پیامدهای منفی بکارگیری افرادی با گرایش‌های انحرافی و افراطی دینی و... آگاهی لازم را داشته باشند تا از آثار فاجعه‌بار آن مانند ضایع شدن حقوق اجتماعی زنان و به تبع آن از آسیب انسجام و وفاق ملی در جامعه جلوگیری گردد.

منابع

- بهشتی، احمد. (۱۳۹۳). افراط‌گرایی، نقطه مقابل عقلانیت و شریعت. مجله عقل و دین، ۶(۱۱)، ۷-۲۷.
- نیکدل، فریبرز و جاودانیان، صادق. (۱۳۹۸). طرحواره‌های شناختی پرخاشگر، شیوه‌های کنترل خشم و رضایت جنسی با گرایش مردان به خشونت علیه زنان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۹(۳۳)، ۳۵-۵۲.
- Alesina, A., Brioschi, B., & La Ferrara, E. (2021). Violence against women: a cross-cultural analysis for Africa. *Economica*, 88(349), 70-104.
- Al-Badaynah, D. M., Alshawi, A. A., & Ekici, S. (2023). Youth Violent Extremism: Scale Development and Validation. *Creative Commons CC BY license*. 2-16. Doi: 10.20944/preprints 202302. 0355.v1
- American Heritage Dictionary. (n.d.-b). *Extremist*. Retrieved July 23, 2020, from <https://ahdictionary.com/word/search.html?q=extremist>
- Basedau, M. & Schaefer-Kehnert, J., (2019). Religious discrimination and religious armed conflict in sub-Saharan Africa: An obvious relationship? *Religion, State and Society*, 47(1), 30-47.
- Bak, M., K. N. Tarp, and C. S. Liang. (2019). *Defining the Concept of Violent Extremism": Delineating the Attributes and Phenomenon of Violent Extremism*. Geneva: Geneva Centre for Security Policy.
- Berger, J. M. (2019). *Researching violent extremism: The state of play*. Washington, DC: Resolve Network.
- Bertelsen, P. (2018). Mentoring in anti-radicalization. LGT: a systematic assessment, intervention and supervision tool in mentoring. In: Overland, G., Salomonsen, J., Andersen, A., EnghFørde, K., & Grørdum K. (Eds.), *Processes of violent extremism. International and interdisciplinary perspectives*. Newcastle, UK: Cambridge Scholars publishing.
- Bertelsen, P. (2016). Voldelig radikaliserings. ET systematisk overblik over risikofaktorer og en teoretisk model i Tilværelsespsykologiens optik. In *Tværfagligt samarbejde om udsatte børn og unge: En studiebog* (pp. 129-178). Turbine Akademisk.
- Carian, E. K., A. DiBranco, and C. Ebin. (2022). *Male Supremacism in the United States*. Abingdon, UK: Routledge.
- Chermak, S., Freilich, J. D., Parkin, W. S., Gruenewald, J., Mills, C., Klein, B. ... & Duran, C. (2022). Far-right extremist violence in the United States. In *Right-wing extremism in Canada and the United States* (pp. 301-326). Cham: Springer International Publishing.
- DeCook, J. R., & Kelly, M. (2022). Interrogating the "incel menace": Assessing the threat of male supremacy in terrorism studies. *Critical Studies on Terrorism*, 15(3), 706-726.

- Díaz, P. C., & Valji, N. (2019). Symbiosis of misogyny and violent extremism. *Journal of International Affairs*, 72(2), 37-56.
- Dicko, A., Mousa, I., Oumaro, I., & Issaka, M., (2018). *International Organization for Migration*, p. 1. Retrieved from https://publications.iom.int/system/files/pdf/youth_violence_en.pdf
- Doosje, B., Moghaddam, F. M., Kruglanski, A. W., de Wolf, A., Mann, L. & Feddes, A. R. (2016). Terrorism, radicalization and de-radicalization. *Current Opinion in Psychology*, 11, 79-84.
- Dowd, C. (2015). Grievances, governance and Islamist violence in sub-Saharan Africa. *The Journal of Modern African Studies*, 53(4), 505-531.
- Fox, J. A., Levin, J., & Fridel, E. E. (2023). *Extreme killing: Understanding serial and mass murder*. Sage Publications.
- Gentry, C. E. (2022). Misogynistic terrorism: It has always been here. *Critical Studies on Terrorism*, 15(1), 209-224.
- Hamby, S. L., and Grych, J. H. (2013). Tracing the Threads of the Web: The Epidemiology of Interconnections among Forms of Violence and Victimization. *Web of Violence* (pp. 8-27). New York, NY, USA: Springer.
- Hair, J. F., Anderson, R. E., Tatham, R. L., & Black, W. C. (1998). *Multivariate data analysis*, (5th ed.). Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
- Kardaş, T., & Yesiltaş, M. (2017). Rethinking Kurdish geopolitical space: The politics of image, insecurity and gender. *Cambridge Review of International Affairs*, 30(2-3), 256-282.
- Kaiser, H. F. (1974). An index of factorial simplicity. *Psychometrika*, 39(1), 31-36.
- Kline, R. B., (2010). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*, NY: Guilford Press.
- Lenz, E. R. (2010). *Measurement in nursing and health research*. Springer publishing company.
- Lowe, D. (2017). Prevent strategies: The problems associated in defining extremism: The case of the United Kingdom. *Studies in Conflict & Terrorism*, 40(11), 917-933.
- Messerschmidt, J. W. (2019). The salience of “hegemonic masculinity. *Men and masculinities*, 22(1), 85-91.
- Messerschmidt, J. W. (2019). The salience of “hegemonic masculinity”. *Men and masculinities*, 22(1), 85-91.
- O'Donnell, C., & Shor, E. (2022). “This is a political movement, friend”: Why “incels” support violence. *The British Journal of Sociology*, 73(2), 336-351.
- O'Hanlon, R., Altice, F. L., Lee, R. K. W., LaViolette, J., Mark, G., Papakyriakopoulos, O. ... & Kumar, N. (2024). Misogynistic extremism: a scoping review. *Trauma, Violence, & Abuse*, 25(2), 1219-1234.
- Oranye, N. O., Nnonyelu, N. A., & Ughenu, A. (2024). The rise of radical Islamic fundamentalism and violence against women in Nigeria. *World Affairs*.1-16. DOI: 10.1002/waf2.12039
- Ozer, S., & Bertelsen, P. (2018). Capturing violent radicalization: Developing and validating scales measuring central aspects of radicalization. *Scandinavian journal of psychology*, 59(6), 653-660.
- Peracha, F. N., Ayub, A., Khan, R. R., Farooq, Z., & Zahra, A. (2017). Development and Validation of Indigenous Violent Extremism Beliefs Scale (VEBS). *Journal of Psychology and Behavioral Science*, 5(1), 53-62.
- Roose, J. M., Flood, M., Greig, A., Alfano, M., & Copland, S. (2022). *Masculinity and violent extremism*. Cham: Palgrave Macmillan.
- Roose, J., Flood, M., & Alfano, M. (2020). *Challenging the use of masculinity as a recruitment mechanism in extremist narratives*. Department of Justice and Community Safety.
- Rottweiler, B., Clemmow, C., & Gill, P. (2023). A common psychology of male violence? Assessing the effects of misogyny on intentions to engage in violent extremism, inter-personal violence and support for violence against women. *Terrorism and Political Violence*, 1-26.
- Richardsen, C., Ba, D. M., Ssentongo, A. E., & Ssentongo, P. (2024). Spatial clustering of domestic violence attitudes toward women in Ghana. *PLOS Global Public Health*, 4(5), e0003261.
- Schweppe, J., & Perry, B. (2021). A continuum of hate: Delimiting the field of hate studies. *Crime, Law and Social Change*, 77(5), 1-26.

- Schmid, A. P. (2013). Radicalisation, de-radicalisation, and counter-radicalisation: A conceptual discussion and literature review. *ICCT research paper*, 97(1), 22.
- Sian, K. (2017). Born radicals? Prevent, positivism, and “racethinking”. *Palgrave Communications*, 3(1), 1–8.
- Thorburn, J., Powell, A., & Chambers, P. (2022). A world alone: Masculinities, humiliation and aggrieved entitlement on an incel forum. *The British Journal of Criminology*, 63(1), 238–254.
- United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). (2018). Radicalization' and 'violent extremism. Retrieved from <https://www.unodc.org/e4j/zh/terrorism/module-2/key-issues/radicalization-violentextremism.html>
- Van Prooijen, J. & Krouwel, A. P. M. (2017). Extreme political beliefs predict dogmatic intolerance. *Social Psychological and Personality Science*, 8(3), 292-300.



بررسی رابطه فرسودگی تحصیلی با اعتیاد به اینترنت از طریق واسطه‌گری الگوی ارتباط هم‌نوایی در دانش‌آموزان متوسطه دوم

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۸/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۱/۵

زانبار رحمانی^{۱*}، احمد امانی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: نوجوانی دوره‌ای پرتلاطم همراه با تغییرات عاطفی و رفتاری است که می‌تواند منجر به حساسیت بیشتر نسبت به محرک‌های محیطی و افزایش گرایش به فضای مجازی، اینترنت و در نتیجه، کاهش کارآمدی تحصیلی شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت با میانجی‌گری الگوی ارتباط هم‌نوایی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم انجام شد.

روش: روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان مریوان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود که ۹۴۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه فرسودگی تحصیلی (مسلش و جکسون، ۱۹۸۱)، پرسش‌نامه اعتیاد به اینترنت (یانگ، ۱۹۹۸) و پرسش‌نامه الگوی ارتباطی خانواده (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴) بود. داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله شاخص‌های آمار توصیفی و همچنین روش‌های همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. همچنین، فرسودگی تحصیلی رابطه مثبت و معناداری با اعتیاد به اینترنت و رابطه منفی و معناداری با الگوی ارتباط هم‌نوایی داشت ($p < 0/05$). علاوه بر این، الگوی ارتباط هم‌نوایی رابطه منفی و معناداری با اعتیاد به اینترنت نشان داد ($p < 0/05$). همچنین نتایج حاکی از معنادار بودن نقش واسطه‌ای الگوی ارتباط هم‌نوایی در رابطه بین فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت بود.

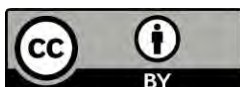
نتیجه‌گیری: این یافته‌ها نشان‌دهنده نقش میانجی‌گر الگوی ارتباط هم‌نوایی در رابطه بین فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت است. بر اساس این نتایج، تدوین برنامه‌هایی برای بهبود الگوهای ارتباطی خانواده و مدیریت استفاده نوجوانان از اینترنت توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: فرسودگی تحصیلی، اعتیاد به اینترنت، الگوی ارتباط هم‌نوایی.

۱. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

* نویسنده مسئول: xanyar.r73@gmail.com

۲. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.



Investigating the Relationship Between Academic Burnout and Internet Addiction Through the Mediating Role of the Conformity Communication Pattern Among High School Students

Received: 2024/11/04 Accepted: 2025/01/24

Zanyar Rahmani^{*1}, Ahmad Amani²

Original Article

Abstract

Introduction: Adolescence is a dynamic phase marked by emotional and behavioral shifts, heightening vulnerability to external influences, increasing engagement with cyberspace and the Internet, and potentially diminishing academic performance. This study sought to examine the relationship between academic burnout and Internet addiction, with the conformity communication pattern serving as a mediator among high school students.

Method: This study adopted a descriptive approach, utilizing a correlational design and structural equation modeling (SEM). The research population consisted of high school students in Marivan city during the 2022-2023 academic year, from which 940 students were selected via multistage cluster random sampling. Data were gathered using the Academic Burnout Inventory (Maslach & Jackson, 1981), the Internet Addiction Inventory (Young, 1998), and the Family Communication Patterns Questionnaire (Fitzpatrick & Ritchie, 1994). Data analysis involved descriptive statistics, Pearson correlation coefficients, and structural equation modeling.

Results: The analysis confirmed that the proposed model exhibited a satisfactory fit. Academic burnout demonstrated a significant positive correlation with Internet addiction and a significant negative correlation with the conformity communication pattern ($p < 0.05$). Additionally, the conformity communication pattern showed a significant negative association with Internet addiction ($p < 0.05$). The findings further substantiated the significant mediating role of the conformity communication pattern in the relationship between academic burnout and Internet addiction.

Conclusion: These results underscore the pivotal mediating influence of the conformity communication pattern in linking academic burnout to Internet addiction. Based on these insights, it is advisable to develop interventions focused on enhancing family communication patterns and regulating adolescents' Internet usage to mitigate these effects.

Keywords: Academic Burnout, Internet Addiction, Conformity Communication Pattern.

1. M.A in Family Counseling, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

* Corresponding Author: xanyar.r73@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran
a.amani@uok.ac.ir

مقدمه

در دنیای امروز، با رشد روزافزون فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، اینترنت به یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر زندگی بشر تبدیل شده است. این تحول در حالی رخ داده است که در کنار مزایای فراوان، چالش‌های قابل توجهی نیز به همراه دارد (پن، چيو و لین^۱، ۲۰۲۰). یکی از اصلی‌ترین مشکلات استفاده از اینترنت در بین نوجوانان و جوانان، اعتیاد به این فضا است. اعتیاد به اینترنت به رفتارهایی اطلاق می‌شود که در آن فرد به طور مفرط از اینترنت استفاده می‌کند به طوری که این رفتارها تأثیر منفی بر زندگی اجتماعی، تحصیلی، شغلی و سلامت روانی او دارد. در میان دانش‌آموزان، استفاده از اینترنت به عنوان یک ابزار فرار از مشکلات تحصیلی و اجتماعی می‌تواند به اعتیاد منجر شود. اعتیاد به اینترنت به عنوان یک اختلال رفتاری شناخته می‌شود که با استفاده مفرط و غیرضروری از اینترنت همراه است و می‌تواند تبعات منفی بر سلامت روانی و اجتماعی افراد داشته باشد (لی^۲، ۲۰۲۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این مشکل در سطح جهانی در حال گسترش است و بسیاری از جوامع با تبعات آن روبرو هستند (کاس و گریفیثس^۳، ۲۰۲۳).

یکی از پیامدهای شایع استفاده بیش از حد از اینترنت، فرسودگی تحصیلی است که به ویژه در میان دانش‌آموزان و دانشجویان مشاهده می‌شود. فرسودگی تحصیلی به معنای احساس خستگی، بی‌علاقگی به یادگیری، کاهش توانایی در مواجهه با وظایف تحصیلی و ناتوانی در بهره‌برداری از پتانسیل‌های خود است. فرسودگی تحصیلی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن دانش‌آموزان به دلیل فشارهای تحصیلی، احساس بی‌کفایتی، خستگی شدید، کاهش انگیزه و ناتوانی در انجام وظایف آموزشی مواجه می‌شوند. این پدیده می‌تواند منجر به افت تحصیلی، کاهش کیفیت یادگیری و اضطراب‌های مرتبط با تحصیل شود (شافلی و بکر^۴، ۲۰۲۳). این وضعیت نه تنها بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند موجب بروز مشکلات روان‌شناختی نظیر اضطراب، افسردگی و کاهش خودکارآمدی در آن‌ها شود (ژانگ، وانگ و چن^۵، ۲۰۲۲). در این راستا، بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی عوامل مؤثر بر فرسودگی تحصیلی پرداخته‌اند و یکی از عوامل برجسته‌ای که می‌تواند به این مشکل دامن بزند، اعتیاد به اینترنت است (چن، لیو، سو و ژانگ^۶، ۲۰۲۲).

عوامل مختلفی در بروز این پدیده دخیل هستند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، خانواده و نوع روابط بین اعضای آن است. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی که فرد در آن پرورش می‌یابد، تأثیر عمیقی بر رفتارهای فردی و اجتماعی او دارد (تاج علی و زرنقاش، ۲۰۱۷). در این میان، الگوهای ارتباطی در خانواده نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای نوجوانان ایفا می‌کنند. الگوی ارتباط همنوایی، که به معنای تعاملات هم‌جهت و هم‌زمان در خانواده است، می‌تواند به طور غیرمستقیم بر رفتارهای فرزندان در مواجهه با اینترنت و در نتیجه فرسودگی تحصیلی اثرگذار باشد. همنوایی به معنای تمایل فرد به پذیرش و تطابق رفتار و نگرش‌های خود با گروه‌های اجتماعی است که فرد به آن‌ها تعلق دارد. مطالعات اخیر نشان داده‌اند خانواده‌هایی که از الگوهای ارتباطی همنوایی بیشتری برخوردار هستند، فرزندان‌شان کمتر در معرض مشکلاتی همچون اعتیاد به اینترنت قرار می‌گیرند (کواک، کیم و کیم^۷، ۲۰۲۱؛ سردون، ماتینز و فرناندز^۸، ۲۰۲۲؛ پرکینز و جیکوبسن^۹، ۲۰۲۳). اعتقاد بر این است که این نوع ارتباطات در خانواده‌ها به نوجوانان این امکان را می‌دهد که در برابر مشکلات و چالش‌ها احساس امنیت و حمایت بیشتری کنند. این شرایط

1. Pan, Chiu & Lin
2. Lee
3. Kuss & Griffiths
4. Schaufeli & Bakker
5. Zhang, Wang & Chen
6. Chen, Liu, Su & Zhang
7. Kwak, Kim & Kim
8. Sardón, Martínez & Fernández
9. Perkins & Jacobsen

ممکن است باعث شود که نوجوانان کمتر به استفاده از اینترنت بپردازند و از فعالیت‌های تحصیلی و اجتماعی خود دور نشوند که نتیجه آن، کاهش فرسودگی تحصیلی است (باراک و هن^۱، ۲۰۲۳).

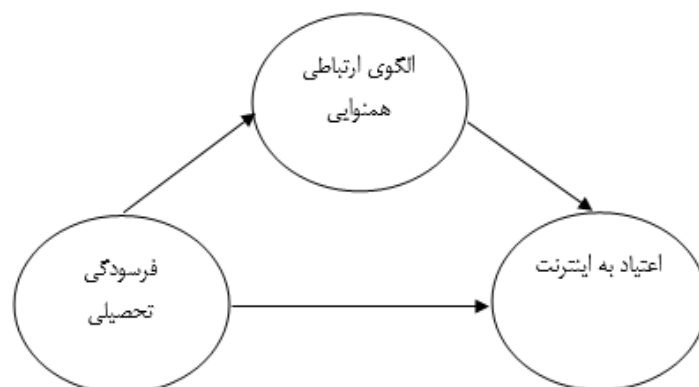
در زمینه فرسودگی تحصیلی، بسیاری از تحقیقات به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند. به طور خاص، فرسودگی تحصیلی معمولاً شامل سه مؤلفه است: خستگی تحصیلی، بی‌علاقگی به تحصیل و احساس ناکارآمدی در انجام وظایف تحصیلی (باکر، آلا رکون و رودریگز^۲، ۲۰۲۳). این وضعیت می‌تواند در درازمدت منجر به افت تحصیلی، اضطراب، افسردگی و حتی ترک تحصیل شود (پریچارد و ویلسون^۳، ۲۰۲۲). از آنجا که این مشکل به‌ویژه در نوجوانان رایج است، بسیاری از پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند تا عوامل مختلف مؤثر بر بروز فرسودگی تحصیلی در این گروه سنی را شناسایی کنند (چینگ و لین^۴، ۲۰۲۳).

استفاده بیش از حد از اینترنت و فضای مجازی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد این وضعیت نقش ایفا کند (پن، چپو و لین^۵، ۲۰۲۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اعتیاد به اینترنت می‌تواند موجب کاهش انگیزه تحصیلی و به‌دنبال آن فرسودگی تحصیلی شود (کاس و گریفیتس^۶، ۲۰۲۳). نوجوانانی که درگیر استفاده مفرط از اینترنت هستند، معمولاً از فعالیت‌های تحصیلی فاصله می‌گیرند و وقت خود را در فضای مجازی می‌گذرانند، که این امر می‌تواند به فرسودگی تحصیلی و کاهش کیفیت یادگیری منجر شود (چن، لیو و سو^۵، ۲۰۲۲). این تأثیرات منفی به‌ویژه زمانی شدت می‌یابد که الگوهای ارتباطی خانواده از نوع بی‌ثبات و آشفته باشند، زیرا این نوع ارتباطات ممکن است شرایطی را فراهم کنند که نوجوانان از حمایت‌های اجتماعی حقیقی و فعالیت‌های آموزشی غافل شوند و به فضای مجازی پناه برند (تاج علی و زرنقاش^۷، ۲۰۱۷). با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که الگوهای ارتباطی خانواده به‌ویژه در دوران نوجوانی می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر رفتارهای اینترنتی و فرسودگی تحصیلی نوجوانان داشته باشد (یانگ و لی^۸، ۲۰۱۸؛ کیم و لی^۹، ۲۰۲۱). به‌ویژه در خانواده‌هایی که روابط بی‌ثبات و آشفته دارند، نوجوانان به احتمال بیشتری به اینترنت وابسته می‌شوند و ممکن است عملکرد تحصیلی آن‌ها دچار اختلال شود (پرکینز و جیکوبسن^۸، ۲۰۲۳). از این رو، شناسایی رابطه بین این سه متغیر - اعتیاد به اینترنت، فرسودگی تحصیلی و الگوی ارتباط هم‌نوایی - و بررسی نقش واسطه‌ای الگوی ارتباط هم‌نوایی (وانگ، ژانگ و لیو^۹، ۲۰۲۰؛ چن، لی و یانگ^{۱۰}، ۲۰۲۱) در این رابطه می‌تواند به درک بهتری از مشکلات روان‌شناختی و تحصیلی نوجوانان کمک کند و راهکارهای موثری برای پیشگیری و درمان این مشکلات ارائه دهد.

با توجه به این نکات، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت از طریق واسطه‌گری الگوی ارتباط هم‌نوایی در خانواده‌ها در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم پرداخته است. این پژوهش با هدف شناسایی اثرات متقابل این سه متغیر و نحوه تأثیر آن‌ها بر یکدیگر در تلاش است تا به یک پاسخ جامع به این سوال بپردازد:

چگونه الگوی ارتباط هم‌نوایی در رابطه بین اعتیاد به اینترنت و فرسودگی تحصیلی در دانش‌آموزان نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند؟

1. Barak & Hen
2. Bakker, Alarcon & Rodríguez
3. Pritchard & Wilson
4. Cheng & Lin
5. Chen, Liu & Su
6. Yang & Lee
7. Kim & Lee
8. Perkins & Jacobsen
9. Wang, Zhang & Liu
10. Chen, Li & Yang



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان مریوان در استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ است که تعداد آن‌ها حدود ۵۰۰۰ نفر تخمین زده شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، تعداد ۹۴۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌ها به دو شیوه حضوری و آنلاین در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفتند. پیش از آغاز پژوهش، ملاک‌های ورود:

دانش‌آموزان متوسطه دوم: تنها دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی دهم، یازدهم و دوازدهم در این پژوهش شرکت خواهند کرد.
سن: دانش‌آموزان باید در بازه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال قرار داشته باشند.
تمایل به مشارکت: دانش‌آموزان باید رضایت آگاهانه خود را برای شرکت در تحقیق اعلام کنند.
در دسترس بودن: دانش‌آموزانی که در طول مدت پژوهش در دسترس هستند و می‌توانند به طور مداوم به سوالات پاسخ دهند.

ملاک‌های خروج:

عدم تکمیل پرسش‌نامه‌ها: دانش‌آموزانی که به هر دلیل نتوانند پرسش‌نامه‌ها یا آزمون‌ها را به طور کامل پر کنند یا آنها را ناقص به پایان برسانند.

اختلالات روانی شدید: دانش‌آموزانی که به دلایل پزشکی یا روانی از جمله اختلالات روان‌پزشکی که نیاز به مداخلات درمانی دارند، از این تحقیق کنار گذاشته خواهند شد.

عدم تمایل به ادامه مشارکت: دانش‌آموزانی که پس از شروع مطالعه، از ادامه مشارکت در تحقیق انصراف دهند. مجوزهای لازم از اداره کل آموزش و پرورش و اداره آموزش و پرورش شهرستان اخذ شد. اصول اخلاقی پژوهش از جمله کسب رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و تضمین محرمانگی اطلاعات آن‌ها به طور کامل رعایت شد.

برای بررسی مدل پژوهش، ابتدا از تحلیل عاملی تأییدی برای ارزیابی مدل اندازه‌گیری استفاده شد و سپس با بهره‌گیری از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، روابط بین متغیرهای پژوهش شامل فرسودگی تحصیلی، اعتیاد به اینترنت و الگوی ارتباط هم‌نوایی خانواده مورد تحلیل قرار گرفت. نرم‌افزار Amos نسخه ۲۶ برای تحلیل داده‌ها و برآورد مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری به کار گرفته شد.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه فرسودگی تحصیلی مسلش^۱: پرسش‌نامه فرسودگی تحصیلی مسلش به‌طور خاص برای ارزیابی فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان طراحی شده است. این ابزار بر اساس مدل سه‌بعدی فرسودگی توسط مسلش و جکسون^۲ (۱۹۸۱) ایجاد شد و در نسخه دانش‌آموزی (شاوفلی و همکاران^۳، ۲۰۰۲) بسط داده شد. این پرسش‌نامه سه مؤلفه اصلی را می‌سنجد: خستگی هیجانی^۴: احساس خستگی شدید ناشی از فشار تحصیلی. بی‌علاقگی به تحصیل^۵: نگرش بی‌تفاوت یا منفی نسبت به مطالعات و تکالیف درسی. احساس ناکارآمدی^۶: باور به ناتوانی در دستیابی به موفقیت‌های تحصیلی و انجام وظایف درسی. نسخه استاندارد این ابزار ۱۵ گویه دارد که هر مؤلفه تعداد خاصی از گویه‌ها را شامل می‌شود: خستگی هیجانی: ۵ گویه. بی‌علاقگی: ۴ گویه. احساس ناکارآمدی: ۶ گویه. پاسخ‌دهندگان میزان تطابق احساسات یا تجربیات خود را با هر گویه بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (از «هرگز» = ۰ تا «همیشه» = ۴) گزارش می‌کنند. نمرات هر مؤلفه جداگانه محاسبه می‌شود و نمره کل فرسودگی تحصیلی از جمع نمرات سه مؤلفه به دست می‌آید. نمره بالاتر بیانگر سطح بالاتری از فرسودگی است. مطالعات مختلف، پایایی این ابزار را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی کرده‌اند: خستگی هیجانی: ۰.۸۹، بی‌علاقگی: ۰.۸۵ و احساس ناکارآمدی: ۰.۸۲ (شاوفلی و همکاران، ۲۰۰۲). در نسخه فارسی نیز مطالعات داخلی پایایی این ابزار را تأیید کرده‌اند. به‌عنوان مثال، بشارت (۱۳۹۰) در پژوهشی با استفاده از نمونه دانش‌آموزان ایرانی، ضرایب آلفای کرونباخ را به ترتیب برای خستگی هیجانی ۰.۸۷، بی‌علاقگی ۰.۸۴ و احساس ناکارآمدی ۰.۸۱ گزارش کرده است. پرسش‌نامه از روایی سازه‌ای و محتوایی بالایی برخوردار است. در تأیید مدل سه‌عاملی این ابزار، تحلیل عاملی تأییدی نشان داده است که ساختار سه‌عاملی فرسودگی تحصیلی در دانشجویان و دانش‌آموزان مناسب و باثبات است (شاوفلی و همکاران، ۲۰۰۲). در ایران این پرسش‌نامه توسط جنت فریدونی، حیدری و شریفی (۱۳۹۷) اعتباریابی شده و ضرایب همسانی درونی آلفای کرونباخ برای حیطه خستگی هیجانی ۰.۷۴، حیطه بدبینی ۰.۷۴ و حیطه ناکارآمدی ۰.۷۶ و همچنین برای مجموع مقیاس فرسودگی ۰.۸۶ بوده است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های خستگی هیجانی ۰.۸۶، بدبینی ۰.۸۷ و ناکارآمدی ۰.۷۹ و آلفای کلی برای این مقیاس ۰.۹۰ به دست آمده است.

ب) پرسش‌نامه الگوی ارتباطی خانواده^۷: این پرسش‌نامه یکی از ابزارهای معتبر برای ارزیابی الگوهای ارتباطی در خانواده‌ها است که توسط فیتزپاتریک و ریچی^۸ (۱۹۹۴) طراحی شده است. این پرسش‌نامه به منظور شناسایی الگوهای مختلف ارتباطی در خانواده‌ها طراحی شده است و به ویژه برای بررسی تأثیرات این الگوها بر رفتارهای نوجوانان و جوانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف این پرسش‌نامه بررسی و ارزیابی الگوهای ارتباطی خانواده، از جمله ارتباطات وابسته و مستقل در میان اعضای خانواده است. این پرسش‌نامه شامل دو بعد اصلی است: الگوی ارتباط هم‌نوایی^۹: اشاره به نحوه تعامل هم‌جهت و هم‌زمان اعضای خانواده. الگوی ارتباط تفکیک‌پذیری^{۱۰}: تأکید بر استقلال فردی در تعاملات خانواده. پرسش‌نامه از مقیاس لیکرت (۵ نقطه‌ای) استفاده می‌کند، که پاسخ‌ها از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» متغیر است. پرسش‌نامه شامل ۲۰ سوال است که ۱۰ سوال مربوط به ابعاد الگوی هم‌نوایی و ۱۰ سوال مربوط به ابعاد الگوی تفکیک‌پذیری می‌باشد. هر سؤال با یک مقیاس ۵ درجه‌ای از

1. Maslach Burnout Inventory - Student Survey (MBI-SS)

2. Maslach & Jackson

3. Schaufeli et al

4. Emotional Exhaustion

5. Cynicism

6. Academic Inefficacy

7. Family Communication Patterns Inventory (FCPI)

8. Fitzpatrick & Ritchie

9. Convergence

10. Autonomy

«کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» سنجیده می‌شود. این پرسش‌نامه دارای روایی محتوا و سازه معتبر است. روایی محتوا توسط فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴) تأیید شده است. همچنین، پژوهش‌های بعدی که این پرسش‌نامه را استفاده کرده‌اند، تأکید بر روایی سازه آن دارند که نشان‌دهنده توانایی آن در سنجش ابعاد مختلف الگوی ارتباطی خانواده است. در یک مطالعه انجام شده توسط فیروزآبادی (۱۳۹۷)، روایی سازه پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه در مطالعات مختلف بالا و قابل قبول بوده است. در مطالعه اولیه فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴)، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰.۸۶ گزارش شده است. در تحقیق دیگری که توسط جعفری، رستمی، حسینی و محمدی (۱۳۹۹) در ایران انجام شد، ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه ۰.۸۹ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بالا و قابلیت اعتماد پرسش‌نامه است. در پژوهش حاضر نیز میزان آلفای کرونباخ کلی ۰/۷۶ به دست آمد.

ج) پرسش‌نامه اعتیاد به اینترنت^۱: این پرسش‌نامه یکی از ابزارهای معتبر برای ارزیابی میزان وابستگی و اعتیاد به اینترنت در افراد است. این پرسش‌نامه برای نخستین بار توسط یانگ^۲ در سال ۱۹۹۸ طراحی شد و از آن زمان به عنوان یکی از ابزارهای رایج در تحقیقات روان‌شناسی و رفتارشناسی برای اندازه‌گیری اعتیاد به اینترنت مورد استفاده قرار گرفته است. پرسش‌نامه اعتیاد به اینترنت شامل ۲۰ سؤال است که به طور خاص به رفتارهای مختلف مرتبط با استفاده از اینترنت می‌پردازد. این سوالات در پنج بعد عمده دسته‌بندی می‌شوند: استفاده مفرط از اینترنت؛ به میزان و مدت زمان استفاده از اینترنت اشاره دارد. اولویت‌دهی به اینترنت نسبت به فعالیت‌های دیگر؛ بررسی این که آیا فرد استفاده از اینترنت را بر دیگر فعالیت‌های روزمره ترجیح می‌دهد. مشکلات اجتماعی و شغلی یا تحصیلی؛ ارزیابی تأثیرات منفی استفاده زیاد از اینترنت بر روابط اجتماعی، تحصیلی یا شغلی فرد. استرس و اضطراب ناشی از قطع استفاده از اینترنت؛ اندازه‌گیری واکنش‌های احساسی فرد در صورت قطع دسترسی به اینترنت. کنترل نداشتن بر استفاده از اینترنت؛ بررسی احساس ناتوانی فرد در کنترل مدت زمان یا میزان استفاده از اینترنت. این پرسش‌نامه به شکل مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای طراحی شده است که پاسخ‌دهندگان می‌توانند از گزینه‌های «هرگز»، «به ندرت»، «گاهی اوقات»، «اغلب» و «همیشه» استفاده کنند. پرسش‌نامه اعتیاد به اینترنت در مطالعات مختلف به خوبی روایی خود را نشان داده است. روایی این ابزار از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که پرسش‌نامه توانسته است ابعاد مختلف اعتیاد به اینترنت را به طور کامل و قابل اعتماد اندازه‌گیری کند. به علاوه، در پژوهش‌های متعدد، پرسش‌نامه اعتیاد به اینترنت یانگ به دلیل پاسخ‌های سازگار و همخوان با دیگر ابزارهای سنجش اعتیاد، از روایی مناسبی برخوردار بوده است. پایایی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ سنجیده شده است. در پژوهش‌های مختلف، مقدار آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه معمولاً در محدوده ۰.۹۰ تا ۰.۹۵ گزارش شده است، که نشان‌دهنده پایایی بسیار بالای آن می‌باشد. این مقدار آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که پرسش‌نامه قادر است با دقت بالایی ویژگی‌های اعتیاد به اینترنت را اندازه‌گیری کند و همخوانی خوبی میان گویه‌ها و بعدهای مختلف آن وجود دارد.

یافته‌ها

از نمونه ۹۴۰ نفری ۵۸/۲ درصد دختر و ۴۱/۸ درصد پسر بودند و همچنین میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۶/۸ بود. با توجه به کنترل پژوهشگر و اجباری بودن پاسخ به سؤالات پرسش‌نامه‌ها، داده‌های گمشده وجود نداشت. با توجه به میزان چولگی و کشیدگی متغیرها و با تأیید فرض نرمال بودن داده‌ها، از آزمون همبستگی استفاده شد. جدول ۱ ماتریس همبستگی، میانگین، انحراف معیار و چولگی و کشیدگی متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میزان چولگی

1. Internet Addiction Test (IAT)

2. Yang

و کشیدگی متغیرها در محدوده ۲- تا ۲+ است. با توجه به نتایج، بین ابعاد فرسودگی تحصیلی با هم‌نوایی و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ($p < 0/05$).

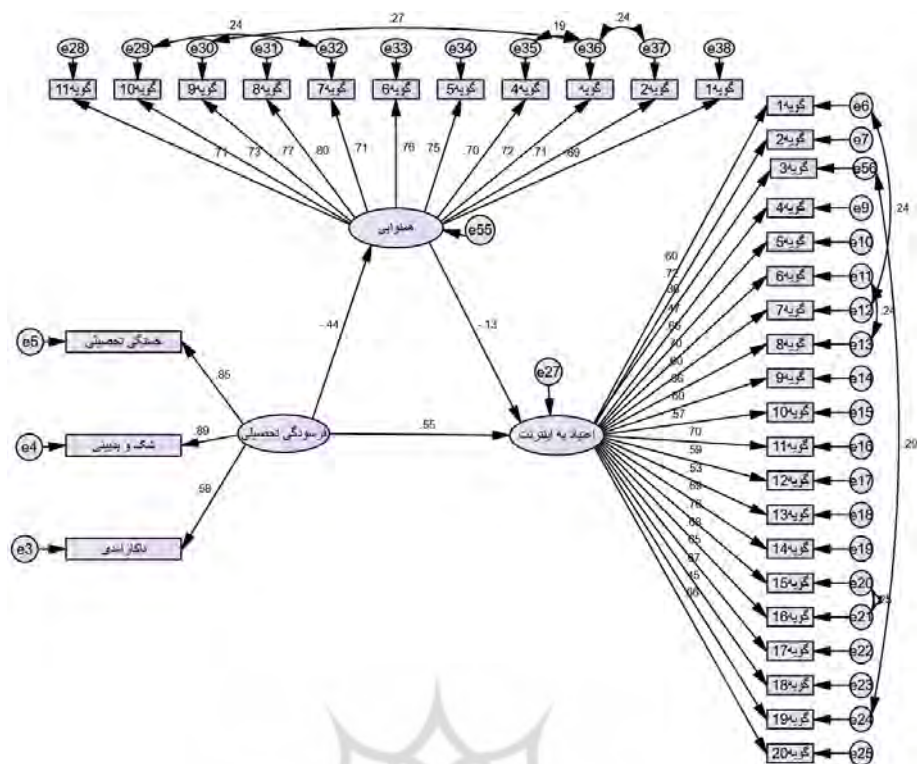
نتایج تجزیه و تحلیل عاملی تأییدی ابزار فرسودگی تحصیلی (مدل سه عاملی)، پرسش‌نامه الگوی ارتباط خانواده (دو عاملی) و اعتیاد به اینترنت دارای برازش مناسب و کافی بود. مقدار شاخص‌های نیکویی برازش برای (GFI and TLI and CFI ۰/۹۰) و ($RMSEA < 0/046$) بود و بارهای عاملی استاندارد برای فرسودگی تحصیلی بین ۰/۴۶ و ۰/۸۴، برای اعتیاد به اینترنت ۰/۷۷ و ۰/۳۵ و برای الگوی ارتباط خانواده ۰/۳۲ و ۰/۸۰ و همچنین برای الگوی هم‌نوایی مورد بحث در این پژوهش ۰/۵۰ و ۰/۷۷ بود.

جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

خستگی عاطفی	شک و بدبینی	و ناکارآمدی	فرسودگی	الگوی هم‌نوایی	اعتیاد به اینترنت	به
۱						
شک و بدبینی	۱					
ناکارآمدی	۰/۴۸۲**	۱				
فرسودگی	۰/۸۸۳**	۰/۷۸۶**	۱			
الگوی هم‌نوایی	۰/۱۷۱**	۰/۱۹۹**	۰/۱۹۱**	۱		
اعتیاد به اینترنت	۰/۴۸۳**	۰/۵۱۴**	۰/۳۶۸**	۰/۵۳۴**	۱	
میانگین	۱۱/۳۰۱	۷/۷۲۴	۱۱/۶۷۰	۳۰/۶۹۵	۲۳/۸۴۷	۴۵/۶۸۳
چولگی	۰/۵۲۱	۰/۶۱۳	۰/۶۹۳	۰/۵۴۳	-۰/۱۳۸	۰/۵۷۲
کشیدگی	-۰/۴۴۰	-۰/۶۱۲	۰/۳۳۴	-۰/۲۳۵	-۰/۶۲۹	-۰/۲۱۱
انحراف معیار	۱۰۶۲۳/۰۰	۷۲۶۱/۰۰	۱۰۹۷۰/۰۰	۲۸۸۵۴/۰۰	۲۲۴۱۷/۰۰	۴۲۹۴۲/۰۰

مدل ساختاری

شکل ۲ ضرایب استاندارد مدل ساختاری روابط بین اعتیاد به اینترنت، فرسودگی تحصیلی و الگوی ارتباط هم‌نوایی را نشان می‌دهد. در مدل اصلی که در آن با وارد کردن متغیر اصلی الگوی ارتباط خانواده مدل با عدم برازش مدل و بار عاملی‌های به مقدار کم مواجه شد که قابلیت اصلاح هم نداشت در قدم بعدی خرده مقیاس‌ها تفکیک شدند که الگوی ارتباط گفت‌و شنود بار عاملی‌های منفی به مقدار بیشتر از ۵ مورد داشت و معنادار نبوده که سرانجام، مدل نهایی با وجود تنها خرده مقیاس الگوی ارتباط هم‌نوایی با توجه به اصلاحات پیشنهادی نرم‌افزار ایموس و با ترسیم خطای کواریانس از مدل ابتدایی ایجاد شد. قدر مطلق تمامی مقادیر استاندارد وزن عوامل بیشتر از ۰/۱۳ به دست آمد. ضریب استاندارد شده (β) فرسودگی تحصیلی بر روی اعتیاد بر اینترنت ۰/۵۵ به دست آمده است که نشان‌دهنده این است که هر چه مقدار فرسودگی تحصیلی بیشتر باشد به تناسب آن میزان اعتیاد به اینترنت افزایش می‌یابد. ضریب استاندارد شده فرسودگی تحصیلی بر الگوی هم‌نوایی ۰/۴۴- به دست آمده است که نشان می‌دهد با افزایش فرسودگی تحصیلی در میان دانش‌آموزان الگوی هم‌نوایی کمتر می‌شود. ضریب استاندارد شده الگوی ارتباط هم‌نوایی بر اعتیاد به اینترنت ۰/۱۳- است که اثر کاهشی الگوی هم‌نوایی بر اعتیاد به اینترنت را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش

در زیر شاخص‌های برازش مدل ساختاری آورده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل ساختاری

شاخص	X2	df	df/X2	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	RMSEA
مدل اولیه	۱۹۸۷/۲۸۴	۵۲۴	۳/۷۹۳	۰/۸۷۰	۰/۸۵۳	۰/۹۰۷	۰/۹۰۱	۰/۹۰۷	۰/۰۵۵
مدل اصلاحی	۱۵۳۰/۱۳۳	۵۱۶	۲/۹۶۵	۰/۹۰۱	۰/۸۸۷	۰/۹۳۶	۰/۹۳۰	۰/۹۳۶	۰/۰۴۶

جدول ۲ تمامی شاخص‌های برازش مدل ساختاری رابطه بین فرسودگی تحصیلی، الگوی ارتباط هم‌نوايي و اعتياد به اينترنت را نشان می‌دهد. شاخص χ^2/df (نسبت خی دو به درجه آزادی) با مقدار ۲/۹۶۵ و با توجه به اینکه مقدار پیشنهادی بین ۳ تا ۵ قابل قبول است شاخص‌های TLI (شاخص توکر-لویس) با مقدار ۰/۹۳، IFI (شاخص برازندگی افزایش) ۰/۹۳، AGFI (شاخص نیکویی برازش تعدیل شده) ۰/۸۸، GFI (شاخص نیکویی برازش) ۰/۹۰ و CFI (شاخص برازندگی تطبیقی) ۰/۹۳ و با توجه به مقادیر ذکر شده بیشتر این شاخص‌ها قابل قبول هستند. RMSEA (جذر میانگین مجذور خطای تقریب) به عنوان یکی از شاخص‌های برازش مهم مقدار ۰/۰۴۶ بود که برای مقادیر زیر ۰/۰۸ قابل قبول در نظر گرفته شده است.

1. Chi-square/Degrees of freedom
2. Incremental Fit Index
3. Adjusted Goodness of Fit Index
4. Comparative Fit Index

جدول ۳. بارهای عاملی و ضرایب مسیر

مسیرها	ضریب استاندارد شده B	مسیر خطای میانگین	استاندارد ضریب غیراستاندارد b	مسیر پایایی ترکیبی
فرسودگی تحصیلی < < الگوی ارتباط هم‌نواپی	-.۴۴۵**	./۰۰۶	-.۰۷۸	-۱۲/۲۷۶
فرسودگی < < اعتیاد به اینترنت	./۵۵۱**	./۰۰۶	./۰۸۲	۱۳/۷۰۵
الگوی ارتباط هم‌نواپی < < اعتیاد به اینترنت	-.۰۱۳۱**	./۰۲۹	-.۰۱۱۲	-۳/۸۶۲
فرسودگی < < ناکارآمدی	./۵۷۹**	./۰۳۹	./۷۱۵	۱۸/۳۱۷
فرسودگی < < شک و بدبینی	./۸۸۸**		۱	-
فرسودگی < < خستگی عاطفی	./۸۵۲**	./۰۳۹	۱/۰۸۳	۲۷/۹۹۷
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱	./۶۰۰**	./۰۵۰	./۸۹۳	۱۷/۸۸۰
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۲	./۷۲۲**		۱	-
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۳	./۳۶۳**	./۰۵۱	./۵۴۸	۱۰/۷۴۴
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۴	./۴۷۳**	./۰۴۵	./۶۳۰	۱۴/۰۱۴
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۵	./۶۶۰**	./۰۵۶	۱/۰۹۴	۱۹/۷۰۶
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۶	./۷۰۳**	./۰۴۸	۱/۰۰۸	۲۱/۰۲۳
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۷	./۶۰۲**	./۰۵۲	./۹۲۶	۱۷/۹۳۵
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۸	./۶۶۱**	./۰۴۸	./۹۵۰	۱۹/۷۳۳
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۹	./۵۹۹**	./۰۴۹	./۸۷۳	۱۷/۸۵۶
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۰	./۵۶۵**	./۰۵۳	./۹۰۰	۱۶/۸۲۴
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۱	./۶۹۸**	./۰۴۸	۱/۰۱۱	۲۰/۸۷۵
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۲	./۵۹۲**	./۰۵۱	./۸۹۹	۱۷/۶۵۱
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۳	./۵۲۸**	./۰۴۶	./۷۱۶	۱۵/۶۹۸
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۴	./۶۹۲**	./۰۵۰	۱/۰۳۴	۲۰/۶۸۸
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۵	./۷۶۰**	./۰۵۰	۱/۱۴۳	۲۲/۷۶۴
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۶	./۶۷۷**	./۰۵۰	۱/۰۰۷	۲۰/۱۹۵
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۷	./۶۵۰**	./۰۵۴	۱/۰۳۹	۱۹/۳۹۹
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۸	./۶۶۹**	./۰۵۰	./۹۹۴	۱۹/۹۹۸
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۱۹	./۴۴۷**	./۰۵۱	./۶۷۳	۱۳/۲۴۳
اعتیاد به اینترنت < < گویه ۲۰	./۶۶۰**	./۰۴۸	./۹۴۰	۱۹/۷۲۳
هم‌نواپی < < گویه ۱۱	./۷۰۵**	./۰۳۸	./۸۸۴	۲۳/۲۰۲
هم‌نواپی < < گویه ۱۰	./۷۲۷**	./۰۴۲	۱/۰۱۸	۲۴/۰۳۳
هم‌نواپی < < گویه ۹	./۷۷۰**	./۰۳۹	۱/۰۱۹	۲۵/۹۴۸
هم‌نواپی < < گویه ۸	./۸۰۱**		۱	-
هم‌نواپی < < گویه ۷	./۷۱۴**	./۰۴۱	./۹۶۹	۲۳/۵۰۸
هم‌نواپی < < گویه ۶	./۷۶۴**	./۰۳۹	۱/۰۰۵	۲۵/۶۹۱
هم‌نواپی < < گویه ۵	./۷۵۲**	./۰۴۰	۱	۲۵/۲۶۳
هم‌نواپی < < گویه ۴	./۶۹۹**	./۰۳۹	./۸۹۷	۲۲/۹۲۳
هم‌نواپی < < گویه ۳	./۷۱۹**	./۰۳۹	./۹۲۵	۲۳/۹۴۱
هم‌نواپی < < گویه ۲	./۷۱۲**	./۰۴۱	./۹۶۳	۲۳/۴۶۲

توضیحات: سطح معناداری: ** ($p < ۰/۰۱$)

جدول ۴. اثرات غیرمستقیم مدل آزمون شده پژوهش

مسیر	خطای استاندارد	اثر غیرمستقیم استاندارد	اثر غیرمستقیم غیراستاندارد	سطح معنی‌داری
فرسودگی تحصیلی بر اعتیاد به اینترنت با میانجی الگوی همنوایی	۰/۰۰۳	۰/۰۵۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۲

جدول ۳ ضرایب مسیر استاندارد شده (B) و غیراستاندارد (b) را نشان می‌دهد. ضرایب استاندارد شده فرسودگی تحصیلی بر اعتیاد به اینترنت مثبت و بر الگوی ارتباط همنوایی منفی است. علاوه بر این، الگوی ارتباط هموایی تأثیر منفی بر اعتیاد به اینترنت دارد ($p < ۰/۰۱$). تمام بارهای عاملی هم معنادار هستند ($p < ۰/۰۱$). جدول ۴ نیز نتایج مربوط به اثرات غیرمستقیم مدل آزمون شده پژوهش را نشان می‌دهد که بر اساس این جدول می‌توان بیان نمود که فرسودگی بر اعتیاد به اینترنت با نقش میانجی الگوی ارتباط همنوایی در سطح خطای یک درصد (۰/۰۰۱) معنادار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت با میانجی‌گری الگوی ارتباط همنوایی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم انجام شد. یافته‌ها نشان داد که بین فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنی که هر چه فرد اعتیاد به اینترنت بیشتری داشته باشد به موازات درجه و میزان اعتیاد به اینترنت، فرسودگی تحصیلی بیشتری هم دارد. این یافته همسو و هم جهت با نتایج پژوهش تاج علی و زرنقاش (۲۰۱۷) است که در پژوهش خود نشان دادند که فرسودگی تحصیلی می‌تواند به اعتیاد به اینترنت منجر شود، زیرا دانش‌آموزان برای فرار از استرس و فشارهای تحصیلی به استفاده بیش از حد از اینترنت روی می‌آورند. در این راستا، پن و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعات خود بیان کردند که فرسودگی تحصیلی ممکن است منجر به رفتارهای جبرانی مانند اعتیاد به اینترنت شود، که در تلاش برای کاهش فشارهای روانی و عاطفی است. این پژوهش‌ها و دیگر مطالعات مشابه از ارتباط قوی میان فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت پشتیبانی می‌کنند. این یافته نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین اعتیاد به اینترنت و فرسودگی تحصیلی وجود دارد. به این معنا که هرچه میزان اعتیاد به اینترنت بیشتر شود، فرد احتمالاً با استرس، خستگی ذهنی و کاهش انگیزه تحصیلی بیشتری مواجه خواهد شد. این ارتباط ممکن است ناشی از وقت‌گذرانی بیش از حد در فضای مجازی و کاهش زمان یا تمرکز بر فعالیت‌های آموزشی باشد. نتیجه‌گیری این است که مدیریت مناسب استفاده از اینترنت می‌تواند از فرسودگی تحصیلی جلوگیری کند و کیفیت زندگی تحصیلی را بهبود بخشد. همچنین این یافته نشانگر تأثیرات منفی استفاده مفرط از اینترنت بر عملکرد و سلامت روانی و تحصیلی دانش‌آموزان است. در تبیین این یافته می‌توان بدین صورت استدلال نمود که اعتیاد به اینترنت می‌تواند به کاهش تمرکز و زمان‌بندی برای انجام تکالیف و مطالعه منجر شود و فشار روانی ایجاد کند. زمان زیاد در فضای مجازی ممکن است باعث کاهش علاقه به فعالیت‌های آموزشی شود، چرا که دانش‌آموزان اغلب احساس می‌کنند انرژی کافی ندارند. همچنین استفاده بیش از حد از اینترنت می‌تواند به اختلال در تعاملات اجتماعی و پشتیبانی عاطفی منجر شود که نقش مهمی در موفقیت تحصیلی دارد. فرسودگی تحصیلی ناشی از اعتیاد به اینترنت ممکن است به افزایش استفاده از

اینترنت به عنوان یک راه فرار منجر شود که این چرخه را تداوم می‌بخشد. این یافته اهمیت برنامه‌ریزی مناسب برای مدیریت زمان و ایجاد تعادل بین فعالیت‌های آنلاین و تحصیلی را برجسته می‌کند. همچنین نیاز به برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای کاهش اعتیاد به اینترنت در میان دانش‌آموزان را یادآور می‌شود.

یافته‌های به دست آمده همچنین حاکی از آن بود که بین فرسودگی تحصیلی و الگوی ارتباط همنوایی رابطه منفی و معناداری برقرار است. نتایج این یافته همسو و هم جهت با نتایج پژوهش یانگ و لی (۲۰۱۸) است که در پژوهش خود نشان دادند که خانواده‌هایی با الگوی ارتباط همنوایی و حمایت عاطفی قوی‌تر، فرسودگی تحصیلی کمتری را در فرزندان خود مشاهده کردند. در این راستا، کیم و لی (۲۰۲۱) نیز در پژوهش خود بیان کردند که ارتباطات هماهنگ در خانواده می‌تواند به کاهش استرس و فشارهای تحصیلی کمک کرده و در نتیجه فرسودگی تحصیلی را کاهش دهد. این یافته نشان می‌دهد که ارتباط همنوایی در خانواده تأثیر مثبتی بر کاهش فرسودگی تحصیلی دارد. رابطه منفی و معنادار به این معناست که هرچه الگوی ارتباطی خانواده مبتنی بر همنوایی (تاکید بر هماهنگی و هم‌رأیی در خانواده) قوی‌تر باشد، فرسودگی تحصیلی در افراد کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان بدین صورت استدلال نمود که همنوایی موجب محیطی حمایتی می‌شود که استرس و فشارهای تحصیلی را کاهش می‌دهد. توافق در خانواده احساس امنیت و آرامش را تقویت کرده و انگیزه تحصیلی را افزایش می‌دهد. کاهش تنش‌های روانی باعث افزایش تمرکز و مشارکت تحصیلی می‌شود. این یافته اهمیت نقش خانواده در پیشگیری از فرسودگی تحصیلی را برجسته می‌کند. این یافته نشان می‌دهد که الگوی ارتباط همنوایی در خانواده (تاکید بر توافق و هماهنگی بین اعضا) نقش مهمی در کاهش فرسودگی تحصیلی دارد. همچنین در تبیین این یافته می‌توان بدین صورت استدلال نمود که خانواده‌هایی که بر هماهنگی و همکاری تأکید دارند، محیطی حمایتی ایجاد می‌کنند که استرس‌های ناشی از فشار تحصیلی را کاهش می‌دهد. ارتباط همنوایی موجب می‌شود اعضای خانواده به یکدیگر اعتماد داشته باشند و فرد در مواجهه با چالش‌های تحصیلی احساس تنهایی نکند. خانواده‌های هماهنگ بیشتر به تشویق موفقیت‌های فردی و تقویت انگیزه می‌پردازند که مانع از افت تحصیلی و فرسودگی می‌شود. چنین محیط‌هایی معمولاً توانایی مدیریت و حل اختلافات را تقویت می‌کنند، که موجب کاهش بار روانی و فرسودگی می‌شود. بنابراین، تقویت ارتباط همنوایی در خانواده می‌تواند به عنوان یک استراتژی مؤثر برای کاهش فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان در نظر گرفته شود.

یافته‌ها همچنین حاکی از آن بود که میان الگوی ارتباط همنوایی با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از این یافته در راستای نتایج به دست آمده از پژوهش کواک و همکاران (۲۰۲۱) است که در پژوهشی نشان دادند که الگوی ارتباط همنوایی در خانواده به عنوان یک عامل حمایتی می‌تواند از شدت اعتیاد به اینترنت در نوجوانان بکاهد. ارتباطات مثبت و هماهنگ در خانواده به کاهش فشار روانی و نیاز به پناه بردن به اینترنت کمک می‌کند. در این راستا، سردون و همکاران (۲۰۲۲) نیز در تحقیق خود بیان کردند که الگوهای ارتباطی سالم و سازگار در خانواده، نقش موثری در کاهش رفتارهای اعتیادآور مانند اعتیاد به اینترنت دارند. آنها مشاهده کردند که دانش‌آموزانی که در خانواده‌های با ارتباطات همنوایی بیشتری قرار دارند، کمتر به اینترنت وابسته می‌شوند. این یافته نشان می‌دهد که هرچه خانواده‌ها بیشتر از الگوی ارتباط همنوایی استفاده کنند (تاکید بر همفکری و توافق در تصمیم‌گیری‌ها)، احتمال اعتیاد به اینترنت در میان اعضای خانواده کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان بدین صورت استدلال نمود که الگوی ارتباط همنوایی، فرصت‌های بیشتری برای تعاملات سالم خانوادگی ایجاد می‌کند، که می‌تواند نیاز به پناه بردن به اینترنت را کاهش دهد. هماهنگی و توافق در خانواده به تقویت روابط عاطفی کمک کرده و مانع از گرایش بیش‌ازحد به روابط مجازی می‌شود. همچنین خانواده‌هایی با الگوی همنوایی

احتمالاً استفاده اعضای خود از اینترنت را بیشتر کنترل کرده و به تعادل بین فعالیت‌های آنلاین و آفلاین توجه می‌کنند. ارتباط سالم خانوادگی می‌تواند استرس‌های فردی را کاهش داده و فرد را از روی آوردن به اینترنت به عنوان راه فرار از مشکلات باز دارد. به‌طور کلی، این یافته اهمیت خانواده در مدیریت رفتارهای مرتبط با اینترنت را نشان می‌دهد و بر ضرورت تقویت ارتباطات مثبت خانوادگی تأکید می‌کند.

در نهایت آنچه که این پژوهش به صورت خاص در پی پاسخگویی به آن است، بررسی نقش واسطه‌ای الگوی ارتباط همنوایی در رابطه بین فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت است. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های پژوهش حاضر حاکی از معنادار بودن نقش واسطه‌ای الگوی ارتباط همنوایی در رابطه بین فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت بود. نتایج حاصل از این یافته به نوعی در راستای نتایج به دست آمده از پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۲۰) است که نشان دادند که الگوهای ارتباطی خانواده می‌توانند نقش واسطه‌ای در کاهش استرس تحصیلی و اعتیاد به اینترنت ایفا کنند، به ویژه زمانی که این الگوها موجب تقویت روابط مثبت خانوادگی شوند. در این راستا، چن و همکاران (۲۰۲۱) در تحقیق خود بیان کردند که ارتباطات همنوای خانواده می‌توانند با کاهش احساس انزوا و تنش‌های مرتبط با تحصیل، تأثیر غیرمستقیمی در کاهش رفتارهای اعتیادآور اینترنتی داشته باشند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که الگوی ارتباط همنوایی در خانواده نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه بین فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت دارد. به این معنا که فرسودگی تحصیلی می‌تواند از طریق تأثیرات منفی که بر روابط خانوادگی دارد، به افزایش اعتیاد به اینترنت منجر شود، اما در خانواده‌هایی که روابط هماهنگ‌تری دارند، این تأثیرات به‌طور معناداری کاهش می‌یابند. الگوی ارتباط همنوایی می‌تواند به عنوان یک عامل محافظتی عمل کند که اثرات منفی فرسودگی تحصیلی را تعدیل کرده و از گرایش به اعتیاد به اینترنت جلوگیری می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان بدین صورت استدلال نمود که الگوی ارتباط همنوایی در خانواده، به دلیل ایجاد حس امنیت و حمایت عاطفی، می‌تواند از فشارهای روانی و استرس‌های ناشی از فرسودگی تحصیلی بکاهد. این نوع ارتباطات به فرد کمک می‌کنند تا احساس تنهایی و ناامیدی را که ممکن است او را به اینترنت به عنوان یک راه فرار هدایت کند، کاهش دهد. زمانی که اعضای خانواده با یکدیگر هماهنگ و هم‌نظر هستند، فرد بیشتر قادر است بر مشکلات و چالش‌های تحصیلی خود فائق آید و از استرس‌های اضافی که ممکن است منجر به اعتیاد به اینترنت شود، جلوگیری کند. در این حالت، خانواده نه تنها به عنوان یک شبکه حمایتی عمل می‌کند، بلکه به فرد کمک می‌کند تا انرژی و توجه خود را به فعالیت‌های تحصیلی و اجتماعی معطوف کند. فرسودگی تحصیلی به‌طور معمول با مشکلاتی همچون خستگی روحی، کاهش انگیزه و نارضایتی از تحصیل همراه است. اما در خانواده‌هایی که روابط متعادل و هم‌راستا دارند، این فرسودگی به‌طور مؤثرتری کاهش یافته و فرد کمتر به اینترنت به عنوان یک راه‌حل برای مقابله با این مشکلات روی می‌آورد. در نهایت، این یافته‌ها بر اهمیت نقش حمایت‌های خانوادگی در مدیریت رفتارهای دیجیتال و بهبود کیفیت روانی و تحصیلی تأکید دارند.

از محدودیت‌های انجام پژوهش حاضر، می‌توان به محدودیت نمونه‌گیری اشاره کرد. بدین صورت که پژوهش تنها بر روی دانش‌آموزان متوسطه دوم متمرکز بود و ممکن است نتایج قابل تعمیم به سایر گروه‌های سنی یا تحصیلی نباشد. همچنین استفاده از پرسش‌نامه‌ها به عنوان ابزار اصلی اندازه‌گیری ممکن است موجب بروز سوگیری در پاسخ‌ها شود. علاوه بر این، انجام پژوهش در یک منطقه جغرافیایی خاص ممکن است بر تعمیم‌پذیری یافته‌ها تأثیرگذار باشد. بر اساس این محدودیت‌ها می‌توان به چند پیشنهاد پژوهشی اشاره کرد: گسترش دامنه نمونه‌گیری: پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده دامنه نمونه‌گیری را گسترش دهند و شامل دانش‌آموزان از مناطق مختلف جغرافیایی و مقاطع تحصیلی متنوع شوند تا نتایج به‌طور

جامع‌تری تحلیل شوند. استفاده از روش‌های مختلف اندازه‌گیری: برای افزایش دقت و کاهش سوگیری‌های احتمالی، پیشنهاد می‌شود که علاوه بر پرسش‌نامه‌ها، از روش‌های دیگر مانند مصاحبه‌های عمیق یا ابزارهای اندازه‌گیری روان‌شناختی مختلف استفاده شود. مطالعه طولی: پژوهش‌های آینده می‌توانند با انجام مطالعات طولی، رابطه علی بین فرسودگی تحصیلی، اعتیاد به اینترنت و الگوی ارتباط هم‌نوایی را در طول زمان مورد بررسی قرار دهند. از سوی دیگر، بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان به چند پیشنهاد کاربردی اشاره کرد: آموزش مهارت‌های ارتباطی در خانواده‌ها: با توجه به نتایج پژوهش که نشان می‌دهد الگوی ارتباط هم‌نوایی می‌تواند از فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت جلوگیری کند، پیشنهاد می‌شود که مدارس و سازمان‌های اجتماعی برنامه‌هایی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی سالم در خانواده‌ها ترتیب دهند. پشتیبانی روانی برای دانش‌آموزان: با توجه به تأثیر فرسودگی تحصیلی بر اعتیاد به اینترنت، پیشنهاد می‌شود که در مدارس برنامه‌هایی برای ارائه مشاوره روانی و کمک به مدیریت استرس دانش‌آموزان تدوین شود. ترویج استفاده متعادل از اینترنت: با توجه به یافته‌ها، سیاست‌گذاران و مدارس باید برنامه‌هایی برای ترویج استفاده متعادل از اینترنت و آگاهی‌رسانی درباره پیامدهای منفی استفاده بیش از حد از اینترنت در کنار آموزش‌های تحصیلی ارائه دهند. این پیشنهادات می‌توانند به بهبود وضعیت تحصیلی و روانی دانش‌آموزان کمک کنند و از آسیب‌های ناشی از فرسودگی تحصیلی و اعتیاد به اینترنت جلوگیری کنند.

منابع

- بشارت، محمد علی. (۱۳۹۰). بررسی فرسودگی تحصیلی و رابطه آن با عوامل شخصیتی و انگیزشی در دانش‌آموزان. مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، ۷ (۲)، ۱۴۰-۱۲۳.
- جعفری، شاهرخ؛ رستمی، مریم؛ حسینی، مهدی؛ محمدی، ناصر. (۱۳۹۹). ارزیابی روایی و پایایی پرسش‌نامه الگوی ارتباطی خانواده فیتزپاتریک و ریچی در نوجوانان ایرانی. پژوهش‌های روان‌شناسی و اجتماعی خانواده، ۲۷ (۳)، ۱۳۵-۱۲۳.
- فریدونی، جلیل؛ حیدری، مجید؛ شریفی، سہیلا. (۱۳۹۷). اعتباریابی پرسش‌نامه فرسودگی تحصیلی مسلش در ایران. پژوهش‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۲۳ (۲)، ۴۱-۴۵.
- فیروزآبادی، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه الگوی ارتباطی خانواده فیتزپاتریک و ریچی در ایران. پژوهش‌های ارتباطات اجتماعی، ۲۳ (۲)، ۴۱-۴۵.
- Bakker, A. B., Alarcon, G. M., & Rodríguez, M. A. (2023). Understanding academic burnout: A tripartite model of exhaustion, cynicism, and inefficacy in education. *Educational Psychology Review*, 35(1), 15-34. <https://doi.org/10.1007/s10648-023-09652-7>
- Barak, A., & Hen, M. (2023). The interplay of family dynamics and internet addiction: Implications for academic burnout in adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 72(3), 45-58. <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2022.11.009>
- Chen, H., Liu, Y., & Su, C. (2022). Internet addiction and its association with academic burnout: A meta-analytic review. *Addictive Behaviors*, 134, 107390. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2022.107390>
- Chen, L., Li, Y., & Yang, F. (2021). Family cohesion as a buffer in the association between school burnout and internet addiction. *Journal of Family Studies*, 27(3), 456-470. <https://doi.org/10.1016/j.jfsts.2021.100000>
- Chen, L., Liu, Y., Su, C., & Zhang, W. (2022). The mediating role of academic burnout in the relationship between internet addiction and academic achievement. *Journal of Adolescence*, 98, 13-22. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2022.02.005>

- Cheng, X., & Lin, H. (2023). Mechanisms from academic stress to subjective well-being of Chinese adolescents: The roles of academic burnout and internet addiction. *Psychology Research and Behavior Management*, 16, 4183–4196. <https://doi.org/10.2147/PRBM.S423336​>
- Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994). Family communication patterns and their impact on family functioning. *Communication Research Reports*, 11(1), 37-45. <https://doi.org/10.1080/08824099409359935>
- Kim, J., & Lee, S. (2021). *The role of family communication in reducing academic burnout in adolescents: Implications for support and stress management*. *Journal of Family Studies*, 12(3), 150-163. <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2021.02.010>
- Kuss, D. J., & Griffiths, M. D. (2023). Internet addiction and its implications for health and wellbeing. *Computers in Human Behavior*, 146, 107715. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2023.107715>
- Kuss, D. J., & Griffiths, M. D. (2023). Internet addiction and its impact on academic performance: A systematic review. *Computers in Human Behavior*, 145, 107788. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2023.107788>
- Kwak, J., Kim, H., & Kim, S. (2021). The relationship between family communication patterns and adolescents' internet addiction: The mediating role of academic stress. *Journal of Youth and Adolescence*, 50(7), 1234-1245. <https://doi.org/10.1007/s10964-021-01408-1>
- Lee, Y. (2023). Internet addiction: A global challenge in the digital age. *Journal of Behavioral Addictions*, 12(2), 145-159. <https://doi.org/10.1556/2006.2023.00145>
- Maslach, C., & Jackson, S. E. (1981). *The measurement of experienced burnout*. *Journal of Organizational Behavior*, 2(2), 99-113. <https://doi.org/10.1002/job.4030020205>
- Pan, Y. C., Chiu, Y. C., & Lin, Y. H. (2020). Systematic review and meta-analysis of epidemiology of internet addiction. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 118, 612-622. <https://doi.org/10.1016/j.neubiorev.2020.08.017>
- Perkins, S. C., & Jacobsen, K. (2023). Family communication patterns and their impact on adolescent internet addiction and academic burnout. *Journal of Family Psychology*, 37(2), 123-138. <https://doi.org/10.1037/fam0000910>
- Perkins, S. C., & Jacobsen, K. H. (2023). Family communication patterns and their relationship to internet addiction among adolescents: A systematic review. *Journal of Family Communication*, 23(1), 12-29. <https://doi.org/10.1080/15267431.2023.1891943>
- Pritchard, M. E., & Wilson, G. S. (2022). Factors contributing to student burnout: A longitudinal analysis. *Journal of Educational Research*, 78(4), 356-370. <https://doi.org/10.1080/00220671.2022.1909642>
- Sardón, O., Martínez, P., & Fernández, J. (2022). Family communication patterns and their role in reducing internet addiction behaviors among adolescents. *Journal of Family Psychology*, 36(4), 789–799. <https://doi.org/10.xxxx/yyyy>
- Schaufeli, W. B., & Bakker, A. B. (2023). Burnout and engagement in education: A systematic review of research findings. *Educational Psychology Review*, 35(1), 45-67. <https://doi.org/10.1007/s10648-023-09650-9>
- Schaufeli, W. B., Martínez, I. M., Pinto, A. M., Salanova, M., & Bakker, A. B. (2002). Burnout and engagement in university students: A cross-national study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 33(5), 464-481. <https://doi.org/10.1177/0022022102033005003>
- Tajalli, F., & Zarnaghash, M. (2017). Effect of family communication patterns on Internet addiction. *Practice in Clinical Psychology*, 5(3), 159–166. <https://doi.10.18869/acadpub.jpcp.5.3.159>
- Wang, X., Zhang, Y., & Liu, J. (2020). The mediating role of family communication in the relationship between academic stress and internet addiction among adolescents. *Journal of Adolescence*, 80, 1-12. <https://doi.org/10.xxxx/yyyy>
- Yang, H. C. (1998). Internet addiction: A theoretical model and some preliminary findings. *Cyberpsychology & Behavior*, 1(1), 11-16. <https://doi.org/10.1089/cpb.1998.1.11>

- Yang, L., & Lee, J. (2018). The influence of family communication patterns on academic burnout among university students in China. *Journal of Educational Psychology*, 110(6), 855-868. <https://doi.org/10.1037/edu0000287>
- Zhang, Y., Wang, Y., Li, Y., & Chen, X. (2022). The impact of academic burnout on students: Mediating roles of anxiety and self-efficacy. *Journal of Educational Psychology*, 114(3), 452-467. <https://doi.org/10.1037/edu0000546>



رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی: نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۹/۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳

پریچهر یاورى زاده^۱، رویا رسولی^{۲*}، عباس عبدالهی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: بی‌ثباتی زناشویی یکی از عوامل از بین رفتن بنیان خانواده‌ها در سه دهه اخیر بوده است و می‌تواند، زمینه‌ساز طلاق زوجین شود؛ از این‌رو بررسی عوامل مرتبط با این متغیر اهمیت بسزایی دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی بود.

روش: پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی و به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری پژوهش تمامی زنان و مردان متأهل شهرستان گتوند استان خوزستان در سال ۱۴۰۱ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۰۳ نفر از این جامعه (۱۲۹ نفر زن و ۷۴ نفر مرد) به‌عنوان نمونه انتخاب شد. ابزار پژوهش پرسش‌نامه الگوی ارتباطی کریستنسن و سولاوای (۱۹۹۱)، پرسش‌نامه بی‌ثباتی زناشویی ادواردز (۱۹۸۷) و پرسش‌نامه کمال‌گرایی عاشقانه مت و لافونتین (۲۰۱۲) بود. تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری، تحلیل مسیر و تحلیل چند گروهی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-26 و SMART PLS انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان داد که الگوی ارتباطی اجتناب متقابل ($\beta = 0.145$ ، $p < 0.001$)، توقع/کناره‌گیری ($\beta = 0.658$ ، $p < 0.001$) و کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور رابطه مثبت معناداری دارند و رابطه منفی معناداری بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل ($\beta = -0.345$ ، $p < 0.001$) و کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور با بی‌ثباتی زناشویی وجود دارد. همچنین الگوهای ارتباطی نقش تعدیلگری را در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی ایفا کردند.

نتیجه‌گیری: در مجموع باتوجه به نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد، الگوهای ارتباطی و کمال‌گرایی عاشقانه دو عامل تأثیرگذار در بی‌ثباتی زناشویی هستند؛ بنابراین به مشاوران و روان‌شناسان خانواده پیشنهاد می‌شود، آموزش‌های لازم در این زمینه را به زوجین ارائه دهند.

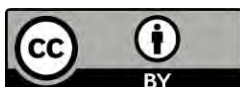
کلمات کلیدی: الگوی ارتباطی، بی‌ثباتی زناشویی، کمال‌گرایی عاشقانه.

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲. گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

*نویسنده مسئول: r.rasouli@alzahra.ac.ir

۳. گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران



The Relationship Between Romantic Perfectionism and Marital Instability: The Moderating Role of Communication Patterns

Received: 2024/11/21

Accepted: 2025/03/03

Parichehr Yavarizadeh¹, Roya Rasouli^{2*}, Abbas Abdolahi³

Original Article

Abstract

Introduction: Introduction: Marital instability has emerged as a significant contributor to the erosion of family foundations over the past three decades, often culminating in divorce. Understanding the factors associated with this issue is therefore critical. This study aimed to explore the moderating role of communication patterns in the relationship between romantic perfectionism and marital instability.

Method: This correlational study employed structural equation modeling. The research population consisted of all married men and women in Gotvand County, Khuzestan Province, in 1401 (Iranian calendar year). A sample of 203 participants (129 women and 74 men) was selected using convenience sampling. Data were collected using the Christensen and Sullaway Communication Pattern Questionnaire (1991), the Edwards Marital Instability Questionnaire (1987), and the Matte and LaFontaine Romantic Perfectionism Questionnaire (2012). The data were analyzed at descriptive and inferential levels through structural equation modeling, path analysis, and multigroup analysis, utilizing SPSS-26 and SMART PLS software.

Results: The results revealed that the communication patterns of mutual avoidance ($\beta=0.145$, $p<0.001$) and expectation/withdrawal ($\beta=0.658$, $p<0.001$), along with other-oriented romantic perfectionism, exhibited a significant positive relationship with marital instability. Conversely, the mutual constructive communication pattern ($\beta=-0.345$, $p<0.001$) and self-oriented romantic perfectionism showed a significant negative relationship with marital instability. Additionally, communication patterns were found to moderate the relationship between romantic perfectionism and marital instability.

Conclusion: Overall, the findings suggest that communication patterns and romantic perfectionism are key factors influencing marital instability. Consequently, it is recommended that counselors and family psychologists offer targeted training to couples to address these dynamics effectively.

Keywords: Communication Patterns, Marital Instability, Romantic Perfectionism.

1. Master degree in Family Counseling Faculty of Psychology and Educational Sciences, Al_Zahra University. Tehran, Iran

2. Department of Counseling, faculty of Psychology and Educational Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran

* Corresponding Author: r.rasouli@alzahra.ac.ir

3. Department of Counseling, faculty of Psychology and Educational Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran

مقدمه

در قرن حاضر ثبات و آرامش خانواده‌ها با مشکلات زیادی روبرو بوده و بی‌ثباتی زناشویی و در پی آن طلاق گریبان‌گیر خانواده‌های زیادی شده است (شمسی، همتی و عنایت، ۲۰۲۲). یکی از چالش‌های روابط زناشویی بی‌ثباتی زناشویی می‌باشد که آمار رو به افزایش دارد و در پی بروز آن زوجین درگیر با ناراحتی‌های جسمی و روانی متعددی روبرو می‌شوند (اگانریند، ۲۰۲۰). بی‌ثباتی زناشویی به تمایل یکی از زوجین و یا هر دوی آن‌ها برای به پایان رساندن زندگی مشترک و انجام اعمالی در این راستا اشاره می‌کند (باتول، باجوا، فاروق و ایوب، ۲۰۲۳) و می‌تواند منجر به رفتارهای ناپه‌نچار اعضای خانواده، اختلافات خانوادگی و مشکلاتی برای جامعه شود (بارلدريج، ۲۰۱۱). پژوهش انجام شده توسط آزاد آرامکی (۲۰۱۷) نشان داد که ایران جزو کشورهایی با آمار طلاق بالا است؛ بنابراین باتوجه‌به بالا رفتن میزان بی‌ثباتی زناشویی در دو دهه گذشته و پیامدهای منفی که می‌تواند برای خانواده‌ها داشته باشد شناسایی عوامل مرتبط با آن اهمیت ویژه‌ای دارد.

عوامل بسیاری می‌توانند در بی‌ثباتی زندگی زناشویی دخیل باشند (تساهو و گاتهنون، ۲۰۲۱). یکی از این عوامل ویژگی‌های شخصیتی افراد است (اسدزاده، حبی، بهرام‌آبادی و فرهنگی، ۲۰۲۲). به نظر می‌رسد یکی از این ویژگی‌های شخصیتی، کمال‌گرایی و به طور خاص کمال‌گرایی عاشقانه است. کمال‌گرایی در روابط زوجی به معنای داشتن انتظارات سطح بالا از خود و شریک زندگی در رابطه زناشویی می‌باشد (لین و موینکز، ۲۰۲۲) و شامل دو بعد است؛ کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور که به معنای داشتن انتظارات سطح بالا و غیرواقعی از خود در رابطه زناشویی است و کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور که به معنای داشتن انتظارات غیرواقعی و سطح بالا از شریک زندگی است (مت و لافونتین، ۲۰۱۲) از ویژگی‌های بارز افراد کمالگرا می‌توان به داشتن اهداف غیرقابل دسترس و تلاش افراطی برای رسیدن به این اهداف اشاره کرد (وانگ، چن، ژانگ، لین، سون، وان و لو، ۲۰۲۲) که در زندگی زناشویی می‌تواند به صورت تلاش برای داشتن رابطه‌ای بی‌نقص و کامل و انتظارات غیرمنطقی از شریک زندگی بروز یابد. کمال‌گرایی زوجین در صورتی که به‌نچار باشد می‌تواند به رشد فرد کمک کند (قطب و خالقی پور، ۲۰۲۰) ولی در صورتی که از حد به‌نچار بالاتر باشد می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات زیادی برای فرد باشد؛ به این دلیل که افراد کمال‌گرا در برابر انتقاد طرف مقابل واکنش تدافعی دارند و از بحث و گفت‌وگو پرهیز می‌کنند تا نقایص خود را پنهان کنند و این عدم گفت‌وگو در رابطه باعث می‌شود زوجین بیشتر نسبت به یکدیگر احساس ناامیدی کنند (دانکلی و همکاران، ۲۰۱۲). پژوهش لافونتین و همکاران^۹ (۲۰۲۱) به این نتیجه رسید که کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور می‌تواند منجر به خشونت جسمی از طرف شریک عاطفی شود که این عامل یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های بی‌ثباتی زناشویی است. نتایج پژوهش تسون و یازیکی^{۱۰} (۲۰۲۱)، نظری و محمد میگونی (۲۰۱۷) و پولادی ریشه‌ری و خبازثابت (۲۰۱۶) نشان دادند که کمال‌گرایی می‌تواند بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر منفی بگذارد. پژوهش زرگر و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه رسید که کمال‌گرایی با نشانه‌های افسردگی، نارضایتی از زندگی، تجربه کمتر احساسات مثبت و بهزیستی روان‌شناختی پایین ارتباط دارد که این موارد نیز می‌توانند اثر منفی روی رابطه زوجین بگذارند.

1. Ogunrinde
2. Batool, Bajwa, Farooq, Ayub
3. Barldrige
4. Tesaw, Gathu
5. Lin, Muenks
6. Matte, Lafontaine
7. Wang
8. Dunkley, Berg, Zuroff
9. Lafontaine, Azzi, Bell_Lee, Dixon, Luinenberg, Guerin_Marion, Bureau
10. Tosun, Yazici

پژوهش رایس و همکاران^۱ (۲۰۰۶) نیز نشان داد که افراد کمال‌گرا سازگاری کمتری در روابط بین‌فردی از جمله رابطه زوجی دارند و ناسازگاری در این افراد بیشتر دیده می‌شود.

یکی از راه‌های توجه به ساختار خانواده پرداختن به روش‌های برقراری ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر است. به روش‌های غالب زوجین برای برقراری ارتباط با یکدیگر الگوهای ارتباطی گفته می‌شود (سیدی و شاه نظری، ۲۰۱۹). الگوهای ارتباطی یکی از ابعاد مهم زندگی زناشویی زوجین است (جلالی و همکاران، ۲۰۲۰). که در صورتی که مخرب باشند باعث می‌شوند نیازهای زوجین برطرف نشود و مشکلات نیز حل نشده باقی بمانند که این عوامل می‌تواند زندگی زناشویی را دچار بی‌ثباتی کنند (تریو و همکاران، ۲۰۲۰؛ لی و جانسون^۲، ۲۰۱۸) در عین حال اگر الگوی ارتباطی کارآمد باشد می‌تواند به حل مشکلات زوجین کمک کند و موجب برطرف شدن نیازهای آن‌ها در بستر زندگی زناشویی شود. بر همین مبنا کریستنس و سولاوای (۱۹۸۴) سه الگوی ارتباطی را معرفی کردند که عبارت‌اند از: الگوی ارتباطی سازنده متقابل که گفتگوی متقابل حول مسائل و پیدا کردن راه‌حل برای مسائل و مشکلات و کوشش برای درک یکدیگر را در بر می‌گیرد؛ الگوی اجتناب متقابل که شامل رفتارهای دوری جویانه در زمان بروز مشکل و دوری از بحث و گفتگو بعد از بروز مشکل می‌شود. الگوی تقاضا/کناره‌گیری که در آن یکی از زوجین به دنبال حل مسائل و مشکلات، گفتگو و تغییر است و دیگری از بحث و گفتگو دوری می‌کند (چی و همکاران^۳، ۲۰۱۳). پژوهش‌های قاسمی شیخ طبقی و زاده محمدی (۲۰۲۴)، آتش پنجه و همکاران (۲۰۲۲) و بنکدار مازندرانی و باقری (۲۰۲۱) نشان دادند که الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه مثبت معناداری با بی‌ثباتی زناشویی دارد و الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل و اجتناب/کناره‌گیری رابطه مثبت معناداری با بی‌ثباتی زناشویی دارند. نتایج پژوهش (پاپ و همکاران^۴، ۲۰۰۹) نشان داد اگر زوجین در زمان بروز مشکل از الگوی ارتباطی تقاضا/کناره‌گیری استفاده کنند به احتمال زیاد هیجانات و رفتارهای مثبت کمتر و هیجانات و رفتارهای منفی بیشتری تجربه می‌کنند. همچنین پژوهش (دوناتو و همکاران^۵، ۲۰۱۴) به این نتیجه رسید که الگوی ارتباطی تقاضا/کناره‌گیری پیش‌بینی‌کننده نارضایتی زوجین از رابطه است و بی‌ثباتی زناشویی نقش میانجی را در رابطه بین الگوی ارتباطی تقاضا/کناره‌گیری و نارضایتی زناشویی زنان ایفا می‌کند.

با توجه به اینکه پژوهش‌های زیادی با هدف شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده بی‌ثباتی زناشویی صورت گرفته همچنان شاهد آمار رو به افزایش طلاق کامل و طلاق عاطفی زوجین هستیم (واگنر^۶، ۲۰۲۰). طبق آمار سازمان ثبت‌احوال کشور در سال ۲۰۲۳ به ازای ۸۰ هزار ازدواج ثبت شده ۳۸ هزار طلاق ثبت شده است (وبگاه ثبت‌احوال کشور). در جهان نیز در کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا در پنجاه سال اخیر آمار طلاق به میزان قابل توجهی رو به افزایش بوده و تغییر کاهشی نداشته است (هوگندورن، لوپورد و بول^۷، ۲۰۲۰). در صورت ادامه یافتن این روند و افزایش بی‌رویه نرخ بی‌ثباتی زناشویی بنیان خانواده که یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود از بین خواهد رفت. از این رو با توجه به اهمیت نظام خانواده و ضرورت شناسایی عوامل مرتبط با بی‌ثباتی زناشویی مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی با نقش تعدیل‌گر الگوهای ارتباطی انجام شد.

1. Rice, Vergara, Aldea
2. Lee, Johnson
3. Chi, Epstein, Fang, Lam, Li
4. Papp, Kouros, Cummings
5. Donato, Parise, Pegani, Bertoni, Iafrate
6. Wagner
7. Hogendoorn, Leopard, Bol

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زنان و مردان متأهل شهرستان گتوند استان خوزستان در سال ۱۴۰۱ بود که حداقل یک سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته بود. حجم نمونه ۲۰۳ نفر (۱۲۹ زن و ۷۴ مرد) از زنان و مردان متأهل شهرستان گتوند در سال ۱۴۰۱ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در مطالعات همبستگی حجم نمونه مورد نیاز $50+k8$ در نظر گرفته می‌شود که k تعداد متغیرهای پیش‌بین می‌باشد (هویت و کرامر؛ ترجمه شریفی و همکاران، ۲۰۱۸). در این پژوهش به منظور افزایش تعمیم‌دهی ۲۰۳ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: ۱) حداقل ۱ سال از زندگی مشترک زوجین گذشته باشد، ۲) شرکت‌کننده‌ها با همسر خود در یک مکان زندگی کنند و ۳) به شرکت در پژوهش علاقه مند باشند. معیارهای خروج نیز شامل داشتن سابقه طلاق و نیز نداشتن هر یک از معیارهای ورود به پژوهش بود. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی نیز شرکت‌کنندگان از هدف پژوهش مطلع شدند و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها به صورت محرمانه و صرفاً در قالب اعداد و ارقام مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ابزارهای پژوهش

(الف) پرسش‌نامه بی‌ثباتی زناشویی^۱: پرسش‌نامه بی‌ثباتی ازدواج یک پرسش‌نامه ۱۴ سؤالی است که در سال ۱۹۸۷ توسط ادواردز، جانسون و بوث طراحی شد. این پرسش‌نامه برای اولین بار در سال ۱۹۸۷ روی ۲۰۳۴ زوج اجرا شد. پاسخگویی به سؤالات به‌صورت طیف لیکرت چهار درجه‌ای است (۱ هرگز تا ۴ همیشه) دامنه نمرات این پرسش‌نامه در محدوده ۱۴-۵۶ است و تفسیر پرسش‌نامه نیز به این صورت است که نمره بین ۱۴ تا ۲۸ نشانگر عدم بی‌ثباتی ازدواج، ۲۸ تا ۴۲ بی‌ثباتی ازدواج متوسط و ۴۲ تا ۵۶ میزان بی‌ثباتی ازدواج بالا می‌باشد. در ایران یاری پور (۱۳۷۹) ضریب اعتبار آن را ۰.۷۰ گزارش کرد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰.۷۳ بود.

(ب) پرسش‌نامه کمال‌گرایی عاشقانه^۲: پرسش‌نامه کمال‌گرایی عاشقانه یک پرسش‌نامه ۱۴ گویه‌ای است که در سال ۲۰۱۲ توسط مت و لافونتین طراحی شده است. پاسخگویی به سؤالات به‌صورت طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱ به‌شدت مخالفم تا ۷ به‌شدت موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. (گویه‌های ۵، ۸، ۱۱ و ۱۳ نمره‌گذاری معکوس دارند). این پرسش‌نامه دو خرده‌مقیاس کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور و کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور را شامل می‌شود که نمرات مربوط به هر خرده‌مقیاس با یکدیگر جمع می‌شوند و نمرات بالای ۲۵ به معنای کمال‌گرایی بیشتر و نمره کمتر از ۲۵ بیانگر داشتن انتظارات واقع‌بینانه و منطقی از شریک عاطفی می‌باشد. مدودو، پراتچر و بتنکورت^۳ (۲۰۲۰) روایی درونی این پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰.۷۶ گزارش کردند. این پرسش‌نامه در ایران توسط عبدالهی و الن^۴ (۲۰۲۲) اعتباریابی شده است و روایی آن با استفاده از ضریب همبستگی برای خرده‌مقیاس خودمحور ۰.۷۸ و برای خرده‌مقیاس دگرمحور ۰.۶۶ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰.۷۱ بود.

(ج) پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زوجین^۵: یک مقیاس ۳۵ گویه‌ای است که در سال ۱۹۸۴ توسط کریستنس و سولاوای طراحی شده است. این پرسش‌نامه الگوی ارتباطی زوجین را در سه مرحله می‌سنجد. سه مرحله عبارت‌اند از: الف) زمانی که مسئله

1. Marital Instability Index

2. Romantic Perfectionism

3. Medvedev, Pratscher & Bettencourt

4. Abdollahi AND Allen

5. Communication Patterns Questionnaire

یا مشکلی رخ می‌دهد، ب) هنگام بحث در مورد مشکل و ج) پس از بحث در مورد مشکل. پاسخگویی به سؤالات به صورت طیف لیکرت ۱۱ درجه‌ای (۱ اصلاً امکان ندارد تا ۹ خیلی امکان دارد) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسش‌نامه سه خرده مقیاس الگوی ارتباطی سازنده متقابل، اجتناب متقابل و متوقع/کناره‌گیر را می‌سنجد که نمره‌گذاری برای هر خرده مقیاس به این صورت است که نمرات مربوط به هر خرده مقیاس را با هم جمع می‌کنیم و نمره هر خرده مقیاس که بالاتر بود بیانگر این است که آن الگوی ارتباطی غالب در فرد است. هیوی، لاین و کریستنسن (۱۹۹۳) پایایی این پرسش‌نامه را از طریق آلفای کرونباخ برای سه خرده مقیاس این پرسش‌نامه از ۰.۵ تا ۰.۷۸ گزارش داده‌اند. در ایران عبادت پور این پرسش‌نامه را ترجمه و اعتباریابی کرده است و به منظور برآورد روایی آن همبستگی بین خرده مقیاس‌های این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ را محاسبه کرد. ضرایب همبستگی به دست آمده برای خرده مقیاس‌های ارتباط سازنده متقابل، اجتناب متقابل و اجتناب/کناره‌گیری به ترتیب ۰.۵۸، ۰.۵۸- و ۰.۳۵- بود. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰.۸۳ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی خوبی می‌باشد.

یافته‌ها

افراد شرکت‌کننده در پژوهش ۲۰۳ نفر بودند که از این تعداد ۱۲۹ نفر زن و ۷۴ نفر مرد بودند. این شرکت‌کنندگان در دامنه سنی ۲۱-۶۰ قرار داشتند. ۱۰۹ نفر از شرکت‌کنندگان شغل رسمی، ۴۶ نفر شغل آزاد و ۴۸ نفر بیکار بودند. ۲۰ نفر از شرکت‌کنندگان در این پژوهش تحصیلات دیپلم، ۱۰۷ نفر کارشناسی، ۷۴ نفر کارشناسی‌ارشد و ۲ نفر دکتری بودند. تعداد فرزندان افراد شرکت‌کننده در این پژوهش به این صورت بود که ۳۳ نفر بدون فرزند، ۷۵ نفر دارای یک فرزند، ۶۳ نفر دارای ۲ فرزند، ۲۵ نفر صاحب ۳ فرزند، ۴ نفر دارای ۴ فرزند، ۱ نفر ۵ فرزند و ۲ نفر ۶ فرزند داشتند.

در مرحله مدل اندازه‌گیری، روایی واگرا، روایی همگرا و پایایی باید اندازه‌گیری شود (هیر و همکاران، ۲۰۱۷). روایی واگرا، روایی همگرا و پایایی توسط مقدار بارعاملی، میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، پایایی مرکب (CR) و آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. نتایج نشان داد که مقادیر بارهای عاملی بالای ۰.۵۰ بودند و هیچ موردی حذف نشد. نتایج نشان داد روایی واگرا و روایی همگرا قابل‌قبولی در متغیرهای پژوهش وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد که مقادیر CR، AVE و آلفای کرونباخ به ترتیب بزرگ‌تر از ۰.۵۰، ۰.۷۰ و ۰.۷۰ بودند (هیر و همکاران، ۲۰۱۷) که نشانگر روایی واگرا و روایی همگرا قابل‌قبول برای متغیرهای پژوهش بودند. برای روایی واگرا از HTMT استفاده شد و دامنه عددی بین صفر و یک می‌باشد و البته خط برش قابل‌قبول برای این شاخص ۰.۸۵ است و کمتر بودن ارزش عددی از مقدار ذکر شده نشانه روایی واگرا است (جدول ۱ را ببینید).

جدول ۱. پایایی سازه، روایی همگرا و ضریب همسانی درونی و روایی واگرا متغیرهای پژوهش

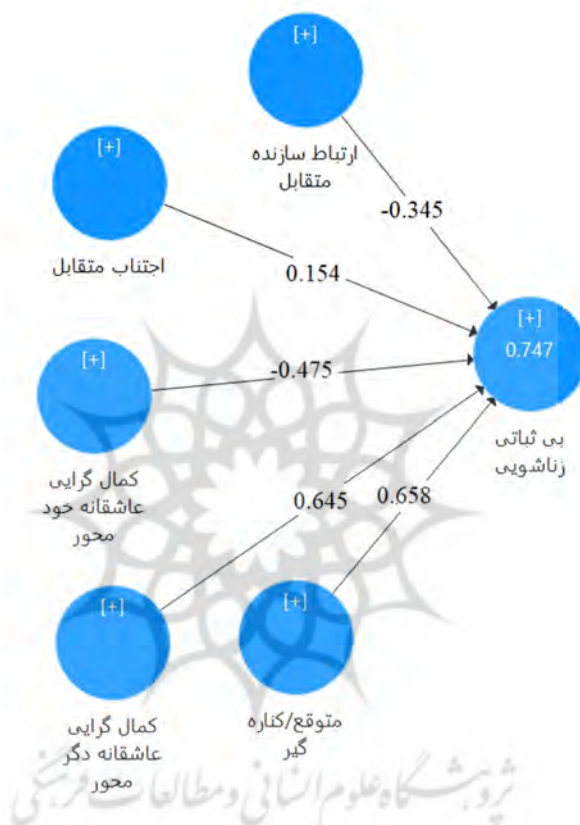
متغیر	روایی همگرا	پایایی سازه	آلفای کرونباخ	روایی واگرا
ارتباط سازنده متقابل	۰.۶۷	۰.۸۷	۰.۸۸	۰.۳۴
ارتباط اجتناب متقابل	۰.۷۱	۰.۸۸	۰.۸۵	۰.۳۹
متوقع/کناره‌گیر	۰.۷۵	۰.۷۹	۰.۷۵	۰.۴۱
بی‌ثباتی زناشویی	۰.۵۹	۰.۷۴	۰.۷۳	۰.۳۷
کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور	۰.۷۸	۰.۷۲	۰.۷۱	۰.۲۹
کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور	۰.۸۸	۰.۷۷	۰.۷۲	۰.۳۱

در جدول ۲ بارهای عاملی گویه‌های هر یک از متغیرهای پژوهش قابل رویت است.

جدول ۲. بارهای عاملی گویه‌های هر یک از متغیرهای پژوهش

بار عاملی	گویه	متغیر	بار عاملی	گویه	متغیر
۰.۷۶	MI1	ارتباط سازنده متقابل	۰.۶۶	CP12	ارتباط سازنده متقابل
۰.۶۱	MI10		۰.۷۱	CP13	
۰.۴۸	MI11		۰.۷۶	CP14	
۰.۸۴	MI12		۰.۶۷	CP15	
۰.۷۵	MI13		۰.۶۶	CP16	
۰.۳۵	MI14		۰.۵۶	CP17	
۰.۶۹	MI15		۰.۵۴	CP18	
۰.۶۷	MI16		۰.۸۲	CP19	
۰.۷۵	MI17		۰.۸۵	CP20	
۰.۷۳	MI2		۰.۵۷	CP21	
۰.۸۱	MI3		۰.۷۵	CP22	
۰.۷۴	MI4		۰.۸۴	CP23	
۰.۷۶	MI5	اجتناب متقابل	۰.۸۲	CP1	اجتناب متقابل
۰.۹۳	MI6		۰.۸۸	CP2	
۰.۸۴	MI7		۰.۸۶	CP24	
۰.۹۰	MI8		۰.۷۸	CP25	
۰.۵۵	MI9		۰.۸۸	CP26	
۰.۵۰	RP1		۰.۸۳	CP27	
۰.۸۵	RP11		۰.۵۴	CP28	
۰.۹۰	RP12		۰.۶۸	CP29	
۰.۶۰	RP4		۰.۸۱	CP3	
۰.۹۱	RP6		۰.۵۸	CP30	
۰.۹۲	RP7	کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور	۰.۷۶	CP4	کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور
۰.۴۹	RP9		۰.۸۲	CP5	
۰.۸۵	RP10		۰.۶۴	CP10	
۰.۶۵	RP13		۰.۶۵	CP11	
۰.۷۱	RP14		۰.۵۸	CP31	
۰.۹۰	RP2		۰.۶۸	CP32	
۰.۹۲	RP3		۰.۶۳	CP33	
۰.۸۶	RP5		۰.۷۹	CP34	
۰.۷۷	RP8		۰.۸۳	CP35	
			۰.۸۵	CP6	
		کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور	۰.۸۳	CP7	کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور
			۰.۸۶	CP8	
			۰.۷۰	CP9	
		متوقع/کناره‌گیر			متوقع/کناره‌گیر

در مرحله مدل‌سازی ساختاری، فرضیات پژوهش، ضریب تعیین (R^2)، اندازه اثر (f^2) و مقادیر استون - گیس (Q^2) ارزیابی می‌شوند (جدول ۳ را مشاهده کنید). نتایج مدل ساختاری نشان داد رابطه مثبت معنی‌دار بین اجتناب متقابل ($b=0.145$)، کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور ($p<0.001$, $t=3.75$, $b=0.645$)، راهبرد متوقع/کناره‌گیر ($p<0.001$, $t=6.75$, $b=0.658$)، کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور ($p<0.001$, $t=4.25$, $b=-0.345$) با بی‌ثباتی زناشویی وجود داشت و رابطه منفی معنی‌داری بین ارتباط سازنده متقابل ($p<0.001$, $t=5.15$, $b=-0.475$) کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور با بی‌ثباتی زناشویی وجود داشت (شکل ۱ و جدول ۲ را مشاهده کنید).



شکل ۱. مدل ساختاری بی‌ثباتی زناشویی

برای برآورد مقدار واریانس در بی‌ثباتی زناشویی که توسط اجتناب متقابل، کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور، راهبرد متوقع/کناره‌گیر، ارتباط سازنده متقابل، کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور R^2 محاسبه شد. مقدار R^2 بیش از ۰.۶۷۶ به‌عنوان یک ضریب تعیین بالا در نظر گرفته می‌شود (هیر و همکاران، ۲۰۱۷). R^2 برای بی‌ثباتی زناشویی ۰.۷۴۷ بود که نشان‌دهنده این بود که اجتناب متقابل، کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور، راهبرد متوقع/کناره‌گیر، ارتباط سازنده متقابل، کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور ۷۴.۷٪ تغییرات در بی‌ثباتی زناشویی را توضیح دادند (جدول ۳ را مشاهده کنید).

برای محاسبه اینکه تا چه حد حذف متغیرهای برون‌زا (اجتناب متقابل، کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور، راهبرد متوقع/کناره‌گیر، ارتباط سازنده متقابل، کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور) می‌تواند بر متغیر درون‌زا (بی‌ثباتی زناشویی) تأثیر بگذارد، از اندازه اثر f^2 استفاده شد. لوراح (f^2) ۰.۱۸ را به صورت کوچک، متوسط و بزرگ دسته‌بندی کرد وقتی مقادیر به ترتیب ۰.۰۲، ۰.۱۵ و ۰.۳۵

هستند. ارزش عددی f^2 برای متغیر اجتناب متقابل، ارتباط سازند متقابل، متوقع / کناره‌گیر، کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی دگرمحور به ترتیب برابر با ۰.۱۲، ۰.۱۴، ۰.۳۳، ۰.۱۲ و ۰.۱۹ بود (جدول ۳ را مشاهده کنید). بنابراین، نتایج نشان می‌دهد استفاده از متوقع و کناره‌گیر نقش مهم‌تری در تبیین بی‌ثباتی زناشویی دارد و حذف آن از مدل کاهش قابل‌توجهی را در مقدار ضریب تعیین (R^2) بی‌ثباتی زناشویی ایجاد می‌کند.

هدف از ارزیابی معیار قدرت پیش‌بینی ($Q2$) (روسو و استول، ۲۰۲۱) بررسی این موضوع است که آیا متغیرهای پنهان برون‌زای مدل نسبت به متغیرهای درون‌زا قدرت پیش‌بینی دارند. در مدل ساختاری، مقدار $Q2$ بیشتر از صفر برای هر متغیر درون‌زا نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی متغیر برون‌زای مربوط به آن است. هنسler، رینگل و سینکوویچ (۲۰۰۹) سه خط برش ۰.۰۲، ۰.۱۵ و ۰.۳۵ را به ترتیب برای قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی پیشنهاد کردند. مقدار $Q2$ برای متغیرهای درون‌زای برای متغیر بی‌ثباتی زناشویی برابر با ۰.۳۶ بود که متغیرهای پیش‌بین پژوهش پیش‌بینی کننده قوی‌ای برای بی‌ثباتی زناشویی محسوب می‌شوند (جدول ۳ را مشاهده کنید).

جدول ۳. ضرایب بتا، سطح معناداری، اندازه اثر، معیار قدرت پیش‌بینی و واریانس پیش‌بینی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضریب بتا	آماره t	سطح معناداری	اندازه اثر f^2	معیار قدرت پیش‌بینی $Q2$	R^2
ارتباط سازنده متقابل		-۰.۳۴۵	۴.۲۵	۰.۰۰۱	۰.۱۴		
ارتباط اجتناب متقابل		۰.۱۵۴	۳.۷۵	۰.۰۰۱	۰.۱۲		
کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور	بی‌ثباتی زناشویی	-۰.۴۷۵	۵.۱۵	۰.۰۰۱	۰.۱۲	۰.۳۶	۰.۷۴۷
کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور		۰.۶۴۵	۶.۷۵	۰.۰۰۱	۰.۱۹		
راهبرد متوقع/کناره‌گیر		۰.۶۵۸	۶.۱۵	۰.۰۰۱	۰.۳۳		

نقش تعدیل‌گری الگوی ارتباطی سازنده متقابل

دامنه نمرات برای این متغیر بین ۶ تا ۵۴ با میانه ۴۶ بود و بر مبنای میانه داده‌ها به دو گروه ارتباط سازنده متقابل پایین (۱۱۱ نفر) و ارتباط سازنده متقابل بالا (۹۲ نفر) تقسیم شدند. دو شاخص SRMR و NFI برای برازش مدل استفاده شد شایان ذکر است که ارزش عددی کمتر از ۰/۰۸ (برای مدل تعدیل‌گر ارزش عددی برابر با ۰/۰۷) برای شاخص برازش SRMR و ارزش عددی بیشتر از ۰/۹ (برای مدل تعدیل‌گر ارزش عددی برابر با ۰/۹۳) نشان دهنده برازش قابل قبول است (روسو و استول، ۲۰۲۱). در صورتی که سطح معناداری برای یک گروه ایجاد شود و برای گروه دیگر ایجاد نشود و یا اینکه علامت ضریب بتا برای یک گروه با گروه دیگر متفاوت باشد، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر تعدیل‌گر در رابطه مفروض نقش تعدیل‌گری ایفا کرده است. همان‌طور ملاحظه می‌کنید سطح معناداری در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور با بی‌ثباتی زناشویی در گروه پایین ارتباط سازنده متقابل معنادار نیست و همین رابطه در گروه بالا ارتباط سازنده متقابل معنادار است، بنابراین متغیر تعدیل‌گر ارتباط سازنده متقابل نقش تعدیل‌گری ایفا کرده است. همچنین در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور در گروه پایین رابطه معنادار است؛ ولی در گروه بالا رابطه معنادار نیست که بیانگر نقش تعدیل‌گری متغیر ارتباط سازنده متقابل است (جدول ۴ را مشاهده کنید).

نقش تعدیل‌گری الگوی ارتباطی اجتناب متقابل

دامنه نمرات برای این متغیر بین ۵ تا ۴۵ با میانه ۱۳ بود و بر مبنای میانه داده‌ها به دو گروه اجتناب متقابل پایین (۱۰۶ نفر) و اجتناب متقابل بالا (۷۹ نفر) تقسیم شدند. همان‌طور ملاحظه می‌کنید سطح معناداری در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور با بی‌ثباتی زناشویی در گروه پایین اجتناب متقابل معنادار نیست و همین رابطه در گروه بالا اجتناب متقابل معنادار است، بنابراین

متغیر تعدیل گر اجتناب متقابل نقش تعدیل‌گری ایفا کرده است. همچنین در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور در گروه پایین رابطه معنادار است و در گروه بالا نیز این رابطه معنادار است که متغیر اجتناب متقابل در این مسیر نقش تعدیل گر ایفا نکرده است.

نقش تعدیل‌گری الگوی ارتباطی متوقع / کناره‌گیر

دامنه نمرات برای این متغیر بین ۱۲ تا ۹۰ با میانه ۴۰ بود و بر مبنای میانه داده‌ها به دو گروه پایین (۱۰۴ نفر) و بالا (۹۹ نفر) تقسیم شدند. در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور در گروه پایین رابطه معنادار نیست ولی در گروه بالا این رابطه معنادار است که متغیر متوقع / کناره‌گیر در این مسیر نقش تعدیل گر ایفا کرده است. در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور با بی‌ثباتی زناشویی در گروه پایین رابطه معنادار است ولی همین رابطه در گروه بالا معنادار نبوده است و این نتیجه بیانگر این است که الگوی ارتباطی متوقع / کناره‌گیر نقش تعدیل‌گری ایفا کرده است.

جدول ۴. نقش تعدیل‌گری

تعدیل‌گر	سازه	سازه	بالا	پایین
			ضریب بتا (سطح معناداری)	ضریب بتا (سطح معناداری)
ارتباط سازنده متقابل	کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور		-۰.۰۱۸ (۱.۴۶)	۰.۳۸۱ (۳.۵۶)
	کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور		۰.۴۶۷ (۱.۶۶)	۰.۸۹۶ (۲.۸۸)
اجتناب متقابل	کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور	بی‌ثباتی	۰.۵۱۲ (۲.۶۵)	۰.۱۱۱ (۱.۴۱)
	کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور	زناشویی	۰.۸۴۲ (۳.۶۶)	۰.۷۸۴ (۲.۲۸)
متوقع / کناره‌گیر	کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور		۰.۱۱۱ (۱.۹۱)	۰.۱۷۴ (۲.۱۱)
	کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور		۰.۰۷۲ (۱.۶۶)	۰.۲۸۱ (۲.۰۱)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی بود. همان‌گونه که نتایج حاصل از پژوهش نشان داد بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل و بی‌ثباتی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد که این یافته همسو با پژوهش قاسمی شیخ طبقی و زاده محمدی (۲۰۲۴)، بنکدار مازندرانی و همکاران (۲۰۲۱)، نوروزی و همکاران (۲۰۱۹)، اشرفیان لک و باقری (۲۰۲۰) و لاورینر و همکاران (۲۰۱۶) می‌باشد. زوجینی که از الگوی ارتباطی سازنده متقابل استفاده می‌کنند هنگامی که مشکلی پیش می‌آید در مورد آن صحبت می‌کنند و به جست‌وجوی راه‌حل برای آن می‌پردازند، این افراد احساسات و هیجان‌اتشان را در رابطه بیان می‌کنند که این عوامل باعث می‌شود صمیمیت بین آن‌ها افزایش یابد و به دنبال آن ثبات زندگی زناشویی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد (مهد هسیم، مصطفی و هشیم، ۲۰۱۵).^۱

1. Mohd Hasim., Mustafa & Hashim

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش این بود که رابطه مثبت معناداری بین الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری با بی‌ثباتی زناشویی وجود دارد که این یافته نیز همسو با پژوهش قاسمی شیخ طبقی و زاده محمدی (۲۰۲۴)، (نوروزی و همکاران، ۲۰۱۹) لاورین و همکاران (۲۰۱۶) طراح (۲۰۱۴) (ساکمار^۱، ۲۰۱۰) می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه عنوان کرد که وقتی زوجین در رابطه زوجی خود از الگوهای ارتباطی مخرب استفاده می‌کنند به جای بحث در مورد مشکلات و جست‌وجوی راه‌حل برای آن‌ها به انتقاد، سرزنش، غر زدن، کناره‌گیری و سکوت می‌پردازند، احساسات و هیجانات مثبت خود را ابراز نمی‌کنند در نتیجه مشکلات آن‌ها حل نشده باقی می‌ماند و نیازهای زوجین نیز در رابطه برطرف نمی‌شود (هنرپروران، قادری و قبادی، ۲۰۱۲) که این عوامل می‌تواند زمینه ساز بروز نارضایتی و از بین رفتن صمیمیت در زندگی زناشویی و به دنبال آن بی‌ثباتی زناشویی شود.

از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور رابطه منفی معناداری با بی‌ثباتی زناشویی دارد؛ ولی کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور رابطه مثبت معناداری با بی‌ثباتی زناشویی دارد که این یافته همسو با پژوهش یووانی و راموندر^۲ (۲۰۲۱)؛ (رایس و همکاران، ۲۰۰۶) است. در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه عنوان کرد که زوجینی که کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور دارند هرگاه مشکلی در رابطه زوجی‌شان پیش می‌آید خودشان را مقصر می‌دانند، این افراد مسئولیت همه اتفاقات بد را در رابطه بر عهده می‌گیرند و معتقدند آن‌ها باید برای کامل‌شدن و بهبود رابطه تلاش کنند، افرادی که در مقیاس کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور نمره بالا کسب می‌کنند از اشتباه‌کردن در رابطه عاشقانه خود می‌ترسند و نگران از دست‌دادن آن هستند؛ بنابراین همه تلاش خود را می‌کنند تا رابطه موجود خود را حفظ کنند و زندگی زناشویی با ثباتی داشته باشند (دانکلی و همکاران، ۲۰۱۲). در تبیین این یافته که کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور رابطه منفی معناداری با بی‌ثباتی زناشویی دارد نیز می‌توان این‌گونه عنوان کرد که افرادی که کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور دارند انتظارات و توقعات غیر واقعی از شریک زندگی خود دارند و معتقدند شریک زندگی‌شان باید کامل باشد و همه انتظارات آن‌ها را برآورده کند در غیر این صورت لایق دریافت عشق از طرف آن‌ها نمی‌باشد و آن‌ها اعتماد و علاقه خود را نسبت به او از دست می‌دهند. (مکینون و همکاران^۳، ۲۰۱۲) که از بین رفتن اعتماد و علاقه در زندگی زناشویی می‌تواند زمینه ساز بروز بی‌ثباتی در زندگی زناشویی شود.

یافته دیگر این پژوهش این بود که الگوهای ارتباطی نقش تعدیلگر را در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی ایفا می‌کنند به این معنا که الگوهای ارتباطی توانسته‌اند رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند. الگوی ارتباطی سازنده متقابل توانسته است شدت رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی را کاهش دهد؛ ولی الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری شدت رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی را افزایش دادند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان این‌گونه استنباط کرد که زوجین برای داشتن رابطه‌ای سالم نیازمند برقراری ارتباط سازنده هستند که این روش برقراری ارتباط را الگوی ارتباطی زوجین مشخص می‌کند (سیدی و شاه نظری، ۲۰۱۹). در صورتی که زوجین الگوی ارتباطی سازنده را در رابطه خود به کار ببرند در مواقع لزوم با یکدیگر به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند و زمانی که نیازی داشته باشند نیاز خود را بیان می‌کنند که این عامل یعنی توجه زوجین به نیازهای یکدیگر باعث افزایش احساسات مثبت زوجین به یکدیگر و در پی آن افزایش ثبات زندگی زناشویی می‌شود (رابی، وبولدینگ و کارلسون^۴، ۲۰۱۷) در این حالت زوجین تمایلی به طلاق و حتی دوری از یکدیگر هم ندارند و ثبات زندگی زناشویی آن‌ها افزایش می‌یابد. این امر زمانی میسر می‌شود که زوجین معیارهای انعطاف‌پذیری در رابطه داشته باشند و سطح توقعاتشان از شریک زندگی‌شان واقع بینانه باشد و کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور نداشته باشند.

در تبیین این یافته که الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری شدت رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی را افزایش می‌دهند می‌توان این‌گونه عنوان کرد که به نظر الیس کمال‌گراها همواره این عقیده را دارند که همه چیز باید

1. Sakmar
2. Yovani, Ramonder
3. Mackinon, Sherry, Antony, Stewart, Sherry, Hartling
4. Robey, Wubbolding, Carlson

کامل و بدون هیچ عیب و نقصی باشد و برای حل مشکلات انسان نیز راه‌حل‌های کامل و دقیقی وجود دارد و اگر به آن راه‌حل دست نیابند فاجعه رخ می‌دهد (غلامی، ۲۰۱۳) و هنگامی که در روابط زناشویی خود مشکلی می‌بینند و راه‌حلی برای آن پیدا نمی‌کنند به کناره‌گیری و سکوت و اجتناب از بحث و گفت‌وگو می‌پردازند و چنین تصور می‌کنند که در صورت جدایی و سکوت مشکلاتشان حل خواهد شد و اتفاقات مثبتی در انتظارشان است (مکینون و همکاران، ۲۰۱۲). این فرایند در کوتاه‌مدت ممکن است تأثیرگذار باشد؛ ولی در طولانی‌مدت باتوجه‌به اینکه چه کسی از این الگوی ارتباطی استفاده می‌کند می‌تواند عدم رضایت از رابطه را به وجود آورد و فرد را به سمت تمایل به طلاق و بی‌ثباتی زندگی زناشویی سوق دهد (تریوه و همکاران، ۲۰۲۰).

شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق و ثبات زندگی زناشویی یکی از عوامل موردتوجه مشاوران و روان‌شناسان خانواده در قرن اخیر بوده است. پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی: نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور و بی‌ثباتی زناشویی رابطه منفی معنی‌دار و کمال‌گرایی عاشقانه دگرمحور و بی‌ثباتی زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار داشتند. همچنین الگوی ارتباطی سازنده متقابل با بی‌ثباتی زناشویی رابطه منفی معنی‌دار و الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری با بی‌ثباتی زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار داشتند و الگوهای ارتباطی نقش تعدیلگر را در رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی ایفا کردند. به این صورت که الگوی ارتباطی سازنده متقابل باعث کاهش رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی شده است و الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری باعث تشدید رابطه بین کمال‌گرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی می‌شوند.

دردسترس‌بودن روش نمونه‌گیری، پیشینه پژوهشی اندک در مورد متغیر کمال‌گرایی عاشقانه و محدود بودن پژوهش به شهرستان گتوند، استان خوزستان و مقطعی بودن پژوهش محدودیت‌های پژوهش حاضر هستند؛ لذا به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی عوامل مرتبط با بی‌ثباتی زناشویی و کمال‌گرایی عاشقانه در فرهنگ‌های دیگر نیز بپردازند و همچنین از روش پژوهش کیفی و مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته برای فهم عمیق‌تر عوامل مرتبط با بی‌ثباتی زناشویی استفاده کنند. به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که با انجام طرح‌های آزمایشی و بررسی متغیرهای مستقل مانند آموزش غنی‌سازی روابط زوجین و مداخلاتی که موجب افزایش ثبات زندگی زناشویی می‌شوند تأثیر این عوامل را بر بی‌ثباتی زندگی زناشویی بررسی کنند. از منظر کاربردی نیز پژوهش حاضر می‌تواند به روان‌شناسان و مشاوران خانواده کمک کند تا با آموزش الگوهای ارتباطی به زوجین و ارائه اطلاعات در مورد کمال‌گرایی عاشقانه به زوجین کمک کنند تا ثبات زندگی زناشویی خود را افزایش دهند و از فروپاشی بنیان‌های خانواده جلوگیری شود.

ملاحظات اخلاقی

تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش رضایت شفاهی خود را برای شرکت در پژوهش اعلام کردند و به آن‌ها نیز اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی می‌ماند و صرفاً در قالب آمار و ارقام از آن‌ها استفاده می‌شود.

سهم نویسندگان

مقاله حاضر از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده اول استخراج شده است و نویسنده مسئول استاد راهنمای پایان‌نامه و نویسنده سوم نیز استاد مشاور پایان‌نامه می‌باشند که نظارت بر انجام پژوهش را بر عهده داشتند.

حمایت مالی

پژوهش حاضر تحت حمایت مالی و معنوی جایی نبوده و نویسنده اول هزینه‌های آن را تقبل کرده است.

تعارض منافع

یافته‌های این پژوهش با منافع هیچ سازمان و موسسه‌ای تضاد ندارد.

تشکر و قدردانی

از کلیه زنان و مردان متأهل شهرستان گتوند استان خوزستان که با شرکت در پژوهش در امر جمع‌آوری داده‌ها به من کمک کردند تشکر و قدردانی می‌کنم.

منابع

- آتش پنجه، مریم، و شیرازی، محمود. (۲۰۲۲). بررسی نقش پیش‌بینی کننده الگوهای ارتباطی در دل‌زدگی و بی‌ثباتی زناشویی در زنان نابارور. مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۲۰(۳)، ۲۴۲-۲۵۰.
- آزاد ارمکی، تقی (۲۰۱۷). تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی. تهران: تیسرا.
- اسدزاده، آتوسا، حبیبی، محمدباقر، زارع بهرام آبادی، مهدی، فرهنگی، عبدالحسن. (۲۰۲۲). مدل سازی ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی با نقش میانجی ناگویی هیجانی. زن و مطالعات خانواده. ۱۴(۵۴)، ۳۲-۷.
- اشرفیان لک، سمیه و باقری، نسرين. (۲۰۲۰). مقایسه الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی‌های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق با افراد عادی. سلامت اجتماعی، ۸(۱)، ۳۸-۲۸.
- بنکدار مازندرانی، نازنین؛ باقری، فریبرز (۲۰۲۰). بررسی رابطه سلامت روان، خودپنداره جنسی و بی‌ثباتی ازدواج با نقش میانجی الگوهای ارتباطی، فصلنامه ایده‌های نوین روان‌شناسی. ۹(۱۳)، ۱-۱۸.
- پولادی ریشه‌ری، علی، خباز ثابت، سرور، (۲۰۱۶). پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس سبک دلبستگی، کمال‌گرایی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه زوجین، دستاوردهای روان‌شناسی بالینی، ۲(۲)، ۸۲-۶۷.
- تریوه، بهزاد، کریمی، کیومرث، اکبری، مریم، مرادی، امید، (۲۰۲۰). الگوی ساختاری تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی زناشویی، درگیری عاطفی و انتقاد در خانواده: نقش میانجیگری صمیمیت زناشویی، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، شماره ۱۴(۱)، ۱۵۸-۱۳۹.
- جلالی ندا، حیدری حسن، داودی حسین، آل یاسین سید علی. (۲۰۲۰). مقایسه اثربخشی درمان هیجان‌مدار و غنی‌سازی روابط گاتمن بر الگوهای ارتباطی زنان. تحقیقات علوم رفتاری. ۱۷(۲)، ۲۶۵-۲۷۹.
- زرگر، یدالله، مردانی، مریم، و مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز. (۲۰۱۲). اثربخشی مداخله شناختی - رفتاری بر کمال‌گرایی و احساس گناه در دانشجویان. روان‌شناسی کاربردی، ۶(۴)، ۷۱-۸۵.
- سیدی، سیده زهرا، شاه نظری، مهدی. (۲۰۱۹). پیش‌بینی رضایت جنسی زنان متأهل بر اساس سازگاری زناشویی، الگوهای ارتباطی و تنظیم هیجانی رویش روان‌شناسی. ۸(۹)، ۱۸۸-۱۷۹.
- شمسی، ولی اله، همتی، محمد، و عنایت، حلیمه. (۲۰۲۲). مرور نظام‌مند مطالعات تعارض کار - خانواده در ایران. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۹(۱۹)، ۵۹-۸۴.
- طراح، فاطمه (۲۰۱۴). پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر مبنای عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین دانشجوی متأهل دانشگاه شهید باهنر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی/ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- غلامی، امید، (۲۰۱۳)، رابطه علی کمال‌گرایی و هدف‌های پیشرفت با اضطراب امتحان با میانجی‌گری باورهای خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستانی شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی/ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- قاسمی شیخ طبقی، علی و زاده محمدی، علی. (۲۰۲۴). پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی زوجین در افراد متأهل. خانواده‌پژوهی. ۲۰(۱). ۶۳-۸۲.
- قطب، نفیسه، خالقی پور، شهناز. (۲۰۲۰). رابطه کمال‌گرایی، هوش عاطفی و تفکر مثبت با ارزش‌های اخلاقی در دانشجویان. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. ۱۵. ۱۴۵-۱۴۱.
- نظری، راضیه، محمد میگوینی کربلایی، احمد، (۲۰۱۸). الگوی ساختاری کمال‌گرایی، بهزیستی روان‌شناختی و سازگاری زناشویی، فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، شماره ۳(۴۳)، ۴۳۲-۴۱۱.
- نوروزی، سوده، رضاخانی، سیمین‌دخت، و کیلی، پریش (۲۰۱۹)، رابطه علی بین چشم‌انداز زمان و بی‌ثباتی ازدواج بر اساس نقش میانجی الگوهای ارتباطی در زنان و مردان متأهل، فصلنامه علمی روان‌شناسی کاربردی، شماره ۳(۵۱)، ۴۵۱-۴۳۳.
- هویت، دنیس و کرامر، دانکن. (۲۰۱۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و مشاوره. ترجمه شریفی، حسن پاشا؛ نجفی زند، جعفر؛ میرهاشمی، مالک؛ معنوی‌پور، داود و شریفی، نسترن. تهران: نشر سخن.
- Abdollahi, A., & Allen, K. A. (2022). Psychometric Assessment of the Persian Translated Version of the Romantic Perfectionism Scale Among Couples. In *Psychological Reports*, 125(6), 3224-3237. <https://doi.org/10.1177/00332941211036026>
- Baldridge, S. (2011). Family Stability and Childhood Behavioral Outcomes: A Critical Review of the Literature. *Journal of Family Strengths*, 11(1), 8. <https://doi.org/10.58464/2168-670X.1004>
- Batool, A. ., Bajwa, R. S. ., Farooq, S. ., & Ayub , M. . (2023). The Impact of Marital Instability and Psychological Distress on Quality of Life among Married Women, Pakistan. *Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences*, 11(2), 2379-2386. <https://doi.org/10.52131/pjhss.2023.1102.0536>
- Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. Cambridge, MA: Academic Press <https://doi.org/10.4324/9780203771587>
- Chi, P., Epstein, N. B., Fang, X., Lam, D. O., & Li, X. (2013). Similarity of relationship standards, couple communication patterns, and marital satisfaction among Chinese couples. *Journal of Family Psychology*, 27(5), 806-816 <https://doi.org/10.1037/a0034113>
- Donato, S., Parise, M., Pagani, A. F., Bertoni, A., & Iafrate, R. (2014). Demand/withdraw, couple satisfaction and relationship duration. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 140, 200-206 <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.04.410>
- Dunkley, D. M., Berg, J. L., & Zuroff, D. C. (2012). The role of perfectionism in daily self-esteem, attachment and negative affect. *Journal of Personality*, 80(3), 633-663. Doi:10.1111/j.1467-6494.2011.00741.x
- Geisser, S. (1974). A predictive approach to the random effect model. *Biometrika*, 61(1), 101-107.
- Hair Jr, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2017). *A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)* (2th Editio). Sage publications.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. In *New challenges to international marketing* (pp. 277-319). Emerald Group Publishing Limited. [https://doi.org/10.1108/S1474-7979\(2009\)0000020014](https://doi.org/10.1108/S1474-7979(2009)0000020014)
- Honar Parvaran, N., Qadiri, Z., & Qobadi, K. (2011). Comparison of communication patterns and marital conflicts in married women working in state banks and housewives in Shiraz. *Sociology of - Women*, 2(3), 103-122 [in Persian].
- Hogendoorn, B., Leopold, T., & Bol, T. (2020). Divorce and diverging poverty rates: a Risk-and- Vulnerability approach. *Journal of marriage and family*, 82(3), 1089-1109. <https://doi.org/10.1111/jomf.12629>
- Lavners, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does couple's communication predict Marital satisfaction?, or Does Marital satisfaction predict communication?, *Journal of marriage and family*, 78(3), 680-694. <https://doi.org/10.1111/jomf.12301>

- Li, P. F., & Johnson, L. N. (2018). Couples' depression and relationship satisfaction: Examining the moderating effects of demand/withdraw communication patterns. *Journal of Family Therapy*, 40, S63–S85. - <https://doi.org/10.1111/1467-6427.12124>
- Lin, S., & Muenks, K. (2022). Perfectionism profiles among college students: A person-centered approach to motivation, behavior, and emotion. *Contemporary Educational Psychology*, 71, 102-110. <https://doi.org/10.1016/j.cedpsych.2022.102110>
- Mackinnon, S. P., Sherry, S. B., Antony, M. M., Stewart, S. H., Sherry, D. L., & Hartling, N. (2012). Caught in a bad romance: Perfectionism, conflict, and depression in romantic relationships. *Journal of Family Psychology*, 26(2), 215–225. <https://doi.org/10.1037/a0027402>
- Matte, M., & Lafontaine, M. F. (2012). Assessment of romantic perfectionism psychometric of the romantic relationship perfectionism scale. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 45(2), 113_132, doi: 10.1177/0748175611429303
- Medvedev, O. N., Pratscher, S. D., & Bettencourt, A. (2020). Psychometric evaluation of the interpersonal mindfulness scale using Rasch analysis. *Mindfulness*, 11(8), 2007–2015. <https://doi.org/10.1007/s12671-020-01415-5>
- Mohd Hasim, M. J., Mustafa, H., & Hashim, N. H. (2015). Exploring new patterns of interaction during conflict among married individuals in Malaysia. *Communication and Culture (ICMCC 2015)*, 30 Nov. <http://www.icmcc2015.usm.my/>
- Lafontaine, M. F., Azzi, S., Bell-Lee, B., Dixon-Luinenburg, T., Guérin-Marion, C., & Bureau, J. F. (2021). Romantic perfectionism and perceived conflict mediate the link between insecure romantic attachment and intimate partner violence in undergraduate students. *Journal of family violence*, 36, 195-208. <https://doi.org/10.1007/s10896-020-00130-y>
- Ogunrinde, M. E. (2020). Social Factors as Correlates of Marital Instability Among Married Women in Southwest, Nigeria. *International Journal of Academic Research*, 2(4), 96-107. DOI: 10.5281/zenodo.3788115
- Rice, K. G., Vergara, D. T., & Aldea, M. A. (2006). Cognitive-affective mediators of perfectionism and college student adjustment. *Journal of Personality and Individual Differences*, 40(3), 463–473. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.05.011>
- Robey, P. A., Wubbolding, N. R. E., & Carlson, J. (2017). *Contemporary issues in couples counseling: A choice theory and reality therapy approach*. New York: Rutledge
- Russo, D., & Stol, K.-J. (2021). PLS-SEM for software engineering research: An introduction and survey. *ACM Computing Surveys (CSUR)*, 54(4), 1–38.
- Papp, L. M., Kouros, C. D., & Cummings, E. M. (2009). Demand-withdraw patterns in marital conflict in the home. *Personal Relationships*, 16(2), 285-300. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2009.01223.x>
- Sakmar, E. (2010). The Predictive Role Of Communication On Relationship Satisfaction in Married Individuals With And Without Children And In Cohabiting Individuals: The Moderating Role Of Sexual Satisfaction. Thesis for MS. 102-120. <http://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12612302/index.pdf> <https://hdl.handle.net/11511/19917>
- Tasew, A. S., & Getahun, K. K. (2021). Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia. *Cogent Psychology*, 8(1), 1903127. <https://doi.org/10.1080/23311908.2021.1903127>
- Wagner, M. (2020). On increasing divorce risks. *Divorce in Europe: New insights in trends, causes and consequences of relation break-ups*, 37-61.
- Wang, Y., Chen, J., Zhang, X., Lin, X., Sun, Y., Wang, N., ... & Luo, F. (2022). The relationship between perfectionism and social anxiety: A moderated mediation model. *International journal of environmental research and public health*, 19(19), 12934. <https://doi.org/10.3390/ijerph191912934>
- Yovani, M. C., & Rumondor, P. C. B. (2021). Perfectionistic Concerns, Other-Oriented Perfectionism, and Marital Women in Jakarta. *Jurnal Ecopsy*, 1-11. <http://doi.org/10.20527/ecopsy.2021.07.011>

Table of Contents

Predicting Brand Loyalty and Purchasing Decision-Making Styles Based on the use of Virtual Networks in Consumers in Tehran	1
Mehranaz Safari Nia, Majid Safari Nia, Gholamhossein Bayabani, Ali Mohammad Mazidi Sharafabadi	
Predicting Drug Abuse Tendency Based on Academic Alienation, Family Functioning, and Academic Procrastination with the Mediation of Emotional Intelligence in Students	17
Fattah Veysi, Ensiyeh Babaie, Abbas Ahmadi	
A Phenomenological Study of Male Adolescents' Perceptions of Love	31
Mansooreh Nikoogoftar, Ali pirhayati, Monazzah Moradi	
Relationship between Helicopter Parenting with Basic Psychological Needs and Prosocial Behaviors in Adolescents: The Moderating role of Gender	41
Arezou Asghari, Sajedah Sahranavard	
The Effectiveness of Teaching Based on the Pygmalion Effect to Teachers on Reducing Emotional and Behavioral Disorders of Afghan Immigrant Students	53
Shahla Zivari, Amir Ghamarani, Ghasem Norouzi	
Effect of Gender on Cyberbullying Bystander's Helping Intention and Victim Blaming ...	67
Ebrahim Heydari, Abolghasem Isamorad, Ahmad Borjali, Zohreh Rafezi, Mehdi Khanjani	
Psychological Aspects and Behavioral of Individuals in Sports Betting.....	83
Tayyebbeh Yanpi, Farzam Farzan	
Comparison of the Satisfaction of Basic Psychological Needs, Social Adjustment, and Friendship Quality in Gifted and Normal Students	105
Shahram Vahedi, Amir Yekanizad, Seyedeh Shekoofeh Mirbagheri	
Standardization the Scale of Violent Extremism and Study its Relationship with the Approval of Social Violence Against Women	121
Bahman Esmaeili Anamagh, Sajjad Basharpour	
Investigating the Relationship Between Academic Burnout and Internet Addiction Through the Mediating Role of the Conformity Communication Pattern Among High School Students....	137
Zanyar Rahmani, Ahmad Amani	
The Relationship Between Romantic Perfectionism and Marital Instability: The Moderating Role of Communication Patterns	153
Parichehr Yavarizadeh, Roya Rasouli, Abbas Abdolahi	